

بنیاد پژوهشهای علمی- فرهنگی دکتر مسعود انصاری

و

پاسداران فرهنگ ایران

سیاه چهرگان تاریخ



معرفی خائنین ، جنایتکاران ، غارتگران و نهاد های سرکوبگر در جمهوری اسلامی

پوشینه نهم

لیست تکمیلی اول

دکتر روزبه آذربرزین (روزبهانی)



سیاه چهرگان تاریخ – کتاب سیاه معرفی خائنین ، جنایتکاران ، غارتگران و نهاد های
سرکوبگر در جمهوری اسلامی

دکتر روزه آذر برزین (روزهانی)

تایپ : رومی گرافیک

بهار 2734 مادی

2026 میلادی

لس آنجلس – کالیفرنیا

آژ، حسن



مزدور بسیجی حسن آژ از نیروهای ویژه کاشان که در قیام ملی دیماه 2584 معترضین را به گلوله بسته است. نام پدرش اکبر و نام مادرش لیلا است. او اهل الیگودرز بوده و آدرسش : کاشان ، خیابان نطنز ، بلوار شهدا ، کوچه شهید آذر پیوند است.

آسیابی ، حیدر



حیدر آسیابی، رئیس کل فعلی دادگستری استان گلستان و دادستان پیشین سمنان و فارس، در نقض جدی حقوق شهروندان این دو استان نقش محوری داشته است. او در برابر صدور و اجرای احکام اعدام، بازداشت‌های غیرقانونی اقلیت‌های مذهبی، نقض حقوق زنان و تحدید آزادی بیان مسئولیت مستقیم دارد

حیدر آسیابی در مقام دادستان عمومی و انقلاب فارس، در تحدید و سرکوب حق آزادی بیان شهروندان مشارکت فعالی داشته است. برای نمونه، دادستانی شیراز در اسفندماه ۱۳۹۸، مهدی حاجتی، عضو شورای شهر شیراز، را بازداشت کرد. اتهام او «تبلیغ علیه نظام» و صرفاً به دلیل انتشار مطلبی انتقادی درباره مدیریت مقابله با کرونا در کشور بود. مهدی حاجتی اگرچه ۴ روز بعد آزاد شد، اما به همین اتهام محاکمه و به ۱ سال زندان محکوم گردید

حیدر آسیابی در مقام دادستان عمومی و انقلاب سمنان و فارس، در برابر نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ساکن این دو استان مسئول است. دادستانی سمنان و فارس در دوران مسئولیت حیدر آسیابی، تعداد قابل توجهی از شهروندان بهائی را بازداشت کردند. آن‌ها این افراد را صرفاً به دلیل گرایش مذهبی‌شان، تحت تعقیب قضایی و محاکمه قرار دادند. تمامی این شهروندان، با استناد به کیفرخواست صادره از سوی دادستانی، با اتهامات بی‌اساس مواجه شدند. در نهایت، توسط دادگاه انقلاب سمنان و فارس به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم شدند

آزار و اذیت جامعه بهائیان و پرونده‌سازی‌های مکرر به عنوان مثال، در بهمن‌ماه ۱۳۹۱، مأموران امنیتی با هماهنگی دادستانی سمنان، دو شهروند بهائی به نام‌های اردشیر فناپیان و شیدرخ فیروزیان را بازداشت کردند. این دو شهروند بهائی بعدتر در دی ۱۳۹۲، به همراه گلرخ فیروزیان، دیگر شهروند بهائی، محاکمه شدند. دادگاه تجدیدنظر، با استناد به کیفرخواست دادستانی، این افراد را مجموعاً به ۲۰ ماه زندان محکوم کرد. دادستانی سمنان در اردیبهشت ۱۳۹۲، الهام روزهی، شهروند بهائی، را بازداشت کرد. او علیرغم داشتن طفل شیرخوار، برای اجرای حکم ۲ سال زندان، به همراه فرزندش روانه زندان شد. این حکم از سوی دادگاه انقلاب سمنان صادر شده بود.

در فروردین ۱۳۹۳، دادگستری سمنان در راستای افزایش فشار بر بهائیان، محل کسب افراسیاب سبحانی، شهروند بهائی را پلمب کرد. این شهروند پیشتر محاکمه و به زندان محکوم شده بود. پس از آن، در آبان ۱۳۹۴، کارخانه شیشه‌تراشی افراسیاب خانجانی، شهروند بهائی دیگر، مورد حمله مأموران قضایی قرار گرفت. این حمله با دستور دادستانی انجام شد و تمامی اجناس داخل کارخانه مصادره و به مکان نامعلومی منتقل گردید. در ادامه اعمال فشار اقتصادی، در اردیبهشت ۱۳۹۵، ۵۰ هکتار زمین کشاورزی ضیاءالله متعارفی، شهروند بهائی، مصادره شد. این مصادره با رأی قضایی دادگاه تجدیدنظر استان صورت گرفت. ضیاءالله متعارفی اظهار کرده است که مقامات بارها شفاهی دلیل مصادره را بهائی بودن او اعلام کرده بودند.

ادامه پرونده‌سازی علیه اقلیت‌ها در فارس

حیدر آسیابی در دوران مسئولیت خود به عنوان دادستان فارس نیز پرونده‌سازی علیه شهروندان بهائی و دیگر اقلیت‌های مذهبی را ادامه داد. در زمستان ۱۳۹۸، دادگاه انقلاب شیراز، اسماعیل مغربی نژاد، نوکیش مسیحی، را محکوم کرد. او در دو پرونده جداگانه و با استناد به اتهامات دادستانی مجموعاً به ۵ سال زندان محکوم شد. اتهامات او شامل «توهین به مقدسات» و «عضویت در گروه‌های معاند نظام وابسته به جریان مسیحیت تبشیری» بود. در اسفند همان سال، دادستانی شیراز با هماهنگی دادگاه انقلاب، ۲۵ شهروند بهائی ساکن این شهر را احضار و بازجویی کرد.

این شهروندان بهائی در بهار ۱۳۹۹، با استناد به پرونده ساخته‌شده علیه آنان از سوی دادستانی، محاکمه شدند. اتهامات آن‌ها شامل «تبلیغ علیه نظام به نفع گروه‌های معاند» و «اداره کردن گروه‌های معاند نظام» بود. همچنین اتهاماتی چون «عضویت در گروه‌های مذکور» و «فعالیت تبلیغی و همکاری با دول متخاصم» مطرح شد. در نهایت، دادگاه انقلاب شیراز، ۱۲ شهروند بهائی را مجموعاً به ۷۵ سال زندان محکوم کرد. فرزاد معصومی، فرهاد ثابت، شهریان عطریان، نوید بازماندگان و بهاره قادری هر کدام به ۶ سال زندان محکوم شدند. نورا پورمردیان، سهیلا حقیقت، شهناز ثابت، سودابه حقیقت و الهه سمیع زاده نیز هر کدام به ۶ سال حبس محکوم گردیدند. همچنین نیلوفر حکیمی به ۸ سال و احسان الله محبوب به ۱ سال زندان محکوم شدند.

سرکوب حقوق اجتماعی و اصناف توسط حیدر آسیابی

حیدر آسیابی در سمت‌های قضایی خود، در تحدید و سرکوب حقوق اجتماعی شهروندان و اصناف نیز نقش ایفا کرده است. او در تیرماه ۱۳۹۳، در مقام دادستان سمنان، از ایجاد شعبه ویژه دادستانی خبر داد. هدف از این شعبه، برخورد با افرادی بود که اقدام به روزمخواری می‌کردند. او تهدید کرده بود که «هرگونه تظاهر به روزمخواری در انظار عمومی جرم بوده» و با مرتکبین برخورد قضایی می‌شود. حیدر آسیابی از شهروندان خواسته بود که روزمخواران را به پلیس ۱۱۰ اطلاع دهند.

حیدر آسیابی در شهریور ۱۳۹۵ نیز از قصد دادستانی سمنان برای برخورد شدید خبر داد. این برخورد شامل تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و استفاده‌کنندگان «لباس‌های خلاف شئون اسلامی» بود. او گفته بود: «باید برخورد با تولیدکنندگان و واردکنندگان این نوع البسه بسیار شدید باشد». وی افزود: «چرا که این اقدام را با اهداف خاص انجام می‌دهند و جرم آنان از سر ناآگاهی نیست». حیدر آسیابی همچنین زنان و شهروندان را تهدید کرد که در صورت پوشیدن این نوع لباس‌ها، با آن‌ها برخورد قانونی خواهد شد.

جلوگیری از برنامه‌های فرهنگی و تعطیلی اصناف

حیدر آسیابی در دادستانی شیراز، در اقدامی سرکوب‌کننده، در خردادماه ۱۳۹۸ از اجرای برنامه «هفته فیلم‌های اروپایی» جلوگیری کرد. این برنامه با مجوز وزارت ارشاد در نقاط مختلف کشور در حال اجرا بود. او گفت: «زنده بودن برخی از صحنه‌های این فیلم‌ها به اثبات رسید». وی افزود: «ما صرفاً به گزارش ضابطان قضایی بسنده نکردیم و دادستانی شیراز ورود کرد». او معتقد بود: «وجود صحنه‌های

قبیح در آن آشکار بود» و نمایش این فیلم‌ها «ترویج آشکار فساد است». او تأکید کرد: وظیفه ذاتی دستگاه قضایی است که با ترویج فساد برخورد کند

در شهریورماه همان سال، دادستانی شیراز از تعطیلی ۱۱۰ باغ، رستوران، کافی‌شاپ و سفره‌خانه سنتی در این شهر خبر داد. دلیل این اقدام، «اعمال خلاف اخلاق و ارتکاب جرایم مشهود» اعلام شده بود. رئیس کل دادگستری فارس نیز با اشاره به پلمب این مراکز گفت: «موضوع فسادها موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شده» و «نارضایتی مؤمنان را به همراه داشته است

حیدر آسیابی در هر دو سمت قضایی خود به عنوان دادستان سمنان و فارس، در سرکوب و نقض حق اعتراض شهروندان مشارکت مستقیم داشته است. به عنوان مثال، در مهرماه ۱۳۹۷ او به اعتصابات مسالمت‌آمیز رانندگان کامیون واکنش نشان داد. این اعتصابات در اعتراض به افزایش قیمت لاستیک و برآورده نشدن مطالبات صنفی آن‌ها بود. او با تهدید رانندگان سمنانی شرکت‌کننده در اعتصابات، از شناسایی و بازداشت ۱۱ نفر از آن‌ها خبر داد

حیدر آسیابی در مقام دادستان وقت فارس، در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، نقش اصلی را در بازداشت و محاکمه شهروندان ایفا کرد. او در آذرماه همان سال گفت: «دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی تا آخرین نفر از اغتشاشگران و آشوبگران وقایع اخیر را شناسایی، دستگیر و مجازات خواهند کرد.» او افزود: «قضات مجرب به صورت شبانه‌روزی نسبت به تحقیق از متهمان [بازداشت‌شدگان اعتراضات] و تفهیم اتهامات انتسابی در حال فعالیت هستند.» حیدر آسیابی تهدید کرد «همه اشرار و اغتشاشگران را تا نفر آخری که اقدام به اخلاف در نظم و امنیت عمومی کرده باشد را پیدا می‌کنیم». او همچنین تهدید کرد که این افراد «بر اساس قانون به اشد مجازات خواهیم رساند.» بسیاری از این افراد با استناد به کیفرخواست دادستانی شیراز محاکمه و محکوم شدند. برای مثال، دادگاه کیفری دوم شیراز در فروردین‌ماه ۱۳۹۹، ۶ نوجوان مشارکت‌کننده در اعتراضات آبان ۹۸ را مجموعاً به ۴۶۸ ضربه شلاق، جزای نقدی و ۶ ماه حبس محکوم کرد

حیدر آسیابی در مقام‌های خود به عنوان دادستان سمنان و فارس، در برابر نقض حقوق زندانیان در زندان‌های این دو استان نیز مسئول است. در بهمن‌ماه ۱۳۹۱، مقامات قضایی زندان سمنان شش زندانی بهائی را تحت فشار قرار دادند. این فشار برای راضی کردن آن‌ها به مصاحبه تلویزیونی بود. این زندانیان از ملاقات و تماس با خانواده محروم شدند و از بند عمومی به یک سلول ۹ متری منتقل گردیدند. اسامی این زندانیان عادل فناییان، سیامک ایقائی، بهفر خانجانی، افشیت ایقائی، عرفان احسانی و گودرز بیدقی بوده است

در فروردین ۱۳۹۲، منابع حقوق بشری از وضعیت بسیار بد زنان بهائی در بند زنان زندان مرکزی سمنان خبر دادند. وضعیت تغذیه ۳ زن بهائی که با کودکان شیرخوار خود در زندان بودند، بسیار خطرناک گزارش شد. این امر به دلیل محرومیت زندانیان زن از خرید مستقیم خوراک از فروشگاه زندان بود. همچنین، زنان بهائی زندانی و کودکانشان در کنار زندانیان خطرناک نگهداری می‌شدند.

حیدر آسیابی در مقام دادستان عمومی و انقلاب دو استان سمنان و فارس، در برابر نقض حق حیات شهروندان نیز مسئول است. این امر به واسطه صدور و اجرای حکم اعدام در این دو استان، به‌ویژه بر اساس کیفرخواست صادره از سوی دادستانی، صورت گرفته است. واحدهای اجرای احکام کیفری نیز زیر نظر دادستانی هر شهر فعالیت می‌کنند

مسئولیت مستقیم در پرونده نوید افکاری و شکنجه‌ها
حیدر آسیابی به دلیل نقشی که دادستانی شیراز در پرونده نوید افکاری داشته است، مسئول شناخته می‌شود. به‌ویژه اجرای ناگهانی حکم اعدام او در شهریور ۱۳۹۹، تحت مسئولیت حیدر آسیابی بوده است. نوید افکاری از معترضان مرداد ۱۳۹۷ بود که به اتهام قتل یک مأمور امنیتی بازداشت شد. گزارش‌ها نشان می‌دهند نوید افکاری در طول بازداشت در اداره آگاهی شیراز به شدت شکنجه شد. این شکنجه‌ها با هدف اخذ اعتراف به قتل مأمور امنیتی در جریان اعتراضات مردادماه صورت گرفت. شدت ضرب و شتم به حدی بود که دست او شکست و بدون انتقال به بهداری، استخوان شکسته مجدداً جوش خورد

در فایل صوتی منتشرشده از نوید افکاری، او اعمال شکنجه را تأیید کرد. نوید افکاری صراحتاً اعلام کرد که اعترافاتش تحت شکنجه اخذ شده و او مرتکب هیچ جرمی نشده است. او گفت: «به حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران یک بیگناه دارد هر لحظه به طناب دار نزدیکتر می‌شود.» با وجود اعتراضات عمومی، دستگاه قضایی، به‌ویژه دادستانی و دادگستری شیراز، صبح روز شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ نوید افکاری را اعدام کردند. این اعدام به طور ناگهانی و بدون اطلاع خانواده و وکلای او انجام شد. ناگهانی بودن اعدام به حدی بود که دیدار خداحافظی نیز میان نوید و خانواده‌اش صورت نگرفت. شواهد نشان می‌دهد خود نوید افکاری نیز تا ساعاتی پیش از اجرای حکم، از قصد مقامات برای اعدام بی‌اطلاع بوده است.

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، در دوران مسئولیت حیدر آسیابی در دادستانی شیراز، دستکم ۵ زندانی در این شهر اعدام شدند. در سمنان نیز، به گزارش منابع حقوق بشری، در دوران دادستانی حیدر آسیابی دستکم ۱۵ زندانی اعدام شدند. دلیل اعدام ۸ نفر از آن‌ها جرایم مرتبط با مواد مخدر، ۵ نفر قتل عمد و ۲ نفر تجاوز اعلام شده بود. به عنوان مثال، دادگستری سمنان با دادستانی حیدر آسیابی در اسفند ۱۳۹۵ یک جوان ۲۱ ساله را اعدام کرد. اتهام او حمل ۸۹۷ گرم ماده مخدر شیشه بود

حیدر آسیابی در مقام دادستان استان سمنان، در نقض حقوق اجتماعی زنان به‌ویژه حق آزادی پوشش نیز مشارکت داشته است. در همین زمینه، او در اردیبهشت ۱۳۹۲ از اجرای ۱۳۱ طرح برخورد با زنان «بدحجاب» در استان سمنان خبر داد. او گفت: «بدحجابی از نظر دینی و قانونی جرم است و دستگاه قضایی گاه تا بیشترین حد جریمه و محکومیت را اجرا می‌کند.» حیدر آسیابی همچنین در شهریور ۱۳۹۵ زنان سمنانی را تهدید کرده بود که در صورت پوشیدن لباس‌های خلاف شئون اسلامی با آنها برخورد قانونی خواهد شد

سوابق سرکوب حیدر آسیابی
معاون دادستان و سرپرست دادرسی ویژه امور جنایی شیراز در استان فارس

معاون قضایی دادگستری استان سمنان

مهر ۱۳۹۱ تا اردیبهشت ۱۳۹۸: دادستان عمومی و انقلاب استان سمنان

اردیبهشت ۱۳۹۸ تا بهمن ۱۳۹۹: دادستان عمومی و انقلاب استان فارس

بهمن ۱۳۹۹ تا مرداد ۱۴۰۰: قاضی دیوان عالی کشور

مرداد ۱۴۰۰ تا کنون (آذر ۱۴۰۴) رئیس کل دادگستری استان گلستان

قربانیان جنایات و سرکوب‌های حیدر آسیابی

نوید افکاری سنگری

افراسیاب سبحانی

اردشیر فناپیان

بهاره قادری

الهه سمیع زاده

اسماعیل مغربی نژاد

فرهام ثابت

فرزان معصومی

گلرخ فیروزیان

مهدی حاجتی

نوید بازماندگان

نورا پورمرادیان

شهناز ثابت

شهریار عطریان

شیدرخ فیروزیان

سهیلا حقیقت

سودابه حقیقت

ضیاء الله متعارفی

جامعه بهائیان شیراز

جامعه بهائیان سمنان

آهنی ، جواد و محمد



دو برادر مزدور و جنایتکار که در کشتار هولناک دیماه 2584 ورامین دستشان بخون جوانان معترض در قیام ملی آغشته است.

ابراهیمی ، علی



مزدور بسیجی علی ابراهیمی معروف به حاجی مانتو فروش کرج که ماموران آدمکش جمهوری اسلامی را برای شلیک به معترضان به پشت بام مغازه اش هدایت میکرده است

ابراهیمی ، محسن



سرهنک پاسدار محسن ابراهیمی، فرمانده پیشین واحد نوپو (نیروهای ویژه پاد وحشت) یگان ویژه نیروی انتظامی، مسئولیت مستقیم در قبال سرکوب خشن اعتراضات گسترده مردمی دارد. نیروهای تحت امر محسن ابراهیمی در فجایی چون اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، تجمعات دی ۱۳۹۸ (در پی سرنگونی هواپیمای اوکراینی)، و اعتراضات تیر ماه ۱۴۰۰ در خوزستان، به نقض حق حیات و آزادی شهروندان متهم هستند

نوپو؛ بازوی اصلی سرکوب تحت فرماندهی محسن ابراهیمی
سرهنک پاسدار محسن ابراهیمی، فرمانده پیشین واحد نوپو یگان ویژه نیروی انتظامی، در برابر سرکوب خشن اعتراضات مردمی در ایران، به‌ویژه در آبان ۱۳۹۸، دی ۱۳۹۸ (اعتراض به سرنگونی هواپیمای اوکراینی) و تیر ماه ۱۴۰۰ در خوزستان، توسط مأموران تحت امر خود مسئول است. بنا بر گزارش‌های منتشر شده، واحد نوپو از زیرمجموعه‌های «تیپ امیرالمؤمنین» یگان ویژه نیروی انتظامی محسوب می‌شود. از این رو، واحد نوپو بنا بر ضرورت، در عملیات سرکوب اعتراضات مردمی مشارکت فعال دارد. یگان ویژه نیروی انتظامی در ایران، بازوی اصلی و اساسی پلیس برای سرکوب اعتراضات شهروندی است. «کنترل اغتشاشات» که از سوی مقامات پلیس خوانده می‌شود، جزو وظایف اصلی این یگان به حساب می‌آید

محسن ابراهیمی در جایگاه فرمانده پیشین واحد نوپو یگان ویژه نیروی انتظامی، در سرکوب خشونت‌بار معترضان در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، دی ماه ۱۳۹۸ و اعتراضات تیر ماه ۱۴۰۰ در استان خوزستان مشارکت مستقیم داشته است. او در برابر این خشونت‌ها مسئولیت دارد. شواهد نشان می‌دهند نیروهای نوپو یگان ویژه، برخلاف ادعای معمول فرماندهان پلیس در ایران، در مقابله با اعتراضات مردمی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند

اشاره مستقیم گزارش شورای امنیت ملی ایران درباره مشارکت نیروهای نوپو در حمله به کوی دانشگاه تهران در تیر ۱۳۷۸، یک سند تاریخی است. همچنین اشاره صریح حسن کرمی، فرمانده کل یگان‌های ویژه نیروی انتظامی، در شهریور ۱۳۹۳ درباره نقش این نیروها در «کنترل اغتشاشات» حاکی از موضوعی دیگر است. این شواهد نشان می‌دهند که نیروهای نوپو نیز بنا بر ضرورت و با توجه به گستردگی اعتراضات مردمی، به عنوان نیروی سرکوب در برخورد با معترضان مشارکت مستقیم دارند. محسن ابراهیمی، فرمانده پیشین نیروهای نوپو، خود در تیر ماه ۱۳۹۹ به کارگیری نیروهای نوپو را «بنا بر دستورات» خوانده بود. او در عین حال به کارگیری این نیروها در اعتراضات را تکذیب کرد

شلیک مرگبار نوپو و یگان ویژه در آبان ۱۳۹۸

گزارش‌های منتشر شده، به‌ویژه تأیید حسن کرمی، فرمانده کل یگان ویژه ناجا، نشان می‌دهند که نیروهای یگان ویژه پلیس از جمله نوپو، در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ در ایران، جزو نیروهای اصلی برای سرکوب و برخورد با معترضان بوده‌اند. کرمی در مهر ماه ۱۴۰۰، سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ را «مأموریت سنگین» یگان ویژه خواند و حضور مستقیم نیروهای این یگان در سرکوب معترضان را تأیید کرد. تصاویر منتشر شده نیز نشان از حضور پرشمار نیروهای یگان ویژه ناجا در سرکوب خشن معترضان در جریان این اعتراضات دارد

نیروهای یگان ویژه ناجا در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ با خشونت تمام اقدام به استفاده از اسلحه و شلیک گلوله جنگی به سوی معترضان کردند. در نتیجه این سرکوب‌ها، دستکم ۱۵۰۰ نفر کشته شدند که دستکم ۲۳ تن از آن‌ها کودکان زیر ۱۸ سال بوده‌اند. عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور وقت، خود در خرداد ماه ۱۳۹۹، تعداد کشته‌شدگان در جریان اعتراضات آبان ماه را نزدیک به ۲۲۵ نفر اعلام کرد. به گفته او، دستکم ۸۰ درصد از کشته‌شدگان با گلوله سلاح‌های سازمانی نیروهای امنیتی و انتظامی کشته شده‌اند. ارائه این آمار از سوی عبدالرضا رحمانی فضلی در حالی بوده که خبرگزاری رویترز در دی ماه ۹۸ به نقل از منابع خود در وزارت کشور، تعداد کشته‌شدگان اعتراضات آبان ماه را دستکم ۱۵۰۰ تن گزارش کرد

نقش مأموران یگان ویژه نیروی انتظامی در سرکوب معترضان و برخورد با آن‌ها در جریان اعتراضات آبان ۹۸ و به‌ویژه استفاده از اسلحه گرم و شلیک به معترضان، غیرقابل انکار است. به عنوان نمونه، گزارش‌های تحقیقی نشان می‌دهند مأموران یگان ویژه ناجا در جریان اعتراضات در شهرستان ماهشهر در استان خوزستان با استفاده از سلاح سنگین دوشکا به سوی معترضان آتش گشوده‌اند

شواهد منتشر شده توسط منابع مختلف (سازمان عفو بین‌الملل، مجموعه فعالان حقوق بشر، روزنامه نیویورک تایمز) نشان می‌دهد دستکم ۱۳۰ نفر از معترضان در جریان اعتراضات آبان ۹۸ در استان خوزستان با شلیک گلوله مستقیم مأموران انتظامی و امنیتی کشته شده‌اند. بیشترین این جان‌باختگان در ماهشهر مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. محسن بیرانوند، فرماندار شهرستان ماهشهر در خوزستان، نیز در ۱۱ آذر ماه در گفتگو با صدا و سیما ملایان تأیید کرده بود که برای سرکوب معترضان در این

شهرستان، نیروهای امنیتی و انتظامی با معترضان درگیر شدند. خبرگزاری ایرنا نیز در ۲۸ آبان ماه، وقوع درگیری شدید بین نیروهای انتظامی و تعدادی از معترضان در شهرک چمران ماهشهر را تأیید کرد

به روایت رسانه‌های داخلی ایران، پس از کشته شدن یک افسر نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی در ماهشهر، درگیری‌ها در این منطقه شدت گرفته و منجر به دخالت مأموران سپاه پاسداران می‌شود. صدا و سیمای ملیان نیز در گزارشی با عنوان «تأملی بر پروژه کشته‌سازی و حوادث اخیر در رسانه‌های معاند» که آذر ماه پخش شد، حضور مأموران یگان ویژه نیروی انتظامی در درگیری‌ها در ماهشهر و به‌ویژه در «قتل‌عام نیزارها» را تأیید کرده است. تعداد دقیق معترضان کشته شده در خوزستان در جریان اعتراضات آبان ۹۸ مشخص نیست و آمارهای متفاوتی ارائه شده است. به گفته روزنامه نیویورک تایمز به نقل از شاهدان، تنها در نیزارهای ماهشهر دست‌کم ۱۳۰ نفر در نتیجه تیراندازی سنگین مأموران انتظامی و امنیتی کشته شده‌اند. از سوی دیگر، سازمان عفو بین‌الملل در گزارش تفصیلی خود از جان‌باختگان اعتراضات آبان ماه که اردیبهشت ۱۳۹۹ منتشر شد، ۵۷ تن از قربانیان اعتراضات در استان خوزستان را شناسایی و مرگ آن‌ها را تأیید کرده است. محسن ابراهیمی به عنوان فرمانده نوپو، در این عملیات سرکوب مرگبار دارای مسئولیت است

یگان ویژه نیروی انتظامی همچنین در سرکوب اعتراضات دی ماه ۱۳۹۸ که در اعتراض به سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی توسط پدافند سپاه پاسداران صورت گرفت، مشارکت مستقیم داشته است. اعتراضات شهروندان خوزستانی در تیر ۱۴۰۰ نیز، به اعتراف حسن کرمی، فرمانده کل یگان ویژه نیروی انتظامی، از جمله اعتراضات مسالمت‌آمیزی بود که با سرکوب شدید و خشونت‌بار نیروهای یگان ویژه ناجا روبه‌رو شد

شهروندان ساکن خوزستان از ۲۴ تیر ۱۴۰۰ در واکنش به در دسترس نبودن آب آشامیدنی و سالم دست به اعتراضات مسالمت‌آمیز زدند. این اعتراضات با سرکوب شدید نیروهای انتظامی و امنیتی مواجه شدند. تصاویر منتشر شده از اعتراضات به روشنی استفاده مأموران امنیتی و انتظامی از خشونت و تیراندازی آن‌ها به سوی معترضان را نشان داده و صدای تیراندازی در آن‌ها به وضوح به گوش می‌رسد. به گفته منابع حقوق بشری مأموران انتظامی و امنیتی با خشونت بسیار با معترضان در شهرهای استان خوزستان برخورد کرده و به سمت آن‌ها تیراندازی کرده‌اند که در نتیجه آن دست‌کم ۹ شهروند کشته شدند

به گفته شاهدان عینی، تیراندازی مأموران به معترضان در ایذه سبب مجروح شدن شماری از آن‌ها شده و دست‌کم کشته شدن یک جوان ۱۷ ساله با نام هادی بهمنی شده است. صدا و سیمای ملیان خود بدون اشاره به هویت این جوان، کشته شدن او در ایذه را تأیید کرده، اگرچه مرگ او ناشی از «تیراندازی مشکوک» عنوان شد. بنا بر گزارش‌های منتشر شده، او در نتیجه اصابت گلوله جنگی به سینه‌اش جان باخته است. تیراندازی مأموران پلیس به سوی معترضان توسط رسانه‌های داخلی ایران به‌ویژه

خبرگزاری‌های نزدیک به نهادهای امنیتی نیز تأیید شده است. در همین زمینه، خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، ۲۹ تیر ماه با انتشار گزارشی نوشت: «برخورد ناجا و تیراندازی آن‌ها برای مراقبت از اعتراض و مطالبات مردم خوزستان است

سوابق سرکوب پاسدار محسن ابراهیمی:

فروردین ۱۳۹۵ – تا حدوداً ۲۰ آذر ۱۴۰۰: فرمانده واحد نوپو یگان ویژه نیروی انتظامی

برخی از قربانیان گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محسن ابراهیمی عبارتند از:

معترضان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸

معترضان اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶

معترضان اعتراضات تیر ۱۴۰۰ در خوزستان

وزارت خزانهداری آمریکا در روز سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۰ اعلام کرد که نیروهای موسوم به نوپو را به همراه فرمانده آن، محسن ابراهیمی، تحریم کرده است. در بیانیه وزارت خزانهداری آمریکا آمده است که در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، نیروهای یگان‌های ویژه ناجا با همکاری نیروهای ویژه ضد ترور ایران (نوپو) با سلاح‌های خودکار به سوی معترضان غیرمسلح، از جمله زنان و کودکان، شلیک کردند

اختیاری ، سهیل



مزدور بسیجی ، بازجو و شکنجه‌گر در کرج که با نام مستعار حاجی خراسانی معروف است. او از اعضای وزارت اطلاعات سپاه پاسداران و بازرس ویژه رهبری در اطلاعات سپاه کرج است.

اسدی ، محمد رسول



در گزارش‌ها ادعا شده است که نامبرده از نیروهای عملیاتی سپاه و عضو بسیج در شهر کرمانشاه است که در جریان وقایع اخیر، به عنوان یکی از عوامل اصلی سرکوب در منطقه باغ ابریشم شناسایی شده است. بر اساس ادعاهای مطرح شده، وی متهم است که در تاریخ ۱۹ دی‌ماه، چندین تن از معترضان را در محله مذکور به قتل رسانده است

در ادامه گزارش‌ها ادعا شده است که نامبرده در فضای مجازی (تلگرام) به صورت علنی به فعالیت‌های مخبری و مشارکت در جنایات خود اعتراف کرده است. همچنین گفته شده که پدر وی، عباسعلی اسدی، به عنوان راننده تاکسی و با استفاده از روش‌هایی نظیر ترغیب مسافران به بحث‌های سیاسی و دریافت کرایه از طریق کارت به کارت (جهت دسترسی به هویت مسافران)، در امر شناسایی و لو دادن شهروندان معترض با نهادهای امنیتی همکاری می‌کند

کدملی ثبت شده در گزارش: ۳۲۴۲۰۹۲۴۱۴

شماره‌های تماس او

۰۹۱۸۷۷۹۹۴۶۷ - ۰۹۰۳۶۴۱۹۹۴۳

نشانی خانه: کرمانشاه، بلوار رازی، نرسیده به میدان رازی، کوچه چمران، بین باغ ابریشم ۱۶ و ۱۷

اسماعیل پور ، سجاد



مزدور افغانی سجاد اسماعیل پور عضو گروه فاطمیون

اسماعیلی ، سیاوش



مزدور امنیتی گردان سرکوب قرچک ورامین که با لباس شخصی به سرکوب و کشتن معترضین قیام ملی دیماه 2584 پرداخته است.

اشتری ، رضا



معروف به اشتر، حضور فعال در شهریار کرج ، روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه خونین ۱۴۰۴
 آدرس: شهریار، شهرک مصطفی خمینی
 با تیر جنگی به مردم شهریار و کرج تیراندازی کرده است.

افراز ، فرزاد



مزدور خبر چین وزارت اطلاعات و از شکنجه گر های رژیم تروریستی جمهوری اسلامی و ساکن
 قصر شیرین است
 کارمند جهادکشاورزی و مربی رزمی
 شماره تلفنش: ۰۹۱۸۹۴۸۶۲۰۶

افشار نادری ، میلاد



نام پدر: افرا - تلفن: ۰۹۳۶۳۳۸۶۵۷۴
محل سکونت: روستای زریندشت توابع فیروزکوه
خبرچین وزارت اطلاعات ، سرکوبگر و جنایتکار
حوزه فعالیت : ورامین و دماوند

افشاری ، ایمان



کانون حقوق بشر ایران، جمعه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۴ – ایمان افشاری، رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های قضایی در سرکوب سیستماتیک فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی در ایران است. او از زمستان ۱۳۹۷ تاکنون در این جایگاه قرار دارد و احکام سنگین، ناعادلانه و مبتنی بر تحلیل‌های امنیتی – نه قانون – علیه متهمان صادر کرده است. کارنامه او نشان می‌دهد که این قاضی نه تنها اصل بدیهی بی‌طرفی را زیر پا گذاشته، بلکه دادگاه انقلاب را به ابزاری برای تحکیم ارباب و تثبیت سرکوب حکومتی تبدیل کرده است

زندانیان سیاسی متعددی شهادت داده‌اند که ایمان افشاری حتی زحمت مطالعه پرونده‌ها و اسناد را به خود نداده و صرفاً بر مبنای گزارش‌های وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران حکم صادر کرده است. این رفتار، ماهیت دادگاه‌های نمایشی در ایران را به‌خوبی آشکار می‌سازد؛ دادگاه‌هایی که بیش از آنکه محلی برای اجرای عدالت باشند، صحنه‌ای برای نمایش قدرت و انتقام‌گیری حکومت‌اند



ایمان افشاری

نمونه بارز این رویکرد، پرونده محمد رسول‌اف، کارگردان سینما است. افشاری او را در تیر ۱۳۹۸ به یک سال زندان و محرومیت‌های اجتماعی محکوم کرد. زمانی که رسول‌اف پرسید آیا فیلم‌هایش را دیده است، افشاری با صراحت پاسخ داد: «خیر؛ تحلیل دستگاه‌های امنیتی برای صدور حکم کافی است.» این اعتراف آشکار، بیانگر جایگاه بی‌ارزش قانون در مقابل اراده نهادهای امنیتی است

زندان‌بانان و زندانیان سیاسی بسیاری، برخورد توهین‌آمیز ایمان افشاری را بازگو کرده‌اند. آتنا دائمی، فعال حقوق بشر، در توییتی نوشته بود که این قاضی در دادگاه به پدرش گفته است: «باید جوابگوی فرزندان شهدا باشی. بی‌غیرتی که فرزندان را چنین یاغی تربیت کردی!» این ادبیات نه تنها توهین به خانواده‌ها، بلکه نقض آشکار کرامت انسانی است



بهروز احسانی و مهدی حسنی

صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی

کارنامه قضایی ایمان افشاری با صدور احکام اعدام گره خورده است. از جمله آخرین جنایات او می‌توان به صدور حکم اعدام برای **بهروز احسانی اسلاملو و مهدی حسنی** اشاره کرد؛ دو زندانی سیاسی که اخیراً در زندان قزلحصار اعدام شدند

او همچنین برای چندین زندانی سیاسی دیگر شامل پخشان عزیزی، ابوالحسن منتظر، سیدمحمد تقوی، وحید بنی‌عامریان، پویا قبادی، بابک علیپور و اکبر دانشورکار حکم اعدام صادر کرده است. تنها در یک بازه پنج‌ماهه، او ۹ حکم اعدام برای زندانیان سیاسی صادر کرد؛ آماري تکان‌دهنده که نشان‌دهنده نقش او در سیاست سرکوب سیستماتیک حکومت است



افشاری در پرونده‌های مختلف نقش محوری در صدور اعدام داشته است. از جمله:

صدور حکم اعدام برای چهار زندانی کرد: محسن مظلوم، پژمان فاتحی، هژیر فرامرزی و وفا آذربار.

حکم اعدام برای حبیب اسبود، زندانی دوتابعیتی
 صدور حکم اعدام برای ماهان صدرات مدنی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱، تنها به
 اتهام آتش‌زدن یک موتورسیکلت و چند جرم سطحی
 صدور حکم اعدام برای حسین خیری به اتهام «محاربه از طریق تخریب اموال عمومی
 این فهرست تنها بخشی از کارنامه افشاری است و بسیاری از پرونده‌های دیگر هنوز در جریان یا مخفی
 نگه‌داشته شده‌اند

ایمان افشاری فقط به صدور حکم اعدام اکتفا نکرده و در بسیاری از پرونده‌های سیاسی نیز نقش مستقیم
 داشته است. او احکام سنگینی علیه فعالان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، معترضان خیابانی و اقلیت‌های
 مذهبی صادر کرده است. برخی نمونه‌ها عبارتند از

محکومیت فروغ تقی‌پور و مرضیه فارسی به ۱۵ سال حبس
 صدور احکام سنگین برای فعالان صنفی نظیر رسول بداقی و جعفر ابراهیمی
 محکومیت شهروندان مسیحی و بهایی به حبس‌های
 طولانی‌مدت با اتهامات امنیتی.
 صدور حکم علیه کمال‌الله‌زاده و شماری دیگر از
 معترضان در ارتباط با اعتراضات مردمی



نام بدنام افشاری تنها در بیرون از زندان‌ها مطرح نشده، بلکه حتی درون زندان نیز زندانیان سیاسی در برابر او ایستادگی کرده‌اند. در دی‌ماه ۱۴۰۲، زمانی که افشاری برای بازدید از بند زنان زندان اوین وارد شد، با اعتراض شدید زندانیان سیاسی روبرو گردید. او ناچار شد بازدید را نیمه‌تمام رها کند. پس از این واقعه، مسئولان زندان برای تنبیه زندانیان معترض، تماس‌های تلفنی آنان را محدود کرده و حتی تهدید به تبعیدشان نمودند.

در دی‌ماه ۱۴۰۲، هنگام بازدید افشاری از بند زنان زندان اوین، زندانیان سیاسی با فریادهای اعتراضی او را وادار به ترک بند کردند. فروغ تقی‌پور، ارغوان فلاحی و شیوا اسماعیلی از جمله معترضان بودند که به‌روشنی خشم خود را نسبت به رفتارهای غیرانسانی این قاضی ابراز کردند. پس از این واقعه، زندانیان معترض با محدودیت تماس تلفنی و تهدید به تبعید مواجه شدند؛ اقدامی که نشان می‌دهد افشاری حتی از اعتراض درون زندان نیز هراس دارد.



بخش دیگری از عملکرد ایمان افشاری به سرکوب فعالان صنفی معلمان، کارگران و بازنشستگان اختصاص دارد. او در پرونده‌های مربوط به اعتراضات صنفی بارها نشان داده که نه تنها صدای عدالت‌خواهی را تحمل نمی‌کند، بلکه این صدا را تهدیدی برای نظام می‌داند. در همین راستا، او احکام سنگینی علیه فعالان شناخته‌شده‌ای مانند رسول بدایق، جعفر ابراهیمی، محمد حبیبی و رضا شهابی صادر کرده است. این افراد تنها به دلیل دفاع از حقوق صنفی معلمان و کارگران محاکمه شدند، اما افشاری با برچسب‌های «اجتماع و تبانی علیه امنیت» و «تبلیغ علیه نظام» آنها را به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم کرد.

در پرونده‌هایی دیگر، او حتی سربازان و شهروندانی را که حاضر به شلیک به معترضان نشدند، به زندان محکوم کرد. کمال عبداللّه‌زاده، سربازی که در اعتراضات ۱۴۰۱ از تیراندازی به سوی مردم

خودداری کرده بود، توسط افشاری به بیش از پنج سال حبس محکوم شد. این نمونه نشان می‌دهد که برای او، انسانیت و اخلاق جرم تلقی می‌شود و مجازات دارد

دادگاه‌های افشاری معمولاً کوتاه، همراه با توهین و بدون ارائه فرصت دفاع عادلانه برگزار می‌شوند. بسیاری از فعالان صنفی در خاطرات خود نوشته‌اند که او حتی زحمت خواندن پرونده را به خود نمی‌دهد و صرفاً تحلیل‌های امنیتی نهادهای اطلاعاتی را مبنای صدور حکم قرار می‌دهد. این رفتار نه تنها ناقض استقلال قضایی است، بلکه نشانه‌ای از ماهیت سرکوبگر دستگاهی است که افشاری در آن به‌عنوان مجری اوامر امنیتی عمل می‌کند.

احکام صادره علیه فعالان صنفی یک پیام روشن دارد: هرگونه تلاش برای سازماندهی اجتماعی و دفاع از حقوق پایه‌ای، به‌ویژه در حوزه آموزش و کار، تهدیدی برای حاکمیت تلقی شده و با سرکوب شدید مواجه می‌شود. ایمان افشاری در این میان نقش اصلی را ایفا کرده و عملاً صدای معلمان و کارگران را به حبس و زندان بدل ساخته است



مهوش ثابت شهریاری

یکی از تاریک‌ترین و بحث‌برانگیزترین بخش‌های کارنامه ایمان افشاری، صدور احکام سنگین علیه اقلیت‌های مذهبی در ایران است. او بارها نشان داده که نه تنها به اصل آزادی عقیده و وجدان پایبند نیست، بلکه به‌طور مستقیم در سرکوب سیستماتیک مسیحیان، بهاییان و دیگر گروه‌های دینی نقش ایفا کرده است

در یک نمونه، ایمان افشاری هفت شهروند مسیحی را تنها به جرم انجام مناسک دینی و فعالیت‌های کلیسایی خانگی، در مجموع به ۳۲ سال حبس محکوم کرد. این افراد صرفاً به دلیل باورهای مذهبی و تلاش برای گسترش ایمان خود هدف قرار گرفتند، بدون آنکه هیچ‌گونه مدرک یا سندی مبنی بر اقدام علیه

امنیت ملی ارائه شود. صدور چنین احکامی نشان می‌دهد که دستگاه قضایی تحت مدیریت افشاری، بیش از آنکه حافظ قانون باشد، مجری سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوبگرانه دیکتاتوری حاکم است

از سوی دیگر، افشاری نقش پررنگی در پرونده‌های مربوط به جامعه بهاییان داشته است. او در دادگاهی که تنها یک ساعت به طول انجامید، مهوش ثابت و فریبا کمال‌آبادی، دو تن از رهبران جامعه بهایی ایران را به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. این جلسه نه تنها فرصتی برای ارائه دفاعیات نبود، بلکه بیشتر به صحنه‌ای برای تحقیر و توهین به متهمان تبدیل شد. گزارش‌ها حاکی است که بخش اعظم زمان دادگاه صرف حمله‌های لفظی و برچسب‌زنی‌های سیاسی شد، و در نهایت حکمی صادر شد که نه بر پایه عدالت، بلکه بر اساس نفرت ایدئولوژیک استوار بود

این احکام به‌خوبی نشان می‌دهد که ایمان افشاری عدالت را قربانی نگاه تبعیض‌آمیز و امنیتی کرده است. او به‌جای دفاع از حقوق شهروندی، اقلیت‌های مذهبی را به‌عنوان «دشمن» معرفی و سرکوب کرده است؛ رفتاری که مغایر با تمامی اصول حقوق بشر، از جمله ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که بر آزادی دین و عقیده تأکید دارد



فروغ تقی پور و مرضیه فارسی

زنان در دادگاه‌های تحت ریاست ایمان افشاری سهم بزرگی از سرکوب را تجربه کرده‌اند. او در سال‌های اخیر بارها نشان داده که نگاه تبعیض‌آمیز و امنیتی خود را علیه زنان معترض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی به کار گرفته است. نمونه بارز آن محکومیت فروغ تقی‌پور و مرضیه فارسی به ۱۵ سال زندان است؛ حکمی سنگین که نه بر پایه جرم مشخص، بلکه صرفاً به دلیل مشارکت این زنان در فعالیت‌های سیاسی صادر شد. زنان دیگری مانند نازیلا معروفیان نیز قربانی نگاه تبعیض‌آمیز افشاری شده‌اند. او تنها به دلیل انجام یک مصاحبه با پدر مهسا امینی - که نماد اعتراضات ۱۴۰۱ بود - بدون حق دفاع و در جلسه‌ای کوتاه، به دو سال حبس و جریمه نقدی محکوم شد

افشاری در برخورد با زنان زندانی نیز رفتاری توهین‌آمیز داشته است. روایت زندانیان سیاسی در بند زنان اوین نشان می‌دهد که در دی‌ماه ۱۴۰۲ هنگام بازدید این قاضی، بسیاری از زنان به نشانه اعتراض نسبت به بلا تکلیفی و احکام سنگین فریاد زدند و با او درگیر شدند. این واکنش نشان‌دهنده عمق نارضایتی

از رویکرد ظالمانه اوست. اما به جای بررسی خواسته‌های زندانیان، نتیجه این اعتراض‌ها تحمیل محدودیت‌های تازه از جمله قطع تماس‌های تلفنی و تهدید به تبعید بود.

در واقع، رفتار ایمان افشاری علیه زنان فقط صدور حکم نیست؛ بلکه نوعی شکنجه روانی و تحقیر سیستماتیک است. زنان در دادگاه‌های او نه تنها متهم، بلکه «گناهکار» شناخته می‌شوند و هیچ فرصتی برای دفاع عادلانه ندارند. این نگاه امنیتی و جنسیت‌زده، زنان را هدف اصلی سرکوب کرده و نقش افشاری را در ادامه تبعیض ساختاری علیه نیمی از جامعه آشکار می‌سازد.

گزارش جدید سایت ابتکار دادگستر نشان می‌دهد که اعدام‌های سیاسی و امنیتی در ایران پس از اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۴۰۴ وارد مرحله‌ای بی‌سابقه شده است. بر اساس یافته‌های این گزارش، تنها در فاصله ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۱ خرداد ۱۴۰۵ دستکم ۴۰ نفر پس از دادرسی‌هایی که فاقد معیارهای دادرسی عادلانه توصیف شده‌اند اعدام شده‌اند؛ روندی که به گفته تهیه‌کنندگان گزارش با نقش‌آفرینی مستقیم شماری از قضات و نهادهای امنیتی و قضایی کشور همراه بوده است.

دادگستر گزارش خود را با این پرسش آغاز می‌کند: چه کسانی مسئول افزایش شدید اعدام‌های سیاسی و امنیتی پس از اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ در ایران هستند؟

از اسفند ۱۴۰۴، ایران شاهد تشدید چشمگیر اعدام‌ها با اتهامات سیاسی و امنیتی بوده است (در مجموع ۴۰ مورد از ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ تا ۱۳ خرداد ۱۴۰۵).

در واکنش به این افزایش، ابتکار دادگستر، مقامات و نهادهای مسئول تسهیل این اعدام‌ها را بررسی و شناسایی کرده است. اگرچه این اعدام‌ها فراتر از دوره مورد بررسی همچنان ادامه دارند، این گزارش بر بازه دوماهه بین ۲۸ اسفند ۱۴۰۴ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ تمرکز دارد؛ دوره‌ای که طی آن دستکم ۳۲ تن پس از محاکمه‌هایی به شدت ناعادلانه اعدام شدند. جوان‌ترین آن‌ها، امیر حسین حاتمی، تنها ۱۸ سال داشت. با وجود محدود بودن دامنه زمانی این گزارش، یافته‌ها بازتاب‌دهنده الگویی گسترده‌تر و مستمر هستند؛ به گونه‌ای که اعدام‌ها با اتهامات سیاسی و امنیتی همچنان با سرعتی نگران‌کننده ادامه دارند.

تعداد قابل توجهی از اعدام‌شدگان به مشارکت در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، معروف به اعتراضات دی، متهم شده بودند؛ اعتراضاتی که در ۷ دی‌ماه ۱۴۰۴ آغاز شد و در میان خشم گسترده عمومی نسبت به فروپاشی اقتصادی، فساد و سرکوب دولتی، به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت. با وجود سرکوب خشونت‌آمیز دولت شامل بازداشت‌های گسترده و استفاده فراگیر از نیروی مرگبار، تظاهرات برای هفته‌ها ادامه یافت و به کشته شدن هزاران تن در سرکوب‌هایی انجامید که احتمالاً مصداق جنایت علیه بشریت است. در همین دوره، بیشترین شمار ثبت‌شده اعترافات اجباری در سال‌های اخیر نیز مشاهده شد که از ۳۵۰ مورد مستند فراتر رفت.

دیگر افرادی که در این دوره اعدام شدند، به مشارکت در اعتراضات زن، زندگی، آزادی در سال ۱۴۰۱ یا فعالیت ادعایی مرتبط با جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل در دی‌ماه ۱۴۰۳ متهم شده بودند.

بر اساس مستندات مجموعه فعالان حقوق بشر، در بازه زمانی ۲۸ اسفند ۱۴۰۳ تا ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۴، در مجموع ۱۹۸ تن در ایران اعدام شدند، در حالی که در دوره مشابه در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵،

۶۵ اعدام انجام شد. با این حال، در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ تنها ۸ تن به اتهامات سیاسی و امنیتی اعدام شدند که نشان‌دهنده تشدید شدید استفاده از اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب سیاسی در سال ۱۴۰۴-۱۴۰۵ است.

ابتکار دادگستر ، مقام‌های قضایی مسئول صدور این احکام اعدام خودسرانه را شناسایی کرده است. این افراد سابقه‌ای طولانی در نقض حق حیات و محروم‌سازی نظام‌مند از تضمین‌های دادرسی عادلانه دارند. در میان آنان، آخوند جنایتکار ایمان افشاری نقشی به‌ویژه محوری ایفا کرده است. در همین دوره، افشاری دست‌کم هشت تن را به اتهامات سیاسی و امنیتی به اعدام محکوم کرد، از جمله:

۱ - احسان حسینی‌پور حصارلو (حکم تأیید شد)

۲ - متین محمدی (حکم تأیید شد)

۳ - عرفان امیری (حکم تأیید شد)

۴ - مریم هداوند (حکم تأیید شد)

۵ - محمدرضا مجیدی اصل (حکم نقض شد)

۶ - بیتا همتی (حکم نقض شد)

۷ - بهروز زمانی‌نژاد

۸ - کوروش زمانی‌نژاد

افشاری همچنین در دست‌کم شش پرونده دیگر، که جزئیات آن‌ها در ادامه این گزارش ارائه شده است، دخیل بوده که به صدور احکام اعدام خودسرانه انجامیده‌اند.

14 تنی که از 28 اسفند 1404 تا 28 اردیبهشت 1405 در ارتباط با مشارکت در اعتراضات دی اعدام شدند: مهدی قاسمی ، صالح محمدی ، سعید داوودی، امیر حسین حاتمی ، محمد امین بیگلری ، شاهین واحد پرست، علی فهیم ، امیر علی میر جعفری، عرفان کیانی ، ساسان آزاد وار جونقانی ، مهدی رسولی ، ابراهیم دولت آبادی، محمد رضا میری و محمد عباسی.

18 تنی که با اتهامات سیاسی و امنیتی غیر مرتبط به با اعتراضات دیماه اعدام شدند : کورش کیوانی با اتهام جاسوسی برای اسرائیل !!! ، اکبر دانشور کار ، سید محمد تقوی سنگدهی، بابک علیپور ، ابوالحسن منتظر ، وحید بنی عامریان ، محمد معصوم شاهی، حامد ولیدی ، مهدی فرید ، سلطانعلی شیرزادی ، فخر، عامر رامش ، محراب عبدالله زاده ، یعقوب کریم پور ، ناصر بکر زاده ، عرفان شکور زاده ، عبدالجلیل شه بخش ، و احسان افرشته که او نیز بجرم جاسوسی برای اسرائیل اعدام شد.

امیری ، هدایت الله



سر تیپ دوم پاسدار هدایت الله امیری
جانشین فرمانده سپاه امام سجاد هرمزگان

امین دهقان ، حمید



مزدور بسیجی حمید امین دهقان مشهور به حمید سپاه از عوامل کشتار هولناک دیماه 2584 در کرج .
آدرس : هشتگرد ، میدان انقلاب ، بلوار چمران ، نبش میدان نماز

امینی ، مهدی



سمت و مسئولیت: فرمانده سپاه ناحیه ورامین.

عملکرد در اعتراضات:

صادرکننده دستور مستقیم کشتار و قتل عام معترضان در ورامین.

مسئولیت ربودن مجروحان از بیمارستان‌ها و صدور دستور شلیک «تیر خلاص» به آن‌ها.
اطلاعات خانوادگی:

همسر: مینا سالاری.

فرزندان: نازنین و امیرعلی امینی (دختر وی دانش‌آموز پایه یازدهم در مدرسه سمپاد است).

آدرس: ورامین، شهرک ولی عصر.

شماره‌های تماس:

۰۹۱۰۲۲۵۱۲۷۰ - ۰۹۱۹۰۴۲۰۱۸۷

انصاری، ابراهیم



ابراهیم انصاری در مقام دادستان سابق لاهیجان، مسئولیت مستقیم بازداشت‌های گسترده معترضان، اعمال محدودیت‌های اجتماعی و صدور کیفرخواست‌های منجر به اعدام را بر عهده دارد. وی با هدایت ضابطان قضایی در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، نقش کلیدی در سرکوب سیستماتیک شهروندان و نقض حقوق بنیادین آن‌ها ایفا کرده است.

ابراهیم انصاری به عنوان دادستان پیشین شهرستان لاهیجان، در تمامی مراحل نقض حقوق بشر از زمان تصدی مسئولیت خود نقش داشته است. وی در فرآیند بازداشت، تحقیقات توسط ضابطان و صدور کیفرخواست در این منطقه مسئولیت مستقیم دارد. ابراهیم انصاری به ویژه در قبال وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات شهریور و پاییز سال ۱۴۰۱ در لاهیجان پاسخگو است. این اعتراضات که پس از جان‌باختن مهسا امینی بر اثر عملکرد گشت ارشاد آغاز شد، به سرعت در کشور گسترش یافت. برخورد شدید نیروهای انتظامی و امنیتی با این تجمعات منجر به کشته، زخمی و بازداشت شدن ده‌ها

شهروند در نقاط مختلف گشت. در این میان، چهره‌هایی همچون مارال دارآفرین، سهیل باقری پور، شیوا رحیم‌نژاد، علیرضا رمضانی، فرزاد رئوفی و مهدیار گرامی دستگیر شدند. مبین طهرانی پور و مجید شب‌دینی پاشاکی نیز از دیگر بازداشت‌شدگان این دوره هستند. نکته تکان‌دهنده، بازداشت دست‌کم ۳ کودک و نوجوان به نام‌های آتنا فرهمند، هدیه پوررضا و مبینا عیسی‌زاده در این شهرستان است. ابراهیم انصاری در تاریخ ۷ دی ۱۴۰۱، مسئولیت تداوم بازداشت بهنام خان‌بابایی را نیز بر عهده داشت. گزارش‌ها حاکی است که «علیرغم تودیع قرار وثیقه، مسئولان از آزادی موقت آقای خان‌بابایی جلوگیری می‌کنند.» این رویکرد نشان‌دهنده استفاده ابزاری از قوانین برای فشار بر زندانیان سیاسی در دوره مدیریت وی است

در ادامه دوران دادستانی ابراهیم انصاری، فشار بر فعالان حقوق زنان و فضای مجازی با شدت بیشتری دنبال شد. در تاریخ ۲۵ مرداد ۱۴۰۲، واحده خوش‌سیرت و شیوا شاه‌سیاه توسط نیروهای اداره اطلاعات در لاهیجان بازداشت شدند. همچنین در ۲۴ شهریور ۱۴۰۲، فرمانده انتظامی گیلان از بازداشت ۲۴ شهروند در لاهیجان و سایر شهرهای استان خبر داد. اتهام این افراد فعالیت در فضای مجازی به قصد تشویش اذهان عمومی و تحریک برای برهم زدن نظم عنوان شد. ابراهیم انصاری علاوه بر برخوردهای سیاسی، در حوزه‌های اجتماعی نیز محدودیت‌های سختی اعمال کرد. وی در ۱۵ بهمن ۱۴۰۰ طی نامه‌ای رسمی، سگ‌گردانی را در خیابان‌ها و پارک‌های شهر ممنوع اعلام نمود. او شهرداری و نیروی انتظامی را موظف کرد تا این دستور را به طور کامل در سطح شهر اجرا کنند. در حوزه احکام سلب حیات نیز، در ۴ مهر ۱۴۰۳ حکم اعدام علی افروز در زندان لاهیجان اجرا شد. این زندانی ۳۱ ساله پیشتر با اتهام قتل به این مجازات محکوم شده بود. ابراهیم انصاری با تکیه بر مناصب خود، ماشین سرکوب قضایی را در لاهیجان هدایت کرده است. وی هم‌اکنون به عنوان معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌های عمومی رشت به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

سوابق سرکوب ابراهیم انصاری

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان صومعه‌سرا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ تا ۱ شهریور ۱۴۰۰

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان لاهیجان ۱ شهریور ۱۴۰۰ تا ۷ مرداد ۱۴۰۴

معاون قضایی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان رشت ۷ مرداد ۱۴۰۴ تاکنون (دی ۱۴۰۴)

فهرست قربانیان فردی و گروهی ابراهیم انصاری :

آتنا فرهمند، علیرضا رمضانی، فرزاد رئوفی، مهدیار گرامی، مجید شب‌دینی پاشاکی، مارال دارآفرین، مبین طهرانی پور، شیوا رحیم‌نژاد، سهیل باقری پور، واحده خوش‌سیرت، شیوا شاه‌سیاه، هدیه پوررضا، مبینا عیسی‌زاده، علی افروز

قربانیان گروهی نیز شامل معترضان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در لاهیجان می‌باشند

بابائی ، مجتبی



خبرنگار شرق مازندران و آستان قدس رضوی؛ مدیر آژانس مسافرتی «دنچ» در شهرستان نکا. عملکرد در اعتراضات:
از عوامل مسلح حکومتی در شب‌های فراخوان که به سرکوب معترضان پرداخته است. وی مدعی شده است که نیروهای امنیتی باید تعداد بیشتری از معترضان را به قتل می‌رساندند. اطلاعات تماس (محل کار): ۰۱۱۳۴۷۴۷۶۰۰

برزگر ، مهدی



عضو بسیج. عملکرد در اعتراضات:
نفوذ در میان جمعیت با لباس شخصی جهت فیلم‌برداری و شناسایی معترضان. استفاده از خودروی شخصی (پراید وانت چادر دار) برای جابه‌جایی نیروهای سرکوبگر. آدرس: همدان، شهرک ولیعصر (دیزج)، ایستگاه دوم، خیابان گلستان، کوچه اکبری، پلاک ۲۷. شماره تماس: +۹۸۹۳۷۴۷۹۵۳۲۹

بلوچ زهی ، نیک محمد



نیک محمد بلوچ زهی، به عنوان مدیرکل اداره ارتباطات و فناوری اطلاعات استان سیستان و بلوچستان در نقض حقوق بشر و سرکوب آزادی بیان مشارکت داشته است

او مسئول مستقیم قطع اینترنت در این استان طی اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و اسفند ۱۳۹۹ بوده است

در این مدت، دسترسی شهروندان به اینترنت به مدت طولانی مسدود شد

قطع اینترنت در آبان ۱۳۹۸ به مدت ۲۰ روز ادامه یافت و در اعتراضات اسفند ۱۳۹۹ نیز به هدف سرکوب و ایجاد سانسور انجام شد

بر اساس گزارش های حقوق بشری، نیک محمد بلوچ زهی در جریان این اقدامات نقش کلیدی داشته است

چهار سازمان حقوق بشری از جمله عفو بین الملل، در گزارشی در اسفند ۱۳۹۹ هدف از این قطع اینترنت را «پنهان کردن جنایت و نقض شدید حقوق بشر» توسط حکومت ایران اعلام کردند

او به دلیل مسئولیت خود در این قطعی ها و مشارکت در محدودیت آزادی های شهروندان به شدت مورد انتقاد سازمان های حقوق بشری قرار گرفته است

در اعتراضات آبان ۱۳۹۸، اینترنت در حکومت ایران از ۲۵ آبان به صورت گسترده قطع شد

این قطعی که توسط وزیر کشور وقت برای سرکوب معترضان توجیه شد، در سیستان و بلوچستان برای سه هفته ادامه یافت

محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهور وقت، دلیل این قطعی را مسائل «امنیتی» عنوان کرد

اختلال و قطعی اینترنت در این استان به طور مداوم و به ویژه در اعتراضات ۱۴۰۱ و پس از آن ادامه داشت

نت‌بلاکس گزارش‌هایی درباره قطعی اینترنت در زاهدان و سایر شهرهای سیستان و بلوچستان در ۵ اسفند ۱۴۰۱ منتشر کرد

در این گزارش‌ها تأکید شد که این قطعی‌ها، روندی هفتگی داشته و با هدف سرکوب اعتراضات ضدحکومتی هم‌زمان با نماز جمعه صورت گرفته است

در گزارش‌های دیگر، این قطعی‌ها در تیر و فروردین ۱۴۰۲ نیز تأیید شده است. همچنین در شهریور ۱۴۰۲، اختلال اینترنت در زاهدان بار دیگر به‌دلیل اعتراضات مردمی گزارش شد

در اسفند ۱۳۹۹، نیروهای مرزبانی سپاه پاسداران در سراوان به‌تجمع مسالمت‌آمیز شهروندان شلیک کردند

این اقدام موجب کشته شدن دست‌کم ۱۰ نفر شد. یحیی گنگوزهی، عبدالرحمن شهرسان زهی و چند تن دیگر در این حادثه جان باختند

در پی این کشتار، شهروندان سراوانی در اعتراض به فرمانداری تجمع کردند که این اعتراضات نیز با خشونت سرکوب شد

تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی با شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای به‌معترضان حمله کردند

در این دوره، اینترنت در استان سیستان و بلوچستان توسط اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات قطع شد

به دستور این اداره، اینترنت همراه اول کاملاً قطع و اینترنت ایرنسل دچار اختلال جدی شد. این وضعیت تا سه روز ادامه یافت

سوابق نیک‌محمد بلوچزهی در نقض حقوق بشر

سوابق نیک‌محمد بلوچزهی در نقض حقوق بشر، او را به‌یکی از عوامل کلیدی محدودیت ارتباطات در این استان تبدیل کرده است

نیک‌محمد بلوچزهی از شهریور ۱۳۸۳ عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان بوده است

او از خرداد ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۴۰۳ مدیرکل ارتباطات و فناوری اطلاعات این استان بود

از ۲۸ شهریور ۱۴۰۳ تا کنون (دی ۱۴۰۳) نیز به‌عنوان مشاور وزیر در توسعه ارتباطات در مناطق روستایی فعالیت می‌کند

بهرامی ، امیر حسین



(فرزند سلیمان) از اعضای فعال بسیج در منطقه حصارک کرج است. وی در پایگاه بسیج «سیدالشهدا» (معروف به پایگاه سرالمهدی) و همچنین پایگاه «حاج اصغر پرده‌دار» فعالیت داشته و در جریان وقایع ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه ۱۴۰۴، از عوامل اصلی سرکوب و تیراندازی به سمت شهروندان در محدوده حصارک بوده است.

او در فرآیند شناسایی و بازداشت معترضان در غرب کرج مشارکت مستقیم داشته و شماره تماس وی جهت مستندسازی اقدامات و آگاهی شهروندان در فضای مجازی منتشر شده است. شماره تماس: ۰۹۰۱۹۴۴۴۲۶۰.

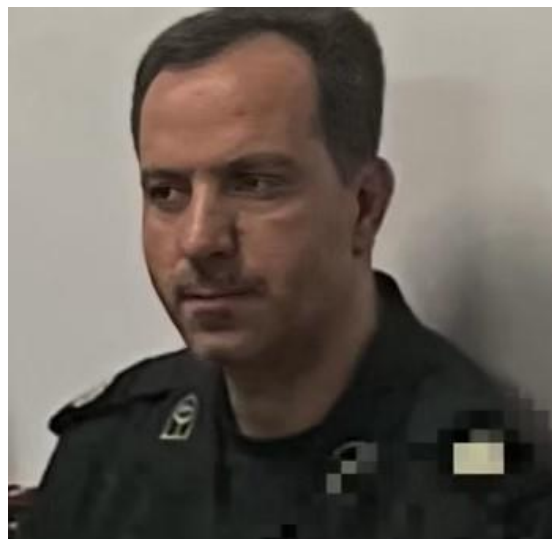
اتهامات: مشارکت در سرکوب میدانی و تیراندازی به سمت مردم در دی‌ماه ۱۴۰۴.

پاریاب ، رضا



از اعضای سپاه قدس و تکتیرانداز آموزش‌دیده در سوریه بوده و نام همسر او زهرا رنجبر است که از پرستاران بسیجی و مرتبط با نهادهای سپاه در بیمارستان تأمین اجتماعی هشتگرد است. متولد گیلان و ساکن آبیگ قزوین و در سرکوب اعتراضات روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه نقش فعال داشته است.

پایمرد ، یاسر



سرهننگ پاسدار جنایتکار یاسر پایمرد از چهره های مخوف سرکوب و کشتار در لنگرود ، چمخاله و چاف استان گیلان.

پرویزی ، قاسم و علی



دو برادر مزدور بسیجی از ارازل و اوباش قمه بدست شهرک وحدت کرج . خبرچین وزارت اطلاعات . در سرکوب و کشتار 1401 و 1404 نقش فعالی داشته اند.

محل سکونت : شهرک وحدت
محل کار : سالن ورزشی کلهر در شهرک وحدت کرج

پنام ، یوسف



مزدور بسیجی یوسف پنام از چهره های مخوف سرکوب و کشتار در چمخاله ، لنگرود و چاف در استان گیلان

پیرزاد فرد ، مجید



مزدور بسیجی مجید پیرزادفرد عضو بسیج شهرستان کنگاور کرمانشاه . سرکوبگر ، خبر چین و آدم فروش

پیشه ور ، مهدی



گروهبان مهدی پیشه ور
سمت و واحد عملیاتی: شاغل در سرکلانتری پنجم آزادی کرج.
عملکرد در اعتراضات: مسئول قتل بیش از پنج تن در منطقه ماهدشت کرج؛ وی متهم به شلیک مستقیم
به نقاط حساس بدن (سر و قلب) معترضان است.
آدرس: کرج، ماهدشت، افرا، گلستان یک.
شماره تماس: ۰۹۱۱۲۴۸۱۹۷۶
اطلاعات خانواده و بستگان:
پدر (محمد پیشه‌ور): ۰۹۱۱۸۴۰۷۹۳۹
مادر (معصومه پورفشمی): ۰۹۱۱۶۹۵۴۱۸۱
خواهر (مهدیه پیشه‌ور): طبق گزارش ارسالی، وی به عنوان «پرستوی نظام» فعالیت کرده و با اتباع
خارجی در ارتباط است.
شماره‌های تماس: ۰۹۳۷۳۸۳۹۶۹۸ و ۰۹۱۱۴۶۵۵۹۳۳.

ترابی ، رضا



فرمانده سپاه پاسداران در هرمزگان

توبکی ، میلاد



نیروی سرکوبگر و تکتیرانداز سپاه که در خیزش ملی با سلاح قناسه مردم را مورد هدف قرار می‌داد.
وی اهل شیروان ایلام و ساکن قرچک ورامین است.
آدرس: قرچک ورامین، زیباشهر، خیابان دوم

توحیدی، محمد



سر هنگ پاسدار محمد توحیدی در مقام فرمانده سابق پلیس مهاباد، مسئولیت مستقیم هدایت یگان‌های سرکوب، شلیک به معترضان و بازداشت‌های گسترده غیرقانونی را در جریان خیزش ۱۴۰۱ بر عهده داشته است. او با به کارگیری سلاح‌های جنگی و ساچمه‌زنی علیه غیرنظامیان، موجی از اعدام‌های میدانی و شکنجه بازداشت‌شدگان را در این منطقه رهبری کرد

محمد توحیدی به عنوان فرمانده ارشد انتظامی شهرستان مهاباد، در تمامی عملیات‌های مقابله با تجمعات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ نقش محوری ایفا کرد. آغاز این ناآرامی‌ها به هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱ بازمی‌گردد که در پی جان باختن مهسا (ژینا) امینی شکل گرفت. این تظاهرات به سرعت در سراسر کشور گسترش یافت و با واکنش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی روبرو شد. در این میان، محمد توحیدی فرماندهی نیروهایی را بر عهده داشت که از تفنگ‌های ساچمه‌زنی برای سرکوب استفاده می‌کردند. گزارش‌های متقن حقوق بشری نشان می‌دهد که شلیک ساچمه‌ها تنها به پایین‌تنه محدود نبوده است. طبق مستندات، صورت و بالاتنه بسیاری از معترضان هدف شلیک مستقیم قرار گرفته است. علاوه بر این، نیروهای تحت امر محمد توحیدی به طور مکرر از سلاح کمری علیه مردم استفاده کردند. در جریان این برخوردها در مهاباد، دست‌کم ۱۶ نفر جان خود را از دست دادند. هاجر عباسی در ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ به ضرب گلوله مستقیم این نیروها کشته شد. همچنین اسماعیل (سمکو) مولودی در ۴ آبان ۱۴۰۱ قربانی

تیراندازی نیروهای تحت هدایت محمد توحیدی شد. یک روز بعد، در ۵ آبان ۱۴۰۱، کبری شیخ سقا، شاهو خضری، زانیار ابوبکری و فرشته احمدی کشته شدند. مسعود احمدزاده نیز در ۶ آبان ۱۴۰۱ در جریان همین سرکوب‌های خونین جان باخت. فایق مام قادری در ۱۸ آبان ۱۴۰۱ بر اثر اصابت گلوله نیروهای انتظامی کشته شد. آزاد حسین پوری در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ قربانی خشونت عریان در مهاباد گردید. محمد توحیدی مسئول مستقیم این جنایات در دوران فرماندهی خود است

در ادامه موج خشونت‌ها، محمد توحیدی در تاریخ ۲۷ آبان ۱۴۰۱ مسئولیت هدایت نیروهای ضارب در کشتار چندین شهروند دیگر را داشت. در این روز سیاه، محمد احمدی گاکش، کمال احمدپور و مهران رحمانی هدف تیراندازی قرار گرفته و کشته شدند. رسول غفوری نیز در همان تاریخ توسط یگان‌های تحت امر محمد توحیدی جان خود را از دست داد. روند کشتارها در آذرماه نیز متوقف نشد و ریباز صالحی وند در ۱ آذر ۱۴۰۱ کشته شد. شمال خیرپور در ۳ آذر ۱۴۰۱ و شورش نیکنام در ۶ آذر ۱۴۰۱ به قتل رسیدند. محمد توحیدی در تمامی این روزها سکان هدایت پلیس مهاباد را در دست داشت. جلال محمودزاده، نماینده وقت مهاباد، در ۱۰ آبان ۱۴۰۱ صراحتاً کشته شدن ۶ نفر را تایید کرد. او در ۶ آذر ۱۴۰۱ نیز از جان باختن ۱۰۵ نفر در مناطق کردنشین خبر داد. نیروهای یگان ویژه و فراجا تحت نظارت قرارگاه حمزه سیدالشهدا در این عملیات‌ها مشارکت داشتند. محمد توحیدی با استقرار گسترده ماموران، مانع از شکل‌گیری هرگونه تجمع مسالمت‌آمیز در خیابان‌های شهر می‌شد. استفاده از گاز اشک‌آور، ماشین‌های آب‌پاش و گلوله‌های جنگی توسط نیروهای محمد توحیدی به کرات گزارش شده است. بسیاری از شهروندان در اثر اصابت این پرتابه‌ها دچار جراحات جبران‌ناپذیر شدند. این فرمانده با نادیده گرفتن استانداردهای بین‌المللی، دستور برخورد با حداکثر توان نظامی را صادر کرده بود. قربانیان این حوادث عمدتاً جوانانی بودند که خواستار حقوق اولیه خود در خیابان‌ها بودند. محمد توحیدی با سرکوب سیستماتیک، نام خود را در فهرست ناقضان جدی حقوق بشر ثبت کرد

سوابق اجرایی و بازداشت‌های خودسرانه تحت فرماندهی پاسدار محمد توحیدی
محمد توحیدی پیش از انتقال به ارومیه، سال‌ها در مناصب حساس انتظامی استان آذربایجان غربی فعالیت کرده است :

فرمانده انتظامی شهرستان اشنویه تا ۶ آذر ۱۳۹۹

فرمانده انتظامی شهرستان مهاباد از ۱۷ آبان ۱۳۹۹ تا ۱۰ مهر ۱۴۰۲

فرمانده انتظامی شهرستان ارومیه از ۶ مهر ۱۴۰۲ تا هم‌اکنون (دی ۱۴۰۴)

در دوران مدیریت محمد توحیدی در مهاباد، سدها شهروند به صورت خودسرانه دستگیر و زندانی شدند. عادل کریمی، سامان غزالی، قادر احمدی و ابراهیم پاریاد از جمله دستگیرشدگان هستند. ابراهیم سواره، ارسلان محمودی، اسماعیل ابراهیمی و امیر عبدالله زاده نیز توسط نیروهای محمد توحیدی بازداشت شدند. فهرست زندانیان شامل امیرمحمد امینی، انور گوران، آریا گوران و آسو گروهانی نیز می‌شود.

آکام رسولی، آوات رش، پیمان روزخون و پیمان گلابی نیز در این دوره بازداشت شدند. محمد توحیدی مسئولیت مستقیم بازداشت پیمان منصوری، جواد آیاتی و چالاک سواره را بر عهده دارد. خلیل دودکانلو، دیاکو خسروانجم، دیاکو خوزستانی و دیاکو محمدیان نیز تحت فرمان او دستگیر شدند. رحمت رسولی، رسول فرجی و ریبوار مولان نژاد از دیگر قربانیان این بازداشت‌ها هستند. زانیار نبردی، زلیخا سادات نژاد، سامان خوالی و سعید روغنی نیز در بند بودند. سمکو خوالی، سمکو دودکانلو و سوران آرمند توسط ماموران محمد توحیدی دستگیر گردیدند. سید ریبوار بلکامه، سینا ایازی، سینا فرجی و شاهرخ موسی زاده نیز بازداشت شدند. شهرام ازگورتن، شیلان پورامینی، صابر عبدالله تاش و صادق سارکه‌یی نیز دستگیر شدند. ظاهر مومنی، علی جهانگیرزاده، علی حکیم و فایق حسین پور نیز در لیست محمد توحیدی هستند.

سرکوب سیستماتیک کودکان و دانشجویان در شهرستان مهاباد نیروهای انتظامی تحت امر محمد توحیدی حتی به حریم کودکان و دانش‌آموزان نیز رحم نکردند. رضا آذری، هاوار حق پرست و شیما سیده سه کودکی بودند که بازداشت شدند. این دستگیری‌ها نشان‌دهنده عمق قساوت یگان‌های تحت مدیریت محمد توحیدی در برخورد با خردسالان است. دانشجویان نیز به عنوان قشر آگاه جامعه، هدف حملات نیروهای تحت امر محمد توحیدی قرار گرفتند. باوان لطفی و آران صیمی از دانشجویانی بودند که در مهاباد توسط پلیس ربوده شدند. محمد توحیدی با نظارت بر این دستگیری‌ها، فضای رعب و وحشت را در مراکز علمی حاکم کرد. فخرالدین عظیمی، فرهاد نوایی، کاظم معروفی و کامل حق پرست نیز بازداشت شدند. کیوان عبداللهی، محسن معروفی، محمد بابولی و محمد رش نیز در حبس بودند. محمد شکری، محمدامین آرمند و محمدطاهر احمدی اقدم توسط ماموران محمد توحیدی بازداشت شدند. محمد مولان نژاد، مختار عماره، مسعود خادم پیر و منصور خادم پیر نیز زندانی شدند. ناصر شالی، ناصر فقه عیسی، نگار عبدالله زاده و هاوری میری نیز دستگیر شدند. هزار علیزاده، هزار محمودرش، هزار مولان نژاد و هیدی نازمی نیز تحت نظر بودند. هیمن احمدزاده، هیمن چراغ زاده و هیمن سرگلی نیز در دوران محمد توحیدی بازداشت شدند. وفا فرزین، یحیی معین فر و یونس چوکی نیز در میان لیست بلند دستگیرشدگان هستند. این حجم از بازداشت‌های هدفمند، بیانگر برنامه‌ریزی دقیق محمد توحیدی برای خفه کردن هرگونه صدای منتقد است. او با استفاده از منابع دولتی، حقوق اولیه هزاران شهروند را به طرز فاحشی نقض کرد.

فهرست قربانیان انفرادی و گروه‌های هدف در پرونده توحیدی در طول سال‌های اخیر، افراد بسیاری طعم تلخ سرکوب‌های تحت فرمان محمد توحیدی را چشیده‌اند: اسماعیل مولودی هاجر عباسی فرشته احمدی آزاد حسین پور فایق مام قادری کمال احمدپور امیر عبدالله زاده آسو گروهانی باوان لطفی ناصر شالی صابر عبدالله تاش سعید روغنی سامان غزالی شیلان پورامینی یونس چوکی بابک عادل دیاکو خوزستانی فایق حسین پور سینا ایازی هیدی نازمی مختار عماره جواد آیاتی دیاکو محمدیان سینا فرجی کامل حق پرست علی حکیم محسن معروفی رسول فرجی هزار علیزاده فرزاد صلواتی آران صمیمی هزار محمودرش هزار مولان نژاد هاوار حق پرست هاوری میری هیمن احمدزاده هیمن چراغ زاده هیمن سرگلی منصور خادم پیر مسعود خادم پیر ناصر فقه عیسی

نگار عبدالله زاده رضا آذری شیما سیده وفا فرزین یحیی معین فر عادل کریمی آکام رسولی امیرمحمد امینی انور گوران ارسلان محمودی آوات رش چالاک سواره دیاکو خسروانجم ابراهیم پاریاد ابراهیم سواره اسماعیل ابراهیمی قادر احمدی خلیل دودکانلو پیمان گلابی پیمان منصوری پیمان روزخون رحمت رسولی ریووار مولان نژاد سامان خوالی زانیار نبردی زلیخا سادات نژاد آریا گوران علی جهانگیرزاده فخرالدین عظیمی فرهاد نوایی کاظم (آرمان) معروفی کیوان عبداللہی محمدامین آرمند محمد بابولی محمد رش محمد شکری محمدطاهر احمدی اقدم صادق سارکه بی سمکو دودکانلو سمکو خوالی سید ریووار بلکامه شہرام ازگورتن شاہرخ موسی زاده سوران آرمند ظاہر مومنی محمد مولان نژاد

قربانیان گروهی محمد توحیدی عبارتند از: شهروندان عادی مهاباد معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان مهاباد

مبارزه با مصونیت محمد توحیدی، گامی ضروری برای تحقق عدالت در پرونده جنایات سال ۱۴۰۱ است

جباری ، محمد

محمد جباری، قاضی دادگاه انقلاب مراغه، در دوران مسئولیت خود در نقض حقوق شهروندان مشارکت داشته است. اقدامات او شامل صدور احکام حبس طولانی مدت علیه فعالان قومی و مدنی، به ویژه نقض حق آزادی بیان بوده است

احکام محمد جباری علیه فعالان قومی و مدنی

محمد جباری در مقام قاضی دادگاه انقلاب مراغه، حقوق بشر شهروندان را نقض کرده است. این نقض ها در حوزه های اقلیت های قومی، حق آزادی و آزادی بیان صورت گرفته است. در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۹۹، بابک آقازاده، شهروند و رفتگر شهرداری ملکان، به ۵ سال زندان محکوم شد

بابک آقازاده توسط دادگاه انقلاب مراغه به ریاست قاضی محمد جباری محاکمه شد. او از بابت اتهامات تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه های مخالف نظام، به ۵ سال زندان محکوم گردید. همچنین در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۹۹، میرموسی ضیا گرگری و مختار ابراهیمی محکوم شدند. این دو فعال ترک (آذربایجانی) توسط دادگاه انقلاب مراغه حکم گرفتند

بر اساس حکم دادگاه انقلاب مراغه به ریاست محمد جباری، مختار ابراهیمی به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم شد. اتهام او «تشکیل دسته و گروه علیه نظام و عضویت در کانال های معاند نظام» بود. همچنین سید موسی ضیاء گرگری به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۱ سال حبس تعزیری محکوم گردید

سلب حق دفاع در جریان دادرسی

در خصوص مختار ابراهیمی و رسیدگی به پرونده وی، محمد جباری با برخوردی پرخاشجویانه عمل کرد. رئیس دادگاه انقلاب مراغه بدون طی مراحل دادرسی، حکم به محکومیت متهم داده است. او اجازه دفاع را از وی سلب نموده بود. وکیل متهم به روند دادگاه اعتراض کرد. او اصرار به ارائه دفاعیات داشت

وکیل پرونده در دادگاه یادآور شد که در صورت وجود گروه باید ابهامات روشن شود. باید مشخص گردد چه کسی دومین عضو گروه بوده و اساسنامه گروه چیست. همچنین منابع مالی و مقر مرکزی این گروه باید مشخص شود. اما قاضی پرونده برای اتهام تشکیل گروه، به چند عکس دسته‌جمعی استناد کرد. این عکس‌ها مربوط به کمک‌های مردمی برای آسیب‌دیدگان سوانح طبیعی بودند. محمد جباری همچنین ۸۰۰ صفحه مقاله و یک دی‌وی‌دی صحبت‌های مختار ابراهیمی را مورد استناد قرار داد. او با استناد به این موارد، اتهام تشکیل گروه برای برهم زدن امنیت ملی را به مختار ابراهیمی وارد دانسته است

سوابق سرکوب و برخی از قربانیان جنایات محمد جباری

قاضی دادگاه انقلاب مراغه

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمد جباری عبارتند از:

بابک آقازاده

میرموسی ضیا گرگری

مختار ابراهیمی

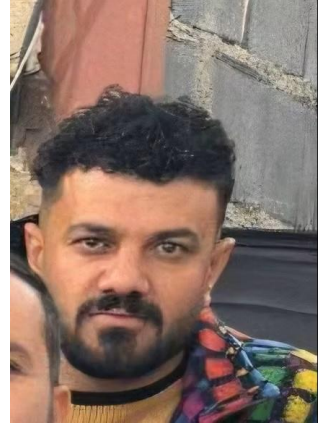
و قربانیان گروهی شامل

فعالان اتنیکی و قومی

فعالین اقلیت‌های قومی

شهروندان عادی شهر مراغه می‌باشند

جهانگیری ، نعمت الله



مزدور بسیجی نعمت الله جهانگیری که در قیام ملی دیماه 2584 در همدان با تفنگ ساچمه ای به چشم معترضان شلیک میکرد است.

جهانیان ، امیر حسین



عضو سپاه انصار، روز ۱۸ دی ۱۴۰۴ به دستور فرمانده سپاه فردیس (سرهنگ جعفر فلاح‌نژاد) از بالای حوزه ۳۱۵ به روی مردم بی دفاع و غیرمسلح با اسلحه جنگی کلاشینکف شلیک می کرد. محل زندگی: کرج، رزکان، خیابان آخوندی، پلاک ۳۰

حاج مرادی ، محمود

محمود حاج مرادی، رئیس و بازپرس پیشین شعبه دوم بازپرسی دادسرای امنیتی اوین در تهران، یکی از عوامل نقض حقوق شهروندان محسوب می‌شود. او در پرونده‌سازی علیه فعالان مدنی و اجتماعی، به‌ویژه در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، نقش اساسی داشته است. این فرد در همکاری با نهادهای امنیتی، فشار بر زندانیان را افزایش داده و از روش‌های مختلفی برای سرکوب استفاده کرده است

در تیرماه ۱۳۹۹، محمود حاج مرادی اقدام به احضار هاشم آقاجری، استاد دانشگاه و فعال سیاسی، به دادسرای اوین کرد. دلیل این احضار نگارش نامه‌ای در آبان ۱۳۹۸ و اعتراض به سرکوب خشونت‌بار معترضان بود. علاوه بر این، در آذر ۱۳۹۹ نیز پرونده‌سازی علیه محمد ابوالحسنی و رضا مهرگان، دو فعال مدنی زندانی، توسط او انجام شد. بر اساس گزارش‌های حقوق بشری، این پرونده‌سازی به دلیل برگزاری مراسم چهلم جان‌باختگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در زندان اوین بود. اتهامی که علیه این دو فعال مطرح شد، «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است.

در شهریور ۱۴۰۰، محمود حاج مرادی علیه کامیار فکور، فعال کارگری، پرونده‌سازی کرد. او را به اتهام «اخلال در نظم عمومی، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب» احضار کرد. علت اصلی این اتهامات، مشارکت کامیار فکور در تجمع معلمان و کارگران مقابل وزارت کار در اسفند ۱۳۹۹ بود. دادگاه انقلاب تهران با استناد به کیفرخواست صادرشده از سوی حاج مرادی، او را به هشت ماه زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

دیگر قربانیان سرکوب محمود حاج مرادی

در دی ۱۴۰۰ نیز امیرعباس آزمون، روزنامه‌نگار و فعال کارگری، قربانی دیگری از سرکوب‌های محمود حاج مرادی شد. او ابتدا در شهریور همان سال با دستور حاج مرادی بازداشت شد. سپس پرونده‌ای علیه او به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام» تشکیل شد. دادگاه انقلاب تهران، با استناد به این پرونده‌سازی، امیرعباس آزمون و دو نفر دیگر را به چهار سال و سه ماه زندان محکوم کرد.

یکی دیگر از اقدامات محمود حاج مرادی، مشارکت در نقض حقوق زندانیان سیاسی در رابطه با سلامتی و بهداشت است. به عنوان نمونه، در مهرماه ۱۳۹۶، علیرغم وخامت حال نزار زاکا، شهروند لبنانی محبوس در زندان اوین، از انتقال او به بیمارستان جلوگیری کرد. بر اساس گزارش‌های حقوق بشری، این زندانی به دلیل خونریزی شدید معده نیاز به انتقال فوری به بیمارستان داشت، اما حاج مرادی مانع این امر شد.

محمود حاج مرادی همچنین در جلوگیری از درمان مناسب علی شریعتی، فعال مدنی محبوس در زندان اوین، نقش داشت. علی شریعتی که به دلیل شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز علیه اسیدپاشی در سال ۱۳۹۳ به پنج سال زندان محکوم شده بود، در سال ۱۳۹۶ از امکانات درمانی محروم شد. منابع حقوق بشری اعلام کردند که حاج مرادی در این محرومیت سهم داشته است.

در خرداد ۱۳۹۹، محمود حاج مرادی علیه آتنا دائمی، کنشگر مدنی، پرونده‌سازی کرد. اتهام او «اخلال در نظم زندان» به دلیل سردادن شعار علیه حکومت ایران در شب ۲۲ بهمن ۱۳۹۸ بود. این پرونده‌سازی منجر به صدور حکم دو سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق برای آتنا دائمی شد.

احکام ظالمانه محمود حاج مرادی علیه زنان زندانی سیاسی

علاوه بر این، در خرداد ۱۳۹۹، محمود حاج مرادی علیه مریم اکبری منفرد، زندانی سیاسی محبوس در اوین، پرونده‌ای جدید تشکیل داد. این زندانی متهم شد که در شب ۲۲ بهمن ۱۳۹۸ شعارهای مخالف حکومت ایران را سر داده است. با توجه به این پرونده‌سازی، مریم اکبری منفرد از حق داشتن وکیل محروم شد.

در تیر ۱۳۹۹، حاج مرادی پرونده‌ای جدید علیه لیلا حسین زاده، فعال صنفی دانشجویی، ایجاد کرد. این فعال که در اسفند ۱۳۹۸ از زندان آزاد شده بود، بار دیگر به اتهام «اخلال در نظم زندان» به دلیل سردادن شعار علیه حکومت ایران تحت فشار قرار گرفت. در مرداد ۱۳۹۹ نیز محمود حاج مرادی علیه پریسا رفیعی، فعال دانشجویی، پرونده‌سازی کرد. اتهام او «تبلیغ علیه نظام» به دلیل نگارش نامه‌ای درباره شرایط بازداشتگاه‌های انفرادی و فشار بر زنان فعال مدنی بود.

یکی دیگر از پرونده‌های حاج مرادی مربوط به ناهید تقوی، شهروند دو تابعیتی بازداشت‌شده در مهر ۱۳۹۹، است. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، حاج مرادی مانع آزادی او به قید وثیقه شد. خانواده ناهید تقوی اعلام کردند که حاج مرادی تنها اجازه دسترسی وکلای مورد تأیید قوه قضاییه را به پرونده او داده است. به گفته مریم کلارن، دختر ناهید تقوی، وضعیت جسمی مادرش رو به وخامت بود، اما حاج مرادی مانع آزادی او شد.

در نقض حقوق زنان، محمود حاج مرادی به عنوان بازپرس دادرسی ارشاد تهران در سال ۱۳۹۸، در پرونده‌سازی علیه یاسمن آریانی و منیره عربشاهی، دو فعال حقوق زنان، نقش داشت. این دو فعال به دلیل کشف حجاب و اهدای گل به زنان در مترو در روز جهانی زن، به اتهام «اجتماع و تبانی، تبلیغ علیه نظام و تشویق به فساد و فحشا» تحت پیگرد قرار گرفتند. دادگاه انقلاب تهران، با استناد به پرونده‌سازی حاج مرادی، این دو فعال زن را به بیش از ۳۶ سال زندان محکوم کرد.

سوابق سرکوب و برخی از قربانیان جنایات محمود حاج مرادی
محمود حاج مرادی از اسفند ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ به عنوان دادیار ناظر بر زندانیان سیاسی دادرسی اوین فعالیت داشت. در سال ۱۳۹۸ بازپرس دادرسی ارشاد تهران شد. از سال ۱۳۹۹ تا تابستان ۱۴۰۳، از تابستان ۱۴۰۳ به بعد، او به عنوان بازپرس رئیس و بازپرس شعبه دوم بازپرسی دادرسی اوین بود و رئیس شعبه ۹ دادگاه حقوقی مجتمع بهشتی فعالیت دارد.

برخی از قربانیان سرکوب محمود حاج مرادی عبارت‌اند از: آتنا دائمی، هاشم آقاجری، لیلا حسین زاده، مریم اکبری منفرد، محمد ابوالحسنی، ناهید تقوی، پریسا رفیعی، رضا مهرگان، امیرعباس آرم وند، منیره عربشاهی، یاسمن آریانی و کامیار فکور.

حاج مهدی



خبرچین اطلاعاتی شهرک ظفر کرمانشاه که در دستگیری دو تن از معترضان کرمانشاهی در جریان اعتراضات نقش داشته است.

اصالتاً اهل روستای سنقر کلیایی و ساکن کرمانشاه عنوان شده است.

شماره تماس: ۰۹۱۳۴۹۰۱۹۳۷

حاجی مزدارانی، محمد



حمد حاجی مزدارانی در جایگاه ریاست زندان‌های تهران بزرگ و اوین، مسئولیت مستقیم محرومیت زندانیان از امکانات اولیه و مراقبت‌های پزشکی را بر عهده دارد. وی با نادیده گرفتن استانداردهای زیستی و نظارت بر اعمال خشونت علیه محبوسان، نقشی کلیدی در مرگ‌های مشکوک و سرکوب معترضان ایفا کرده است

محمد حاجی مزدارانی به عنوان رئیس فعلی زندان اوین، پیش از این در مقام مدیریت زندان تهران بزرگ (فشافویه) فعالیت داشته است. وی در تمامی موارد نقض حقوق بشر صورت گرفته در زمان مسئولیت خود، نقشی کاملاً مستقیم ایفا کرده است. محمد حاجی مزدارانی با عدم اختصاص امکانات اولیه زندگی نظیر غذای کافی و آب آشامیدنی سالم، حقوق زندانیان را تضییع نمود. همچنین نبود تهویه مطبوع در فصول گرم و سرد سال در دوران ریاست او، نقض آشکار حقوق تمامی محبوسان بود. عدم رسیدگی پزشکی به موقع تحت نظر وی، در دست‌کم یک مورد منجر به فوت قطعی یک زندانی شده است. ماموران تحت امر او بدون ترس از عواقب قانونی، اقدام به ضرب و شتم گسترده زندانیان در محیط زندان می‌کردند. در آبان ۱۴۰۱، بخشی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری که به این مرکز منتقل شدند، از حداقل‌های زندگی محروم بودند. این افراد از آب سالم، غذای باکیفیت و هوای مطبوع محروم مانده و با تراکم جمعیت بسیار بالایی مواجه گشتند. عدم رعایت اصل تفکیک جرائم و نبود رسیدگی درمانی، از مهم‌ترین معضلات دوران مدیریت محمد حاجی مزدارانی در فشافویه بود. در ۶ فروردین

۱۴۰۲، گزارش‌هایی از روند بسیار طولانی صدور مجوزهای درمانی برای زندانیان بیمار در این زندان منتشر شد. این تاخیرهای عمدی باعث آسیب‌های جسمی جبران‌ناپذیر برای بسیاری از زندانیان و بازداشت‌شدگان در دوران مسئولیت وی گردید. امیرحسین قناعتگر، جوان ۲۰ ساله، علیرغم وجود ساچمه در نواحی حساس بدن، از توجه پزشکی محروم ماند و در خطر عفونت قرار گرفت. مسئولان زندان تحت مدیریت محمد حاجی مژدارانی هیچ توجهی به وضعیت وخیم پزشکی این شهروند بازداشت‌شده نشان ندادند.

در شهریور ۱۴۰۰، شاهین ناصری که شاهد شکنجه نوید افکاری بود، در زندان تهران بزرگ به طرز مشکوکی جان باخت. وی تنها ۴۵ دقیقه پس از مراجعه به بهداری زندان تحت مدیریت محمد حاجی مژدارانی، با زندگی وداع کرد. هرچند سخنگوی قوه قضاییه علت را مسمومیت دارویی دانست، اما نزدیکان وی هرگونه تصمیم به خودکشی را تکذیب کردند. شاهین ناصری پیش از مرگ از تهدید شدن در انفرادی و نگرانی برای سلامتی خود با خانواده‌اش صحبت کرده بود. این زندانی پس از شهادت در خصوص شکنجه‌های نوید افکاری، به زندان تهران بزرگ تبعید و به انفرادی منتقل شد. در ۳۰ شهریور ۱۴۰۰، خبر مرگ این کارشناس بازرگانی در سلول‌های انفرادی تحت نظر محمد حاجی مژدارانی تایید گردید. همچنین در ۳ مهر ۱۴۰۰، امیرحسین حاتمی، شهروند ایلامی، بر اثر ضرب و شتم ماموران در این زندان جان سپرد. وکیل وی شواهد موجود را نشان‌دهنده وقوع قتل عمد در محیط زندان تهران بزرگ دانست که تحت مسئولیت او بود. قوه قضاییه علت مرگ امیرحسین حاتمی را تماس با پریز برق اعلام کرد، اما وکیل وی از درگیری با افسر نگهبان خبر داد. ضرب و شتم این زندانی توسط پرسنل تحت امر محمد حاجی مژدارانی، به مرگ وی در مهر ۱۴۰۰ ختم شد. در آذر ۱۴۰۰ نیز حجت اله رافعی، زندانی سیاسی، ماه‌ها از حق برقراری تماس تلفنی با خارج از زندان محروم ماند. در بهمن ۱۴۰۰، سعید تمجیدی، امیرحسین مرادی و چندین تن دیگر پس از اعتراض در بهداری، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. محمد حاجی مژدارانی به عنوان مسئول نهایی، پاسخی به این رفتارهای خشونت‌آمیز و غیرانسانی ماموران خود به زندانیان نداد.

در اسفند ۱۴۰۰، دو افسر نگهبان تحت مدیریت محمد حاجی مژدارانی، با استفاده از الکل دستان یک زندانی را سوزاندند. علیرغم شکایت شاکی، محمد حاجی مژدارانی تنها به تغییر محل پست این ماموران خاطی اکتفا کرد و برخورد جدی صورت نگرفت. در همان ماه، برای زندانیانی چون پیمان پورداد و محمد ابوالحسنی در دوران حبس، پرونده‌های قضایی جدیدی گشوده شد. در فروردین ۱۴۰۱، دراویش گنابادی محبوس در این زندان، از جمله محمد شریفی مقدم و مصطفی عبدی، محروم‌الملاقات شدند. مجید کشوری نیز در فروردین ۱۴۰۱ به دلیل عدم رسیدگی پزشکی و عملی نشدن وعده‌ها، دو بار دست به خودکشی زد. در اردیبهشت ۱۴۰۱، مسیب رئیسی یگانه بر خلاف قانون تفکیک جرائم، به بند زندانیان جرائم خشن منتقل گردید. سعید کاوسی پور، زندانی مالی، در تیر ۱۴۰۱ به دلیل تعلل در اعزام به بیمارستان، جان خود را از دست داد. محمد حاجی مژدارانی در قبال این اهمال‌کاری‌های پزشکی که منجر به سلب حق حیات شد، مسئولیت مستقیم اداری و قانونی دارد. در ۱۲ اسفند ۱۴۰۱، مهدی مسکین‌نواز علیرغم دردهای شدید در مهره‌های کمر و گردن، از درمان در بیمارستان محروم ماند. در

۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، رضا نوروزی به دلیل عدم تفکیک جرائم، توسط یک زندانی خطرناک مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت. این حوادث بارها به دلیل سیاست‌های مدیریتی محمد حاجی مزدارانی تکرار شده و جان زندانیان سیاسی را به خطر انداخت. در ۴ خرداد ۱۴۰۲ نیز میثم دهبان‌زاده و رضا نوروزی توسط مسئولان زندان به شدت ضرب و شتم شدند. دهبان‌زاده پس از این واقعه، تا ظهر روز بعد با دستبند به یک میله فلزی در زندان بسته شده بود.

جواد خیرخواهان در ۱۵ مرداد ۱۴۰۲ در تیپ ۵ زندان تهران بزرگ، با بریدن رگ دست خود اقدام به خودکشی کرد. پس از حمله به زندان اوین در ۴ تیر ۱۴۰۴، زندانیان به مراکز تحت مدیریت محمد حاجی مزدارانی منتقل گشتند. این افراد در شرایط نامناسبی از جمله تراکم بالای جمعیت و کمبود شدید آب آشامیدنی سالم نگهداری می‌شدند. عدم رعایت تفکیک جرائم در این دوران نیز همچنان یکی از اصلی‌ترین ابزارهای فشار بر زندانیان در دوران وی بود. در ۱۸ تیر ۱۴۰۴، سیامک امینی که به بیماری خودایمنی مبتلاست، از دسترسی به خدمات درمانی فوری و حیاتی محروم گشت. خانواده وی وضعیت نگهداری در زندان تحت نظر محمد حاجی مزدارانی را نامناسب و مخرب برای سلامت او توصیف کردند. در ۲ مهر ۱۴۰۴، گزارش‌هایی از ضرب و شتم بابک دادبخش توسط ماموران و انتقال وی به انفرادی منتشر گردید. بابک دادبخش قصد داشت وضعیت نامناسب زندان را به اطلاع مسئولان سازمان بازرسی برساند که مورد حمله قرار گرفت. در اثر این برخورد ماموران تحت امر محمد حاجی مزدارانی، بینی این زندانی ترک خورد و چشم او آسیب دید. وی پس از ضرب و شتم به سلولی منتقل شد که دسترسی تلفنی بسیار محدودی به دنیای خارج داشت. محمد حاجی مزدارانی از آذر ۱۴۰۴ به عنوان رئیس زندان اوین منصوب شد تا همان الگوهای سرکوب را ادامه دهد. سوابق وی در فشافویه نشان‌دهنده رویکردی است که در آن کرامت انسانی زندانیان به طور سیستماتیک نادیده گرفته می‌شود. وی با تکیه بر مناصب مدیریتی خود، ماشین سرکوب قضایی را در محیط زندان‌های تهران به حرکت درآورده است. محمد حاجی مزدارانی مسئولیت تمام فجایع انسانی رخ داده در این مراکز را بر عهده دارد.

سوابق سرکوب و قربانیان محمد حاجی مزدارانی
از ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ تا ۳۰ آذر ۱۴۰۴، مدیریت اردوگاه حرفه‌آموزی و کاردرمانی، سرپرست و سپس رئیس زندان تهران بزرگ (فشافویه)

رئیس زندان اوین (از ۳۰ آذر ۱۴۰۴ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات و نقض حقوق بشر محمد حاجی مزدارانی :

محمد شریفی مقدم، محمد ابوالحسنی، سعید تمجیدی، مصطفی عبدی، حمید کاشانی، محمد ترکمان، مجید کشوری، مسیب رئیسی یگانه، سعید کاوسی پور، پیمان پورداد، مجتبی نایری، مصطفی خسروی، محمود علی نقی، امیرحسین حاتمی، عباس دهقان، امیرحسین مرادی، حجت اله رافعی، شاهین ناصری، مهدی مسکین نواز، رضا نوروزی، بابک دادبخش، امیرحسین قناعتگر، میثم دهبان‌زاده، مجید روشن نژاد،

جواد خیرخواهان، سیامک امینی و قربانیان گروهی شامل بازداشت‌شدگان اعتراضات شهرپور و پاییز ۱۴۰۱ در تهران می‌باشند.

حافظی، محمود



سرهنگ پاسدار محمود حافظی، سرپرست کنونی پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان فارس و فرمانده پیشین انتظامی شهرستان رشت، در نقض حقوق شهروندان معترض در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ و اعمال خشونت سازمان‌یافته علیه زنان به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری، مسئولیت مستقیم دارد. اقدامات او شامل برخورد شدید با تجمعات صلح‌آمیز، بازداشت‌های خودسرانه، و پلمب گسترده واحدهای صنفی به بهانه «کشف حجاب» است

محمود حافظی، سرپرست فعلی پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان فارس، پیش‌تر فرمانده انتظامی شهرستان رشت بود. او در نقض حقوق شهروندان معترض در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ در رشت و همچنین نقض حقوق زنان در زمینه حجاب اجباری، مسئولیت مستقیم دارد. آغاز دور جدید اعتراضات گسترده مردمی در هفته آخر شهریور ۱۴۰۱ بود. این اعتراضات پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی در پی عملکرد گشت ارشاد، ابعادی بسیار وسیع به خود گرفت. این اعتراضات گسترده در بسیاری از نقاط کشور با برخورد شدید نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و دیگر نیروهای امنیتی سرکوب شد. در نتیجه این برخوردها، ده‌ها شهروند کشته و زخمی و بسیاری از شهروندان بازداشت شدند. بنا بر گزارش فعالان حقوق بشر، بخش قابل توجهی از نیروهای حاضر در سرکوب، مأموران یگان‌های مختلف فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا) بودند. استفاده بدون ضابطه این نیروها از تفنگ‌های ساچمه‌ای باعث مصدومیت شمار بالایی از معترضان شد. شهرستان رشت نیز یکی از مناطق کلیدی بود که مردم معترض به خیابان‌ها آمدند. این شهروندان با شدت توسط نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و دیگر نیروهای امنیتی سرکوب شدند. در جریان این سرکوب‌ها، دستکم ۸ شهروند در رشت کشته شدند. نام قربانیان شامل بهنام لایق پور، مازیار سلمانیان، محمدرسول مومنی زاده، امیرحسین مهدوی،

مهرگان زحمتکش، مائده جوانفر، منا چمنی و نوجوان ۱۷ ساله پویا (علی) احمدپور پسیخانی است. همچنین شماری از شهروندان بازداشت شدند

محمود حافظی همچنین در نقض حقوق شهروندان رشت، به‌ویژه حق آزادی بیان، حق آزادی، حقوق اجتماعی و حق اعتراض، مشارکت مستقیم داشته است. او به عنوان فرمانده انتظامی شهرستان رشت، در برابر عملکرد مأموران تحت فرمان خود در این زمینه مسئول است. در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، جانشین فرماندهی استان گیلان از بازداشت ۲۲ نفر در تجمع علیه گشت ارشاد در رشت خبر داد. در همین راستا، مأموران پلیس رشت در جریان تجمع اعتراضی آرام و صلح‌آمیز مردم سراوان در ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱، با حمله به شهروندان، علاوه بر ضرب و شتم، شماری از معترضان را بازداشت کردند. این شهروندان برای اعتراض به تخلیه زباله در جنگل‌های سراوان و اثرات تخریبی آن بر محیط زیست تجمع کرده بودند. تصاویر و ویدئوهای منتشرشده نشان می‌دهند که پلیس برای متفرق کردن شهروندان از شلیک تیر هوایی و گاز اشک‌آور استفاده کرده است. علاوه بر بازداشت شماری از شهروندان، دیگران نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. ویدئوهای منتشرشده به‌صراحت، اعمال خشونت مأموران پلیس در برخورد با تجمع‌کنندگان را نشان می‌دهد. همچنین تصاویری از جراحت و آسیب‌دیدگی شهروندان حاضر در تجمع در نتیجه ضرب و شتم پلیس منتشر شد. مجید رسول زاده، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی گیلان، بازداشت شهروندان را تأیید کرد و به نقل از وی، خبرگزاری صدا و سیما از بازداشت دستکم ۲۲ نفر از تجمع‌کنندگان خبر داد. به گفته این مقام پلیس استان گیلان، «در جریان بازگشایی مسیر [ورود خودروهای حامل زباله] چند تن از حاضران که قصد سوء استفاده از مطالبه به‌حق مردم و شرایط موجود را داشتند دستگیر و بازداشت شدند»

محدودیت‌ها و سرکوب‌ها در دوره فرماندهی محمود حافظی شامل نقض حق آزادی‌های فردی نیز می‌شد. در ۱۵ فروردین ۱۴۰۲، در پی انتشار تصاویری از موتورسواری دو مرد به همراه سرنشینان زن بدون حجاب در رشت، این شهروندان توسط مأموران انتظامی و اطلاعات شهرستان بازداشت شدند. در ۱ اردیبهشت ۱۴۰۲، مأموران انتظامی در تفریحگاه دریاچه سقالکسار رشت، به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری، با اعضای یک خانواده برخورد خشونت‌آمیزی داشتند و شماری را بازداشت کردند. علاوه بر برخوردهای فیزیکی، پلمب اماکن عمومی نیز به صورت گسترده انجام شد. کافه گالری چنار واقع در رشت، در ۲۵ خرداد ۱۴۰۲، به دلیل «کشف حجاب» در این واحد صنفی، توسط اداره اماکن عمومی پلمب شد. همچنین، کافه «دوپامین» در رشت، در ۱ آبان ۱۴۰۲، به دلیل «عدم رعایت عفاف و حجاب» توسط پلیس نظارت بر اماکن عمومی پلمب شد. در ۱۴ آذر ۱۴۰۲، ۱۲ گرداننده صفحات مجازی به دلیل انتشار «تصاویری از رقص و پایکوبی در معابر عمومی شهرستان رشت» توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند. در همان زمان، برای ۴ واحد صنفی به دلیل «برپاکردن رقص و آواز خوانی» اخطاریه پلمب صادر شد. در ۲۸ فروردین ۱۴۰۳، ویدئویی از درگیری مأموران پلیس امنیت اخلاقی با زنی جوان در رشت منتشر شد. این تصاویر حاکی از برخورد و دخالت نیروی انتظامی در پوشش زنان در شهرستان رشت است. این اقدامات نشان می‌دهد که نقض حقوق زنان تحت نظر محمود حافظی ادامه داشته است

حمیده زراعی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، در ۱۶ خرداد ۱۴۰۳ پس از حضور در شعبه سیزدهم دادگاه انقلاب رشت بازداشت شد. او به زندان لاکان این شهر منتقل گردید. بر اساس گزارش‌ها، پس از اجرای حکم دو سال تبعید خانم زراعی به شهرستان رشت، وی موظف بود که در فواصل زمانی سه‌روزه در کلانتری ۱۴ گلزار این شهر اعلام حضور کند. مأموران کلانتری حضور خانم زراعی در این محل را مشروط به پوشیدن چادر کرده بودند. این امر مخالفت این زن معترض به حجاب اجباری را به همراه داشت. سرانجام رئیس کلانتری از او خواست که از حضور مجدد در این محل خودداری کند. خانم زراعی در پی امتناع از اعلام حضور مبنی بر تداوم سکونت در شهر تبعیدشده، به دادگاه انقلاب رشت احضار و بازداشت شد. این نمونه نشان‌دهنده تداوم فشارهای امنیتی و انتظامی در حوزه حجاب اجباری است. محمود حافظی با توجه به مناصب قبلی خود، سابقه فعالیت در نهادهای امنیتی در مناطق مختلف را دارا است. تمام این موارد، مسئولیت محمود حافظی در نقض حقوق بشر و شهروندی در رشت را برجسته می‌سازد.

سوابق سرکوب و قربانیان نقض حقوق بشر محمود حافظی
فرمانده انتظامی شهرستان بندرلنگه در استان هرمزگان اردیبهشت ۱۳۹۴ تا آبان ۱۳۹۹

فرمانده انتظامی شهرستان رشت در استان گیلان آبان ۱۳۹۹ تا کنون

سرپرست پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان فارس ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ تا کنون (آذر ۱۴۰۴)

قربانیان نقض حقوق بشر تحت مسئولیت محمود حافظی

افراد متعددی در جریان اقدامات سرکوبگرانه و برخوردهای انتظامی تحت فرماندهی محمود حافظی، حقوقشان نقض شده یا جان خود را از دست داده‌اند

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمود حافظی :

امیرحسین مهدوی بهنام لایق پور همایون خانلری مانده جوانفر مازیار سلمانیان مهرگان زحمتکش
محمدرسول مومنی زاده منا چمنی عابد توانچه علی احمدی المیرا بهمنی ایلیا آتشکار لاله محمدی پویا
(علی) احمدپور پسیخانی سهیل خوشدل حمیده زراعی یوسف مرادی

قربانیان گروهی: شهروندان عادی شهرستان رشت معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان رشت.

حبیبی، محمد رضا



محمدرضا حبیبی، با تصدی مناصب کلیدی چون دادستان عمومی و انقلاب اصفهان و رئیس کل دادگستری یزد و اصفهان، مسئولیت مستقیم در سرکوب و نقض حقوق بنیادین شهروندان از جمله حق حیات، حق اعتراض و ممنوعیت شکنجه در این استان‌ها داشته است. اقدامات او شامل صدور احکام اعدام، مشارکت در شکنجه از قبیل قطع عضو و تشدید سرکوب اعتراضات سراسری و محدودسازی فضای مجازی بوده است

محمدرضا حبیبی در مقام‌های قضایی خود، نقشی مستقیم و بسیار مهم در پایمال کردن حق اعتراض شهروندان در ایران ایفا نموده است. او در زمان وقوع اعتراضات سال ۱۳۸۸ در ایران، به عنوان دادستان اصفهان، فرمان بازداشت و پیگیری قضایی تعداد کثیری از معترضان را صادر کرد. تنها ۴ روز پس از شروع اعتراضات در تاریخ ۲۷ خرداد ماه ۱۳۸۸، حبیبی خود از دستگیری ۲۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان در تجمعات خبر داد

افزون بر این، محمدرضا حبیبی در سرکوب و نقض شدید حق اعتراض شرکت‌کنندگان در اعتراضات سراسری دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ نیز مستقیماً نقش داشته است. او در تیر ماه ۱۳۹۸، پس از اعلام اتمام بررسی پرونده ۱۶ نفر از دستگیرشدگان اعتراضات دی ماه ۹۶، بیان کرد که: «این افراد از شروران منطقه خمینی شهر و جوی آباد بوده‌اند که دارای سابقه کیفری از جمله قاچاق سلاح و مواد مخدر بوده‌اند

در تیر ماه ۱۳۹۹ نیز محمدرضا حبیبی با اعلام «ثابت شدن اتهام افساد فی الارض» برای ۸ نفر از معترضان اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸، به شهروندان اصفهانی اخطار داد که در صورت تکرار اعتراضات مشابه، «دستگاه قضایی برخورد قاطعانه» خواهد کرد

در همین مقطع زمانی، نصرالدین صالحی، دادستان عمومی و انقلاب شاهین شهر و میمه در استان اصفهان، از صدور احکام اعدام، حبس و تبعید برای معترضان بازداشت شده اعتراضات آبان ماه ۹۸ در این دو شهر گزارش داد. او تأکید کرد که این احکام قطعی بوده و به زودی به اجرا در خواهند آمد. محمدرضا حبیبی در آذر ماه ۱۳۹۸ همچنین از دستگیری یک فعال رسانه‌ای به دلیل فعالیت در تلگرام خبر داد. او گفته بود: «فضای مجازی رها شده است اما اجازه هرگونه افترا را در این فضا نمی‌دهیم، شاهد تهمت‌هایی در فضای مجازی هستیم

محمدرضا حبیبی از مدافعان سرسخت مجازات مرگ در ایران بوده و علاوه بر تأثیری که در صدور احکام اعدام در کشور داشته، خود به وضوح از این کیفر دفاع کرده است

در آذر ماه ۱۳۹۳، او در مقام رئیس دادگستری استان یزد، ضمن انتقاد از طرح آن زمان مجلس برای لغو مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر، از حفظ و اعمال این مجازات دفاع نمود

محمدرضا حبیبی همچنین به واسطه سمت‌های قضایی که در اختیار داشته، در صدور و اجرای احکام اعدام، نقشی مستقیم و اساسی ایفا کرده است. به عنوان یک مورد مشخص، او در دی ماه ۱۳۸۹، در جایگاه دادستان عمومی و انقلاب اصفهان، با اعلام اعدام ۴ نفر به جرم قاچاق مواد مخدر و با اتهام «محاربه و افساد فی الارض»، از صدور کیفرخواست دیگری با همین اتهام برای ۳ زندانی دیگر به دلیل سرقت مسلحانه خبر داد

محمدرضا حبیبی، در مقام دادستان عمومی و انقلاب اصفهان، نقش اصلی را در صدور و اجرای حکم اعدام عبدالله و محمد فتحی برادران فتحی داشته است. این دو برادر که به دلیل سرقت مسلحانه بازداشت و از سوی دادستانی متهم به «محاربه» شده بودند، در حالی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۰ با حکم مجازات مرگ اعدام شدند که بر اساس گزارش‌ها و مستندات سازمان‌های حقوق بشری، ابهامات بسیاری در پرونده آنان وجود داشت. طبق این گزارش‌ها، این دو برادر به شدت در زندان تحت شکنجه قرار گرفته و مجبور به اعتراف علیه خود شده بودند

علاوه بر این، دلایلی مبنی بر سابقه ابتلای این دو برادر به بیماری روانی وجود داشته است، اما این موضوع از سوی دادگاه مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است. محمدرضا حبیبی خود اعتراف کرده است که تنها در سال ۱۳۹۱ و در دوران تصدی مقام دادستانی اصفهان توسط او، ۴۰ نفر به اتهام قاچاق مواد مخدر اعدام شدند

محمدرضا حبیبی در دوران ریاست خود بر دادگستری استان یزد نیز در برابر صدور و اجرای احکام اعدام در این استان، مسئولیت مستقیم دارد. او خود در آذر ماه ۱۳۹۳، خبر از اعدام فردی به اتهام قتل عمد یک کودک ۹ ساله داد

در اسفند ۱۳۹۵ نیز به گفته حبیبی، ۲ نفر دیگر به اتهام قتل عمد و قاچاق مواد مخدر در یزد به چوبه‌دار سپرده شدند. در آبان ۱۳۹۶، زندانی دیگری به اتهام قتل عمد در یزد اعدام گردید، در حالی که قاتل اصلی با رضایت شکات پرونده بخشیده شده و از زندان آزاد گشته بود

بر اساس گزارش‌های منابع حقوق بشری، علی‌سالاری که در این پرونده اعدام شد، صرفاً به دلیل پناه دادن به قاتل اصلی به مشارکت در قتل متهم گردید و در نهایت به درخواست اولیای دم، اعدام شد. در زمان ریاست محمدرضا حبیبی بر دادگستری اصفهان نیز، دستکم ۲ متهم به اتهام قتل عمد در خرداد و مهر ۱۳۹۸ اعدام شدند

در بحث شکنجه، محمدرضا حبیبی در جایگاه دادستان اصفهان، در اجرای مجازات قطع عضو که به عنوان مصداق بارز شکنجه شناخته می‌شود، مشارکت داشته و در مقابل آن مسئول است. او در شهریور ماه ۱۳۹۳، در مراسم تودیع خود، از اجرای دستکم ۵ مورد مجازات قطع دست در یک سال گذشته در زندان‌های استان اصفهان خبر داد. به گفته حبیبی: «طی ۱ سال گذشته ۵ فقره قطع ید به عنوان حد شرعی از سارقان با سابقه در زندان اجرا شده که به دلیل دشمنی‌های بیرونی رسانه‌ای نشده است، اما به اعتراف مأموران نیروی انتظامی این اقدام تأثیر خوبی را بر جامعه گذاشته و میزان جرم و جنایت را کاهش داده است»

سوابق سرکوب، قربانیان جنایات و تحریم‌های بین‌المللی علیه محمدرضا حبیبی عملکرد محمدرضا حبیبی در طول سال‌های تصدی مناصب قضایی، وی را در کانون توجه نهادهای حقوق بشری بین‌المللی قرار داده است. اتحادیه اروپا او را به دلیل عملکرد ضد حقوق بشری خود، به‌ویژه در دوران دادستانی اصفهان، از مهر ماه ۱۳۹۰ در فهرست تحریم‌های حقوق بشری خود گنجانده است. محمدرضا حبیبی با سوابق گسترده در مقامات ارشد قضایی دو استان مهم ایران، در نقض بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی شهروندان در اعتراضات و اجرای احکام سنگین، نقش غیرقابل انکاری داشته است

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمدرضا حبیبی عبارت است از :

شهریور ۱۳۹۳: دادستان عمومی و انقلاب استان اصفهان – ۱۳۸۶

شهریور ۱۳۹۳ – خرداد ۱۳۹۸: رئیس کل دادگستری استان یزد

خرداد ۱۳۹۸ – ۱۳ آبان ۱۴۰۰: رییس کل دادگستری استان اصفهان

از ۱۳ آبان ۱۴۰۰ عضو معاون در شعبه دیوان عالی کشور

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمدرضا حبیبی عبارتند از:

محمد فتحی

عبدالله فتحی

علی سالاری

معترضان گروهی

معترضان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸

معترضان اعتراضات سال ۱۳۸۸

معترضان اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶

حسن پور ، علی



مزدور بسیجی علی حسن پور عضو شورای شهر سیاه گلده لنگرود گیلان که در پوشش کاسب دوره گرد و بساطی به خبرچینی برای سپاه مشغول است. در قیام ملی دیماه با شلیک مستقیم به سرمعترضین نقش فعالی داشته است.

حسنعلی زاده ، حامد



کارمند پدافند هوایی و قاتل مردم بی دفاع . متولد خوی . نام پدر : محرم . آدرس : پرند ، فاز 6 ، هسا 3
مجتمع 451 طبقه 4 ، واحد 19
حسنی اعتماد ، بهروز



بهروز حسنی اعتماد در مقام ریاست شعبه ۷ دادسرای امنیت و نماینده سابق دادستان، مسئولیت مستقیم بازداشت‌های گسترده، صدور کیفرخواست‌های منجر به اعدام و برخورد با وکلای دادگستری را بر عهده دارد. وی با هدایت پرونده‌های امنیتی و اعمال فشار سیستماتیک بر مدافعان حقوق بشر، از مهره‌های کلیدی در ساختار نقض حقوق بنیادین شهروندان و فعالان مدنی است

بهروز حسنی اعتماد در جایگاه ریاست شعبه ۷ دادسرای امنیت تهران، در تضییع حقوق بشر و کلا، حقوق‌دانان و اعضای کانون وکلای دادگستری ایران مسئولیت مستقیم دارد. این مقام قضایی که خود سابقه وکالت دارد، در دادگاه‌های فعالان سیاسی و بازداشت‌شدگان جنبش اعتراضی ۱۴۰۱ نیز به عنوان نماینده دادستان نقش ایفا کرده است. وی با قرائت کیفرخواست در این جلسات محاکمه، عاملیت مستقیمی در نقض حقوق شهروندی و انسانی این افراد داشته است. برخی از این شهروندان بر اساس متن کیفرخواست‌هایی که توسط بهروز حسنی اعتماد قرائت شده، به احکامی نظیر اعدام محکوم شده و در نهایت اعدام گشتند. در تاریخ ۱۷ آذر ۱۴۰۱، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام نمود که محسن شکاری، فرزند مسعود، از بازداشت‌شدگان اعتراضات تهران اعدام شده است. محسن شکاری در ۳ مهر ۱۴۰۱ دستگیر و در ۱۰ آبان همان سال توسط دادگاه انقلاب تهران به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد. اتهامات وی شامل کشیدن سلاح، ایجاد رعب، سلب آزادی مردم، جرح عمدی مامور بسیج و مسدود کردن خیابان ستارخان بود. بهروز حسنی اعتماد به عنوان نماینده دادستان در جلسه دادگاه محسن شکاری حضور داشت و کیفرخواست او را رسماً قرائت کرد. این اقدامات نشان‌دهنده مشارکت فعال وی در فرآیند قضایی است که منجر به سلب حق حیات از معترضان گردید. وی با تکیه بر جایگاه قانونی خود، مسیر صدور احکام سنگین را برای دستگاه قضایی هموار کرد. این شیوه برخورد، بخشی از راهبرد گسترده‌تر برای خاموش کردن صدای اعتراضات مردمی در پایتخت بود.

پرونده جمشید شارمهد و اتهام افساد فی‌الارض توسط نماینده دادستان بهروز حسنی اعتماد در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۴۰۰، در مقام نماینده دادستان در دادگاه جمشید شارمهد، اقدام به قرائت کیفرخواست دادستانی انقلاب علیه وی کرد. وی در این متن قضایی، شارمهد که شهروند دوتابعیتی ایرانی-آلمانی است را به افساد فی‌الارض متهم نمود. حسنی اعتماد برای اثبات ادعای خود به مواردی استناد کرد که آن‌ها را اقراریه متهم نامید و مدعی ارتباط او با سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا شد. وی در کیفرخواست خود بر همکاری شارمهد با سازمان‌های جاسوسی نظیر سی‌ای‌ای و اف‌بی‌آی به طور ویژه تاکید ورزید. در نهایت، در تاریخ ۲ اسفند ۱۴۰۱، مرکز رسانه قوه قضاییه اعلام کرد که جمشید شارمهد به اتهام افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شده است. غزاله شارمهد، فرزند وی، پیش از

این از روند رسیدگی به پرونده و محل نگهداری پدرش ابراز بی‌اطلاعی کرده بود. به گفته وی، مقامات قضایی اجازه دسترسی وکیل انتخابی خانواده به پرونده را نداده و پدرش در انفرادی مجبور به امضای برگه‌هایی شده است. بهروز حسنی اعتماد همچنین در جلسات محاکمه میلاد حاتمی در مهر ۱۴۰۱، اتهامات مشابهی را در قالب کیفرخواست مطرح کرد. وی میلاد حاتمی را به افساد فی‌الارض از طریق اشاعه گسترده فساد، اخلال در نظام پولی، پولشویی و دایر کردن مرکز قمار متهم ساخت. این پرونده‌ها نشان‌دهنده نقش کلیدی وی در پیشبرد سناریوهای امنیتی علیه شهروندان دوتابعیتی و سایر متهمان در دادگاه‌های انقلاب است. او با استفاده از ادبیات اتهامی شدید، زمینه را برای صدور احکام حداکثری در این دادگاه‌های ویژه فراهم کرده است.

در اردیبهشت ۱۴۰۲، تعدادی از وکلای دادگستری در فضاهای مجازی از احضار خود به دادرسی امنیت تهران توسط بهروز حسنی اعتماد خبر دادند. وجه اشتراک تمام این ابلاغیه‌ها، بی‌اطلاعی کامل وکلای احضار شده از نوع اتهامات منتسب به خودشان بود. در متن این ابلاغیه‌ها صراحتاً ذکر شده بود که «نتیجه عدم حضور، جلب است» که نشان‌دهنده برخورد قاطع و غیرقابل مذاکره با این صنف است. یک وکیل دادگستری به فعالان حقوق بشر گزارش داد که احضارشدگان با تعهدنامه‌ای به نام «لزوم پایبندی به قانون و اصول نظام» مواجه شده‌اند. این تعهدنامه‌ها از نظر محتوا با تعهدنامه موسوم به «عفو» که از معترضان بازداشتی گرفته می‌شد، کاملاً یکسان بوده است. تمامی این احضارهای اجباری توسط شعبه ۷ دادرسی امنیت تهران، مشهور به دادرسی اوین، صورت گرفته که ریاست آن بر عهده بهروز حسنی اعتماد است. بر اساس گزارش‌های موجود، دست‌کم ۲۰ وکیل دادگستری تا تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۲ هدف این برخوردهای قضایی قرار گرفته‌اند. پرونده‌های تشکیل شده برای این حقوق‌دانان به وقایع و فعالیت‌های آنان در سال ۱۴۰۱ بازمی‌گردد. بهروز حسنی اعتماد با این اقدامات، استقلال نهاد وکالت را هدف قرار داده و فضایی از ارعاب را برای مدافعان حقوقی ایجاد کرده است. احضار وکلای سرشناس نشان می‌دهد که این شعبه به دنبال قطع دسترسی معترضان به وکلای مستقل و جسور است. این رویه تحت مدیریت وی، عملاً حق دفاع مشروع متهمان را در پرونده‌های امنیتی با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

روند احضارها در شعبه تحت مدیریت بهروز حسنی اعتماد در اواخر اردیبهشت ۱۴۰۲ با شدت بیشتری دنبال شد. در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲، محمدهادی جعفرپور، وکیل دادگستری، ابلاغیه‌ای برای حضور در شعبه ۷ دادرسی اوین دریافت کرد. طبق این دستور قضایی، وی موظف بود در روز ۱ خرداد ۱۴۰۲ جهت پاسخگویی در این شعبه حاضر شود. همچنین محمدحسین آقاسی، دیگر وکیل برجسته، در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ به این مرکز قضایی فراخوانده شد. پس از حضور آقای آقاسی در شعبه ۷ بازپرسی، به دلیل فعالیت‌هایش در فضای مجازی درباره اعتراضات، پرونده جدیدی علیه وی گشوده شد. بهروز حسنی اعتماد با بازرسی دقیق فعالیت‌های صنفی و رسانه‌ای وکلا، کوچک‌ترین نقدها را به عنوان جرائم امنیتی تلقی کرده است. این مقام قضایی با استفاده از ابزارهای نظارتی، فشار بر وکلایی که پرونده‌های حساس را قبول می‌کنند، به حداکثر رسانده است. نام‌های متعددی نظیر ثمین چراغی، حسن یونسی و علی مجتهدزاده در فهرست احضارشدگان این شعبه به چشم می‌خورد. همچنین

وکلائی چون علی شریفزاده، ابوالفضل حمزه و پریسا صادقی نیز با دستورات مستقیم وی تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. این رویکرد حذفی، بخشی از پروژه بزرگتر برای تبدیل دادسرا به ابزاری جهت کنترل کامل جامعه حقوقی کشور است. بهروز حسنی اعتماد با اجرای این طرح‌ها، نقش مهمی در تضعیف حاکمیت قانون و تقویت ساختارهای سرکوبگر قضایی ایفا نموده است. هرگونه فعالیت در جهت حمایت از حقوق بازداشت‌شدگان، در این شعبه با برخوردهای انضباطی و قضایی سخت مواجه می‌شود.

سوابق سرکوب و قربانیان بهروز حسنی اعتماد
نماینده سابق دادستان عمومی و انقلاب تهران در دادگاه‌های انقلاب،

رئیس شعبه ۷ دادسرای امنیت تهران (از سال ۱۴۰۲ تاکنون)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات و نقض حقوق بشر بهروز حسنی اعتماد :

جمشید شارمهد، محسن شکاری، میلاد حاتمی، میلاد حاتم آبادی، ثمین چراغی، حسن یونسی، علی مجتهدزاده، علی شریفزاده، ابوالفضل حمزه، پریسا صادقی، سعید شیخ، ابوذر نصراللهی، سارا حمزه زاده، میترا ایزدی فر، امیرحسین غفاریان، محمدعلی کامفیروزی، مرجان اصفهانیان، محمد لواسانی، محمدحسین آقاسی، محمدهادی جعفرپور، محمد سیف‌زاده، احسان حقی، محمود صادقی، امید عادل احمدیان، توتیا پرتوی آملی، یاشار کاظمی، شایان زادگان، فروغ شیخ الاسلامی، علیرضا سیدآقایی، رضوان عباسی فرج زاده، محمدرضا فرد پارسا، پریسا قاسمی، مهدی کریمی فارسی، الهام ایوبی، الناز مقیمی، مصطفی شعبانی، مهران حیدری، مجید صبور، محبوبه جودکی، لیلا قاسمی پاشاکی، بهاره فشارکی، زهرا میربیک درویشوند

قربانیان گروهی نیز شامل وکلای دادگستری، کانون وکلای دادگستری، فعالین سیاسی، زندانیان سیاسی در ایران، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در ایران می‌شوند.

حسنی ، حبیب



خبر چین وزارت اطلاعات در همدان که در شناسائی و معرفی معترضین نقش فعالی داشته است.

حسینی ، صادق



سرتیپ دوم جنایتکار سید صادق حسینی فرمانده سپاه بیت المقدس کردستان

حسینی ، عباس



سیدعباس حسینی در مقام فرماندار و رئیس شورای تامین پیشین آمل، مسئولیت مستقیم تیراندازی به معترضان و بازداشت‌های گسترده شهروندان را بر عهده داشته است. او با هدایت نهادهای انتظامی، نقشی کلیدی در جانباختن چندین شهروند و نقض سیستماتیک آزادی‌های فردی ایفا کرد

سیدعباس حسینی به عنوان فرماندار پیشین آمل، در تمامی وقایع مرتبط با نقض حقوق بشر توسط نیروهای انتظامی این شهرستان مسئولیت دارد. او در جریان اعتراضات گسترده شهریور و پاییز ۱۴۰۱، ریاست شورای تامین این شهر را بر عهده داشت. این اعتراضات که پس از جان باختن مهسا امینی در تهران آغاز شد، در آمل با برخورد شدید نیروهای تحت امر سیدعباس حسینی روبرو گشت. بر اساس گزارش‌های معتبر حقوق بشری، دست‌کم ۱۱ شهروند در این شهر به ضرب گلوله مستقیم کشته شدند. سیدعباس حسینی به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی، ناظر بر استفاده از سلاح‌های ساچمه‌زنی علیه مردم بوده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که نیروهای امنیتی بالاتنه و صورت معترضان را هدف قرار داده‌اند. همچنین استفاده مکرر از سلاح کمری برای برخورد با شهروندان در اسناد حقوق بشری ثبت شده است. سیدعباس حسینی در جایگاهی بود که می‌توانست از اعمال خشونت عریان علیه مردم جلوگیری کند. با این حال، در دوران مدیریت وی، آمل به یکی از نقاط بحرانی و پر تلفات تبدیل شد. نام‌هایی چون غزاله چلاوی و عرفان رضایی از جمله قربانیانی هستند که در زمان مسئولیت او جان باختند. شلیک گاز اشک‌آور به مراسم چهلم جان‌باختگان نیز از دیگر اقدامات سرکوبگرانه در دوره اوست. سیدعباس حسینی باید پاسخگوی تمامی این اقدامات قهرآمیز باشد.

در جریان سرکوب‌های خیابانی، سیدعباس حسینی بر فرآیند بازداشت گسترده شهروندان و دانشجویان آملی نظارت کامل داشت. تنها در آخرین روزهای شهریور ۱۴۰۱، خبر بازداشت دست‌کم ۵۰ شهروند در این شهرستان رسانه‌ای شد. سیدعباس حسینی به عنوان رئیس شورای تامین، مسئولیت نگهداری این افراد در شرایط دشوار زندان را بر عهده دارد. در ۱۶ آبان ۱۴۰۱ نیز فرمانده انتظامی آمل از دستگیری ۱۶ نفر دیگر تحت عنوان لیدری خبر داد. دانشجویان و نخبگان آمل از جمله اقشاری بودند که هدف این برخوردها قرار گرفتند. سیدعباس حسینی در حالی ریاست اجرایی شهر را داشت که کودکان نیز از بازداشت‌ها مصون نماندند. افرادی چون ارمیا کرد و حسین ابراهیم‌پور در زمره کودکانی هستند که بازداشت شدند. این دستگیری‌ها بدون رعایت استانداردهای قانونی و با هدف ایجاد رعب و وحشت انجام شد. سیدعباس حسینی با تکیه بر جایگاه خود، مسیر را برای نهادهای امنیتی جهت سرکوب صداها و معترض هموار کرد. فاطمه‌زهره صحرارگرد و شورا فکری از جمله زنانی بودند که در این دوران بازداشت شدند. مداخلات سیدعباس حسینی تنها به اعتراضات محدود نماند و به حریم خصوصی مردم نیز کشیده شد. در مرداد ۱۴۰۱، وی بر بازداشت ۲۷ نفر از اعضای یک تور گردشگری نظارت داشت. این برخوردها نشان‌دهنده نگاه امنیتی سیدعباس حسینی به تمامی شئون زندگی شهروندان است.

سوابق سرکوب و نقش سیدعباس حسینی در ساختار قدرت سیدعباس حسینی طی سال‌های اخیر در سطوح مختلف مدیریتی استان مازندران حضور فعال داشته است. سوابق وی به خوبی نشان‌دهنده جایگاه او در بدنه اجرایی و امنیتی منطقه است:

معاون پیشین مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی استان مازندران

سرپرست و سپس فرماندار شهرستان آمل از ۲۵ دی ۱۴۰۰ تا ۸ خرداد ۱۴۰۲

مشاور و سرپرست حوزه استانداری مازندران از ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

سیدعباس حسینی در زمان وقوع اعتراضات ۱۴۰۱، به عنوان فرماندار، فرماندهی عالی نیروهای انتظامی شهرستان را بر عهده داشت. طبق قوانین جاری، تمامی نهادهای انتظامی در سطح شهرستان تابع دستورات و سیاست‌های فرمانداری هستند. سیدعباس حسینی با استفاده از این اختیارات، از ابزارهای سخت برای خاموش کردن اعتراضات استفاده کرد. وی حتی پس از پایان دوره فرمانداری، به دلیل خدماتش در سرکوب، به پست‌های حساس‌تری منتقل شد. حضور او در حوزه استانداری نشان از تداوم نفوذ وی در سیاست‌های کلان استان دارد. سیدعباس حسینی به عنوان یکی از مهره‌های کلیدی در مدیریت بحران‌های اجتماعی مازندران شناخته می‌شود. او با نادیده گرفتن حقوق بنیادین مردم، مسیر ارتقای شغلی خود را در ساختار قدرت طی کرده است. کارنامه او در آمل همواره با خاطره تلخ جان‌باختگان آن سال همراه خواهد بود. سیدعباس حسینی باید در قبال دستورات صادر شده در شورای تامین پاسخگو باشد.

فهرست قربانیان و تداوم نقض حقوق بشر در آمل

سیدعباس حسینی با عملکرد خود، لیست بلندی از قربانیان فردی و گروهی بر جای گذاشته است. نام برخی از افرادی که توسط دستگاه تحت امر او آسیب دیده‌اند به شرح زیر است: محمد فلاح، سید سینا موسوی، فاطمه‌زهره صحرانگرد، شورا فکری، سحر نیک‌منش، ابوالفضل قاسمی، امیرعلی سلیمانی، امیرحسین سلیمانی، امیرمحمد علیزاده، امیررضا غلامپور، آرش امیرمکرمی، اشکان ولایی، عرفان رضایی نوایی، غزاله چلاوی، مرضیه زیاری، احمد اختر، علیرضا کلته، علی ولی‌پور، شهرام تاجیک، سعید اشویی، سجاد دریاباری، سید علیرضا حریربافان، سیده افروزه حریربافان، شهاب شکوری، شهرام جمالی، سهراب تقی‌زاده، زهرا تیزتگ، آرین زابلی، بابک کیا، جواد حسینی گودرزی، خدایار خسروداد، دانیال راعی، رامین محمودیان، رضا اکبرزاده، علی بخشی، امیرعلی کیوانپور، امیرحسین نجوار، ارمیا کرد، فرهان آذری، فاطمه حسینی، همتا قاسمی، کسرا جلیلیان، کمیل قاسمتبار، مریم نجاتی، مهدی حسین‌زاده، مهدی شابابازاده، مهدی طهماسبی، مهرداد حسن‌زاده، میلاد حسن‌زاده، مبینا موسوی، محمدعرفان افشاری، محمدحسن احمدپور، محمدحسین فیروزی، مرتضی قاسمی، مصطفی حسین‌زاده، مصطفی لطفی، نیلوفر رضوان، شهیار صداقت، طاها کیانی، علی محمدزاده، حدیث کرمی، حسین ابراهیم‌پور

قربانیان گروهی شامل شهروندان عادی آمل و معترضان اعتراضات ۱۴۰۱ در این شهرستان هستند. سیدعباس حسینی به عنوان یکی از مسئولان اصلی این فجایع، همچنان در مناصب حکومتی حضور دارد. بررسی دقیق عملکرد سیدعباس حسینی نشان‌دهنده ترجیح منافع سیاسی بر جان شهروندان است. او با تایید بازداشت‌های فله‌ای، حق دادرسی عادلانه را از بسیاری از جوانان سلب کرد.

حسینی ، مجتبی



آخوند سید مجتبی حسینی عضو مجلس خبرگان رهبری در استان خراسان و نماینده سید علی خامنه ای در کشور عراق . آخوند حسینی از بدو پیروزی فتنه خمینی در سال 57 فعالیت‌های تبلیغی وسیعی در ارگانه‌های مختلف از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشت و به موازات آن سفرهای تبلیغی زیادی به کشورهای مختلف (لبنان، سوریه، هند، پاکستان، لیبی، ترکیه، عربستان) و پس از شروع دفاع مقدس به جبهه های نبرد ایران و عراق انجام داد. وی از سال 1375 ه.ش به مدت 7 سال با حکم مقام معظم رهبری نماینده او در امور اهل سنت استان سیستان و بلوچستان بود و در همین مدت به نمایندگی از مردم این استان به مجلس خبرگان رهبری راه یافت. آخوند سید مجتبی حسینی در سال 1382 ه.ش با حکم ویژه ای از جانب سید علی خامنه ای به نمایندگی ایشان و امامت جمعه و تولیت مصلاى حضرت زینب منصوب شد. شایان ذکر است 4 سال اخیر مسؤولیت ایشان همزمان با بحرانهای سوریه و لبنان بود که علی رغم ناامنی های شدید در تمام مدت در منطقه حضور داشته و نقش مهمی در دفاع از حرم مطهر حضرت زینب سلام الله علیها ایفاء کردند!!! آخوند حاج سید مجتبی حسینی با توجه به سابقه موفق حضور در سوریه، در پی فوت مرحوم آیت الله آصفی، با حکم مقام معظم رهبری به نمایندگی معظم له در سال ۱۳۹۴ در آن سامان منصوب گردید و هم اکنون عهده دار این مسؤولیت خطیر است

حسینی ، موسی



سرتیپ دوم پاسدار فرمانده جنایتکار سپاه نینوا در استان گلستان .او پیش از این فرمانده انتظامی استان سمنان بود.

حسینی نسب، مجتبی



مزدور بسیجی مجتبی حسینی نسب از سال ۱۳۹۸ در سازماندهی نیروهای بسیجی برای مقابله با اعتراضات و حضور در سرکوب‌ها در کردستان نقش داشته است. وی با لباس شخصی فعالیت می‌کند و ساکن روستای وینسار، شهرستان قروه، استان کردستان معرفی شده است.

حقی ، علی



مزدور بسیجی علی حقی، رئیس پایگاه شهید علی هائفی در روستای تفریجان همدان که در شناسایی و معرفی معترضان نقش داشته است. برای معرفی افراد شرکت‌کننده در اعتراضات، پاداش مالی در نظر گرفته می‌شده است.

حقیقی ، فراز



سرکوبگر و خبر چین اطلاعات سپاه پاسداران در رشت . او در سرکوب خونین قیام ملی در دیماه 2584 نقش فعالی در رشت داشته است.

حیدری ، مهران و مهرداد



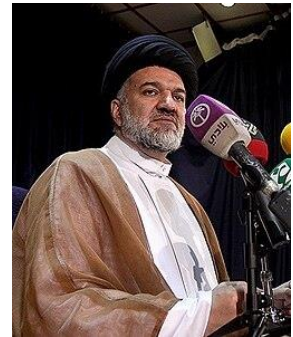
دو برادر مزدور بسیجی و اوباش اطلاعاتی در کرج که در شناسایی و سرکوب وحشیانه قیام ملی دیماه 2584 نقش فعالی داشته اند. محل زندگی: کرج، گوهردشت، باغستان، خیابان ۲۳ غربی
محل کار: باغستان، خیابان تختی، کافه دوقلوها

خدائی خندان ، محسن



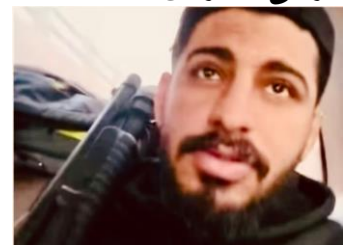
سرکوبگر و مزدور بسیجی در شهرستان نهاوند

خرازی ، محمد باقر



آخوند دیوانه ، روان پریش و مخوف ، دبیرکل حزب الله ایران سید محمد باقر خرازی که فتوای قتل عام زنان بی حجاب را صادر و خواهان بمب اتمی و استفاده از آن برای نابودی اسرائیل است. او برادر عروس خامنه ای (زن مسعود خامنه ای) است و از نزدیکان مجتبی خامنه ای است. هدایت بسیجی ها و گردآوری آنها در خیابان به منظور مقابله با اصلاح طلبان و حذف آنها از کار های اوست. برادرش محد صادق خرازی و عمویش کمال خرازی است. او باور دارد که رفاه یک بسیجی و پاسدار و حزب الهی باید بیشتر از دکتر و مهندس در ایران اسلام زده باشد. او میگوید : اگر آمریکا جزیره خارک را تسخیر کند ، ما هم امارات را تصرف می کنیم!!

خرانی ، عرفان



سرکوبگر، فاسد و متجاوزگر، مامور مخفی اطلاعات سپاه، خبرچین و مزدور ساکن کرج و از عوامل کلانتری ۱۲ رسالت عظیمیه کرج شماره تلفن این قاتل وحشی: ۰۹۲۲۱۲۲۳۲۳۸.

خشرو ، میلاد



عضو فعال و مسلح سپاه در شهر فیروزان همدان است که در اعتراضات ۱۹ و ۱۸ دی ۱۴۰۴ از پشت به معترضان شلیک می کرده است.

خلج زاده ، مهدی



مزدور بسیجی مهدی خلج زاده فرمانده پایگاه بسیج شهید چراغی کرج . آدرس مغازه این ددمنش جنایتکار : کرج ، خیابان میان جاده ، تلا فروشی سارا بانو



سرتیپ دوم پاسدار علی خلیلی در مناصب کلیدی قرارگاه ثارالله تهران، نقش مستقیمی در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات سال ۱۳۸۸ و آبان ۱۳۹۸ داشته است. او مسئولیت پنهان‌کاری درباره تلفات معترضان، جلوگیری از ارائه مدارک پزشکی و صدور دستورات سرکوب‌گرانه را بر عهده داشته است

علی خلیلی در جایگاه یکی از مسئولان ارشد قرارگاه ثارالله تهران، در نقض حق اعتراض و حق حیات شهروندان در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ مشارکت مستقیم داشته است. این قرارگاه مسئولیت اصلی تأمین امنیت تهران و برخورد با معترضان را بر عهده داشت. بر اساس تأیید صریح فرماندهان سپاه پاسداران، از جمله عبدالله عراقی، فرمانده وقت سپاه محمد رسول الله تهران، قرارگاه ثارالله نقش محوری را در سرکوب اعتراضات سال ۱۳۸۸ ایفا کرده است

اسماعیل کوثری، از فرماندهان ارشد سپاه با سابقه حضور در این قرارگاه، نقش سپاه را در سرکوب معترضان تأیید کرد. کوثری در آبان ماه ۱۳۸۸ اظهار داشت: «در حوادثی که بعد از ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ پیش آمد، ابتدا وزارت اطلاعات و ناجا وارد عمل شدند». وی افزود: «ولی بعد که دامنه اغتشاشات و «درگیری‌ها گسترده شد، قرارگاه ثارالله طبق تشخیص شورای عالی امنیت ملی وارد عمل شد

عبدالله عراقی در مهرماه ۱۳۸۸ نقش سپاه محمدرسول الله و قرارگاه ثارالله را در سرکوب معترضان تأیید کرد. او گفت: «نیروی انتظامی اعلام کرد احتیاج به کمک بسیجیان برای کنترل اغتشاشات دارد». وی افزود: «نیروهای بسیجی وارد عرصه شدند که این اعلام نیاز در روز ۲۳ خردادماه اتفاق افتاد». او همچنین اظهار داشت: «بخشی از نیروهای بسیجی به کمک آنها رفتند، اما از ۲۵ خردادماه تمام مسئولیت برعهده سپاه و نیروهای بسیجی گذاشته شد که تا ۲۵ مرداد ماه ادامه داشت». عراقی اضافه کرد: «بر اساس قانون اساسی سپاه و بسیج وظیفه دفاع از نظام را بر عهده دارند و ما احساس کردیم در این مرحله [اعتراضات سال ۱۳۸۸] خدشه به نظام وارد گردیده است». علی خلیلی صراحتاً نقش خود در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ را تأیید کرده است

نقش پاسدار خلیلی در پنهان‌کاری در مورد مجروحان اعتراضات ۱۳۸۸

او در خرداد ماه ۱۳۹۵ گفت: «در آن دوران بنده مسئولیت‌هایی بر عهده داشتم [در قرارگاه ثارالله تهران] که متأسفانه نمی‌توان بسیاری از آنها را رسانه‌ای کرد». علی خلیلی افزود: «در فتنه ۸۸ حدود

۴۵ روز به صورت شبانه روز در قرارگاه ثارالله حضور داشتیم.» او همچنین گفت که سپاه در جریان اعتراضات سال ۸۸ «در قرارگاه ثارالله موفق به کنترل و مدیریت اتفاقات سال ۸۸» شد

نقش خلیلی به دلیل یک نامه محرمانه بیشتر به چشم آمد. در سال ۱۳۸۸، نامه‌ای با مهر و امضای خلیلی از سوی قرارگاه ثارالله تهران خطاب به وزارت بهداشت منتشر شد. این نامه صدور و تحویل هرگونه سند و مدرک پزشکی از سوی بیمارستان‌ها به مجروحان اعتراضات را ممنوع اعلام کرده بود. خلیلی خود در خرداد ۹۵ درباره مجروحان و جان‌باختگان اعتراضات گفت: «به نظر بنده ما تلفات زیادی در آن دوران نداشتیم.» او افزود: «چرا که برخی کشته‌ها به مرگ طبیعی فوت می‌شدند و فتنه‌گران آن اسامی را کشته‌های اعتراضات معرفی می‌کردند.» وی ادعا کرد: «در واقع با کشته‌سازی سعی در تشویش اذهان عمومی داشتند.» آمار دقیقی از تعداد کشته‌شدگان اعتراضات سال ۸۸ در دسترس نیست، اما دستکم ۱۱۲ نفر در جریان این اعتراضات کشته شدند که بیشترین آن‌ها در تهران بوده‌اند. این اقدامات علی خلیلی در پنهان‌کاری ابعاد نقض حقوق بشر در سال ۸۸ را نشان می‌دهد

علی خلیلی در مقام جانشین قرارگاه ثارالله در سال ۱۳۹۸، در برابر سرکوب خشن و گسترده شهروندان شرکت‌کننده در اعتراضات آبان آن سال مسئول است. سپاه محمد رسول الله تهران، سپاه سیدالشهدا تهران و سپاه امام حسن استان البرز، زیر نظر و فرماندهی قرارگاه ثارالله تهران فعالیت می‌کنند. گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهند که در جریان اعتراضات سراسری آبان ۹۸، نیروهای بسیج و سپاه در استان تهران و البرز در سرکوب معترضان مشارکت مستقیم داشته‌اند

محمدرضا یزدی، فرمانده وقت سپاه محمد رسول الله تهران، در آذر ماه ۹۸ مشارکت نیروهای سپاه در سرکوب معترضان را تلویحاً تأیید کرد. وی درباره کشته شدن معترضان توسط آتش مأموران سپاه گفته بود: «این مورد [کشته شدن معترضان توسط مأموران سپاه] در حال بررسی است.» او افزود: «در وضعیت کنونی امکان تأیید یا تکذیب این موضوع نیست.» گزارش خبرگزاری رویترز در دی ماه ۱۳۹۸ نیز صراحتاً به نقش نیروهای سپاه و بسیج در کشتار معترضان اشاره کرده است. این گزارش به نقل از منابعی گفته است که خامنه‌ای برای سرکوب اعتراضات از نیروهای سپاه و بسیج استفاده کرده است. همچنین سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی در پایان اردیبهشت ماه ۱۳۹۹، بر نقش مأموران سپاه و بسیج در کشتار معترضان تأکید کرده است. علی خلیلی به دلیل جایگاه خود در قرارگاه ثارالله، در این وقایع مسئولیت مستقیم دارد

علاوه بر این، در مرداد ۱۴۰۱، منابع حقوق بشری در گزارشی به وضعیت بازداشتگاه «یک-الف» در شرق تهران پرداختند. این بازداشتگاه تحت مدیریت قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران است. بر اساس این گزارش، این بازداشتگاه محل جدیدی برای بازداشت‌شدگان بوده و توسل به ضرب و شتم و تلاش برای اخذ اعترافات اجباری در این مکان مسبوق به سابقه است. این محل پس از شهرک امیرالمؤمنین، در نزدیکی قرارگاه لشکر ۲۷ محمد رسول الله در منطقه دوشان تپه تهران قرار دارد

یک شاهد عینی و از بازداشت‌شدگان پیشین قرارگاه ثارالله می‌گوید که دسترسی به هواخوری بسته به نظر بازجو دارد. او توضیح داد: «خیلی روزها آنقدر بازجویی طول می‌کشید که به هواخوری نمی‌رسیدیم.» وی افزود: «ولی اگر متهم با بازجو همکاری نکند ممکن است اجازه ندهند به هواخوری برود.» او همچنین بیان کرد: «گاه برای تشویق به اعتراف مدت بیشتر و در تایم‌های بهتری مثل شب‌ها به متهم هواخوری می‌دهند.» این شاهد اظهار داشت: «گاه برای تشویق به اعتراف سیگارهای خیلی گران و غذاهای بهتر از معمول با میوه‌ها و شیرینی و ... می‌دهند.» او ادامه داد: «گاه تایم تلفن را بیشتر می‌کنند و گاه برای تنبیه همه اینها را می‌گیرند»

هفته آخر شهریور ماه ۱۴۰۱، سرآغاز دور جدید اعتراضات گسترده مردمی شد. این اعتراضات که پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی در پی عملکرد گشت ارشاد آغاز شد، ابعادی گسترده به خود گرفت. این تجمعات گسترده در بسیاری از نقاط کشور با برخورد شدید نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب شد. ده‌ها شهروند کشته و زخمی و بسیاری از شهروندان بازداشت شدند. در تهران نیز مردم معترض به خیابان‌ها ریختند و توسط نیروهای انتظامی، نظامی و امنیتی سرکوب شدند. شهروندانی همچون محمد زمانی ۱۶ ساله، عرفان نظریبگی، افشین شهامت، سیاوش محمودی ۱۶ ساله، نیکا شاکرمی ۱۶ ساله، محمدجواد فرمانی، احسان خان محمدی، امیرمهدی فرخی‌پور ۱۷ ساله، سیدعلیرضا حسینی، جواد خوانساری، محمدامین تکلی، محسن موسوی، ستاره تاجیک ۱۷ ساله، مصطفی شاملو، امید مهدوی، ایمان بهزادپور، نگین صالحی، سپهر شریفی طرقله، آرنیکا قائم مقامی ۱۷ ساله، مقداد عزیزی، صدف موحدی، رضا اسماعیل‌زاده، پریسا بهمنی، سامان قادرپور، میلاد جاویدپور، امیرحسین رومیانی نظری، نسرتین قادری، علی روزبهانی، نوید بادپا، امید برزگر، محمدحسین فرجی، مرتضی سلطانیان، مهدی حیدری، میثم مقدسی، بهار خورشیدی، سامان رحمانی، حمید گلی، اصغر آقایی، حمیدرضا روحی، شعیب حیدری، محمدحسین کمندلو ۱۷ ساله، مسعود دولتشاهی، امین خانلو ۱۶ ساله، فرزین معروفی، اصغر هژیرلطف، محمد مهرداد و روح‌الله عابدینی به ضرب گلوله، اصابت ضربات باتون و سایر دلایل جان باختند. علاوه بر این، شهروندانی مانند امیر عزیزی نیز در جریان اعتراضات توسط نیروهای سپاه ثارالله بازداشت شدند. در ۴ خرداد ۱۴۰۲، بهروز بهزادی، مدیرمسئول روزنامه اعتماد، در پی شکایت قرارگاه ثارالله سپاه، به شش ماه حبس و پرداخت ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد. علی خلیلی به دلیل موقعیت خود در رأس قرارگاه ثارالله، در برابر این سرکوب‌های خشونت‌آمیز مسئولیت دارد.

سوابق و مناصب کلیدی علی خلیلی در دستگاه سرکوب و قربانیان جنایات و تحریم‌های بین‌المللی علیه وی

سوابق و مناصب علی خلیلی که در نقض حقوق بشر و سرکوب نقش داشته، به شرح زیر است :

رئیس ستاد لشکر سیدالشهدا سپاه تهران

معاون فنی و پشتیبانی قرارگاه ثارالله سپاه تهران

(۱۳۸۸) فرمانده بهداری قرارگاه ثارالله سپاه تهران

(۱۳۹۶) فرمانده کمیته فنی قرارگاه ثارالله سپاه تهران

(۱۳۹۸) جانشین قرارگاه ثارالله سپاه تهران

معاون هماهنگ کننده قرارگاه ثارالله سپاه تهران (از ۱۴۰۰ تا کنون - آذر ۱۴۰۴)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر پاسدار خلیلی عبارتند از: احمد نعیم‌آبادی، علی حسن‌پور، فاطمه برومند، فاطمه رجب‌پور، کیانوش آسا، محرم چگینی، افشین شهامت، احسان خان محمدی، عرفان نظریگی، سیاوش محمودی، جواد خوانساری، نسرین قادری، پریسا بهمنی، نیکا شاکرمی، نگین صالحی، ستاره تاجیک، محمدحسین کمندلو. قربانیان گروهی نیز شامل: معترضان اعتراضات سال ۱۳۸۸ و بازداشت‌شدگان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در تهران می‌شوند. اقدامات علی خلیلی در مقام فرمانده ارشد، موجب نقض گسترده حق حیات و آزادی بسیاری از شهروندان شده است

علی خلیلی به دلیل عملکرد خود در نقض حقوق بشر، از فروردین ۱۳۹۰ در لیست تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا قرار گرفته است. اتحادیه اروپا اعلام کرده که خلیلی در جریان اعتراضات پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، مسئولیت واحد بهداشت و درمان قرارگاه ثارالله تهران را بر عهده داشته است. او در نامه‌ای محرمانه که ۵ تیر ۸۸ خطاب به وزارت بهداشت نوشته، صدور هرگونه سند و مدرک پزشکی برای افراد آسیب‌دیده و مجروح شده در جریان اعتراضات را ممنوع اعلام کرده بود

خیر خواه

[اسم کوچک نامعلوم] خیرخواه، در مقام مسئول اداره اطلاعات شهرستان مریوان، مسئول مستقیم بازداشت‌ها، احضارها و نقض نظام‌مند حقوق اقلیت‌های قومی است. نوع سرکوب‌های مرتبط با او شامل بازداشت‌های خودسرانه، نقض حق اعتراض و آزادی بیان، و سرکوب فعالان مدنی و قومی در این شهر است.

سوابق سرکوب خیرخواه در سرکوب و نقض حقوق بشر

نقش خیرخواه در نقض حقوق شهروندان مریوان، بخشی از کارنامه سرکوب سازمان‌یافته در این منطقه است

قربانیان فردی و گروهی جنایات و نقض حقوق بشر مرتبط با خیرخواه عبارتند از

سکینه پروانه

فرید پڑوہی

پیام شوقی

نادر عبداللہزادہ

فاتح ہوشمند

گوران قربانی

علی رضایی

امید صالحی

دیاکو بالکی

حمید اژدری

اسامہ بامداد

ایرج رحیمزادہ

عادل نیکخواہ

کارزان سردوشی

ارسلان نیکخواہ

کامران قادری

آرش نوذری

سلمان افرا

آرام نیک پی

عبداللہ بشتام

کارو کاوہ
سینا جاست
عثمان دل انگیز
آمانج نیک پی
خالد نیک پی
خسرو فرہمند
محمد پروازہ
محمد افرا
عبدل پرتو
کارو علیداد
آرزو مصطفایی
بہزاد ادوایی
معراج مرتضایی
محمد جاست
محمد ارژنگی
عثمان فرہمند
امید فرجی
عبدالرحمان افشار
کمال گرامی

بیستون ارژنگی

پیام ارژنگی

امیر ارژنگی

باسط افشار

زانبار مینوی

دانا گرامی

کامران افسری

سیروان بدخش

جمال گرامی

لقمان نیکزاد

گلاله وطن‌دوست

و قربانیان گروهی شامل فعالین اقلیت‌های قومی، فعالین احزاب سیاسی کردی در ایران و فعالین حقوق زنان می‌باشند

این فرد پس از عزل مسئول قبلی به اتهام اختلاس مالی، به این مقام منصوب شد. بنا بر گزارش‌ها، می‌توان انتصاب خیرخواه را از تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۹۷ قطعی دانست. نقض حقوق اقلیت‌های قومی و حقوق کردهای مریوانی بخشی از کارنامه نقض حقوق بشر توسط خیرخواه در این منطقه است. نقض حق اعتراض و آزادی بیان و همچنین حقوق اجتماعی شهروندان مریوان در این حیطه قرار می‌گیرد

موج بازداشت‌های خودسرانه از پاییز ۱۳۹۷ تا اواخر ۱۳۹۸

در هفته اول آبان‌ماه ۱۳۹۷، فرید پژوهی توسط نیروهای اداره اطلاعات مریوان بازداشت شد. با گذشت دو سال از بازداشت وی، همچنان هیچ خبری از وضعیت او در دست نیست. روز ۷ فروردین ۱۳۹۸، پیام شوقی، شهروند مریوانی، توسط اداره اطلاعات این شهر بازداشت شد. او سپس به مکانی نامعلوم انتقال داده شد. پیام شوقی در دهستان خاوومیرآباد در مسیر روستای برده‌رشته بازداشت شده بود. روز شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸، نادر عبدالله‌زاده ۳۶ ساله فرزند خالد، در دهستان زریوار بازداشت شد. وی

از توابع شهرستان مریوان بود و توسط نیروهای وزارت اطلاعات به مکان نامعلومی منتقل شد. خیرخواه در طول دوران مسئولیت خود، نقض حقوق گسترده‌ای را رقم زده است. روز ۲۳ تیرماه ۱۳۹۸، چهار شهروند دیگر احضار و بازداشت شدند. هویت این افراد فاتح هوشمند از روستای ینگجه و گوران قربانی از اهالی مریوان بود. همچنین علی رضایی و امید صالحی از اهالی روستای گویزه کوپره در میان بازداشت‌شدگان بودند. آن‌ها پس از احضار به ستاد خبری اداره اطلاعات شهرستان، به مکانی نامعلوم منتقل شدند. روز ۲ مرداد ۱۳۹۸، دیاکو بالکی ۲۵ ساله فرزند حسن، توسط نیروهای اداره اطلاعات بازداشت شد. این شهروند از اهالی مریوان بود و به مکان نامعلومی انتقال یافت.

بازداشت نوجوانان و فعالان محیط زیست در مریوان

سه‌شنبه ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، دو نوجوان ۱۶ ساله که ساکن روستای نی بودند، توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شدند. این دو نوجوان نیز به مکانی نامعلوم منتقل شدند. هویت نوجوانان بازداشت‌شده، حمید اژدری فرزند محمود و اسامه بامداد فرزند آرام بود. اسفند ۱۳۹۸، گزارشی از بازداشت ایرج رحیم‌زاده، فعال محیط زیست، منتشر شد. وی در محل سکونتش توسط نیروهای اداره اطلاعات مریوان بازداشت شد. دلیل بازداشت این فعال محیط زیست نامعلوم اعلام شده بود. خیرخواه مسئولیت مستقیم این نقض حقوق شهروندی را بر عهده دارد.

سرکوب فعالان انجمن سبز چیا در ایام نوروز

سه‌شنبه ۶ فروردین ۱۳۹۸، عادل نیکخواه فرزند عمر و کارزان سردوشی فرزند محمد در روستای سردوش بازداشت شدند. این روستا از توابع دهستان خاوومیرآباد مریوان است. روز دوشنبه ۵ فروردین ۱۳۹۸، ارسلان نیکخواه ۲۴ ساله فرزند عارف و آرش نوذری ۲۳ ساله فرزند فایق بازداشت شدند. این دو شهروند توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شده بودند. هر دوی این افراد از اعضای انجمن سبز چیا مریوان به شمار می‌رفتند. بازداشت تمامی این افراد بدون ارائه حکم قضائی صورت گرفت. احتمال داده می‌شود که بازداشت‌ها در ارتباط با برگزاری مراسم نوروز بوده است. چهارشنبه ۷ فروردین ۹۸، کامران قادری ۲۵ ساله فرزند کاوه به اداره اطلاعات احضار شد. وی از اهالی روستای سردوش و مرتبط با برگزاری مراسمات استقبال از نوروز بود. قادری پس از چند ساعت بازجویی، آزاد شد. روز ۱۰ فروردین ۱۳۹۸، سلمان افرا، شهروند مریوانی، به اداره اطلاعات این شهرستان احضار شد. خیرخواه در این موارد نیز عامل اصلی سرکوب حق برگزاری مراسمات فرهنگی بود.

تداوم بازداشت‌ها و انتقال به بازداشتگاه سنندج

در همین زمینه، به نقل از یک منبع مطلع گزارش شده است که نادر عبدالله‌زاده به اتهام همکاری با یکی از سازمان‌های مخالف نظام بازداشت شده است. بازداشت وی بدون ارائه برگه قضایی صورت گرفته بود. با این حال، اطلاع دقیقی درباره مصداق اتهام مطروحه علیه او به دست نیامده است. روز ۲۶ شهریور ۱۳۹۸، چهار شهروند دیگر از اهالی روستای نی بازداشت شدند. هویت آن‌ها آرام نیک‌پی،

عبدالله بشتام، کارو کاوه و سینا جاست اعلام شد. این افراد جهت ادامه بازجویی‌ها از بازداشتگاه اداره اطلاعات مریوان به بازداشتگاه سنندج منتقل شدند. کارو کاوه ۲۴ ساله فرزند عبدالله در روز سه‌شنبه ۵ شهریور ۹۸ بازداشت شد. سینا جاست ۲۰ ساله فرزند سالار نیز روز دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۸ توسط نیروهای امنیتی در مریوان بازداشت شده بود.

بازداشت‌های خودسرانه با عدم ارائه مجوز قضایی

روز یکشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۹۸ نیز دو شهروند دیگر در روستای نی بازداشت شده بودند. آن‌ها آرام نیک پی ۲۵ ساله فرزند عزیز و عبدالله بشتام ۲۳ ساله فرزند رمضان بودند. بازداشت این دو شهروند بدون ارائه مجوز قضایی از سوی نیروهای امنیتی صورت گرفت. روز شنبه ۵ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، عثمان دل‌انگیز ۳۰ ساله، شهروند مریوانی، به ستاد خبری اداره اطلاعات احضار و بازداشت شد. دلیل بازداشت او نیز نامشخص اعلام شده بود. لطفاً به موج بازداشت‌های خودسرانه توسط اداره تحت مدیریت خیرخواه توجه نمایید. آمانج نیک پی ۲۲ ساله از اهالی مریوان روز سه‌شنبه ۲۴ دی‌ماه ۹۸ توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شد. پس از بازداشت او، پدرش خالد نیک پی برای پیگیری وضعیت فرزندش به اداره اطلاعات مراجعه کرد. اما او نیز بازداشت و پس از بازجویی، با قرار کفالت موقتاً آزاد شد.

احضار و بازجویی فعالان در اوج شیوع کرونا

چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۹، سه شهروند از اهالی روستای نی در پی احضار به اداره اطلاعات، مورد بازجویی قرار گرفتند. هویت این افراد خسرو فرهمند، محمد پروازه فرزند رشید و محمد افرا فرزند احمد احراز شده است. روز سه‌شنبه ۱ مهر ۱۳۹۹، عبدل پرتو فرزند ظهراب اهل روستای نی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. وی به بازداشتگاه اداره اطلاعات مریوان منتقل شد. بازداشت این شهروند بدون ارائه حکم قضایی صورت گرفته بود. خیرخواه مسئولیت این بازداشت‌های بدون حکم قانونی را بر عهده دارد. روز یکشنبه ۲۱ دی‌ماه ۱۳۹۹، کارو علیداد، شهروند مریوانی، پس از احضار به اداره اطلاعات این شهر، مورد بازجویی قرار گرفت. آقای علیداد پس از چند ساعت بازجویی و اخذ تعهد کتبی، از اداره اطلاعات مریوان آزاد شد. خیرخواه یکی از چهره‌های اصلی سرکوب در استان کردستان به شمار می‌رود.

احضار شاعر ۱۷ ساله و بازداشت‌های بهاری ۱۴۰۰

آرزو مصطفایی، شهروند و شاعر ۱۷ ساله مریوانی، به اداره اطلاعات احضار شد. او روز پنج‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ پس از حضور در ساختمان این نهاد امنیتی، بازداشت شده بود. بهزاد ادوایی در تاریخ ۵ اسفند ۹۹ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. وی پس از چند روز برای انجام بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات مریوان منتقل گردید. معراج مرتضایی در تاریخ ۹ مرداد ۹۹ پس از احضار به اداره اطلاعات بازداشت شد. او در تاریخ ۷ مهرماه، پس از اتمام بازجویی، با تودیع قرار وثیقه به

صورت موقت آزاد شد تا مراحل دادرسی طی شود. آرام نیک پی و سلمان افرا روز سه‌شنبه ۳ فروردین ۱۴۰۰ پس از احضار و مراجعه به اداره اطلاعات مریوان بازداشت شدند. اتهام مطروحه علیه آقای نیک پی، همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام عنوان شد. خیرخواه نقض‌کننده آشکار حقوق بشر است

ادامه احضارها و اخذ تعهد کتبی از شهروندان

روز شنبه ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۰، سه شهروند به نام‌های محمد جاست، محمد پروازه و محمد ارژنگی به اداره اطلاعات مریوان احضار شدند. آن‌ها مورد بازجویی قرار گرفتند. همان روز شنبه، ۲۸ فروردین ماه ۱۴۰۰، دو شهروند دیگر به نام‌های عثمان فرمند و امید فرجی نیز به اداره اطلاعات مریوان احضار و بازجویی شدند. در فروردین ۱۴۰۰، ۱۴ شهروند اهل مریوان به اداره اطلاعات احضار و بازجویی شدند. گفته می‌شود که این شهروندان پس از اتمام بازجویی با اخذ تعهد کتبی آزاد شده‌اند. لطفا این حجم از احضارها را در نظر بگیرید. خیرخواه با این اقدامات آزادی‌های مدنی را محدود کرده است.

نقض حقوق وکلای دادگستری و فعالان زنان

هویت این ۱۴ شهروند عبدالرحمن افشار، کمال گرامی، محمد گرامی، بهمن گرامی، بیستون ارژنگی، پیام ارژنگی، امیر ارژنگی، باسط افشار، سینا جاست، زانیار مینوی، دانا گرامی، کامران افسری، سیروان بدخش و جمال گرامی اعلام شد. این افراد همگی اهل روستای نی مریوان در استان کردستان هستند. روز یکشنبه ۲ خردادماه ۱۴۰۰، لقمان نیک‌زاد اهل مریوان از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات احضار شد. او پس از مراجعه بازداشت گردید. روز دوشنبه ۴ اسفندماه ۱۳۹۹، گل‌اله وطن‌دوست، وکیل دادگستری، به اداره اطلاعات مریوان احضار و بازجویی شد. گفته می‌شود، احضار این وکیل در رابطه با انتشار مطالبی با محتوای دفاع از حقوق زنان در شبکه‌های اجتماعی صورت گرفته است. خیرخواه در مقام مسئول، حقوق فعالان مدنی و مدافعان حقوق زنان را نقض کرده است. این روند سرکوب، نشان‌دهنده نادیده گرفتن حق اعتراض و آزادی بیان توسط خیرخواه است.

خیشوند ، وحید



سر هنگ جنایتکار وحید خیشوند رئیس کلانتری فاز یک اندیشه شهریار و از آمران کشتار هولناک قیام ملی. او بیش از این رئیس کلانتری مارلیک بود که در سرکوب اعتراضات 1401 نقش فعالی داشت. آدرس : بلوار قریشی در فردیس کرج

دارائی ، اکبر



مزدور بسیجی اکبر دارائی مسئول بسیج روستای برفجین همدان (سرکوبگر و قاتل)

دارستانی ، مهری



مهری طالبی دارستانی، در مناصب مهمی چون ریاست اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف تهران، در نقض حقوق زنان و کودکان، ترویج کودک همسری و تقویت حجاب اجباری نقش مستقیم داشته است. او همچنین با انتشار روایت‌های حکومتی، به توجیه و تطهیر اعمال ضد حقوق بشری نظام در وقایعی مانند اعتراضات آبان ۱۳۹۸ پرداخته است

مهری طالبی دارستانی در ۲۹ آذر ۱۳۹۸، یک رشته‌توییت با عنوان «ماهشهر بدون روتوش» منتشر کرد. او در این توییت، روایتی از اتفاقات ماهشهر در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ارائه داد. این اعتراضات در بیش از ۷۰۰ نقطه ایران روی داد و به کشته شدن سدها تن و بازداشت هزاران تن منجر شد. بر

اساس گزارش فعالان حقوق بشر، در این اعتراضات ده‌ها نفر در ماهشهر کشته شدند. همچنین نیروهای امنیتی از سلاح‌های جنگی برای سرکوب معترضان استفاده کردند. طالبی دارستانی خود را از کارمندان شاغل در پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر و ساکن شهرک «بعثت» معرفی کرده است. شهرک بعثت یکی از مناطقی بود که شاهد درگیری‌های خونین در جریان اعتراضات مردمی به افزایش قیمت بنزین بود. این در حالی است که او در این زمان با عنوان «مسوول زنان معاونت فرهنگی سپاه» با رسانه‌های جریان تندروی حکومت گفتگو می‌کرده است.

او که مدعی شده روایتش را از دیده‌هایش نوشته است، محتوای آن کاملاً شبیه روایت‌های رسمی نظام در برابر مخالفان است. مهری طالبی دارستانی معترضان ماهشهر را «اشرار» خواند. او ادعا کرد که آن‌ها راه‌ها را بسته بودند و با نقاب و اسلحه، «حرف از قتل و غارت و جدایی» می‌زدند، نه از گرانی بنزین و نان سفره. این رویکرد، تلاشی آشکار برای توجیه سرکوب و کشتار شهروندان معترض توسط حاکمیت است.

مهری طالبی دارستانی همچنین چهره ثابت تجمعات اعتراضی است که به موضوع بی‌حجابی می‌پردازد. او این پدیده را «انحرافات فرهنگی مسوول ساخته» عنوان کرده است. در اردیبهشت ۱۳۹۹، تجمعی در مقابل ساختمان قوه قضاییه برگزار شد. طالبی دارستانی با انتشار تصاویری از این تجمع، خواهان برخورد قضایی با مظاهر فرهنگی مغایر با ارزش‌های حکومتی شد. او نوشت: دست به دامن تنها مرجع رسیدگی به تخلفات که با رسیدگی به مفاسد اقتصادی دل‌مان را گرم کرد و چشم امیدمان را اشکبار

او در ادامه افزود: «سردار امشب شکایت می‌برم به حضرت حیدر از انحرافات فرهنگی مسوول ساخته از فضای مجازی افسارگسیخته، از محیط‌های مثلاً فرهنگی مثل تئاتر و سینما، از نشر و پخش کتب مستهجن». همچنین از «صدا و سیمایی که الگو ساخته از مظاهر فساد، از مدارس و مهدهایی که... از وقاحت دنباله‌دار مسوولان» انتقاد کرد. این مطالبات نشان‌دهنده نقش مهری طالبی دارستانی در ترویج سرکوب فرهنگی و تشدید محدودیت‌ها است. او در آبان ۱۴۰۰، در برنامه «چراغ» شبکه ۵ سیما، به عنوان بانوی فعال و مددکار اجتماعی حضور یافت. او در این برنامه بر نقش مردم و مسئولان در قانون‌مداری تأکید کرد. او گفت: «صرف‌نظر از نقش مسوولان کوتاهی و بی‌تفاوتی خود افراد نسبت به یکدیگر... آسیب‌های جبران‌ناپذیری به ساختار خانواده و اجتماع وارد می‌سازد. مهری طالبی دارستانی همچنین افزود که مسئولان باید «بستر فرهنگ‌سازی را به سمتی ببرند که آحاد مردم در تمامی عرصه‌ها قانونمدارانه عمل کنند».

ترویج کودک‌همسری و تأسیس کلینیک ترک بی‌حجابی

مهری طالبی دارستانی از مدافعان صریح کودک‌همسری به شمار می‌رود. او محتواهای مختلفی را در زمینه ترویج کودک‌همسری تهیه و منتشر کرده است. او حتی در تلویزیون جمهوری اسلامی به ترویج این نوع رابطه پرداخته است. این موضع‌گیری، نقض آشکار حقوق کودکان، به‌ویژه دختران، است.

مهری طالبی دارستانی خود در ۱۶ سالگی ازدواج کرده و دخترش نیز در سنین نوجوانی ازدواج کرده است

طالبی دارستانی دست‌کم از آذر ۱۴۰۲ به ریاست اداره خانواده و عفاف حجاب ستاد امر به معروف استان تهران رسید. او در گفتگو با رسانه‌ها، خبر از تأسیس «اولین کلینیک مشاوره و حمایت از بازگشت به حجاب» داد. این مرکز با عنوان «کلینیک ترک بی‌حجابی» در تهران افتتاح می‌شود. او هدف این کلینیک را «درمان علمی و روان‌شناختی بی‌حجابی ویژه نسل نوجوان، جوان و بانوان جویای هویت اجتماعی و اسلامی» عنوان کرد. مهری طالبی دارستانی گفت این تصمیم بر اساس «مراجعات مکرر» خانواده‌ها و بانوان تهرانی اتخاذ شده است. مراجعاتی که به ادعای او، «مبنی بر وجود فشارهای محیطی و سایر عوامل که منجر به اجبار انتخاب پوشش خارج از حدود حجاب شرعی شده» صورت گرفته است. این ادعا به معنای آن است که زنانی به ستاد امر به معروف مراجعه کرده و گفته‌اند که برای بی‌حجاب شدن تحت فشار هستند.

طراحی یک «زیست بوم» برای کنترل پوشش مهری طالبی دارستانی هدف از راه‌اندازی «کلینیک ترک بی‌حجابی» را ارائه خدمات روان‌شناختی و مشاوره‌ای به افرادی دانست که تمایل به رعایت حجاب دارند. او گفت این افراد ممکن است «به دلیل فشارهای اجتماعی یا تأثیرات محیطی در این زمینه دچار چالش شده باشند». او این مرکز را بخشی از «نقشه جامع راهبردی «زیست بوم غیرت، حیا، عفت، حجاب»» دانست. این طرح با رویکرد «فرهنگی نوین» و هدف «ارایه خدمات روان‌شناختی، مشاوره‌ای و مددکاری» به افراد با تمایل به حجاب طراحی شده است. مسئول اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران تأکید کرد که خدمات این کلینیک برای «نسل نوجوان، جوان و بانوان» است. او مدعی شد که «فشارهای محیطی» باعث شده است که این افراد از سر «اجبار» پوششی «خارج از حدود حجاب شرعی» داشته باشند. مهری طالبی دارستانی وعده داد که با روش «علمی و روان‌شناختی» و «با ارائه آگاهی و پشتیبانی فکری» به کسانی که «تصمیم به رعایت حجاب گرفته‌اند» کمک می‌کنند.

در اردیبهشت ۱۴۰۳، اداره عفاف، حجاب و خانواده ستاد امر به معروف تهران از اجرای همین «زیست بوم غیرت، حیا، عفت، حجاب» در استان خبر داد. این نقشه با ۷ اقدام راهبردی به «حل معضل عفاف و حجاب» می‌پردازد. ستاد امر به معروف و نهی از منکر تهران توضیح داد که این اقدامات بر مبنای ۱۲ وظیفه ستاد در قانون حمایت از آمران به معروف و ۱۱ وظیفه مندرج در مصوبه ۴۲۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی طراحی شده است. اقدامات راهبردی در محورهای «پایش و پژوهش، رصد و نظارت، آموزش و تربیت، تفریح و تفرج» و غیره صورت می‌گیرد. مهری طالبی دارستانی به عنوان یکی از مهم‌ترین مروجان این اقدامات، در نقض حقوق زنان مسئول است.

موضع‌گیری علیه فمینیسم و سقط جنین

مهری طالبی دارستانی در آذر ۱۴۰۲، در مصاحبه‌ای با رادیو گفتگو، جریانات سقط جنین را به مکتب فمینیسم نسبت داد. او گفت: «تمام جریانات سقط جنین به مکتب فمینیسم برمی‌گردد.» او معتقد بود برخی مفاهیم در ذهن‌ها «به غلط تعریف شده» و «گمان می‌شود مکتب فمینیسم؛ یعنی مکتبی که می‌خواهد از زنان حمایت کند». مهری طالبی دارستانی این برداشت را رد کرد. او حتی سیمون دوبووار، یکی از چهره‌های برجسته فمینیسم، را «آسیب‌دیده» دانست

او مدعی شد که دوبووار «به دلیل عقده‌های درونی به سقط جنین و روابط آزادی که ذیل آن مدل تعریف شده است، روی می‌آورد.» این اظهارات، نشان‌دهنده مخالفت شدید مهری طالبی دارستانی با هرگونه حرکتی است که به دنبال تقویت حقوق و آزادی‌های زنان باشد. او از طریق موقعیت‌های رسمی خود، در ترویج سیاست‌های سرکوبگرانه، به‌ویژه علیه حقوق زنان، مشارکت فعال داشته و دارد

سوابق سرکوب و قربانیان مهری طالبی دارستانی
مسوول میز زن و خانواده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهران در سال‌های پایانی دهه ۹۰ شمسی

تا ۳ مهر ۱۴۰۲: رئیس مرکز بازرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۱۴۰۰

از دستکم آذر ۱۴۰۲: رئیس اداره خانواده و عفاف حجاب ستاد امر به معروف استان تهران

قربانیان جنایات و سرکوب‌های مهری طالبی دارستانی

زنان در شهر تهران

کودکان در ایران

شهروندان عادی شهرستان ماهشهر

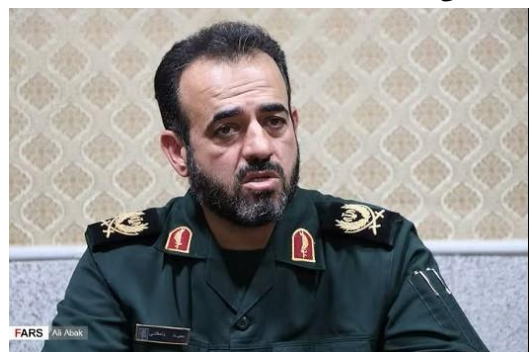
داریوشی ، الهه



eli. Dariushi

هویت و سمت: از نیروهای خبرچین و لباس شخصی در کرمان؛ نام وی در لیست مزدوران دریافت‌کننده پاداش برای شرکت در سرکوب‌های داخلی ثبت شده است.
 مشخصات خانوادگی: خواهر صالح داریوشی (از اعضای تیپ مکانیزه ذوالفقار سپاه که در مناطق مرزی و جاده سیدی مستقر است).
 محل فعالیت و تردد: محله شاهزاده محمد و محله سرآسیاب کرمان؛ وی از نزدیکان و همکاران عملیاتی علی شادمان (بسیجی لباس شخصی) معرفی شده است.
 تلفن: ۰۹۱۳۵۰۷۵۷۹۹ و ۰۹۳۹۳۲۳۷۲۸۰
 اتهام: شناسایی معترضان و همکاری مستقیم با گردان‌های امنیتی در جریان قیام دی‌ماه ۱۴۰۴.

دامغانی ، حمید



سرتیپ دوم پاسدار حمید دامغانی فرمانده جنایتکار سپاه قدس گیلان. فرمانده سابق سپاه پاسداران در شاهرود و هماهنگ کننده سپاه سیدالشهدا در تهران .

داوری ، محسن



محسن داوری در مقام معاون استاندار خراسان رضوی و فرماندار مشهد، مسئولیت مستقیم شلیک به معترضان، شکنجه منجر به مرگ و بازداشت‌های فله‌ای را بر عهده دارد. او با ریاست بر شورای تامین، فرمان سرکوب خشن اعتراضات سال ۱۴۰۱ و حبس فعالان سیاسی، دانشجویان و اقلیت‌های مذهبی را صادر نموده است.

محسن داوری به عنوان معاون استاندار خراسان رضوی و فرماندار شهرستان مشهد، مسئولیت مستقیم نقض حقوق بشر را بر عهده دارد. او در جایگاه رئیس شورای تامین، برخوردهای نظامی و امنیتی علیه شهروندان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ را هدایت کرده است. هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱، نقطه آغاز اعتراضات گسترده‌ای بود که با جان‌باختن مهسا امینی در پی اقدامات گشت ارشاد شکل گرفت. این تجمعات در مشهد با برخورد شدید نیروهای تحت امر محسن داوری مواجه شد که به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر انجامید. نیروهای انتظامی در این سرکوب‌ها از تفنگ‌های ساچمه‌زنی که کاربرد شکاری و نظامی دارند، به شکلی گسترده علیه مردم استفاده کردند. بر اساس مستندات تصویری، اصابت ساچمه‌ها نه تنها در پایین‌تنه، بلکه در نقاط حساس مانند صورت و بالاتنه معترضان نیز مشاهده شده است. علاوه بر این، نیروهای امنیتی به دفعات از سلاح کمری برای شلیک به سوی شهروندان بی‌دفاع در خیابان‌های مشهد استفاده نمودند. محسن داوری نظارت عالی بر عملکرد فراجا و سایر یگان‌های مسلح را در محدوده جغرافیایی تحت مسئولیت خود بر عهده داشته است. استفاده از اسلحه پینت‌بال برای هدف‌گیری چشم معترضان، منجر به جراحات دائمی و تخلیه چشم بسیاری از جوانان مشهدی در این ایام شد. این رویکرد خشن نشان‌دهنده نادیده گرفتن تمامی استانداردهای حقوق بشری توسط مدیریت ارشد سیاسی و امنیتی شهرستان مشهد است. نیروهای تحت امر وی با خشونت تمام عیار، حق تجمع مسالمت‌آمیز را از شهروندان سلب کرده و فضای رعب و وحشت را در معابر عمومی کلان‌شهر مشهد حاکم کردند.

در جریان سرکوب تجمعات مردمی در مشهد، تعدادی از شهروندان بر اثر ضربات باتون و شکنجه در بازداشتگاه‌ها جان خود را از دست دادند. حمید نسترجهان و اسماعیل ستاری ۲۸ ساله، از جمله قربانیانی هستند که تحت مدیریت امنیتی محسن داوری جان باختند. آرش پهلوان ۲۷ ساله نیز در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، بر اثر اصابت مستقیم گلوله به ناحیه سر توسط نیروهای سرکوب کشته شد. ابوالفضل آدینه‌وند، نوجوان ۱۷ ساله، در ۱۶ مهر ۱۴۰۱ با اصابت ۲۴ گلوله ساچمه‌ای به پیکرش، توسط نیروهای تحت امر وی به قتل رسید. معین قاسم‌پور در ۲۷ آبان ۱۴۰۱ بر اثر شدت ضرب و شتم و محمد خلیلی در ۲ آذر همان سال جان باختند. حسن ناصری‌خور، مربی بوکس، در ۵ آذر ۱۴۰۱ هدف گلوله مستقیم

نیروهای تحت نظر محسن داوری قرار گرفت و جان خود را از دست داد. این جنایات در حالی رخ داد که محسن داوری به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی مشهد، موظف به صیانت از امنیت جانی شهروندان بود. بازداشت‌های گسترده نیز بخشی از راهبرد وی برای خفه کردن صدای اعتراضات در نطفه بود که شامل روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی شد. پریسا پروانه، علی صابری و منصوره موسوی از جمله چهره‌هایی هستند که در این موج از دستگیری‌های خودسرانه روانه زندان شدند. محسن داوری با ایجاد فضای امنیتی، حق آزادی بیان و تجمع مسالمت‌آمیز را به طور کامل از مردم مشهد سلب کرد. شدت خشونت‌های اعمال شده در این دوره به حدی بود که بسیاری از شهروندان در خانه‌های خود نیز امنیت نداشتند.

در دوران مسئولیت محسن داوری، فعالان مدنی و سیاسی به صورت هدفمند بازداشت و به بازداشتگاه‌های غیررسمی منتقل شدند. فاطمه سپهری، فعال سیاسی، در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ بازداشت شد و فاطمه مشهدی‌عباس، نویسنده و مترجم، در ۲۷ مهر به اسارت درآمد. محسن داوری همچنین مسئولیت بازداشت چهره‌هایی چون المیرا حسینی، بلاگر و اینفلوئنسر، و مجیدرضا رهنورد را بر عهده دارد که پرونده وی منجر به اعدام شد. دانشجویان دانشگاه‌های مشهد نیز از آسیب‌های مدیریت امنیتی محسن داوری در امان نمانده و ده‌ها تن از آنان بازداشت شدند. حقوق اقلیت‌های مذهبی نیز با بازداشت شهروندان بهائی نظیر ساناز تفضلی، الهام سالاری و سیروس ذبیحی توسط نیروهای انتظامی به شدت نقض گردید. سهراب خجسته و مهدی شکی‌مشهدی نیز در تاریخ‌های ۱۲ و ۱۶ مهر ۱۴۰۱ توسط نیروهای تحت امر وی دستگیر شدند. محسن داوری در جایگاه فرماندار، با تایید این بازداشت‌ها، بر روند بازجویی‌ها و پرونده‌سازی علیه معترضان نظارت مستقیم داشته است. این مقام سیاسی با نادیده گرفتن حقوق قانونی متهمان، مسیر دادرسی عادلانه را برای دستگیرشدگان مسدود کرد. سرکوب سیستماتیک دانشگاهیان و نویسندگان نشان‌دهنده عزم جدی وی برای خاموش کردن هرگونه صدای مخالف در فضای فرهنگی و سیاسی مشهد است. او با تکیه بر قدرت شورای تامین، تمامی نهادهای اجرایی را در خدمت دستگاه سرکوب قرار داد تا اعتراضات را به هر قیمتی متوقف نماید. تداوم این بازداشت‌ها لکه‌ای سیاه در کارنامه حقوق بشری او باقی گذاشته است.

لیست قربانیان انفرادی و دانشجویی تحت مسئولیت محسن داوری

اسامی زیر بخشی از شهروندانی هستند که در دوران فرمانداری وی هدف سرکوب، شکنجه و بازداشت قرار گرفته‌اند: حمید نسترجهان اسماعیل ستاری آرش پهلوان ابوالفضل آدینه‌وند معین قاسم‌پور محمد خلیلی حسن ناصری‌خور پریسا پروانه علی صابری منصوره موسوی کتابون محمدی‌فر اصغر شاکری امید عمران امید فتحی امیر جلالیان‌سیدنیا امیرحسین آتش امین شریفی بهزاد جلایری پویا ملازم جواد عفتی جواد وطن‌خواه حامد جراحی حسین بوژمهرانی حسین عزیزنصری حسین نعمتی یزدی دانیال میرشاهی رضا حامدبورنگ ریحانه مختاریان سجاد جلایری شهره اورعی علی دیبا علیرضا برجسته لیلی سادات ماندانا کلالی مبارکه قدیری محسن محمدی محمد حبیب‌پور محمد روزینی محمد امین سعیدی مدیحه روزینی مریم کارگر کرمی مژگان خیراللهی مهدی یزدی مهرداد نوروزی مهشید کاشانی‌نژاد میلاد جاهدی‌زاده هادی رجبی‌زاده فاطمه سپهری سهراب خجسته مهدی شکی‌مشهدی فاطمه

مشهدی عباس آرش رضائی مینا قلندری بیتا میرزایی ریحانه مختاریان دلویی علیرضا صداقت المیرا حسینی معین عاشور سجاد رئوف ابوالفضل احمدپور علی احمدپور مجیدرضا رهنورد الهام سالاری امید شریفی محبتی سیروس ذبیحی ساناز تفضلی علیرضا صابریان عادل جلال احمدی علی جلیلیان حمید شریفی معین منصوری ترشیزی علیرضا فولادی محمدرضا کریمیان دانیال خیرآبادی صفا قوام‌صدری حسین رستمپور مقدم بگلر حسین مومنی سپهر باسامی محمد امین موسوی عباس گلشنی امیدرضا مطهری‌نژاد سینا برکپور ارغوان تراشی مجید شیعه‌علی شایان ریحانی امیرحسین حامدسنکی مهدی صالحی امیر دارایی‌پور شمیم شیرزاد امیرضا اسفندیاری محمدمهدی رانشین امیرحسین ارمی امیرعلی روغنی امین بابایی دانیال اسکوی علی حسینی فاطمه وارسته محمد مولایی مریم حلمی پریسا صادق‌زاده دانیال خسروی محمدرئوف ارحمی

محسن دآوری در مقام معاون استاندار خراسان رضوی و فرماندار مشهد، مسئولیت مستقیم شلیک به معترضان، بازداشت‌های عقیدتی و پلمب واحدهای صنفی را بر عهده داشته است. او با ریاست بر شورای تامین، فرمان سرکوب خشن اعتراضات سال ۱۴۰۱ و تحدید حقوق اجتماعی زنان را صادر نموده است

مسئولیت محسن دآوری در هدایت امنیتی و سرکوب اعتراضات مشهد محسن دآوری به عنوان فرماندار و رئیس شورای تامین مشهد، نقش کلیدی در برخورد با معترضان ایفا کرده است. در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، محسن دآوری رسماً از دستگیری دست‌کم ۱۰۰ شهروند در جریان تجمعات اعتراضی این شهرستان خبر داد. این در حالی است که فعالان حقوق بشر آمار بازداشت‌شدگان سه روز نخست را حداقل ۳۰۰ نفر برآورد کردند. محسن دآوری در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، طی سخنرانی در فرمانداری، بازداشت‌شدگان را «از سران جریانات اغتشاشگر»، معاند و آشوبگر نامید. او مدعی شد این افراد پس از واقعه مهسا امینی، اقدام به تحریک احساسات مردم و نسل جوان کرده‌اند. وی همچنین ادعا کرد که تحرکات گروه‌های کوچک معترض تحت رصد کامل نیروهای امنیتی و انتظامی بوده است. محسن دآوری با این اظهارات، بستر قانونی برای سرکوب خشن‌تر و پرونده‌سازی علیه شهروندان معترض را فراهم آورد. مدیریت او در شورای تامین، منجر به استفاده گسترده از سلاح‌های ساچمه‌زنی و پینت‌بال علیه مردم بی‌دفاع در خیابان‌ها شد. او با مجرم‌انگاری اعتراضات قانونی، حق تجمع مسالمت‌آمیز را به طور کامل در کلان‌شهر مشهد پایمال کرد. نیروهای تحت امر وی با برخورد قاطع با هرگونه تجمع، فضای شهر را به پادگانی نظامی تبدیل کردند. محسن دآوری مسئول مستقیم تمامی آسیب‌های جسمی و روانی وارده به دستگیرشدگانی است که با القاب اهانت‌آمیز وی روبرو شدند. این مقام اجرایی با نادیده گرفتن مطالبات مردمی، تنها بر جنبه‌های پلیسی و امنیتی بحران تمرکز داشت. تداوم بازداشت‌ها در دوران ریاست او نشان‌دهنده رویکرد حذفی وی در قبال مخالفان سیاسی و منتقدان است.

تحدید حقوق صنفی و ترویج خشونت علیه زنان توسط محسن دآوری

در حوزه حقوق اجتماعی، محسن داوری پیشتاز اجرای طرح‌های سرکوبگرانه علیه زنان مشهودی بوده است. در ۳۱ تیر ۱۴۰۲، محسن داوری در جلسه شورای اداری، دستگاه‌ها را به مقابله هوشمند با بی‌حجابی فراخواند. او در سخنانی تند مدعی شد که باید با درایت «پوزه دشمن را به زمین» بزنند تا بهره‌برداری نکنند. وی معترضان به حجاب اجباری را دشمنان واقعی دین نامید که قصد حرم‌ت‌شکنی در مجالس مذهبی را دارند. محسن داوری حتی برخی مداحان و سخنرانان را نیز به دلیل عدم همراهی با این طرح‌ها مورد انتقاد قرار داد. تحت نظارت وی، در ۶ اردیبهشت ۱۴۰۲، پانزده واحد صنفی در راستای طرح عفاف و حجاب پلمب گردید. پلیس مشهد در ۷ اردیبهشت همان سال، با مصونیت دادن به آمران به معروف، مخالفان آن‌ها را دستگیر کرد. این اقدامات نشان‌دهنده تبدیل شدن نهاد انتظامی به عامل سرکوب حقوق اجتماعی شهروندان تحت مدیریت محسن داوری است. در ۴ تیر ۱۴۰۲، هجوم پلیس به یک مهمانی در مجتمع آبادگران منجر به سقوط و مرگ یک جوان شد. همچنین کافه اپیزود در ۲۰ مرداد ۱۴۰۲ به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری توسط نیروهای تحت امر وی پلمب گشت. محسن داوری در ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۳، دستور پلمب غیرقانونی واحدهای طلافروشی را با دستگاه جوشکاری صادر کرد. رئیس اتحادیه طلافروشان این اقدام فرماندار را به دلیل عدم صدور اخطار ۱۰ روزه، کاملاً غیرقانونی و خودسرانه دانست. این رفتارهای سلیقه‌ای، امنیت اقتصادی و روانی اصناف مشهد را به شدت تحت تاثیر قرار داده و نابود کرده است.

بازداشت‌های عقیدتی و سوابق سرکوبگری محسن داوری
محسن داوری در مقام ارشد اجرایی، بازداشت فعالان مجازی و خانواده‌های زندانیان سیاسی را در دستور کار قرار داد. سوابق و مناصب وی در دستگاه‌های حاکمیتی به شرح زیر است:

معاون استاندار خراسان رضوی و فرماندار مشهد (۲۹ دی ۱۴۰۰ تا ۹ بهمن ۱۴۰۳)

جانشین مدیر عالی حرم مطهر رضوی (۹ بهمن ۱۴۰۳ تا کنون)

محسن داوری با نظارت بر این نهادها، مسئول مستقیم سرکوب آزادی بیان و ایجاد فشار بر خانواده‌های معترضین است. تحت فرماندهی محسن داوری، سجاد مشهدی همت‌آبادی در ۱۷ آبان ۱۴۰۲ و ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ مورد بازجویی و تهدید قرار گرفت. پلیس امنیت وی را به دلیل فعالیت در فضای مجازی به تبلیغ علیه نظام و تشویش اذهان عمومی متهم کرد. در ۸ خرداد ۱۴۰۳، سه شهروند زن از خانواده یک زندانی سیاسی به دلیل مطالب مربوط به سقوط بالگرد احضار شدند. نرگس شخص امام‌پور و شقایق و شهرزاد شیبانی‌زاده پس از ساعت‌ها بازجویی توسط حفاظت اطلاعات فراجا آزاد گشتند. دانیال عباس‌زاده، دانشجوی دانشگاه آزاد، نیز در ۲۶ خرداد ۱۴۰۳ به پلیس اطلاعات و امنیت مشهد احضار و تهدید شد.

قربانیان جنایات محسن داوری:

ابوالفضل آدینه وند علی صابری امین شریفی امیرحسین آتش امیر جلالیان سیدنیا آرش پهلوان اصغر شاکری بهزاد جلایری اسماعیل ستاری حمید نسترجهان حسن ناصری خور کتایون محمدی فر منصوره

موسوی معین قاسم پور محمد خلیلی امید فتحی امید عمران پریسا پروانه ابوالفضل احمدپور علی احمدپور اهل علیرضا صداقت بیتا میرزایی الهام سالاری المیرا حسینی مجیدرضا رهنورد معین عاشور امید شریفی محبتی ریحانه مختاریان دلویی سجاد رئوف ساناز تفضلی سیروس ذبیحی محمدمهدی راه نشین سجاد مشهدی همت آبادی نرگس شخص امام پور شقایق شیبانی زاوه شهرزاد شیبانی زاوه دانیال عباس زاده دانیال میرشاهی حامد جراحی حسین عزیزنصری حسین بوژمهرانی حسین نعمتی یزدی جواد عفتی جواد وطن خواه پویا ملازم ریحانه مختاریان رضا حامد بورنگ علی دیبا علیرضا برجسته آرش رمضان فاطمه مشهدی عباس فاطمه سپهری هادی رجبی زاده لیلی سادات مدیحه روزینی ماندانا کلالی مریم کارگر کرمی مهدی شکی مشهدی مهدی یزدی مهرداد نوروزی میلاد جاهدی زاده مینا قلندری مبارکه قدیری محمدامین سعیدی محمد حبیب پور محمد روزینی محسن محمدی مژگان خیرالهی سجاد جلایری شهره اورعی سهراب خجسته مهشید کاشانی نژاد عادل جلال احمدی علی جلیلیان علیرضا فولادی علیرضا صابریان دانیال خیرآبادی حمید شریفی حسین رستم پور مقدم بگلر معین منصوری ترشیزی محمدرضا کریمیان صفا قوام صدری عباس گلشنی علی حسینی امین بابایی امیرعلی روغنی امیر دارایی پور امیرحسین ارمی امیرحسین حامدسنگی امیررضا اسفندیاری ارغوان تراشی دانیال خسروی دانیال اسکوی فاطمه وارسته حسین مومنی مجید شیعه علی مریم حلمی مهدی صالحی محمدامین موسوی محمد مولایی محمدرئوف ارحمی امیدرضا مطهری نژاد پریسا صادق زاده سپهر باسامی شمیم شیرزاد شایان ریحانی سینا برکپور

قربانیان گروهی شامل جامعه بهائیان، زنان مشهد و معترضان سال ۱۴۰۱ هستند. محسن داوری در تمامی این موارد نقض حقوق بشر، نقشی کلیدی و اجرایی ایفا نموده است

درویشی ، حسین



سرهنک پاسدار حسین درویشی
معاون هماهنگ کننده سپاه امام سجاد هرمزگان

دره چناری ، عباس



عضو نیروهای سرکوبگر در پایگاه بسیج مامازند (پاکدشت).
سابقه و عملکرد: * مشارکت در عملیات‌های سرکوب علیه معترضان.
طبق گزارش‌های منتشر شده، شواهدی مبنی بر تعرض وی به زنان و دختران بازداشتی یا معترض وجود دارد.
محل کار: تهران، خیابان خیام شمالی، صنف لوله و اتصالات.
محل سکونت: پاکدشت، منطقه مامازند.
شماره تماس: ۰۹۱۲۴۳۴۶۲۲۰

ذبیح پور ، آمنه سادات



مادینه جنایتکار آمنه سادات ذبیح پور احمدی در مقام خبرنگار و سردبیر صداوسیما ملایان، با دستگاه‌های امنیتی برای اخذ اعترافات اجباری از زندانیان سیاسی همکاری مستقیم دارد. او در نقض شدید حقوق زندانیان، شکنجه و توجیه اتهامات واهی علیه معترضان مشارکت فعال داشته است

ذبیح‌پور به عنوان خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما ایران، در روند اعتراف‌گیری اجباری از زندانیان سیاسی و فعالان مدنی بازداشتی مشارکت مستقیم دارد. هدف از این اقدامات، پخش اعترافات از تلویزیون حکومتی ایران است. از این رو، ذبیح‌پور در برابر نقض جدی حق آزادی بیان، حقوق زندانیان و شکنجه اعمال شده جهت اخذ اعترافات اجباری مسئولیت دارد

سپیده قلیان، فعال مدنی و کارگری که خود قربانی شکنجه و اعتراف‌گیری اجباری وزارت اطلاعات و صدا و سیمای ملایان شده است، این مشارکت مستقیم را تأیید کرده است. به گفته قلیان، ذبیح‌پور، خبرنگار بخش خبری ۲۰:۳۰ شبکه دوم سیما، در جریان بازجویی‌های او برای اخذ اعترافات اجباری شخصاً حضور داشته است. این فعال مدنی در ۴ دی ۱۳۹۸، پس از پخش گزارشی از صدا و سیما علیه کشته‌شدگان اعتراضات آبان ماه، که توسط ذبیح‌پور تهیه شده بود، متنی منتشر کرد. او در صفحه توئیتر خود نوشت: «در مراحل تولید طراحی سوخته، شخص آمنه سادات ذبیح‌پور، در اتاق بازجویی حضور داشت». وی افزود: «تا پس از ساعت‌ها شکنجه‌ی جسمی و روحی، متنی را از قبل آماده کرده بود، برای خواندن در مقابل دوربین، در اختیار ما بگذارد.» قلیان همچنین اعلام کرد که از ذبیح‌پور، سردبیر بخش خبری ۲۰:۳۰ و رئیس صدا و سیما به دلیل مشارکت در نقض حقوق خود شکایت خواهد کرد.

طراحی سوخته نام مستندی است که وزارت اطلاعات ایران با همکاری صدا و سیمای ملایان علیه «فعالان کارگری هفت‌تپه، به‌ویژه سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، تهیه کرد. این مستند با گویندگی آمنه سادات ذبیح‌پور در ۲۹ دی ۱۳۹۷ پخش شد

در این مستند، سپیده قلیان و اسماعیل بخشی وادار به اعتراف تلویزیونی علیه خود و اعتراضات کارگری هفت‌تپه شدند

بازجو - خبرنگار علیه کارگران

سپیده قلیان همان زمان بلافاصله در صفحه توئیتر خود نوشت که اعتراف‌های نمایش داده شده اجباری و تحت شکنجه بوده است. او گفت: «این تصاویری که از من پخش شد گواه دیگری در اثبات حرف‌هایم مبنی بر شکنجه شدن در طول مدت بازداشت بود. جدی‌تر از قبل به پیگیری شکنجه شدنم خواهم پرداخت

میثم آل مهدی، یکی دیگر از فعالان کارگری فولاد اهواز، نیز در دی ۹۸ پس از افشاگری قلیان درباره ذبیح‌پور در توئیتر نوشت: «از اسمم به عنوان میثم لیدر فولاد تجزیه‌طلب نام برده شده، از آمنه سادات ذبیح‌پور شکایت می‌کنم.» دستگاه قضایی ملایان اما در بهمن ۹۸، بدون بررسی به شکایت سپیده قلیان از ذبیح‌پور رسیدگی نکرده و آن را مختومه کرد. در مقابل، هم‌زمان پرونده جدیدی علیه سپیده قلیان در نتیجه شکایت ذبیح‌پور از او گشود. قلیان گفت: «تنها چند دقیقه پس از ثبت شکایت من از ذبیح‌پور، قرار منع تعقیب آمنه سادات صادر و پرونده مختومه شده است.» او ادامه داد: «به فاصله کوتاهی پس از آن، یک شکایت علیه من ثبت شده و دادگاه پنج روز فرصت داده است خودم را معرفی کنم.» ذبیح‌پور خود ارتباط با بازجوی سپیده قلیان را تأیید کرده، اگرچه مشارکت در بازجویی را انکار نمود. او دو روز پس از افشاگری قلیان، در اینستاگرام خود نوشت: «بازجوییت به تهران آمد، او را دیدم خانمی با وقار، نجیب و آرام... از تو واقعیت‌ها را گفت.» این اظهارات، نقش آمنه سادات ذبیح‌پور در پرونده‌های اعتراف‌گیری را پررنگ‌تر می‌کند

مستندسازی علیه نازنین زاغری و فعالان حجاب اجباری

آمنه سادات ذبیح‌پور در نقض حقوق انسانی نازنین زاغری، شهروند دوتابعیتی ایرانی-بریتانیایی، نیز نقش داشته است. زاغری در فروردین ۱۳۹۵ توسط مأموران سازمان اطلاعات سپاه بازداشت و در شهریور همان سال به اتهام «جاسوسی» به ۵ سال زندان محکوم شد. سپاه و دستگاه قضایی، نازنین زاغری را به «مشارکت در جنگ نرم با هدف براندازی نظام» متهم کرده بودند. ذبیح‌پور در آذر ۱۳۹۶ دو گزارش خبری تصویری علیه نازنین زاغری ساخت. او رسماً زاغری را «جاسوس انگلستان» معرفی کرد که در انواع فعالیت‌ها علیه نظام مشارکت داشته است. خانواده نازنین زاغری این ادعا را بارها رد کردند. ریچارد رتکلیف، همسر نازنین زاغری، شهادت داد که ذبیح‌پور در ۲۵ اسفند ۱۴۰۰، پیش از خروج نازنین زاغری از ایران، در فرودگاه حضور داشته است. رتکلیف گفت که مأموران نازنین زاغری را تحت فشار قرار داده بودند تا در برابر دوربین ذبیح‌پور، اعتراف اجباری تلویزیونی کند

در مرداد ۱۴۰۱، ذبیح‌پور گزارش دیگری علیه سپیده رشنو، زن مخالف حجاب اجباری، تهیه کرد. این شهروند قبلاً توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و مورد آزار و شکنجه قرار گرفته بود تا تن به اعتراف اجباری دهد. ذبیح‌پور در گزارش ساخته‌شده، سپیده رشنو را فردی خواند که به دنبال «خشم، کینه و ناامنی در جامعه و به خطر انداختن امنیت ملی» است. سپیده رشنو در تیر ۱۴۰۱، پس از انتشار فیلم درگیری‌اش با یک موافق حجاب اجباری، توسط مأموران امنیتی بازداشت شد. در آن ویدئو، یک فرد محجبه پس از حمله فیزیکی به چند دختر جوان به دلیل نداشتن حجاب در اتوبوس، توسط آن‌ها از اتوبوس بیرون انداخته شد. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که آمنه سادات ذبیح‌پور به طور سیستماتیک در کمپین‌های پروپاگاندای حکومت نقش دارد

جعل واقعیت و پروپاگاندای آمنه سادات ذبیح‌پور در اعتراضات آبان ۱۳۹۸
آمنه سادات ذبیح‌پور در جعل و تحریف واقعیت درباره اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ نیز مشارکت مستقیم داشته است. او به پرونده‌سازی، توجیه اتهامات واهی علیه معترضان بازداشت‌شده و فریب افکار عمومی در مورد کشته‌شدگان، از طریق صدا و سیمای ملایان، کمک کرده است. ذبیح‌پور در دستکم ۴ گزارش تصویری خود که از بخش‌های خبری صدا و سیمای ملایان پخش شد، اعتراضات آبان ماه را «اغتشاش» خواند. او معترضان را «اغتشاشگرانی» معرفی می‌کند که یکدیگر و حتی مردم عادی را می‌کشند. هدف آن‌ها از این قتل‌ها، «مقصر نشان دادن نظام» در جریان اعتراضات عنوان شده است

در ۳ دی ۹۸، در گزارشی با نام «رسانه‌های معاند و ماجرای تکراری نمادسازی»، که توسط ذبیح‌پور تهیه شد، او صراحتاً نقش نیروهای امنیتی و انتظامی را در کشتار معترضان رد کرد. ذبیح‌پور کشته شدن پویا بختیاری، از معترضان جان‌باخته در ۲۵ آبان ۹۸، را مشکوک دانست. او تلویحاً قتل پویا بختیاری را «کار گروه‌های معاند جهت نماد سازی در رسانه‌های معاند» خواند. ذبیح‌پور در این گزارش گفت: «حالا رسانه‌های ضدانقلاب و شبکه‌های اجتماعی همانند مدل عراق و لبنان تلاش دارند تا نظام و نیروهای حافظ امنیت را متهم اصلی جان باختن این فرد معرفی کنند

ذبیح‌پور همچنین اقدام به پرونده‌سازی برای پدر و مادر پویا بختیاری کرد. او آن‌ها را افرادی معرفی کرد که به گفته او با «رسانه‌های لندن و سعودی» در تماس هستند. ذبیح‌پور سپس اعتراضات سراسری آبان ماه را «اغتشاشات چند لایه‌ای» خواند. او ادعا کرد: «اغتشاشگران با سوار شدن بر موج احساسات و نمادسازی‌های دروغین و متهم کردن نظام به قتل و کشتار» در تلاشند تا افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند

نسبت‌دادن اعتراضات داخلی به بیگانگان توسط بازجو - خبرنگار ملایان
پیش از آن در آذر ۹۸ نیز آمنة سادات ذبیح‌پور در گزارش دیگری، اعتراضات آبان را «آشوب» خواند. او کشته‌شدگان این اعتراضات را جان‌باختگانی معرفی کرد که به گفته او «عمدتاً در تیراندازی‌های مشکوک هدف قرار گرفتند.» تلاش‌های ذبیح‌پور برای القای پروپاگاندای تبلیغاتی صدا و سیما، تنها چند روز پس از آغاز اعتراضات شروع شد. ذبیح‌پور در ۲۹ آبان ماه با تهیه گزارشی، شرکت‌کنندگان در اعتراضات را «عوامل آمریکا، اسرائیل و سعودی» خواند. او گفت که این افراد «به صورت برنامه‌ریزی شده و سازمان یافته به دنبال ناآرامی هستند». او در این گزارش با استفاده از اعترافات اجباری اخذ شده از یکی از زنان شرکت‌کننده، این زنان را «لیدرهای اغتشاشات» معرفی کرد

حمایت آمنة سادات ذبیح‌پور از اعدام نوید افکاری و تحریم‌های بین‌المللی علیه وی
آمنة سادات ذبیح‌پور همچنین از مدافعان اعدام نوید افکاری، از بازداشت‌شدگان اعتراضات مرداد ۱۳۹۷، است. او در ۲۳ شهریور ۱۳۹۹، ساعاتی پیش از انتشار رسمی خبر اعدام نوید افکاری، در واکنش به اعتراضات گسترده ایرانیان نسبت به حکم اعدام، در توئیتر خود نوشت: «... آلبانی‌نشین‌ها (اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران)، ضدانقلاب هشتگ‌های خودشون رو آماده کنند.» این نوشته با واکنش گسترده کاربران توئیتر مواجه شد و سبب تعلیق صفحه ذبیح‌پور گردید. ساعاتی بعد حساب شخصی وی در شبکه اجتماعی توئیتر معلق شد.

آمنة سادات ذبیح‌پور به دلیل همین نقش‌ها، از جمله افرادی است که نامش در نامه ۱۳ نهاد حقوق بشری ایرانی به شورای اتحادیه اروپا در بهمن ۱۳۹۸ ذکر شد. این نهادها از شورای اتحادیه اروپا خواستند تا ذبیح‌پور را به همراه مدیران برنامه خبری ۲۰:۳۰ به دلیل مشارکت در ضبط و پخش اعترافات اجباری، مورد تحریم قرار دهد

سرانجام در ۲۱ آذر ۱۴۰۱، اتحادیه اروپا ۲۰ شخص حقیقی از جمله آمنة سادات ذبیح‌پور (بازجو - خبرنگار) و سازمان صداوسیما ملایان را در فهرست تحریم‌های خود قرار داد. این تحریم‌ها به دلیل نقض فاحش حقوق بشر و همزمان با اعدام محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد، دو جوان بازداشت‌شده در خیزش ۱۴۰۱ ایران، اعمال شد

پیش از آن نیز، در ۲۵ آبان ۱۴۰۱، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده دو «بازجو-خبرنگار» از جمله ذبیح‌پور و چهار مقام ارشد صداوسیما ملایان را تحریم کرد. اتهام آن‌ها پخش صداها اعتراف اجباری از بازداشت‌شدگان بود

یک سال بعد، در ۲۲ شهریور ۱۴۰۲، وزارت خارجه استرالیا نیز آمنة سادات ذبیح‌پور را همراه با ۳ مسئول و ۳ نهاد دیگر ایران، تحریم مالی و ممنوعیت سفر کرد

سوابق و مناصب کلیدی آمنة سادات ذبیح‌پور در نقش بازجو - خبرنگار
سوابق و مناصب آمنة سادات ذبیح‌پور که در روند نقض حقوق بشر نقش داشته، به شرح زیر است :

(۱۳۹۲ - ۱۳۸۲) خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان

(۱۳۹۳ - ۱۳۹۲) مجری خبری صدا و سیما

(۱۴۰۰ - ۱۳۹۳) خبرنگار و تهیه‌کننده بخش اخبار صدا و سیما

(۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما

سردبیر گروه رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه در صداوسیما (اسفند ۱۴۰۰ - تاکنون)

قربانیان جنایات و نقض حقوق بشر توسط آمنة سادات ذبیح‌پور
ذبیح‌پور در مقام «بازجو-خبرنگار»، در روند نقض حقوق و تحریف حقیقت در مورد شمار زیادی از شهروندان مشارکت داشته است.

برخی از قربانیان فردی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر آمنة سادات ذبیح‌پور عبارتند از: سپیده قلیان، فاطمه داوند، نازنین زاغری و سپیده رشنو. قربانیان گروهی نیز شامل: معترضان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و مخالفان حجاب اجباری می‌شوند. اقدامات ذبیح‌پور نشان‌دهنده یک الگوی مستمر در همکاری با نهادهای امنیتی برای سرکوب مخالفان و نقض حقوق اساسی آن‌ها است. ذبیح‌پور به عنوان ابزاری در دست دستگاه‌های اطلاعاتی، از رسانه دولتی برای مشروعیت بخشیدن به شکنجه و اعتراافات اجباری استفاده کرده است

رجبی ، حسین



حسین رجبی در مقام دادستان سابق مرکز استان قزوین، مسئولیت مستقیم بازداشت‌های خودسرانه، صدور کیفرخواست‌های امنیتی و اجرای احکام اعدام را بر عهده داشته است. او با سرکوب گسترده معترضان سال ۱۴۰۱ و انسداد آزادی‌های مدنی، نقشی کلیدی در ماشین سرکوب قضایی و تضییع حقوق بنیادین شهروندان ایفا کرد

حسین رجبی در مقام مدعی‌العموم قزوین، از بدو انتصاب تا زمان تودیع، نقشی محوری در فرآیند بازداشت و تحقیقات قضایی ایفا کرده است. او در جریان اعتراضات گسترده شهریور و پاییز ۱۴۰۱، مسئولیت مستقیم هدایت ضابطین و صدور قرارها علیه معترضان را بر عهده داشت. در تاریخ ۴ مهر ۱۴۰۱، حسین رجبی با اتخاذ رویکردی تهاجمی، بازداشت‌شدگان را دارای سوابق کیفری و هدایت‌گر تخریب اموال عمومی نامید. وی مدعی شد این افراد پس از جان‌باختن مهسا امینی، نسل جوان را برای مقابله با نیروهای انتظامی تحریک کرده‌اند. او تهدید کرد که دستگاه قضایی با سرکردگان این تجمعات، برخورد قاطع، بدون اغماض و بازدارنده خواهد کرد. این مقام قضایی در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ نیز از دستگیری زنی به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری خبر داد. وی بازداشت این شهروند را نتیجه رصد اطلاعاتی و دعوت او از کسبه برای پیوستن به اعتصابات سراسری عنوان کرد. تحت مدیریت حسین رجبی، ده‌ها شهروند از جمله مجتبی رحیمی، محمد اینالو و حامد قربانی با پرونده‌سازی‌های امنیتی روانه زندان شدند. او با استفاده از نفوذ خود، فرآیند دادرسی عادلانه را برای مخالفان سیاسی و فعالان مدنی در قزوین مسدود کرد. این مقام سابق قضایی، اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم را با برچسب‌های امنیتی به مسیری برای سرکوب سیستماتیک و صدور کیفرخواست تبدیل نمود. کارنامه وی در این دوران، نشان‌دهنده استفاده ابزاری از قانون برای خاموش کردن هرگونه صدای منتقد در سطح استان است.

حسین رجبی در دوران تصدی دادستانی قزوین، ناظر بر اجرای احکام متعددی بوده که حق حیات شهروندان را سلب کرده است. در ۲۱ آذر ۱۴۰۱، حکم اعدام عباس حسینی و علی سیدخانی به اتهام جرائم مواد مخدر در زندان تحت نظر وی اجرا شد. همچنین در ۲۴ آذر همان سال، محمدعلی سیدی به اتهام قتل در زندان قزوین با نظارت این مقام قضایی به دار آویخته شد. حسین رجبی در سال ۱۴۰۲ نیز این روند را با اعدام شاهین فیروزکوهی و علی دفتری در ۱۳ اردیبهشت ادامه داد. در ۱۸ خرداد ۱۴۰۲، زندانی دیگری در ندامتگاه چوبیندر قزوین به دلیل جرائم مشابه، حکم مرگ خود را دریافت کرد. فلیت عابدی نیز در ۲۱ دی ۱۴۰۲، تحت مسئولیت قضایی وی قربانی طناب دار شد که نشان از

تداوم این سیاست دارد. در مرداد ۱۴۰۳، حامد نادری و علی محرم‌خانی در یک پرونده مشترک مواد مخدر، با حکم نهایی این دستگاه قضایی اعدام شدند. آخرین مورد ثبت شده در دوران مسئولیت وی، اعدام کیومرث علانی در ۲۴ شهریور ۱۴۰۳ به اتهام قتل عمد بوده است. حسین رجبی با نظارت بر این فرآیندها، نقشی غیرقابل انکار در استمرار مجازات‌های مرگ در ساختار قضایی استان قزوین داشته است. بسیاری از این احکام در شرایطی اجرا شدند که فعالان حقوق بشر نسبت به دادرسی‌های ناعادلانه در این پرونده‌ها هشدار داده بودند. وی به عنوان دادستان، مسئولیت قانونی تمامی این اعدام‌ها و نحوه رسیدگی به پرونده‌های منجر به سلب حیات را بر عهده دارد.

حسین رجبی علاوه بر سرکوب‌های خیابانی، در حوزه آزادی‌های فردی و صنفی نیز رویکردی سخت‌گیرانه و حذفی را دنبال کرده است. او در ۳۱ فروردین ۱۴۰۲، از بازداشت زنی به اتهام انتشار تصاویر مسمومیت دانش‌آموزان به رسانه‌های معاند خبر داد. وی اتهام این شهروند را نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام اعلام کرد و او را با قرار بازداشت موقت به زندان فرستاد. در ۲۰ خرداد ۱۴۰۲، حسین رجبی دستور پلمب نمایشگاه‌های بین‌المللی و یک مرکز اندام مصنوعی را به دلیل پخش موسیقی صادر کرد. وی همچنین در تیر ۱۴۰۲، دستور بستن یک آرایشگاه مردانه و یک باغ پذیرایی را به دلایل عقیدتی ابلاغ نمود. این مقام قضایی در ۲ مرداد ۱۴۰۲، سید مصطفی جعفری، روزنامه‌نگار، را به دلیل انتشار ویدیوی یک نماینده مجلس بازداشت کرد. پرونده این خبرنگار مستقیماً با شکایت شخص حسین رجبی و در پی افشای امتناع نماینده از دست دادن با او گشوده شد. وی در حوزه حجاب اجباری نیز اعلام کرد که برای ۱۷۳ شهروند قزوینی به دلیل پوشش، پرونده قضایی تشکیل داده است. در دوران او، ۸ آرایشگاه زنانه نیز به دلیل انتشار عکس در فضای مجازی پلمب و مالکان آن‌ها با محرومیت روبرو شدند. این اقدامات نشان‌دهنده دخالت حداکثری حسین رجبی در حریم خصوصی شهروندان و تلاش برای کنترل کامل سبک زندگی مردم است. وی با جرم‌انگاری رفتارهای عادی، فضای رعب و وحشت را در محیط‌های کسب و کار و فضای مجازی استان حاکم کرد.

سوابق سرکوب و قربانیان انفرادی و گروهی حسین رجبی
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان شاهرود (۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ تا ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸)

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تاکستان (۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ تا ۱۷ مهر ۱۴۰۱)

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان قزوین (۴ تیر ۱۴۰۱ تا ۴ مهر ۱۴۰۳)

در دوره مسئولیت وی، شهروندان بسیاری قربانی تصمیمات قضایی و امنیتی او شدند که اسامی برخی از آن‌ها بدین شرح است: سید مصطفی جعفری علی علیخانی محمد حیدری مجتبی رحیمی محمد اینانلو حامد قربانی حجت حیدری حدیثه علیخانی سعید چک علی بهرام پور محمدامین برزگر شمس حامد خلیلی سجاد جبرئیلی عباس حسینی علی سیدخانی علیرضا رضانی حنا قنبری شاهین فیروزکوهی علی دفتری اسماعیل خدایاری محمدعلی سیدی منوچهر بختیاری محمد ابوالحسنی فلیت عابدی وحید نعمتی حامد نادری علی محرم‌خانی کیومرث علانی

قربانیان گروهی این اقدامات نیز شامل معترضان اعتراضات ۱۴۰۱ و اصناف مختلف در شهرستان قزوین هستند. حسین رجبی با نظارت بر زندان چوبیندر، مسئولیت گشایش پرونده‌های جدید علیه زندانیان سیاسی نظیر منوچهر بختیاری را نیز بر عهده داشته است. وی با هدایت دستگاه قضایی استان، مسیری را هموار کرد که در آن حقوق بشر قربانی اهداف سیاسی حاکمیت شد. دوران تصدی او به عنوان یکی از سیاه‌ترین دوره‌های قضایی برای فعالان مدنی و شهروندان عادی قزوین ثبت شده است. تمامی این موارد مستند، گواهی بر نقش پررنگ وی در ساختار سرکوب جمهوری اسلامی ایران در سطح استانی است.

رحمت زاده ، مرتضی



از نیروهای عملیاتی یگان ویژه در استان کرمان که در جریان وقایع اخیر، به عنوان یکی از عوامل کلیدی در سرکوب و برخورد خشونت‌آمیز با شهروندان شناسایی شده است. بر اساس ادعاهای مطرح شده، وی در عملیات‌های میدانی دی‌ماه حضور مستقیم داشته و متهم به مشارکت در قتل عام و تیراندازی به سمت معترضان در شهر کرمان است.

از وی به عنوان یکی از مهره‌های اصلی یگان ویژه در این منطقه یاد می‌شود. سمت سازمانی ثبت شده در گزارش: عضو یگان ویژه نیروی انتظامی کرمان

رخشانفر



مسئول عقیدتی بسیج شهری اندیشه و شست و شوی مغزی دهنده بسیجیان برای سرکوب شدید مردم بی دفاع و معترض
تلفن رخشانفر ۰۹۱۲۳۶۴۸۴۴۷

رزم ، محمد



محمد رزم، در جایگاه رئیس کل پیشین دادگستری استان‌های ایلام و لرستان، مسئولیت مستقیم در تضییع حقوق اساسی شهروندان از جمله نقض حق آزادی بیان، حق اعتراض، حق حیات و سرکوب کارگران را بر عهده دارد. اقدامات او شامل صدور احکام سنگین حبس و شلاق برای فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران و کارگران معترض، و همچنین اجرای حکم اعدام است

محمد رزم در مقام رئیس کل پیشین دادگستری استان ایلام، در قبال اقدامات محدودکننده و سرکوبگرانه این مجموعه قضایی در نقض حق آزادی بیان شهروندان در این استان، مسئولیت مستقیم دارد. به عنوان نمونه، دادگستری استان ایلام در اردیبهشت ۱۳۹۶ از دستگیری یک فعال سیاسی به دلیل قرائت یک شعر در یکی از برنامه‌های انتخاباتی ستاد حسن روحانی خبر داد. محمد رزم دلیل بازداشت این شهروند را «توهین به مقدسات و اهانت به ائمه معصومین و امام رضا» عنوان کرده بود. گزارش‌های منتشر شده حاکی از آن است که این فرد در جریان یک برنامه در ستاد انتخاباتی روحانی در ایلام، شعری را خوانده بود که در آن از امام هشتم شیعیان گلایه می‌کرد که چرا همواره از «اصولگرایان» حمایت می‌کند. دادگستری ایلام تنها ۴ ماه بعد، این شهروند به نام امین محمدی را به همین اتهام به ۵ سال حبس تعزیری محکوم نمود. پس از آن، در آذر ماه ۱۳۹۶ نیز شهروند دیگری با نام سجاد تابانی، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۱ سال حبس محکوم شد. دادگاه انقلاب ایلام در شهریور ماه ۱۳۹۷، نجف مهدی پور، روزنامه‌نگار و مدیر مسئول دو هفته‌نامه «باخترزمین» را به اتهام «توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام» به تحمل ۱ سال زندان محکوم کرد. محمد رزم همچنین به عنوان رئیس کل وقت دادگستری استان لرستان، در نقض حق اعتراض شهروندان در خلال اعتراضات سراسری آبان ماه ۱۳۹۸ توسط دادگاه‌های این استان مسئول است. او خود در آذر ماه ۱۳۹۸، پس از خاتمه اعتراضات، شرکت‌کنندگان در تجمعات را مستقیماً به برخورد قاطع و جدی قضایی تهدید نمود. رزم گفته بود: «کسانی که دست به اعمال مجرمانه زدند و به امنیت و آسایش عمومی جامعه خدشه وارد کردند، قاطعانه مورد مجازات جدی و شدید قانونی قرار می‌گیرند»

به گفته او، معترضان شناسایی شده مورد محاکمه قرار خواهند گرفت و اتهام آن‌ها «لیدر، اخلال در نظم، اتصال به سرویس‌های جاسوسی، بیگانه و معاند» است. تنها ۳ هفته پس از این هشدار محمد رزم، ۴ شهروند لرستانی تحت عنوان «لیدر و عامل اغتشاش» از سوی پلیس امنیت لرستان بازداشت شدند.

محمد رزم به عنوان رئیس کل دادگستری استان ایلام در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، در برابر نقض جدی حق حیات شهروندان به واسطه صدور و اجرای حکم اعدام توسط دادگستری ایلام، مسئولیت مستقیم دارد. اگرچه آمار دقیق اعدام‌های صورت گرفته در دوره مسئولیت محمد رزم در ایلام به طور کامل مشخص نیست، اما بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، در دوران تصدی وی در دادگستری ایلام، دستکم ۱۷ نفر در این استان اعدام شدند. از میان این افراد، اتهام ۱۰ نفر از زندانیان اعدام شده، قتل عمد بوده است. محمد رزم همچنین خود از حامیان و مدافعان مجازات اعدام می‌باشد. او در تیر ماه ۱۳۹۶، ضمن دفاع از اجرای مجازات اعدام برای متجاوزان به عنف، اظهار داشته بود: «این افراد در ملا عام به مجازات عمل شنیع خود خواهند رسید تا درس عبرت برای کسانی باشد که بخواهند در این استان امنیت و آرامش فکری و روانی خانواده‌ها را مختل کنند.» علاوه بر این موارد، محمد رزم به عنوان رئیس کل وقت دادگستری ایلام، در قبال نقض فاحش حقوق کارگران توسط دادگاه‌های ایلام نیز مسئولیت دارد. در همین راستا، شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری ۲ استان ایلام، در مهر ماه ۱۳۹۷، ۱۵ تن از کارگران پتروشیمی ایلام را صرفاً به دلیل تلاش برای مطالبه حقوق خود از جمله تحصن و اعتصاب، به اتهام آنچه که «اخلال در آسایش و نظم عمومی» عنوان شده، به زندان و شلاق محکوم کرد.

بر اساس رأی صادر شده از سوی این دادگاه، میلاد دوستی، نماینده کارگران، به ۲ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید. همچنین ۱۴ کارگر دیگر با نام‌های فشار رشیدی، انور رشیدی، صادق رستمی، نادر خاکی، محمدصالح قیطاسی، توحید قیطاسی، سعید قیطاسی، صادق کاکاخانی، علی کاکاخانی، امین ارکوازی، حجت اسماعیلی، عباس مظفری، محمد حیدری، علی نجات اعظمی، هر کدام به ۶ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شدند. صدور این حکم در شرایطی صورت گرفت که این کارگران در اردیبهشت ۹۷ به دلیل آنچه اخراج غیرقانونی از محل کار نامیدند، در مقابل کارخانه واقع در شهر چوار ایلام تجمع کرده و برای ساعاتی جاده منتهی به شرکت را مسدود نموده بودند.

سوابق سرکوب و قربانیان جنایات محمد رزم
نقش محمد رزم در اجرای احکام سختگیرانه قضایی و سرکوب آزادی‌های مدنی، نشان‌دهنده مسئولیت او در نقض حقوق بنیادین شهروندان است. محمد رزم، با تصدی مناصب ارشد قضایی در چند استان، در اجرای سیاست‌های قضایی منجر به تضییع حقوق اساسی مشارکت داشته است. مسئولیت‌های محمد رزم در این مقام‌ها، او را در برابر قربانیان سرکوب و نقض حقوق بشر قرار می‌دهد.

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمد رزم عبارت است از:

خرداد ۱۳۹۱ تا خرداد ۱۳۹۵: نماینده دوره نهم مجلس خامنه‌ای

شهریور ۱۳۹۵ تا شهریور ۱۳۹۸: رئیس کل دادگستری ایلام

شهریور ۱۳۹۸ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲: رئیس کل دادگستری لرستان

از ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲ تا کنون (آذر ۱۴۰۴): رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر و رئیس کل دادگستری چهارمحال و بختیاری

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمد رزم عبارتند از:

امین محمدی

نجف مهدی پور

میلاذ دوستی

فشار رشیدی

انور رشیدی

صادق رستمی

نادر خاکی

محمدصالح قیطاسی

توحید قیطاسی

سعید قیطاسی

صادق کاکاخانی

علی کاکاخانی

امین ارکوازی

حجت اسماعیلی

عباس مظفری

محمد حیدری

علی نجات اعظمی

معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸

محمد رزم به عنوان یکی از مدیران ارشد قضایی، نقش مهمی در صدور احکام متخلف از موازین حقوق بشری در دادگستری‌های تحت نظارت خود داشته است.

رسالتی ، یار محمد



یارمحمد رسالتی‌خواه در مقام دادستان سابق ایزه و رئیس فعلی دادگستری رامشیر، مسئولیت مستقیم صدور قرار بازداشت‌های خودسرانه و درخواست اعدام برای معترضان را بر عهده داشته است. او با پیگیری پرونده‌های سیاسی و قضایی، نقش کلیدی در نقض حق حیات و سرکوب خانواده‌های دادخواه در جریان خیزش ۱۴۰۱ ایفا کرد

یارمحمد رسالتی‌خواه به عنوان مدعی‌العموم سابق در شهرستان ایزه، در تمامی مراحل بازداشت و تحقیقات مقدماتی علیه شهروندان معترض نقش آفرینی کرده است. او در جریان اعتراضات گسترده شهریور و پاییز ۱۴۰۱، مسئولیت مستقیم پرونده‌سازی برای ساکنان این منطقه را بر عهده داشت. در تاریخ ۲۵ آبان ۱۴۰۱، تجمع اعتراضی مردم با شلیک مستقیم ماموران به خاک و خون کشیده شد. در این واقعه هولناک، دست‌کم ۷ نفر از جمله دو کودک به نام‌های کیان پیرفلک و سپهر مقصودی جان باختند. یارمحمد رسالتی‌خواه به جای تعقیب عاملان شلیک به مردم، از تشکیل پرونده برای ۷۰ شهروند معترض در این رابطه خبر داد. او همچنین برخورد با خانواده‌های دادخواه را در دستور کار قرار داد و خواهر یکی از جان‌باختگان را احضار کرد. یارمحمد رسالتی‌خواه شعارهای این شهروند در مراسم چهل‌م را «ساختارشکنانه» خواند و وی را به داسرا کشاند. او تاکید کرد که تمامی همراهان این زن در مراسم نیز شناسایی و احضار شده‌اند. این مقام قضایی با استفاده از ابزار قانون، فضای ارباب را در ایزه حاکم

کرد. وی با صدور قرار بازداشت‌های گسترده، حق آزادی بیان را از مردم سلب نمود. عملکرد او نشان‌دهنده استفاده ابزاری از عدالت برای تثبیت قدرت و سرکوب اعتراضات برحق مردمی است.

در پرونده جنجالی عباس (مجاهد) کورکوری، یارمحمد رسالتی‌خواه نقشی محوری در صدور حکم مرگ ایفا کرد. آقای کورکوری متهم به قتل جان‌باختگان ۲۵ آبان شد، در حالی که خانواده پیرفلک صراحتاً این ادعا را رد کردند. زینب مولایی‌راد، مادر کیان، بارها اعلام کرد که فرزندش توسط نیروهای رسمی هدف قرار گرفته است. با این حال، یارمحمد رسالتی‌خواه در دادگاه انقلاب اهواز حاضر شد و اتهام محاربه را علیه وی مطرح کرد. او با اصرار بر اتهامات «افساد فی‌الارض»، خواستار اشد مجازات یعنی اعدام برای این زندانی سیاسی شد. اتهامات منتسب شده توسط یارمحمد رسالتی‌خواه شامل قیام مسلحانه علیه نظام و عضویت در گروه‌های باغی بود. در نهایت بر اساس همین ادله، عباس کورکوری در فروردین ۱۴۰۲ به اعدام محکوم گشت. یارمحمد رسالتی‌خواه با نادیده گرفتن شهادت خانواده قربانیان، سناریوی امنیتی را پیش برد. این اقدام او نقض فاحش حق دادرسی عادلانه و حق حیات محسوب می‌شود. او در طول جلسات دادگاه، بر اجرای سریع حکم اعدام تاکید داشت. این رویکرد قضایی، به وضوح نشان‌دهنده نادیده گرفتن معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در پرونده‌های سیاسی است. مجاهد کورکوری همچنان با خطر اجرای این حکم ناعادلانه روبرو است.

دوران مسئولیت یارمحمد رسالتی‌خواه در ایزه با موج گسترده‌ای از بازداشت فعالان مدنی و بستگان جان‌باختگان همراه بود. در آذر ۱۴۰۱، افرادی چون محمود درویشی، مسعود محمدی و امین شیرمردی با دستور او روانه بازداشتگاه شدند. همچنین اشکان رشیدی و احمد گورویی نیز در همین بازه زمانی توسط نیروهای امنیتی دستگیر گشتند. یارمحمد رسالتی‌خواه در اسفند ۱۴۰۱، دستور بازداشت امید و زهرا سعیدی‌جو را صادر کرد. این خواهر و برادر تنها به جرم برگزاری مراسم تولد بر سر مزار برادر جان‌باخته خود بازداشت شدند. در فروردین ۱۴۰۲ نیز فواد چوبین، از بستگان آرتین رحمانی، با تایید او بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. یارمحمد رسالتی‌خواه در اردیبهشت ۱۴۰۲، کیفرخواستی با اتهام محاربه برای ۸ شهروند دیگر صادر کرد. بهمن بهمنی، محسن احمدپور و بهروز سلحشور از جمله قربانیانی هستند که با اتهامات سنگین او روبرو شدند. سوابق سرکوب وی به شرح زیر است:

دادیار و بازپرس دادرسی عمومی و انقلاب دزفول

تدریس در دانشگاه‌های آزاد اسلامی دهشت و دزفول

رئیس دادگاه کیفری شهرستان دزفول تا ۱۰ مهر ۱۴۰۰

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان ایزه از ۱۰ مهر ۱۴۰۰ تا ۱۱ تیر ۱۴۰۲

رئیس دادگستری شهرستان رامشیر از ۱۲ تیر ۱۴۰۲ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

فهرست قربانیان یار محمد رسالتی خواه :

یار محمد رسالتی خواه با صدور احکام و کیفرخواست های متعدد، آسیب های جبران ناپذیری به شهروندان خوزستانی وارد کرده است. برخی از قربانیان اصلی اقدامات وی عبارتند از: عباس (مجاهد) کورکوری، مسعود محمدی، محمود درویشی، امین شیرمردی، احمد گورویی، اشکان رشیدی، زهرا سعیدیان جو، امید سعیدیان جو، فواد چوبین، بهمن بهمنی، محسن احمدپور، بهروز سلحشور، رسول بداغی، وحید عباسی، رضا عربپور، صادق قاسمی، اسماعیل موسوی نظری، حجت آل محمدی

قربانیان گروهی نیز شامل موارد زیر هستند: معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان ایزه

یار محمد رسالتی خواه همچنان در جایگاه ریاست دادگستری رامشیر به فعالیت قضایی خود ادامه می دهد. او با وجود گزارش های متعدد از نقض حقوق بشر، از مصونیت قضایی داخلی برخوردار است. انتقال او از ایزه به رامشیر نشان دهنده استمرار حضور ناقضان حقوق بشر در مناصب کلیدی است. وی با نادیده گرفتن جان و مال مردم، همواره در راستای تحکیم سیاست های سرکوبگرانه حرکت کرده است. کارنامه او در ایزه، گویای نقض سیستماتیک حقوق بنیادین شهروندان ایرانی است

رستمی ، مهدی



ارتشی پشت به وطن کرده جنایتکار مهدی رستمی . بازنشسته ارتش و فعال در سرکوب مردم کرمانشاه . تمامی افراد خانواده این ارتشی مزدور در خدمت جمهوری اسلامی و ماشین سرکوب سپاه قرار دارند. آدرس : کرمانشاه ، خیابان شیرین ، کوچه نیروی انتظامی



از جمله افرادی است که در سال ۱۳۹۸ با خبر چینی و مشارکت در برخورد با معترضان در گرگان، زمینه ورود خود به دادگستری را فراهم کرده است. گفته می‌شود در سال ۱۴۰۱ نیز به‌دلیل همکاری‌هایش ترفیع گرفته است.

بر اساس همین گزارش‌ها، در دی‌ماه خیزش ملی با پوشیدن لباس رفتگران، در کوچه‌های شالیکوبی به‌همراه همکارانش اقدام به شناسایی و بازداشت دختران و پسران جوان می‌کرده است. همچنین ادعا شده پیش از انتقال اجساد به سردخانه، گلوله‌های جنگی را از بدن قربانیان خارج می‌کرده‌اند.

رضا زاده ، محمد

محمد رضازاده، در مقام قاضی ویژه مبارزه با جرایم رایانه‌ای در استان خراسان رضوی، نقشی کلیدی در نقض گسترده حقوق بشر ایفا کرده است. اقدامات او شامل صدور دستور بازداشت شهروندان و تحت تعقیب قرار دادن آنها صرفاً به دلیل اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های هنری، ناقض حق آزادی بیان و حقوق اجتماعی افراد بوده است

محمد رضازاده و نقش او در سرکوب فعالان فضای مجازی

محمد رضازاده به عنوان یک قاضی دادگستری در ساختار قضایی ایران، در نقض حقوق بشر مشارکت داشته است. او در جایگاه قاضی ویژه مبارزه با جرایم رایانه‌ای در استان خراسان رضوی، در برابر نقض حق آزادی بیان، حقوق اجتماعی و حق آزادی شهروندان مسئولیت دارد

محمد رضازاده در مقام قاضی ویژه مبارزه با جرایم رایانه‌ای در دادگستری استان خراسان رضوی، در نقض حق آزادی بیان و حقوق اجتماعی شهروندان مشارکت مستقیم داشته است. او شماری از شهروندان را صرفاً به دلایل واهی تحت تعقیب قرار داده و بازداشت کرده است. این دلایل شامل اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی و انتشار موزیک ویدئو بوده است

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمد رضازاده عبارت است از:

قاضی ویژه مبارزه با جرایم رایانه‌ای دادگستری استان خراسان رضوی: ۱۳۹۳

صدور حکم بازداشت به دلایل واهی و اتهام‌زنی

به عنوان نمونه، محمد رضازاده در آبان ۱۳۹۳ دستور بازداشت ۴ شهروند ساکن مشهد را صادر کرد. این افراد صرفاً به دلیل تشکیل یک گروه در پیام‌رسان وایبر و انتشار نظرات‌شان، با اتهام «توهین به مقدسات» مواجه شدند. این اشخاص سپس با همین اتهام در مجتمع قضایی قدوسی مشهد محاکمه شدند

پیش از آن، در شهریور همان سال نیز، محمد رضازاده شخصاً برای یک خواننده مشهور پرونده تشکیل داد. وی به دلیل تولید و انتشار ویدئو کلیپ بازداشت گردید. بنا بر گزارش‌های منتشر شده، اتهام این جوان ۲۶ ساله «آوازخوانی و تولید شوی مبتذل تلویزیونی برای نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای معاند» اعلام شده بود. این اقدامات توسط محمد رضازاده نشان‌دهنده تضییع حقوق اساسی شهروندان است

رضا قلی ، مهدی



آدم‌کش و مزدور میدان سپاه از بسیج شهرداری فردیس که از پشت سر به معترضین در فردیس بدون هیچ رحمی شلیک می‌کرده و تنها وظیفه اش قتل عام و سرکوب دستگیرشدگان بوده است.

رضائی (قاضی)



قاضی رضایی، در مقام رئیس و قاضی دادگاه انقلاب اشنویه، مسئول نقض گسترده حقوق بشر است. او با صدور احکام زندان سنگین، به سرکوب آزادی بیان و حقوق اجتماعی شهروندان اقدام کرده است

قاضی رضایی در نقض حقوق و آزادی‌های شهروندان، نقش محوری ایفا کرده است. او در مقام رئیس و قاضی دادگاه انقلاب شهرستان اشنویه، احکام قضایی متعددی صادر کرده است

دستکم از ۱۳۹۹ تا کنون: رئیس و قاضی دادگاه انقلاب شهرستان اشنویه در استان آذربایجان غربی

احکام ناعادلانه و نقض حقوق شهروندان توسط قاضی رضایی :

رضایی شماری از شهروندان ساکن اشنویه را محاکمه کرده است. محاکمات بر اساس اتهامات واهی و طی یک دادرسی ناعادلانه انجام شده‌اند. این شهروندان با حکم رضایی به مجازات حبس محکوم شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از محرومیت این افراد از وکیل انتخابی و فرصت دفاع است

به عنوان نمونه، در آبان ۱۳۹۹ قاضی رضایی، رحیم رفعتی را به زندان محکوم کرد. این شهروند اهل اشنویه به اتهام «ارتباط با احزاب اپوزیسیون» به ۳ سال و ۷ ماه حبس محکوم شد. همزمان، رحمان تابش، شهروند دیگر اهل اشنویه، حکم مشابهی دریافت کرد. رضایی او را به اتهام «ارتباط با احزاب اپوزیسیون نظام» به ۴ سال و ۳ ماه حبس محکوم نمود

در تیر ماه ۱۴۰۰ رضایی، صلاح بهرامیان را به ۲ سال حبس تعزیری محکوم کرد. اتهام این شهروند اهل اشنویه «عضویت در یکی از گروه‌های مخالف نظام» بود. همچنین در آبان ۱۴۰۰، سردار آلانی به حکم رضایی به ۱۵ ماه زندان محکوم شد. اتهام وی «همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام» ذکر گردید. در ۳ فروردین ۱۴۰۱ نیز، مهران سلیمان پور در شعبه اول دادگاه انقلاب اشنویه محکوم شد. دادگاه به ریاست رضایی، او را به ۱ سال و ۶ ماه حبس تعزیری محکوم کرد

قربانیان سرکوب توسط قاضی رضایی

برخی از قربانیان نقض حقوق بشر توسط قاضی رضایی عبارتند از: رحیم رفعتی رحمان تابش صلاح بهرامیان سردار آلانی مهران سلیمان پور

رضوانی



مزدور و جنایتکار بسیجی در کرمان که همواره با خود سلاح کلاشینکف به همراه دارد. او کارمند بانک در کرمان است.

رضوی ، ایمان



سرکوبگر مزدور و عضو بسیج یگان امنیت و گردان امام علی نوشهر

رمضانی نیا، میثاق



هویت: اصالتاً اهل قلعه حسن گرگان؛ از مهره‌های کلیدی و عملیاتی سرکوب در استان گلستان
 اتهامات جنایی در اعتراضات دی ۱۴۰۴ *
 شلیک هدفمند: طبق گزارش‌های میدانی، وی عامدانه به قصد کشت، «سر و قلب» معترضان را هدف
 قرار داده است
 جنایت علیه شهروندان: متهم به رگبار بستن رهگذران غیرمسلح و قتل عام اعضای یک خانواده
 سرنشین یک خودرو
 آزار و شکنجه: بر اساس اظهارات منتسب به وی، او در پرونده‌های تجاوز و آزار جنسی
 سابقه: وی به عنوان یکی از بی‌رحم‌ترین نیروهای بازداشت‌شدگان در بازداشتگاه‌ها نقش داشته است
 ضارب در جریان اعتراضات اخیر در شهر گرگان شناسایی شده است

روشن پور ، علی



نام پدر: ابراهیم، نام مادر: فاطمه غریبان، نام همسر: پریسا نوابی ، موبایل: ۰۹۰۳۶۸۱۱۷۷۶
 این مزدور بسیجی که همواره به صورت مسلح رفت و آمد دارد، به همراه پدرش در جریان سرکوب
 اعتراضات نیز به صورت مسلح مشاهده شده است.
 آدرس: پاکدشت - بعد از میدان پارچین تهران

ریحانی ، بهمن



سرتیپ جنایتکار پاسدار بهمن ریحانی فرمانده سپاه سرکوبگر حضرت نبی اکرم کرمانشاه در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ ایران، نیروهای امنیتی شهروندان را هدف تیراندازی مستقیم قرار دادند. به گزارش رویترز این اعتراضات 1500 کشته بجا گذاشت. بهمن ریحانی از تمامی جنایتکاران بسیجی تجلیل کرد. این جنایتکار در لیست تحریم اتحادیه اروپا بخاطر نقض فاحش حقوق بشر قرار دارد.

زارع نوری ، سید علی



سیدعلی زارع نوری در مقام دادستان سابق نجف آباد و مستشار کنونی دادگاه کیفری اصفهان، مسئولیت مستقیم صدور احکام اعدام، شکنجه و سرکوب زنان را بر عهده دارد. او با تنظیم کیفرخواست‌های مرگبار علیه معترضان و فعالان مدنی، نقش کلیدی در نقض سیستماتیک حق حیات و آزادی بیان ایفا کرده است

سیدعلی زارع نوری به عنوان نماینده دادستان در یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های قضایی سال‌های اخیر حضور یافت. او در روند دادرسی متهمان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در استان اصفهان مسئولیت مستقیم دارد. این اعتراضات که پس از جان باختن مهسا امینی ابعاد گسترده‌ای یافت، با برخوردهای قضایی سنگین مواجه شد. سیدعلی زارع نوری در پرونده موسوم به «خانه اصفهان» نقشی کلیدی در صدور حکم اعدام ایفا کرد. مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی سه متهمی بودند که با پیگیری‌های او به مرگ محکوم شدند. این سه نفر در سحرگاه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ در زندان دستگرد اصفهان به دار آویخته شدند. اسناد موجود نشان می‌دهند که دادرسی تحت نظارت سیدعلی زارع نوری با ابهامات حقوقی فراوانی همراه بوده است. متهمان در تماس با خانواده‌های خود صراحتاً از اعمال شکنجه‌های جسمی و روحی برای اخذ اعترافات اجباری سخن گفتند. مجید کاظمی در دی ماه ۱۴۰۱ طی فایلی صوتی از تهدید و آزار جنسی در بازجویی‌ها پرده برداشت. سیدعلی زارع نوری علی‌رغم این اظهارات، بر اساس اعترافات تحت فشار، کیفرخواست صادر کرد. نگهداری ۴۵ روزه در انفرادی و فشار بر خانواده متهمان از مصادیق نقض حقوق در این پرونده است. مقامات قضایی هرگز مدارکی دال بر کشف سلاح گرم از این معترضان ارائه نکردند. همچنین رابطه سببیت میان تیراندازی و مرگ ماموران در این پرونده هرگز به طور قانونی احراز نشد. سیدعلی زارع نوری با نادیده گرفتن این نواقص، روند اجرای احکام اعدام را تسهیل کرد.

کارنامه سرکوب در نجف آباد و برخورد با آزادی‌های مدنی

سیدعلی زارع نوری پیش از انتقال به مرکز استان، سمت دادستان عمومی و انقلاب نجف آباد را بر عهده داشت. او در این جایگاه حقوق اجتماعی، حق اعتراض و آزادی بیان شهروندان را به طور گسترده نقض کرد. در مهر ۱۳۹۹، سیدعلی زارع نوری دستور بازداشت زنی را صادر کرد که بدون حجاب در خیابان دوچرخه‌سواری می‌کرد. وی حتی فیلمبردار و منتشرکننده این ویدیو را نیز تحت تعقیب قضایی قرار داد و بازداشت کرد. سیدعلی زارع نوری در گفتگویی ادعا کرد که این زن بر اساس بازجویی‌های «فنی و کارشناسی» تعادل روانی ندارد. این رویکرد تحقیرآمیز نشان‌دهنده نگاه امنیتی او به حقوق زنان و آزادی‌های فردی در جامعه است. در حوزه حق حیات نیز سیدعلی زارع نوری کارنامه سیاهی در شهر نجف آباد از خود بر جای گذاشت. در آبان ۱۳۹۸، وی کیفرخواست اعدام را برای مجید رضایی‌پور ۳۳ ساله و افشین رضایی‌پور ۳۷ ساله تنظیم کرد. این دو برادر به اتهام حمل مواد مخدر در دادگاه تحت نظر او به مرگ محکوم شدند. همچنین در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، نجف آباد شاهد سرکوب خونین شهروندان توسط دستگاه تحت امر او بود. محمد پورپیرعلی، شهروند نجف آبادی، در این اعتراضات کشته شد اما سیدعلی زارع نوری هیچ اقدامی برای شناسایی قاتلان انجام نداد. دادستانی تحت مدیریت او به جای اجرای عدالت، به برخورد قضایی با معترضان بازداشت شده پرداخت. سیدعلی زارع نوری با مسکوت گذاشتن پرونده قتل معترضان، مصونیت نیروهای ضارب را تضمین کرد.

سوابق سرکوب، قربانیان جنایات و تحریم‌های بین‌المللی سیدعلی زارع نوری

سیدعلی زارع نوری طی سال‌های اخیر در مناصب حساس قضایی استان اصفهان فعالیت داشته است :

دادستان عمومی و انقلاب نجف آباد از ۲۵ شهریور ۱۳۹۸ تا ۲۴ مهر ۱۴۰۰

مستشار دادگاه کیفری شماره یک استان اصفهان از مهر ۱۴۰۰ تا هم‌اکنون

به دلیل نقش فعال در سرکوب‌ها، سیدعلی زارع نوری در ۵ تیر ۱۴۰۲ در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفت. این اتحادیه او را به دلیل صدور احکام اعدام برای معترضان سال ۱۴۰۱ به نقض فاحش حقوق بشر متهم کرد. سیدعلی زارع نوری اکنون به عنوان یکی از مهره‌های اصلی دستگاه قضایی در اصفهان شناخته می‌شود. برخی از قربانیان فردی و گروهی اقدامات سیدعلی زارع نوری عبارتند از: مجید رضایی‌پور افشین رضایی‌پور محمد پورپیر علی مجید کاظمی سعید یعقوبی صالح میرهاشمی شهروندان عادی شهر نجف آباد بازداشت شدگان در اعتراضات آبان ۹۸ زنان در شهر نجف آباد معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان اصفهان

سیدعلی زارع نوری با تکیه بر کرسی قضاوت، مطالبات مدنی اقشار مختلف جامعه را با ابزار اعدام و حبس پاسخ داده است. تداوم حضور او در مسند قدرت نشان‌دهنده ساختار پاداش‌دهی به ناقضان حقوق بشر در نظام قضایی است. وی با صدور احکامی که فاقد وجاهت قانونی در سطح بین‌المللی هستند، نام خود را در لیست سیاه تاریخ ثبت کرد. سیدعلی زارع نوری همچنان در صدور آرای بدوی و قطعی علیه فعالان سیاسی اصفهان نقش آفرینی می‌کند.

۱

زرافشانی ، خسرو



عضو شورای شهر کرمانشاه و از عوامل سرکوب و هدایت‌کننده اوپاش و نیروهای بسیج در کرمانشاه . فرزند او یاسر زرافشانی یکی از سرکوبگران ددمنش کرمانشاه است.

زرافشانی ، یاسر



مزدور بسیجی یاسر زرافشانی فرزند خسرو از سرکوبگران قیام ملی در کرمانشاه

زرگر (قاضی)

قاضی زرگر، در سمت قاضی اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، نقش حیاتی در اجرای احکام اعدام داشته است. او به طور مستقیم مسئول اجرای حکم‌های غیرانسانی اعدام بوده و در مقابل نقض حق حیات شهروندان پاسخگو است

سوابق سرکوب قاضی زرگر در نقض حقوق بشر

قاضی اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد

مسئولیت قاضی زرگر در اجرای احکام اعدام

قاضی زرگر در مقام قاضی اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، نقش مهمی در اجرای حکم غیرانسانی و ضد بشری اعدام ایفا کرده است. او بر اجرای احکام فراوانی نظارت داشته و مسئولیت اجرای آن‌ها بر عهده وی بوده است. زرگر دست‌کم در اجرای ۱۰ مجازات اعدام در فاصله زمانی آبان ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۴۰۰ مشارکت داشته است. بر این اساس، زرگر در مقابل نقض حق حیات به عنوان یکی از حقوق اصلی بشر مسئول می‌باشد. زرگر مسئول مستقیم در اجرای این احکام است.

به عنوان یک نمونه، زرگر در مرداد ۱۳۹۹ مسئول اجرای اعدام یک زن ۴۸ ساله بود. این زن به دلیل قتل که در ۳۸ سالگی از روی عصبانیت و بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی قبلی انجام داده بود، به اعدام محکوم شده بود. مجازات اعدام این زن توسط زرگر انجام شد. اگرچه تمامی موارد اجرای حکم اعدام توسط قاضی زرگر رسانه‌ای نشده است، اطلاعات دقیقی در مورد همه موارد موجود نیست. بر اساس

مستندات موجود، زرگر در فاصله آبان ۱۳۹۸ تا خرداد ۱۴۰۰، قاضی اجرا کننده حکم اعدام ۳ متهم به تجاوز و ۷ متهم به قتل بوده است

ساسانی ، یعقوب



مزدور پاسدار یعقوب ساسانی معروف به ابو عزرائیل در گلزار که در کشتار هولناک دیماه 2584 نقش فعالی داشته است. آدرس : گلزار ، سه راه گلایل ، خیابان 149 ساختمان میرداماد ، طبقه چهارم.

ساکی ، احمد



سرهنک جنایتکار احمد (شاه محمد) ساکی فرمانده کلانتری 12 ملایر که در مقابل چشمان حیرت زده مردم با آجر جمجمه یک معترض را خرد و با تفنگ وینچستر بسوی معترضین شلیک میکرد . او به سر معترضین با کلت کمری شلیک و مغز آنها را متلاشی میکرد.

سالار آبادی ، عرفان

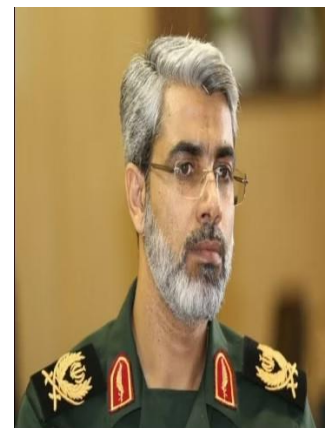


ملقب به مار موز پنهان
 بنا بر گزارش‌های منتشرشده، وی به‌عنوان هماهنگ‌کننده پایگاه مقاومت بسیج محله تعاون در کرمانشاه معرفی شده و عنوان شده با سپاه پاسداران (یگان کاشف) همکاری داشته و درجه سرگردی برای او ذکر شده است

در این روایت‌ها ادعا شده که در سال ۱۴۰۴ در شناسایی و تعقیب جوانان معترض نقش داشته و در محدوده‌های مختلف شهری حضور می‌یافته است

نشانی منتسب: کرمانشاه، شهرک معلم
 محل کار: تنگه کنشت کرمانشاه
 پاتوق: سمره مسکن و محدوده اطراف
 شماره تماس: ۰۹۱۰۱۵۷۰۲۶۲

سالاری ، اباندر



سرتیپ جنایتکار اباندر سالاری فرمانده سپاه امام سجاد هرمزگان

سالاری منظری ، دادخدا



دادخدا سالاری منظری، در مقام دادستان عمومی و انقلاب پیشین مرکز استان کرمان و رئیس دادگاه انقلاب، مسئولیت مستقیم در نقض فاحش حقوق شهروندان از جمله اعدام کودکان، سرکوب اقلیت‌های مذهبی (بهائیان)، نقض حق حیات و آزادی بیان و برخورد‌های سختگیرانه با حقوق اجتماعی داشته است. اقدامات او شامل صدور و اجرای احکام متعدد اعدام، پلمب اماکن تجاری بهائیان و دستگیری فعالان فضای مجازی و معترضان بوده است

دادخدا سالاری منظری، در طول دوران تصدی مسئولیت‌های مختلف قضایی در استان کرمان، به ویژه در حوزه‌هایی چون حق حیات و حقوق کودکان، مرتکب نقض گسترده حقوق شهروندان شده است. در تاریخ ۲۷ دی ۱۳۹۵، دو زندانی از جمله آرمان بحر آسمانی که در ۱۶ سالگی مرتکب قتل شده بود، همراه با زندانی ۲۳ ساله دیگری به نام شمس الله ر، پس از تلاش‌های ناموفق فعالان برای کسب رضایت اولیای دم، در محوطه زندان جیرفت اعدام شدند. دادخدا سالاری منظری، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب کرمان، در ۸ دی ۱۳۸۹، از صدور احکام اعدام و حبس برای باند توزیع مواد مخدر در زندان کرمان و اعدام برای ۴ نفر دیگر در ۲ پرونده قاچاق مواد مخدر خبر داد. وی بیان کرد که: «یک باند ۴ نفره که مبادرت به تهیه، ورود و توزیع انواع مواد مخدر به زندان کرمان می‌کردند، شناسایی، دستگیر و محاکمه شدند.» وی افزود: «اعضای این باند به اعدام، حبس ابد و حبس طولانی مدت محکوم شده‌اند.» همچنین او در خصوص متهمین دیگری در همین حوزه مواد مخدر گفت: «دو نفر از اعضای این باند به اعدام و نفر سوم به حبس ابد محکوم شده و پرونده برای تأیید احکام به دادستانی کل کشور ارسال شده است.» در ۲۹ بهمن ۱۳۸۹، روابط عمومی دادگستری استان کرمان اعلام کرد که اکبر م، ظاهر گ، سعید ج و خدابخش آ، به جرم حمل و نگهداری مواد مخدر بر اساس احکام صادر شده توسط دادگاه انقلاب استان اعدام شده‌اند. بر اساس اعلام دادگستری کل کرمان، در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۳، طی احکام صادره از سوی دادگاه انقلاب اسلامی کرمان، ۱۰ نفر که «از اعضای یکی از بزرگترین باندهای قاچاق مواد مخدر بودند»، در زندان مرکزی کرمان به دار آویخته شدند.

نقض حق حیات در دوران مسئولیت دادخدا سالاری منظری ادامه یافت. در ۴ شهریور ۱۳۹۳، ۴ مرد و ۱ زن به نام‌های حسین شهریاری، عباس پوریزدان پناه، حمید میر و محمد حسینی، در محوطه زندان شهاب کرمان به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر اعدام شدند. این حکم توسط دادگاه انقلاب کرمان

صادر شده بود. دادگاه انقلاب کرمان در ۹ شهریور ۱۳۹۳، ۸ تن از متهمان یک پرونده مواد مخدر را طی احکام جداگانه‌ای به مجموعاً ۱۳ بار اعدام محکوم کرد. طی این احکام که به ۸ متهم یک پرونده نگهداری و قاچاق مواد مخدر ابلاغ شد، غلام شیهکی اترافی به ۳ بار اعدام، منیژه خوزستانی اترافی به ۱ بار اعدام، حمزه ابورضا اترافی به ۳ بار اعدام، قدمعلی توکلی به ۱ بار اعدام، نوربخش ابوذر اترافی به ۲ بار اعدام، حسین توکلی اترافی به ۱ بار اعدام، غلامرضا عزیزآبادی اترافی به ۱ بار اعدام و بهرام صبوری به ۱ بار اعدام محکوم شدند. در ۱۱ دی ۱۳۹۳، ۷ زندانی دیگر با اتهامات مربوط به مواد مخدر در زندان شهاب کرمان اعدام شدند. در ۲۶ بهمن ۱۳۹۳، ۲ زندانی به نام‌های اصغر شعبانی و مهرداد آبشیرین در زندان شهاب کرمان با اتهاماتی چون قتل و سرقت مسلحانه اعدام شدند. در ۲۶ دی ۱۳۹۵ نیز حکم قصاص شمس الدین ر، که حدود ۳ سال قبل در یک درگیری مرتکب قتل شده بود، در زندان شهاب کرمان اجرا شد.

در ۱۵ آذر ۱۳۹۷، دست کم ۱۲ زندانی در زندان کرمان اعدام شدند. فعالان حقوق بشر هویت ۶ تن از این افراد را عبدالغنی قلندرزی، یعقوب قلندرزی، ۲ هم‌پرونده‌ای با نام خانوادگی شه بخش، جلیل خدابخش و یوسف جلال‌الدین احرار کردند که همگی با اتهامات مربوط به مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند. یکی از اعضای خانواده‌های اعدام شدگان به فعالان حقوق بشر گفته است: «عبدالغنی قلندرزی، یعقوب قلندرزی و دو هم‌پرونده‌ای دیگر آنان حدود هفت سال پیش در ارتباط با یک پرونده مواد مخدر بازداشت و به اعدام محکوم شدند. یکی از این افراد در یک تعمیرگاه در کهنوج بازداشت شد و سه تن دیگر در مکانی دیگر. هر چند سه نفر مورد اشاره سابقه درگیری مسلحانه با ماموران را داشتند اما در هنگام دستگیری و بازداشت اسلحه‌ای با خود نداشته‌اند.» در ۱۸ مرداد ۱۴۰۰، حکم دو زندانی دیگر به نام‌های نبی نوتی زهی و ابراهیم قنبرزی که به اتهامات مرتبط با مواد مخدر محکوم شده بودند، در زندان کرمان به اجرا درآمد. در حوزه حقوق اقلیت‌های مذهبی، اقدامات سرکوبگرانه دادخدا سالاری منظری مشهود است. در ۴ دی ۱۳۹۶، ۱۷ مغازه متعلق به شهروندان بهایی در کرمان که قریب به ۳۲ ماه پلمب شده بودند، علیرغم پیگیری‌ها و شکایت شهروندان به دیوان عدالت اداری، همچنان پلمب باقی ماندند. این برخورد با شهروندان بهایی استان کرمان صرفاً به دلیل یک روز تعطیلی به بهانه اجرای آئین دینی و به دستور مقامات قضایی کرمان، از جمله دادستانی، انجام شده است.

ادامه سرکوب اقلیت بهایی در کرمان، با دستورات دادخدا سالاری منظری صورت گرفت. در ۲۴ اسفند ۱۳۹۶، آرامستان بهاییان (گلستان جاوید) در شهر کرمان به دستور مقامات قضایی کرمان پلمب شد و از دفن مردگان بهایی در آن جلوگیری به عمل آمد. یک منبع مطلع به فعالین حقوق بشر گفته بود: «امروز جمعه ۲۵ اسفند همراه با تعدادی از شهروندان بهایی ساکن کرمان جهت زیارت اهل قبور به «گلستان جاوید»، گورستان بهاییان رفته بودیم که با پلمپ گورستان توسط نیروهای شهرداری و به دستور مقامات قضایی مواجه شدیم و از ورودمان به داخل جهت زیارت قبور جلوگیری شد.» مقام قضایی در اینجا در درجه اول دادستانی شهر است. در ۲۳ آذر ۱۳۹۹، وحدا سیلانی، شهروند بهایی ساکن کرمان، پس از حضور در دادگاه انقلاب این شهر بازداشت و جهت تحمل دوران محکومیت خود به زندان کرمان منتقل شد. خانم سیلانی پیشتر توسط دادگاه انقلاب کرمان به ۷ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود. وی در ۸

دی ماه ۱۳۹۸ توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و در ۲۵ دی ماه همان سال با تودیع قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شد. خانم سیلانی مدتی بعد به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق تبلیغ بهائیت به ۷ ماه حبس تعزیری محکوم شد. در ۲۰ مهر ۱۳۹۲، دادخدا سالاری منظری، رئیس دادگاه انقلاب کرمان، از دستگیری یک باند ضدامنیتی وابسته به اجانب در کرمان خبر داد. به گفته وی، گردانندگان این باند ۳ نفر و اعضای آن ۶۳ نفر بودند. در اتهامات این «باند» دستگیر شده، عنوانی به نام «کمک به تشکیلات ضددینی مستقر در سرزمین‌های اشغالی» مشاهده می‌شود که اشاره به دیانت بهایی دارد.

در ادامه نقض حقوق شهروندی، اتهامات متعددی به گروه بازداشت شده در بخش قبل وارد شد. این اتهامات شامل «تشکیل گروه‌های متعدد مخفی و غیرقانونی برای اقدام علیه امنیت داخلی کشور، اجرای اهداف بیگانگان در کشور، فعالیت و زمینه‌سازی و اقدام علیه نظام، توهین به مسئولان نظام» بودند. این گروه همچنین به «جمع‌آوری اطلاعات از داخل کشور و انتقال این اطلاعات به خارج از کشور» و «اغفال جوانان مسلمان و کوشش در راستای جذب جوانان مسلمان» متهم شدند. دادخدا سالاری منظری در حوزه آزادی بیان و حق اعتراض نیز نقش مستقیم داشت. در ۱۹ دی ۱۳۹۶، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان از دستگیری ۸ نفر از مدیران کانال‌های تلگرامی در استان کرمان خبر داد. وی همچنین گفت: «در حال حاضر ۲۷ نفر از عوامل اصلی و محوری اغتشاشات اخیر در بازداشت بسر می‌برند.» دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان با بیان اینکه «متأسفانه در حوادث اخیر فضای مجازی مهمترین بستر آشوب‌های وجود آمده محسوب می‌شود»، اعلام کرد: طی اقدامات فنی و رصد انجام گرفته توسط نیروهای اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی ۸ نفر از مدیران کانال‌های شبکه‌های اجتماعی که دعوت به شورش می‌نمودند، در همان ساعات اولیه در چندین شهرستان استان دستگیر شده‌اند. همچنین پس از اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نیز در کرمان به دستور مقامات قضایی، از جمله دادستانی، با معترضین برخورد شد. در ۷ دی ۱۳۹۸ و به گفته فرمانده انتظامی کرمان، ۱۳ تن از مالکان و رانندگان خودروهای دخیل در اغتشاشات ۲۵ آبان ماه که با ایجاد راهبندان موجب ترافیک و ازدحام جمعیت شده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. این دستگیری‌های روی داده در جریان اعتراضات آبان ۹۸ و پس از آن، به اخذ اعترافات اجباری از متهمان در این اعتراضات انجامید.

در ادامه نقض حقوق بشر، در ۳۰ آذر ۱۳۹۰، پروین مخترع، مادر کوهیار گودرزی (فعال حقوق بشر)، از سوی دادگاه انقلاب کرمان به تحمل ۲۳ ماه حبس تعزیری محکوم شد. وی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به شهدا و رهبری» در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفت. دادخدا سالاری منظری در حوزه حقوق اجتماعی نیز اقدامات سختگیرانه‌ای انجام داده است. در ۸ شهریور ۱۳۹۵، دادستان مرکز استان کرمان از دستگیری ۳۴ زن و مرد در «پارتی شبانه» در منزلی در شهر کرمان خبر داد. دادخدا سالاری منظری اظهار کرد: «اطلاعاتی از سوی مأموران انتظامی استان کرمان مبنی بر اینکه دو برادر با سوء استفاده از ثروت و اموال خود منزل بزرگ و مجللشان را در قلب شهر به مکان برپایی فسق و فجور و سرو مشروبات الکلی و ارتکاب جرائم دیگر تبدیل کردند، دریافت شد.» وی افزود: «پس از بررسی و ارزیابی خبر و صحت آن مأموران نیروی انتظامی با حکم صادره از سوی معاونت دادسرا با

رعایت موازین شرعی و قانونی وارد منزل مذکور شده و ۳۴ زن و مرد را در حالت سرو مشروبات الکلی و رقص و پایکوبی دستگیر و برای ادامه تحقیقات به پلیس منتقل کردند.» دادخدا سالاری منظری اضافه کرد: «در این رابطه ۱ باب منزل و ۱۲ دستگاه انواع خودرو بعضاً لوکس و گران قیمت و مشروبات الکلی خارجی از متهمان کشف و توقیف و منزل مذکور پلمب شد، همچنین متهمین به اتهامات شرب خمر، ایجاد مزاحمت برای اهالی محل، ارتکاب فعل حرام منجر به جریحه دار شدن عفت عمومی و اتهامات دیگر با قرار قانونی در بازداشت بسر می‌برند

در ۶ مهر ۱۳۹۳، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان از احضار سرشاخه‌های حرکات خلاف شرع و قانون به دادستانی خبر داد و گفت: این اقدام در راستای اجرای گشت‌های امر به معروف و نهی از منکر در فضای فیزیکی و مجازی با مشاهده اقدامات غیرقانونی و متعارض با ارزش‌های دینی و اسلامی، انجام شده است. به گفته وی: «دوره "راه بنداز، جا بنداز" تمام شده و از آنجا که احیای فریضتین به عنوان یک اصل اسلامی باید همواره مد نظر باشد و اقدامات این حوزه در راستای وظایف دادستان تعریف می‌شود، بر انجام این فریضتین در جامعه تاکید داریم.» دادخدا سالاری منظری با داشتن سوابق متعدد قضایی، در برابر تمامی موارد نقض حقوق شهروندان در استان کرمان در دوران مسئولیت خود، مسئولیت مستقیم دارد

سوابق سرکوب و قربانیان نقض حقوق بشر دادخدا سالاری منظری عبارت است از:
انتصاب به عنوان دادیار پیشین دادرای شهرستان بم: ۱۳۷۰

دادستان پیشین بم

دادرس پیشین دادگاه انقلاب سیرجان

رئیس پیشین دادگاه انقلاب کهنوج و جیرفت

رئیس پیشین شعبه سوم دادگاه انقلاب کرمان

تا ۱۳۹۳: رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمان ۱۳۸۵

رئیس پیشین شعبه اول دادگاه انقلاب کرمان

آبان ۱۳۹۳ تا ۲۵ مهر ۱۴۰۱: دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کرمان ۲۸

از ۲۵ مهر ۱۴۰۱ تا ۱۷ شهریور ۱۴۰۳: معاون قضایی، برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات رئیس کل دادگستری کل استان کرمان

از ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ تا کنون (آذر ۱۴۰۴): مدیرکل بازرسی استان کرمان

قربانیان اقدامات قضایی دادخدا سالاری منظری شامل افرادی از طیف‌های مختلف اجتماعی و اقلیت‌های مذهبی هستند که حقوق بنیادین آن‌ها نقض شده است

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر دادخدا سالاری منظری عبارتند از:

آرمان بحر آسمانی

حسین شهریاری

عباس پوریزدان پناه

حمید میر

محمد حسینی

غلام شیهکی اترافی

منیژه خوزستانی اترافی

حمزه ابورضا اترافی

قدمعلی توکلی

نوربخش ابوذرا اترافی

حسین توکلی اترافی

غلامرضا عزیزآبادی اترافی

بهرام صبوری

پروین مخترع

وحدا سیلانی

اصغر شعبانی

مهرداد آبشیرین

عبدالغنی قلندرزی

یعقوب قلندرزی

جلیل خدابخش

یوسف جلال‌الدین

نبی نوتی زهی

ابراهیم قنبرزی

قربانیان گروهی :

جامعه بهائیان کرمان و ایران

مردم عادی استان کرمان

بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ در شهر کرمان

بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در شهر کرمان

سرگزی ، محمد



محمد سرگزی دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان‌های نیمروز، هیرمند، زابل در استان سیستان و بلوچستان نقش مستقیم در سرکوب شهروندان استان سیستان و بلوچستان داشته است

سرگزی، دادستان عمومی و انقلاب پیشین شهرهای زابل، هیرمند و نیمروز در استان سیستان و بلوچستان بوده است

در طول دوران مسئولیت‌های خود، محمد سرگزی دست‌کم در حوزه‌های حق حیات و آزادی بیان، حقوق شهروندان زابل و دیگر مردم ایران را نقض کرده است. این نقض حقوق در دوران دادستانی و همچنین نمایندگی مجلس او دیده می‌شود

در دوران مسئولیت سرگزی به عنوان دادستان زابل، چندین مورد اعدام به اجرا درآمده است. این اعدام‌ها به طور مستقیم با نقش وی در دادستانی مرتبط بوده‌اند

بهمن ۱۳۹۵: سه زندانی به اتهامات مرتبط با «مواد مخدر» در زندان زابل اعدام شدند. نام دو تن ۲۵ از این زندانیان، «محمد سارانی» ۳۲ ساله و «ظاهر نهتانی» ۳۱ ساله، اعلام شده است

طبق ماده ۱۰ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام اعدام و موارد مشابه، اجرای حکم با حضور دادستان انجام می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که دادستانی زابل، با مسئولیت مستقیم محمد سرگزی، در اجرای این اعدام‌ها نقش داشته است

سرگزی، چه در مقام دادستانی و چه به عنوان نماینده مجلس، بر لزوم کنترل فضای مجازی تأکید داشته است

اردیبهشت ۱۳۹۸: سرگزی در مقام دادستان زابل اعلام کرد. وی گفت: «راهبرد جدی قوه قضاییه برخورد با سوءاستفاده‌کنندگان و اخلاط‌گران فضای مجازی است

به گفته او، اگر افرادی از این فضا برای جامعه «ناامنی روانی» ایجاد کنند، با آن‌ها قاطعانه برخورد خواهد شد

پس از آن و در دوران نمایندگی مجلس نیز، سرگزی بر این رویکرد خود نسبت به فضای مجازی پافشاری کرد

او بیان داشت که باید به دنبال مستقل شدن در پلتفرم‌های فضای مجازی باشیم. این نشان می‌دهد که دیدگاه محمد سرگزی در این خصوص ثابت بوده است

سرگزی، به عنوان نماینده مجلس و سخنگوی فراکسیون رسانه، تصریح کرده است: «امروز در حوزه رسانه و فضای مجازی کشور نابسامانی و به‌هم‌ریختگی مشاهده می‌شود

او افزود: «با همراهی اصحاب رسانه و اعضای فراکسیون، مشکلات این حوزه احصا شده و ساماندهی مناسبی انجام خواهد شد

اردیبهشت ۱۴۰۰: این نماینده مجلس از آغاز آماده‌سازی پیش‌نویس قوانین اینترنت ماهواره‌ای در فراکسیون خبر داد

او گفت: «برای کاهش آسیب در این حوزه، قوانین متناسب باید تدوین و در مجلس طرح شود.» وی «تأکید کرد: «این پیش‌نویس با نگاه به شبکه ملی اطلاعات خواهد بود

عملکرد و سخنان محمد سرگزی، چه در مقام دادستانی زابل و چه نمایندگی مجلس، بیانگر تلاش او برای محدودسازی اینترنت است

او در هر جایگاهی، به دنبال محدود کردن دسترسی آزاد کاربران به اطلاعات در فضای مجازی بوده است

وی در دوران قضایی خود از ابزار قضایی استفاده کرد و سپس در مجلس، این رویکرد را با ابزارهای تقنینی ادامه داد. این تلاش‌ها نشان‌دهنده تعهد سرگزی به این رویکرد است

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمد سرگزی عبارت است از:

دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان نیمروز

دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان هیرمند

مهر ۱۳۹۵ تا ۳۱ تیر ۱۳۹۸: دادستان عمومی و انقلاب شهرستان زابل ۶

مرداد ۱۳۹۶: انتصاب به عنوان رئیس هیئت ورزش کبدی زابل ۷

نماینده مجلس یازدهم

رئیس پیشین فراکسیون حقوق بشر و حقوق شهروندی مجلس یازدهم

سخنگوی پیشین فراکسیون رسانه و فضای مجازی مجلس یازدهم

نماینده مجلس دوازدهم

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دوازدهم

عضو ناظر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم مجلس دوازدهم

برخی از قربانیان اقدامات و نقض حقوق بشر توسط محمد سرگزی عبارتند از:

محمد سارانی

ظاهر نهتانی

سرهنګ پور ، مهدی



همسر پزشک جنایتکار دکتر زهرا کابلی از بستگان محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه ، مزدور پشت به وطن کرده ای است که با زن جنایتکارش دکتر زهرا کابلی در 18 و 19 دیماه ساختمان مطب را در اختیار تک تیراندازان سپاه در کرمانشاه قرار دادند و تعداد زیادی از معترضان از بالای پشت بام مطب این دو ددمنش مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان باختند. او و همسرش از ترس مردم ساختمان را ترک و متواری هستند.

سلطان ، صمد



فرمانده سپاه شهرستان بهارستان در تهران و مسئول مستقیم سرکوب در شهرستان پیشوا در ورامین

سلیمانی ، امیر



مزدور بسیجی کربلایی امیر سلیمانی جنایتکاری که در گنبدکاوس دستش به خون ده ها تن آلوده است. او در پاساژ شریعتی گنبد کاووس دارای مغازه است.

سلیمانی مارشگ ، علی

علی سلیمانی مارشگ، رئیس شعبه ۹۰۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، در این منصب قضایی در نقض حقوق شهروندان مشارکت داشته است. اقدامات او شامل طرح اتهامات سنگین امنیتی علیه فعالان صنفی، سیاسی و اقلیت‌های مذهبی نظیر بهائیان بوده است

اقدامات قضایی علی سلیمانی مارشگ علیه فعالان

علی سلیمانی مارشگ در سمت رئیس شعبه ۹۰۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، دستکم در حوزه‌های حق اعتراض و آزادی بیان، حقوق شهروندان را نقض کرده است. در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۹۸، جلسه بازپرسی محمدحسین سپهری، معلم اهل مشهد، برگزار شد. وی پیش‌تر در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ به شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادسرای مشهد احضار شده بود

یک منبع مطلع به فعالان حقوق بشر در این خصوص توضیح داد. وی گفت: «آقای سپهری امروز پیرو ابلاغیه صادره به شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مراجعه کرد.» این جلسه به مدت ۴ ساعت به ریاست بازپرس علی سلیمانی مارشگ برگزار گردید. اتهامات متعددی علیه آقای سپهری مطرح شد. این اتهامات شامل «تشویش اذهان عمومی، توهین به خامنه‌ای» بود. همچنین اتهامات «ارتباط با یک از گروه‌های مخالف نظام و تحریک فرهنگیان برای شرکت در تجمعات غیرقانونی» نیز مطرح شد. «فعالیت تبلیغی علیه نظام در فضای مجازی» نیز از دیگر اتهامات بود. با این حال، ایشان هیچ‌کدام از این اتهامات را نپذیرفتند

در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۴۰۰، فاطمه سپهری، فعال مدنی، به شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب مشهد احضار شد. ابلاغیه الکترونیکی به این فعال مدنی ارسال گردید. از خانم سپهری خواسته

شد تا ظرف مدت ۵ روز برای اخذ آخرین دفاعیات در شعبه ۹۰۳ حاضر شود. ریاست این شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادسرای مشهد را قاضی علی سلیمانی مارشگ بر عهده داشت

نقش علی سلیمانی مارشگ در پرونده‌های امنیتی و مذهبی

در سال ۱۴۰۰، محمود نیرومند، شهروند ساکن مشهد، از سوی شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادگاه انقلاب مشهد متهم شد. ریاست این شعبه را بازپرس علی سلیمانی مارشگ بر عهده داشت. اتهامات مطرح‌شده علیه وی «تبلیغ علیه نظام» و «ارتباط با گروه‌های مخالف نظام» بودند

علاوه بر این، ۹ شهروند بهائی با دریافت ابلاغیه‌های جداگانه به دادسرا احضار شدند. این افراد شامل رویا ملکوتی، رویا قانع عزآبادی، شهره سالکیان، گلنوش نصیری، آزیتا فروغی، نوشین مصباح، سهیلا احمدی، فریده مرادی و نسیم ثابتی بودند. آن‌ها به شعبه ۹۰۳ دادسرای ناحیه ۹ مشهد احضار گردیدند. این شهروندان در روز شنبه هفتم مردادماه در دادسرا حاضر شدند. از میان آن‌ها، رویا ملکوتی پس از ساعاتی بازجویی، بازداشت شد. رسیدگی به پرونده دیگر شهروندان بهائی به روزهای آتی موکول شد

سوابق سرکوب و برخی از قربانیان جنایات علی سلیمانی مارشگ

رئیس شعبه ۹۰۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر علی سلیمانی مارشگ عبارتند از :

محمدحسین سپهری

فاطمه سپهری

محمود نیرومند

رویا ملکوتی

رویا قانع عزآبادی

شهره سالکیان

گلنوش نصیری

آزیتا فروغی

نوشین مصباح

سهیلا احمدی

فریده مرادی

نسیم ثابتی

و قربانیان گروهی شامل

مردم ساکن مشهد

فعالین سیاسی

فعالان صنفی معلمان

اقلیت‌های مذهبی .

سهرابی ، نجم‌الدین



سر‌هنگ پاسدار نجم‌الدین سهرابی در جایگاه فرماندهی انتظامی رامهرمز و خرمشهر، نقشی کلیدی در هدایت عملیات‌های سرکوب، شکنجه و بازداشت‌های گسترده معترضان ایفا کرده است. وی با عضویت در شورای تامین، مسئولیت مستقیم در شلیک به شهروندان و اجرای طرح‌های خشونت‌بار علیه معترضان سالهای ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ را بر عهده دارد

نجم‌الدین سهرابی به عنوان فرمانده پیشین انتظامی در شهرستان‌های رامهرمز و خرمشهر فعالیت کرده است. وی با عضویت در شورای تامین این مناطق، در نقض آشکار حقوق شهروندان توسط نیروهای تحت امر خود مشارکت مستقیم داشت. نجم‌الدین سهرابی مسئولیت برخوردهای خشن انتظامی با معترضان در جریان اعتراضات مردمی آبان ۱۳۹۸ در رامهرمز را بر عهده دارد. همچنین ایشان در سرکوب‌های انتظامی مربوط به اعتراضات شهریور و پائیز ۱۴۰۱ در شهرستان خرمشهر نقش محوری ایفا نموده است. سوابق مدیریتی و اجرایی این فرد در نهادهای نظامی و امنیتی به شرح زیر است:

فرمانده انتظامی شهرستان رامهرمز از ۲۰ خرداد ۱۳۹۸ تا دی ۱۴۰۰

فرمانده انتظامی شهرستان خرمشهر از ۲۳ دی ۱۴۰۰ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

در بازه زمانی مذکور، وی با اتکا به مناصب دولتی، اقدامات متعددی را در راستای سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی انجام داده است. تمامی تصمیمات اتخاذ شده در شورای تامین این دو شهر، با تایید و نظارت مستقیم وی به مرحله اجرا درآمده است. این مقام نظامی با استفاده از قدرت اجرایی خود، مسیرهای قانونی اعتراض را مسدود کرده و با ابزارهای قهری به مقابله با مطالبات مردمی پرداخته است. عملکرد وی در این سال‌ها نشان‌دهنده الگویی مداوم از نادیده گرفتن حقوق بنیادین بشر و استفاده افراطی از قوای نظامی در مواجهه با تجمعات غیرنظامی است. او همچنین در تدوین استراتژی‌های مهار اعتراضات در سطح محلی نقش کلیدی ایفا کرده است.

کارنامه سرکوب نجم‌الدین سهرابی در اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ در هفته پایانی آبان ۱۳۹۸، شهرهای ایران شاهد اعتراضات گسترده‌ای به دلیل افزایش ناگهانی نرخ بنزین بودند. این تجمعات با دخالت نیروهای انتظامی و امنیتی به خشونت کشیده شد و صدها کشته بر جای گذاشت. در شهرستان رامهرمز، نجم‌الدین سهرابی فرماندهی نیروهایی را بر عهده داشت که معترضان را با خشونت سرکوب کردند. در این عملیات‌ها دست‌کم ۵ شهروند جان خود را از دست دادند که هویت یکی از آنان موسوی اعلام شده است. تداوم این سیاست‌های سرکوبگرانه در دوره‌های بعدی نیز به وضوح مشاهده می‌شود.

در دور جدید اعتراضات در شهریور ۱۴۰۱، بار دیگر نام نجم‌الدین سهرابی در لیست ناقضان حقوق بشر قرار گرفت. این اعتراضات که پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، در خرمشهر با برخورد شدید مواجه گردید. نیروهای تحت امر وی از سلاح‌های ساچمه‌زنی و سلاح‌های کمری علیه معترضان استفاده کردند. گزارش‌های مستند نشان می‌دهد که شلیک‌ها به سمت صورت و بالاتنه شهروندان انجام شده است. در جریان این وقایع، نوجوانی ۱۷ ساله به نام مهدی فراهانی در خرمشهر کشته شد. نجم‌الدین سهرابی به عنوان مقام ارشد نظامی مسئولیت مستقیم این جنایات را بر عهده دارد. لیست قربانیان تحت مسئولیت وی عبارتند از:

(اسم کوچک نامعلوم) موسوی، مهدی فراهانی و شهروندان عادی شهرستان خرمشهر معترضان اعتراضات تابستان و پائیز ۱۴۰۱ در شهرستان خرمشهر بازداشت شدگان در اعتراضات آبان ۹۸ کشته شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ شهروندان عادی شهرستان رامهرمز معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در شهرستان رامهرمز.

سید حسن زاده ، سید مصطفی



مزدور خبر چین و سرکوبگر اهل کاشان .کارمند شهرداری کاشان ، واحد اجرای احکام منطقه 2 شهرداری . از پرسنل سابق نیروی انتظامی.

سیدی ، اسماعیل



مزدور بسیجی و خبرچین سپاه و مالک تاکسی سرویس سیدی در ملارد کرج ، به آدرس ملارد خیابان کاشانی خیابان طالبانی ، پایگاه بسیج ملارد که در اعتراضات ۱۸ و ۱۹ دیماه نقش مستقیم در قتل عام و سرکوب معترضین داشته است. از ماشین های تاکسی برای جابجایی معترضین دستگیرشده به مقر سپاه استفاده میکرده است.

شاگری ، الیاس

الیاس شاگری در جایگاه رئیس شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر مازندران، مسئولیت مستقیم در تأیید احکام سنگین حبس و جزای نقدی علیه شهروندان بهائی را بر عهده دارد. این اقدامات قضایی توسط الیاس شاگری، نقض آزادی های مذهبی و بیان را در استان مازندران نشان می دهد

الیاس شاگری، رئیس شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر مازندران، در نقض مستقیم حقوق بشر شهروندان این استان، به ویژه اقلیت بهائی، نقش فعالی ایفا کرده است. این مقام قضایی با صدور و تأیید احکام سختگیرانه، حقوق اجتماعی و مذهبی افراد را به شدت محدود کرده است

صدور احکام سنگین علیه جامعه بهائیان

الیاس شاگری در مقام قضایی خود، احکامی را تأیید کرده که حقوق شهروندی افراد را نقض می کند. در ۱۳ تیر ۱۴۰۲، دادگاه انقلاب قائمشهر، ۱۴ شهروند بهائی ساکن قائمشهر، ساری و بابلسر را جمعاً به ۳۱ سال حبس محکوم کرد. این شهروندان شامل مانی قلی نژاد، بیتا حقیقی، ساناز حکمت شعار، نگار دارابی و دیگران بودند.



ن

همچنین از میان این شهروندان، بیتا حقیقی و ساناز حکمت‌شعار به پرداخت جزای نقدی محکوم شدند. علاوه بر حبس و جزای نقدی، تمام لوازمی که هنگام بازداشت از این ۱۴ شهروند بهائی توقیف شده بود، به نفع دولت مصادره شد. این احکام که در مراحل تجدیدنظر توسط الیاس شاکری مورد بررسی قرار می‌گیرد، نقض جدی آزادی‌های مذهبی است.

در ۳۱ تیر ۱۴۰۳، وحید پورطهماسب توسط شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران محکوم شد. اتهام وی «فعالیت آموزشی تبلیغی انحرافی مغایر با شرع مقدس اسلام» بود. الیاس شاکری در این پرونده، وحید پورطهماسب را به پرداخت بیست و پنج میلیون تومان جزای نقدی محکوم کرد.

سوابق سرکوب و قربانیان نقض حقوق بشر الیاس شاکری :

رئیس شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر مازندران

برخی از قربانیان فردی و گروهی سرکوب و نقض حقوق بشر الیاس شاکری عبارتند از:

بیتا حقیقی

مانی قلی‌نژاد

ساناز حکمت‌شعار

نگار دارابی

سام صمیمی

مهسا فتحی

سامیه قلی‌نژاد

انیس سنائی

افسانه نعمتیان

بصیر صمیمی

هنگامه علی‌پور

گلبن فلاح

نازنین گلی

مجیر صمیمی

وحید پورطهماسب

و قربانیان گروهی شامل جامعه بهاییان استان مازندران می‌باشند

شجاعی ، ابوذر



مزدور بسیجی در محله باغین کرمان، مداح و مدیر کاروان کربلا در اعتراضات و کشتار هولناک دیماه 2584 از فرماندهان بوده و نقش پر رنگی در سرکوب مبارزین داشته است.

شریفی ، ابراهیم



سر هنگ پاسدار ابراهیم شریفی، فرمانده سپاه شهرستان ساری، در دوران مسئولیت خود در فرماندهی سپاه و بسیج این شهرستان و عضویت در شورای تأمین، در نقض حقوق شهروندان به ویژه در جریان اعتراضات سراسری پاییز ۱۴۰۱ مسئولیت مستقیم دارد. اقدامات او شامل سرکوب شدید معترضان، بازداشت‌های خودسرانه، و اعمال شکنجه‌های وحشیانه در بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه ساری بوده است

ابراهیم شریفی، فرمانده فعلی سپاه شهرستان ساری است. او در زمان فرماندهی سپاه و بسیج شهرستان ساری و عضویت در شورای تأمین، در نقض حقوق شهروندان نقش مستقیم داشته است. این نقض حقوق توسط نیروهای سپاه و بسیج در ساری و در برخوردهای امنیتی اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ رخ داده است. هفته آخر شهریور ۱۴۰۱ شروعی بر دور جدیدی از اعتراضات گسترده مردمی بود. این اعتراضات با جان باختن مهسا (ژینا) امینی پس از عملکرد گشت ارشاد آغاز شد و ابعادی وسیع یافت. اعتراضات گسترده در بسیاری از نقاط کشور با برخورد شدید نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب گردید. در این سرکوب‌ها، ده‌ها شهروند کشته، زخمی و بسیاری نیز بازداشت شدند. یگان‌های فاتحین وابسته به نیروی

مقاومت بسیج و تحت فرماندهی سپاه پاسداران، اصلی‌ترین نقش را در سرکوب معترضان غیرمسلح ایفا کردند. شهرستان ساری نیز یکی از مناطقی بود که مردم معترض به خیابان‌ها آمدند. این شهروندان توسط نیروهای انتظامی، نظامی و امنیتی سرکوب شدند. در جریان این سرکوب‌ها در ساری، شهروندانی چون محمد حسینی خواه، محمدجواد زاهدی ساروی و محمد صالحی جان خود را از دست دادند. همچنین حسام پیرسته در تاریخ ۴ آبان ۱۴۰۱ توسط نیروهای اطلاعات سپاه در جریان اعتراضات سراسری در استان بازداشت شد. ابراهیم شریفی با تأیید نقش بسیج در سرکوب‌ها، مسئولیت ساختاری خود را نشان داد

در مهر ۱۴۰۱، عرشیا تکدستان، جواد روحی و مهدی محمدی‌فرد توسط مأموران اطلاعات سپاه در نوشهر بازداشت شدند. این افراد برای مدتی به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ساری منتقل گردیدند. این شهروندان در جریان بازجویی‌ها در بازداشتگاه اطلاعات سپاه ساری مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته بودند. در ۶ آبان ۱۴۰۱، احسان پیربرناش، خبرنگار ورزشی، سردبیر سایت «بانک ورزش» و طنزنویس اجتماعی توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت شد. آقای پیربرناش هنگام بازداشت توسط مأموران اطلاعات سپاه مورد ضرب و شتم قرار گرفته و تهدید به قتل شده است. او در این باره می‌گوید: «من اطلاع نداشتم که قرار است کجا برویم. در طول مسیر، فقط کتک می‌زدند. یک نفر سمت راستم نشسته بود، یک نفر سمت چپم؛ یکی که جلو نشسته بود و به او می‌گفتند حاجی بیکار نبود و در تمام مسیر برمی‌گشت و با مشیت من را می‌زد.» او در ادامه می‌افزاید: «یکی از مأموران‌شان گفت حاجی بزن بغل همین‌جا وسط جنگل کارش را تمام کنیم. کی به کیه؟ اصلاً کی می‌فهمه؟ داریم وقت‌مان را تلف می‌کنیم. کجا ببریمش؟ همین‌جا چالش کنیم.» دستبندهای این خبرنگار برای مدتی جهت آزار، به شکلی ناراحت‌کننده بسته شده بود. او روایت می‌کند: «من را برگرداندند، یک دستم را از بالا، یکی را از پایین کمر رد کردند و دستبند زدند.» در ۱۳ بهمن ۱۴۰۱، خبرگزاری تسنیم از بازداشت آنچه «شبکه برانداز سازماندهی شده در فضای مجازی» خواند، توسط سازمان اطلاعات سپاه خبر داد. یکی از اتهامات این شهروندان راه‌اندازی صفحه «جوانان محلات ساری» عنوان شده بود. تمام این بازداشت‌ها و شکنجه‌ها زیر نظر فرماندهی ابراهیم شریفی در منطقه ساری صورت گرفته است

روند بازداشت‌ها در منطقه ساری و تحت مدیریت ابراهیم شریفی ادامه یافت. در ۲۲ فروردین ۱۴۰۲، عباس شریفی، شهروند اهل بهشهر و از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت و به بازداشتگاه این نهاد امنیتی در ساری منتقل گردید. در ۳۱ شهریور ۱۴۰۲، مهرناز خرمی، شهروند ساکن نوشهر، در منزل خانوادگی خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او نیز به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ساری انتقال یافت. در ۴ تیر ۱۴۰۲، محمد مرادی، شهروند ساکن ساری، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه اطلاعات سپاه این شهر منتقل شد. در تیر ۱۴۰۲، عین الله رضازاده جویباری، روحانی منتقد حکومت، توسط مأموران اطلاعات سپاه در ساری بازداشت شد. او سپس به زندان این شهر منتقل گردید. در ۲۸ آبان ۱۴۰۲، ابراهیم شریفی در سخنانی، حضور نیروهای بسیج در سرکوب اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ را تأیید کرد. او اظهار داشت: «بسیج در اغتشاشات سال گذشته، بحران سیل و پیشگیری از شیوع کرونا با صلابت حضور داشته است و

اقتدار خودش را به نمایش گذاشته.» این سخنان به صورت علنی، نقش فعال نیروهای تحت فرماندهی او در سرکوب‌ها را تصدیق می‌کند. اقدامات نقض حقوق بشری تحت فرماندهی ابراهیم شریفی ادامه‌دار بوده است.

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر و قربانیان نقض حقوق بشر ابراهیم شریفی
فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان نکا از ۸ بهمن ۱۳۹۴ تا ۲۵ تیر ۱۳۹۷

فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان تنکابن تا ۱۷ شهریور ۱۳۹۹

فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ساری از ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ تا کنون (آذر ۱۴۰۴)

فعالیت‌های سرکوبگرانه تحت مسئولیت ابراهیم شریفی در شهرستان ساری منجر به نقض حقوق شهروندان متعددی شده است

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر ابراهیم شریفی :

عباس شریفی حسام پیرسته محمد حسینی خواه محمدجواد زاهدی ساروی محمد صالحی احسان پیربرناش
عرشیا تک دستان جواد روحی مهدی محمدی فرد مهرناز خرمی محمد مرادی احسان بابامیر عین الله
رضازاده جویباری

قربانیان گروهی: معترضان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در ساری روحانیان شیعه در ایران

شکاری ، محمد



مزدور اطلاعات سپاه و از عوامل کشتار هولناک دیماه 2584 در تاق بستان کرمانشاه

شکری ، محمد



(معروف به حاجی محمد)

بنا بر گزارش‌های منتشرشده، وی از نیروهای مرتبط با سپاه پاسداران و عضو گردان بسیج ضدشورش امام علی در مسجدالنبی تاق بستان کرمانشاه معرفی شده است. در این روایت‌ها ادعا شده که در تیراندازی به سوی معترضان در محدوده بلوار تاق بستان، به‌ویژه در روز ۱۸ دی‌ماه، نقش داشته است. همچنین گفته شده در منطقه جعفرآباد نیز توسط اهالی مشاهده شده است. بر اساس همین گزارش‌ها، شغل دیگر او فروش کفش و پوشاک در محدوده مسکن، چهارراه مطهری عنوان شده است. در ادامه این روایت‌ها از فردی به نام حاجی طالبی به‌عنوان فرمانده و از چهره‌های قدیمی امنیتی نام برده شده و گفته شده جلسات نیروهای وابسته در زیرزمین مسجدالنبی و با مسئولیت فردی به نام علی کرمی برگزار می‌شود.

شمس ، محمد



محمد شمس حراست عمران مسکن شمال در نمک آبرود چالوس و از عاملین کشتار هولناک قیام ملی دیماه 2584 شاهنشاهی.

شهسواری ، حبیب



حبیب شهسواری مشاور فعلی فرمانده کل سپاه و فرمانده پیشین سپاه شهدای آذربایجان غربی است. سوابق او نشان‌دهنده نقش محوری‌اش در نقض گسترده حقوق بشر، شامل شکنجه زندانیان و کشتار غیرنظامیان، در منطقه شمال غرب کشور است

حبیب شهسواری و مجموعه تحت فرماندهی او در طول سال‌ها مسئولیت، در حوزه‌های متعددی حقوق شهروندان را نقض کرده‌اند. دوران فرماندهی او در سپاه شهدای آذربایجان غربی شاهد نقض گسترده آزادی بیان، حقوق زندانیان و حق اعتراض بوده است. همچنین گزارش‌ها حاکی از شکنجه متهمان در بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه این استان است. علاوه بر این موارد، در زمان فرماندهی حبیب شهسواری، خشونت غیرقانونی و شلیک به غیرنظامیان، به کشته شدن تعدادی از شهروندان منجر شده

است. بازداشت‌های مکرر شهروندان به اتهام عضویت در احزاب مخالف نظام، از موارد مکرر نقض آزادی بیان است. این بازداشت‌ها به دست نیروهای سپاه در دوران فرماندهی حبیب شهبسوی در استان آذربایجان غربی صورت پذیرفته است

در ۲۰ تیر ۱۳۹۸، فیروز موسی لو توسط نیروهای اطلاعات سپاه بازداشت شد. او برای بازجویی به بازداشتگاه این نهاد امنیتی در ارومیه انتقال یافت. فیروز موسی لو در تاریخ ۱۱ دیماه ۹۸ از بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه به زندان این شهر منتقل شد. این زندانی سیاسی نهایتاً در ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ به اتهام «مشاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام» به اعدام محکوم گردید. فرهاد نوری در تاریخ ۲۴ مرداد ۹۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او ابتدا به قرارگاه سپاه زیوه در آذربایجان غربی منتقل گردید. سپس به بازداشتگاه قرارگاه حمزه سیدالشهدای سپاه در ارومیه انتقال یافت. فرهاد نوری پس از ۲۷ روز بازجویی، به زندان ارومیه منتقل شد. دادگاه انقلاب ارومیه او را به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام» به ۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد. در ۲۴ مرداد ۱۳۹۸، عادل سالم فرد، شهروند اهل اشنویه، از بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه به زندان ارومیه منتقل شد. این شهروند در ۲۶ خردادماه ۱۳۹۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. اتهام مطروحه علیه عادل سالم فرد در دوران بازجویی، «عضویت در یکی از گروه‌های مخالف نظام» بوده است

در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، شهر ارومیه نیز شاهد تظاهرات گسترده مردمی بود. در این اعتراضات که به جان باختن و دستگیری هزاران نفر در کشور انجامید، سپاه و بسیج نقش اصلی سرکوب را داشتند. نیروهای سپاه و بسیج با شلیک گلوله‌های مرگبار به سمت مردم، موجبات کشته شدن صدها تن را فراهم آوردند. گزارش عفو بین‌الملل نشان می‌دهد گلوله‌ها اغلب به سر یا بالاتنه قربانیان و با نیت کشتن شلیک شده است. تنها چند روز بعد از این اعتراضات، شبکه ۲ صداوسیما اعترافات اجباری فاطمه داوند را پخش کرد. وی در این اعترافات اجباری اعلام کرد در اعتراضات بوکان در استان آذربایجان غربی شرکت کرده است. به گزارش فعالان حقوق بشر، در ارومیه دستکم رزگار صداقت، سالار طاهری افشار، سعید محمدزاده، علی عزیزی و نحو امینی بازداشت شدند. این بازداشت‌ها توسط نهادهای امنیتی از جمله سپاه این شهر انجام گرفت. سپاه شهر ارومیه و استان آذربایجان غربی از جمله نهادهای سرکوبگر در این اعتراضات بوده‌اند. حبیب شهبسوی فرماندهی این نهادها را در آن زمان بر عهده داشته است

فاروق لواشائی، شهروند سنی، در ۳۰ دی ۱۳۹۸ توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او سپس به بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه منتقل گردید. فاروق لواشائی پس از ۱۶ روز بازجویی، به زندان ارومیه انتقال یافت. در ۱۲ آذر ۱۳۹۹ انور چالشی، موسی آلوسی، کامل جباروند و شکر جباروند بازداشت شدند. این افراد توسط مأموران امنیتی به بازداشتگاه «المهدی» سپاه پاسداران در ارومیه منتقل شدند. یکی از اتهامات آنها عضویت در یکی از گروه‌های مخالف نظام اعلام شده است. دریا طالبانی، شهروند اهل مهاباد، در ۲۰ دی ۱۳۹۹ در مهاباد بازداشت شد. او جهت تکمیل بازجویی‌ها به بازداشتگاه

المهدی سپاه ارومیه منتقل شده بود. وی در ۱۸ بهمن ۱۳۹۹، پس از پایان بازجویی‌ها، از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه به زندان مهاباد منتقل شد. ۲۰ دی ۱۳۹۹ مأموران اطلاعات سپاه چند شهروند را بازداشت و به بازداشتگاه ارومیه منتقل کردند. شیپول خضری، سیروان نوری، سوران حسین‌زاده و افشین مام احمدی در مهاباد بازداشت شدند. فرهاد موسی پور، فریدون موسی پور و بهمن یوسف زاده در شهر ربط از توابع سردشت بازداشت شدند. این افراد به همکاری با یکی از گروه‌های مخالف نظام متهم شدند و در نهایت به زندان ارومیه انتقال یافتند. تمامی این موارد در زمان فرماندهی حبیب شهنساری بر سپاه شهدای آذربایجان غربی اتفاق افتاده است

فرزاد سامانی، دانشجوی مقطع کارشناسی دانشگاه خوارزمی، در ۲۰ دی ۱۳۹۹ بازداشت شد. او برای بازجویی به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه منتقل گردید. فرزاد سامانی نهایتاً در خردادماه ۱۴۰۰، با پایان بازجویی‌ها، از بازداشتگاه به زندان ارومیه منتقل شد. محمد هوشنگی، شهروند اهل جوانرود، در دی ماه ۹۹ در تهران بازداشت شد. او سپس به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه انتقال یافت. محمد هوشنگی پس از ۷ ماه از بازداشتگاه این نهاد امنیتی به زندان ارومیه منتقل شد. در ۷ فروردین ۱۴۰۰، آقای نائب عسکری توسط مأموران اطلاعات سپاه در ارومیه بازداشت گردید. او به یکی از بازداشتگاه‌های این نهاد امنیتی منتقل شده بود. نایب عسکری در ۲۷ خردادماه ۱۴۰۰، با پایان بازجویی‌ها، از بازداشتگاه اطلاعات سپاه به زندان ارومیه منتقل شد. اتهام مطروحه علیه او، همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام عنوان شده است. ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۰ ویان محمدی، فعال مدنی و دانشجو، در منزل خود در تهران بازداشت شد. او ابتدا به بازداشتگاه اوین و سپس به بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه منتقل گردید. ویان محمدی نهایتاً به زندان ارومیه انتقال یافت. در ۲۷ خرداد ۱۴۰۰، گل‌اله مرادی و صفیه مامش‌پور از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه به زندان این شهر منتقل شدند. از اتهامات و دلایل بازداشت این شهروندان اطلاعی در دست نیست. ۳۱ خرداد ۱۴۰۰، لقمان عزیزی در اشنویه بازداشت شد. او چند روز بعد به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی سپاه پاسداران در ارومیه انتقال یافت. لقمان عزیزی اواخر تیرماه ۱۴۰۰، از بازداشتگاه امنیتی در ارومیه به زندان اشنویه منتقل شد. او سپس با تودیع وثیقه از زندان این شهر آزاد گردید. در دی ۱۴۰۰ یک شهروند با هویت حسن عمرپور ۲۶ ساله توسط نیروهای اطلاعات سپاه در شهرک سپاه ارومیه بازداشت شد. حسن عمرپور، اهل روستای «موانه» از توابع ترگور، بدون ارائه برگه قضایی بازداشت شد. او به مکان نامعلومی منتقل گردید

در ۲۵ فروردین ۱۴۰۰، در پی تیراندازی بی‌ضابطه نیروهای سپاه در شهرستان ماکو، یک شهروند جان خود را از دست داد. هویت این شهروند، احمد آرسن، فرزند حسن و اهل روستای مولیک از توابع ماکو اعلام شده است. فعالان حقوق بشر گزارش دادند که نیروهای سپاه پاسداران به منزل شخصی آقای آرسن رفته‌اند. آن‌ها او را از پنجره هدف شلیک مستقیم قرار دادند. پس از قتل، جنازه وی را با خود برده و از تحویل آن به خانواده‌اش خودداری کردند. سپاه پاسداران مدعی شد این فرد با نیروهای آنان درگیر شده است. این ادعا در حالی است که وی هیچ سلاح سرد یا گرمی به همراه نداشته است. ارسال خودکام، عضو سابق سپاه پاسداران و زندانی در زندان ارومیه، از شکنجه خود خبر داده است. او در

دوران بازداشت در سلول‌های انفرادی بازداشتگاه اطلاعات سپاه تحت شکنجه و بدرفتاری نیروهای سپاه بوده است. وی از نیروهای تسلیمی حزب دمکرات کردستان است که در دهه ۷۰ شمسی به سپاه پیوست. او پس از ۱۶ سال عضویت، به دلیل ارتباط با حزب دمکرات کردستان در فروردین ماه ۹۷ بازداشت شد. این شکنجه‌ها در بازداشتگاه‌هایی رخ داده که تحت مسئولیت حبیب شهسواری فعالیت می‌کردند.

اسفند ۱۳۹۷ شاکر بهروز به اتهام عضویت در یکی از احزاب کردی بازداشت شد. او توسط ۱۰ نیروهای امنیتی بازداشت گردید. شاکر بهروز در روز شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۹۸، پس از حدود یک ماه بازداشت در بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه، به زندان ارومیه منتقل شد. وی چندی بعد دوباره به بازداشتگاه اطلاعات سپاه بازگردانده شد. در اسفندماه ۹۸، پس از تقریباً ۱۰ ماه، به بند تلاش زندان ارومیه بازگشت. فعالان حقوق بشر گزارش کردند که شاکر بهروز در بازداشتگاه اطلاعات سپاه تحت فشار و شکنجه بوده است. نیروهای امنیتی برای اخذ اعتراف اجباری به قتل یک عضو سپاه پاسداران، او را تحت فشار قرار داده‌اند. کمال حسن رمضان، زندانی سیاسی، در ۱۶ آبان ۱۳۹۸ از زندان ارومیه به بازداشتگاه اطلاعات سپاه این شهر منتقل شد. او روز دوشنبه ۴ آذرماه ۱۳۹۸ به زندان بازگردانده شد. کمال حسن رمضان طی دو روز اول بازجویی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اتهام او تبلیغ علیه نظام و ارتباط با رسانه‌های بیگانه بوده است. داود جباری، زندانی سنی و سالار و ابراهیم صدیق همدانی، زندانیان سیاسی، در ۴ آذرماه ۱۴۰۰ از بازداشتگاه اطلاعات سپاه به زندان ارومیه بازگردانده شدند. این زندانیان در اوایل آبان ماه ۱۴۰۰ از زندان ارومیه به بازداشتگاه این نهاد امنیتی منتقل شده بودند. تمامی شواهد فوق نشانگر الگوی سرکوب و نقض حقوق بشر مستمر در دوران مسئولیت حبیب شهسواری است.

سوابق سرکوب و قربانیان جنایات حبیب شهسواری
سال جانشینی فرمانده قرارگاه عملیات برون مرزی در ارومیه

سال معاونت هماهنگ‌کننده فرماندهی سپاه شهدای آذربایجان غربی

حدود ۲ سال جانشینی فرماندهی سپاه شهدای آذربایجان غربی

ماه معاونت هماهنگ‌کننده فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا شمال غرب ایران سپاه ۴۲

سخنگوی پیشین رزمایش امنیتی محرم در استان آذربایجان غربی

از ۱۴ بهمن ۱۳۹۶ تا ۵ تیر ۱۴۰۲: فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی

از ۵ تیر ۱۴۰۲ تا کنون (آذر ۱۴۰۴) مشاور فرمانده کل سپاه

نقض حقوق بشر و سرکوب‌های انجام‌شده در دوره فرماندهی حبیب شهنساری قربانیان بسیاری داشته است

قربانیان فردی :

فرهاد نوری

فیروز موسی‌لو

عادل سالم‌فرد

فاروق لواشائی

انور چالشی

موسی‌آلوسی

کامل جباروند

شکر جباروند

دریا طالبانی

شپول خضری

سیروان نوری

سوران حسین‌زاده

افشین مام‌احمدی

فرهاد موسی‌پور

نائب‌عسکری

فریدون موسی‌پور

بهمن یوسف‌زاده

فرزاد سامانی

محمد هوشنگی

ویان محمدی

گلاره مرادی

صفیه مامشپور

لقمان عزیزی

حسن عمرپور

احمد آرسن

کمال حسن رمضان

شاکر بهروز

ارسالان خودکام

داود جباری

علی عزیزی

ابراهیم صدیق همدانی

نحو امینی

رزگار صداقت

سعید محمدزاده

سالار صدیق همدانی

سالار طاهری افشار

قربانیان گروهی

فعالین احزاب سیاسی کردی در ایران

بازداشت شدگان در اعتراضات آبان ۹۸

فعالان انتی‌کی و قومی

شهروندان عادی استان آذربایجان غربی

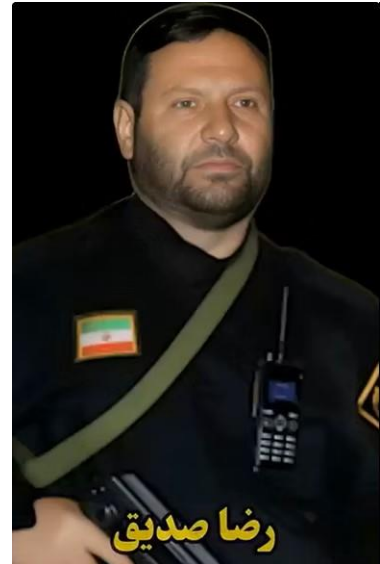
معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در استان آذربایجان غربی

صداقت ، میلاد



مزدور امنیتی گردان سرکوب قرچک ورامین که با لباس شخصی به سرکوب و کشتار معترضین قیام ملی دیماه 2584 پرداخته است.

صدیق ، رضا



یک وحشی شناخته شده که در ماهدشت کرج سگهای سطح شهر را با کلوله جنگی کشتار می کرده. او دارای خودرو و زندگی لاکچری است که آنرا از خون مردم ایران بدست آورده
او برای حفظ این زندگی انگلی اش از هیچ جنایتی روی گردان نیست. در خیزش ۱۴۰۴ از پشت سر به معترضین و مردم بی دفاع و رهگذران شلیک می کرده است.

صفر زاده ، حسین



سر هنگ جنایتکار پاسدار حسین صفر زاده از آمران کشتار هولناک دیماه 2584 در گرگان

صفری، علی



سرهنگ پاسدار سید علی صفری به عنوان فرمانده انتظامی پیشین سقز، مسئولیت مستقیم اعدام‌های میدانی، شکنجه و بازداشت گسترده شهروندان را در جریان خیزش ۱۴۰۱ بر عهده داشته است. او با فرماندهی یگان‌های ضارب، نقش کلیدی در نقض حق حیات و سرکوب خشن اعتراضات مردمی ایفا کرد

سید علی صفری در مقام فرمانده سابق پلیس در شهرستان سقز، مسئولیت مستقیم نقض حقوق شهروندی را در شهریور ۱۴۰۱ بر عهده داشت. او با هدایت نیروهای خود، حق آزادی بیان و تجمع مسالمت‌آمیز را از ساکنان این منطقه سلب کرد. در جریان این ناآرامی‌ها که پس از جان باختن مهسا امینی آغاز شد، نیروهای تحت امر سید علی صفری با خشونت عریان به مصاف مردم رفتند. گزارش‌های مستند نشان می‌دهند که عملکرد این فرمانده منجر به کشته شدن دست‌کم یک نفر و جراحت شدید ده‌ها تن شد. اعتراضات در این شهر دقیقاً همزمان با مراسم خاکسپاری دختر ۲۲ ساله سقزی شکل گرفت. سید علی صفری با استقرار نیروهای مسلح در برابر فرمانداری، دستور برخورد شدید با سوگواران معترض را صادر نمود. شاهدان عینی و تصاویر منتشر شده تایید می‌کنند که پلیس از فاصله نزدیک به سوی مردم تیراندازی کرده است. در این عملیات‌ها، گاز اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای ابزارهای اصلی یگان‌های تحت هدایت سید علی صفری برای متفرق کردن جمعیت بودند. شدت جراحات در برخی موارد به قدری بالا بود که مراکز درمانی محلی توانایی رسیدگی به مصدومان را نداشتند. سید علی صفری با نادیده گرفتن حقوق بنیادین بشر، فضایی امنیتی و سرکوبگرانه را در سراسر شهر حاکم کرد. این اقدامات خشونت‌بار باعث شد تا نام وی در زمره اصلی‌ترین ناقضان حقوق بشر در استان کردستان ثبت شود. طبق آمارهای رسمی، ده‌ها شهروند در این بازه زمانی با شلیک مستقیم آسیب دیدند

در جریان مدیریت بحران توسط سید علی صفری، استفاده از سلاح‌های ساچمه‌زن علیه غیرنظامیان به یک رویه ثابت تبدیل گشته بود. کتان درخشان یکی از قربانیان این خشونت‌ها است که به دلیل اصابت ۳ گلوله ساچمه‌ای به قلبش، به تبریز اعزام شد. همچنین گزارش‌هایی از نابینا شدن یک جوان ۱۸ ساله در اثر شلیک‌های نیروهای تحت امر سید علی صفری منتشر شده است. آمارهای موجود حاکی از مجروح شدن دست‌کم ۳۳ نفر در همان روزهای نخستین اعتراضات در شهرستان سقز است. سید علی صفری مسئولیت مستقیم این آسیب‌های جسمی جبران‌ناپذیر را که به شهروندان وارد شده، بر عهده دارد. مقامات دولتی نیز به صراحت وقوع این جراحات سنگین در دوران فرماندهی سید علی صفری را تایید کرده‌اند. برای نمونه، نماینده مجلس وقت از بستری شدن فردی با روده‌های آسیب‌دیده در اثر اصابت ساچمه خبر داده بود. در ۲۸ شهریور ۱۴۰۱، خشونت‌ها تحت نظارت سید علی صفری ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت و به بازداشت‌ها انجامید. تصاویر میدانی نشان می‌دهند که نیروهای پلیس بدون رعایت سلسله

مراتب قانونی، مستقیماً به سمت معترضان شلیک می‌کردند. در این تاریخ، دست‌کم ۲۵ نفر بازداشت شده و به مکان‌های نامعلومی انتقال یافتند که سرنوشت برخی مبهم ماند. استاندار کردستان نیز کشته شدن یک شهروند را در این درگیری‌ها تایید نمود، هرچند کوشید مسئولیت را سلب کند. سید علی صفری با تداوم این روند، عملاً حق حیات را در این شهرستان به مخاطره انداخت

سوابق سرکوب و اتهامات بین‌المللی سید علی صفری
سید علی صفری پیش از رسیدن به جایگاه فرماندهی در سقز، مناصب دیگری را در بدنه فراجا تجربه کرده است :

فرمانده انتظامی شهرستان کامیاران در استان کردستان تا اردیبهشت ۱۴۰۰

فرمانده انتظامی شهرستان سقز از اردیبهشت ۱۴۰۰ تا ۳ مهر ۱۴۰۳

به دلیل همین سوابق تیره در نقض حقوق بشر، سید علی صفری در لیست تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت. در ۲۳ آبان ۱۴۰۱، دولت بریتانیا تحریم‌هایی را علیه وی به دلیل رهبری سرکوب‌های خشونت‌آمیز در ایران وضع کرد. همچنین اتحادیه اروپا در ۲۵ مهر ۱۴۰۱، سید علی صفری را به دلیل استفاده بیش از حد از قدرت نظامی تحریم نمود. این نهادها اعلام کردند که دستورات وی مستقیماً منجر به کشته شدن چندین نفر در جریان اعتراضات شده است. سید علی صفری با هدایت نیروهای انتظامی، محیطی سرشار از ارعاب را برای فعالان مدنی و صنفی ایجاد کرد. حتی در سال‌های بعد، مانند ۱۱ تیر ۱۴۰۴، احضار و بازداشت فعالانی چون عطا گلنازی تحت نظارت او انجام شد. بازداشت این شهروند به بهانه اعتصاب سراسری ناوایان، نشان‌دهنده تداوم روحیه سرکوبگر در دستگاه تحت امر وی است. سید علی صفری در تمامی این دوران، ابزار فشار حاکمیت بر مطالبات برحق مردم در مناطق کردنشین بود. سوابق او نشان می‌دهد که وی در برخورد با اعتراضات صنفی و معیشتی نیز همان رویکرد قهری را برگزیده است. این فرمانده با نادیده گرفتن پیمان‌های بین‌المللی، نام خود را به عنوان یک چهره منفور در تاریخ معاصر سقز تثبیت کرد

قربانیان انفرادی و گروه‌های هدف در پرونده سید علی صفری
فهرست زیر تنها بخشی از افرادی است که حقوق آن‌ها توسط نیروهای تحت امر سید علی صفری نقض شده است: فریدون محمودی کامیار حیدری محمد ذبیحی ریبار رضایی شورش طلایی شروش عباسی شاه ابراهیمی آهون هوشمند آرام بدیعی آریا مجیدپور اسماعیل دزوار فرزین فرخی الهه سعیدی فردین عبدخدا دانیال پابندی عبدالرحمن بختیاری مرضیه طلایی علی خطیب زاده وحید شمس‌الدین نژاد زانیار باقری سیروس عباسی شاه ابراهیمی آرین عبدالله زاده بارزان بابامیری بهروز یزدان پناه بهنام رحیمی حامد سعیدی دانیال مصونی رامین نشسته رزگار بهرامی سارو کریم پور سیروان اردلان فاروق مرتضایی فرزاد احمدی کارو منصوری کورش کریمیان کیانوش عبدالله زاده گوران محمدی محمد سرایی محمد سهرابی محمد محمدزاده کارو امینی محمد ساعد جمشید مظفری سعدی ملک پور

همچنین گروه‌های زیر به طور سیستماتیک تحت فشار سید علی صفری بوده‌اند: معترضان اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ در سقز معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان سقز شهروندان عادی شهر سقز

سید علی صفری با بازداشت کودکان و دانشجویان، دایره سرکوب را به تمامی اقشار جامعه گسترش داد. افرادی مانند محمد محمدزاده و کارو امینی در سنین کودکی طعم بازداشت‌های تحت نظر او را چشیدند. دانشجویان آگاهی چون محمد ساعد و سعدی ملکپور نیز از گزند یگان‌های تحت فرمان وی در امان نماندند. این حجم از خشونت علیه غیرنظامیان، پرونده او را به یکی از سنگین‌ترین پرونده‌های حقوق بشری تبدیل کرده است

طالبی، شهرام



خرچین مرتبط با نهادهای اطلاعاتی سپاه و نیروی انتظامی و در مقطعی معاونت درمان شبکه بهداشت رودبار استان گیلان را بر عهده داشته است. در دو شب ناآرامی که شمار زیادی مجروح به بیمارستان‌ها منتقل شده بودند، آمار و اطلاعات مجروحان سه بیمارستان رودبار، منجیل و رستم‌آباد را در اختیار نهادهای اطلاعاتی قرار داده که این موضوع به بازداشت تعدادی از آنان منجر شده است.

طایفه نفر ، فرشاد



در گزارش‌ها ادعا شده است که نامبرده از عوامل سرکوب در شهر پردیس بوده و به همراه تعدادی از همراهانش در تجمعات حضور داشته است و در زمان درگیری‌ها با پوشش کامل نظامی و صورت

پوشیده در میان نیروهای عملیاتی مشاهده شده است. او در فاز یک پردیس، دور میدان عدالت، در پاساژ ولی عصر دارای واحدهای صنفی از جمله بنگاه معاملات املاک و فروشگاه تلفن همراه می‌باشد و از این طریق فعالیت‌های خود را پوشش می‌دهد.

طباطبائی ، عبدالله



سیدعبدالله طباطبائی در جایگاه دادستان پیشین اردبیل و معاون فعلی دادستان تهران، مسئولیت مستقیم بازداشت‌های گسترده، شکنجه و اجرای احکام اعدام را بر عهده داشته است. او با هدایت تحقیقات قضایی و صدور کیفرخواست‌های امنیتی، نقش کلیدی در نقض سیستماتیک حق حیات و سرکوب معترضان ایفا کرد

سیدعبدالله طباطبائی به عنوان دادستان سابق مرکز استان اردبیل، در تمامی مراحل دادرسی از بازداشت تا صدور کیفرخواست علیه شهروندان نقش داشته است. او مسئولیت مستقیم پرونده‌سازی برای بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و خیزش سراسری در شهریور و پاییز ۱۴۰۱ را بر عهده دارد. پس از جان باختن مهسا امینی، موج جدیدی از اعتراضات کشور را فراگرفت که با برخورد خشن نیروهای امنیتی روبرو شد. در محدوده قضایی تحت مدیریت سیدعبدالله طباطبائی، ده‌ها شهروند کشته، زخمی و راهی بازداشتگاه شدند. او با صدور قرار بازداشت و نظارت بر تحقیقات ضابطان، حق آزادی و امنیت معترضان را سلب کرد. این مقام قضایی در اجرای احکام اعدام و نقض حق حیات در استان اردبیل نقش اول را ایفا نموده است. نام او با پرونده‌سازی علیه فعالان مدنی و نادیده گرفتن حقوق متهمان در دوران بازجویی گره خورده است. سیدعبدالله طباطبائی از ابزارهای قانونی برای خفه کردن صدای منتقدان و مهار تجمعات مسالمت‌آمیز استفاده کرد. برخورد قهرآمیز دستگاه قضایی تحت امر او، منجر به حبس‌های طولانی‌مدت برای بسیاری از جوانان اردبیلی شد. او همواره به عنوان بازوی اجرایی نهادهای امنیتی در دادرسی اردبیل عمل کرده است. استمرار فعالیت او در مناصب عالی، نشان‌دهنده پاداش‌دهی به عاملان سرکوب در ساختار قضایی است

در دوران مسئولیت سیدعبدالله طباطبائی، لیست بلندی از شهروندان اردبیل با اتهامات واهی بازداشت و زندانی شدند. محسن محسن‌زاده، مرتضی پروین، یاشار اکبرزاده، یوسف کاری و غلامرضا اصغری تنها بخشی از این قربانیان هستند. همچنین عسگر اکبرزاده، سعید صادقی‌فر، میثم جولانی و محمد جولانی نیز توسط نیروهای تحت امر او دستگیر گشتند. سجاد قانع‌مقدم، ابراهیم پاکدل و احمد رستمی نیز

در پی اعتراضات ۱۴۰۱ با دستور سیدعبدالله طباطبایی بازداشت شدند. فهرست بازداشتی‌ها شامل امیر آرش اشکانی، بابک همرنگ، امیررحیمی، امیر قاضی‌زاده، امیررضا فعال‌نصیری و آرزو خالقی است. پویا عزیزاده و پیمان منادی‌اصل نیز در این دوره بازداشت شدند. توحید منوچهری، حسین جوادی، رضا قربانی و سجاد مجیدی نیز با برخورد قضایی مواجه گشتند. سعید احمدی، سودا مناری، سینا میکائیلی و سینا نوروزی نیز در لیست قربانیان قرار دارند. عباس نصیری، عرفان زارعیان، علی علوی و فرهاد جوانبخت نیز توسط سیدعبدالله طباطبایی به بند کشیده شدند. فیروز معینی، مجید رستم‌نژاد، محمد جلالی و محمدامین شفیع‌نژاد نیز از این سرکوب‌ها در امان نماندند. محمدرضا چمچمان، مریم افشارنیا، مهدی بیدار و مهدی جعفرپور نیز بازداشت شدند. میترا حسن‌زاده، میرعباس میرحبیبی، نوید اکبری، هاله ارشادی، یونس سببی و نازلی سعیدی نیز دیگر قربانیان هستند. حتی نوجوانی به نام محمدمهدی ابراهیمی نیز با تایید سیدعبدالله طباطبایی روانه بازداشتگاه شد.

سیدعبدالله طباطبایی علاوه بر سرکوب اعتراضات، در اجرای احکام غیرانسانی اعدام نیز مسئولیت مستقیم دارد. در ۱۷ بهمن ۱۴۰۰، حکم اعدام یوسف تهمتن و بهزاد تهمتن در زندان تحت نظارت او اجرا شد. همچنین در ۲۱ شهریور ۱۴۰۱، احمد پناهی خانقاه با تایید نهایی او به دار آویخته شد. سیدعبدالله طباطبایی پیش از این در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ نیز نقش فعالی در بازداشت معترضان ایفا کرده بود. میثم جولانی در ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ به صورت غیابی به حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. در مهر ۱۳۹۹ نیز ۱۲ فعال مدنی آذربایجانی با دستور وی به زندان اردبیل منتقل شدند. سیامک میرزایی نیز در دی ۱۳۹۹ توسط نیروهای امنیتی ربوده و به مکان نامعلومی منتقل گشت.

سیدعبدالله طباطبایی سوابق سرکوب متعددی در مناصب قضایی داشته است :

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان پارس‌آباد از ۱۶ مرداد ۱۳۹۵ تا ۱۱ تیر ۱۳۹۷

رئیس دادگستری شهرستان پارس‌آباد از ۱۱ تیر ۱۳۹۷ تا ۲۰ مرداد ۱۳۹۸

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اردبیل از ۱۷ تیر ۱۳۹۸ تا ۱ تیر ۱۴۰۲

معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران از ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

وی در تمامی این مسئولیت‌ها، حق اعتراض و آزادی بیان را به شدت محدود کرده است. بازداشت یک تبعه آلمانی در مهر ۱۴۰۱ نیز از جمله اقدامات جنجالی او بود. سیدعبدالله طباطبایی با تکیه بر کرسی قضاوت، مطالبات مدنی مردم را با ابزار داغ و درفش پاسخ داده است.

فهرست اسامی زیر تنها بخشی از افرادی است که توسط سیدعبدالله طباطبایی مورد نقض حقوق قرار گرفته‌اند: یوسف کاری، احمد پناهی خانقاه، عسگر اکبرزاده، بهمن خیرجو، بهزاد تهمتن، حامد حیدری باریس، حسین بالاخانی، مهدی هوشمند، میثم جولانی، محمد جولانی، مجتبی پروین، مرتضی پروین،

مصطفی پروین، پرویز سیابی، سجاد جولانی، سیامک میرزایی، سبحان بخشی، یوسف تهمتن، احمد رستمی، امیر امیررحیمی، امیر قاضی زاده، آرش اشکانی، آرزو خالقی، بابک همرانگ، ابراهیم پاکدل، حسین جواد، محسن محسن زاده، پیمان منادی اصل، پویا علیزاده، رضا قربانی، سعید صادقی فر، سجاد قانع مقدم، سجاد مجیدی، توحید منوچهری، یاشار اکبرزاده، عباس نصیری، علی علوی، عرفان زارعیان، فرهاد جوانبخت، هاله ارشادی، مجید رستم نژاد، مریم افشارنیا، مهدی بیدار، مهدی جعفرپور، میرعباس میرحبیبی، میترا حسن زاده، محمدمین شفیع نژاد، محمد جلالی، محمدمهدی ابراهیمی، محمدرضا چمچمان، نوید اکبری، نازلی سعیدی، سعید احمدی، سودا مناری، سینا میکائیلی، سینا نوروزی، یونس سببی، پژمان معین

قربانیان گروهی نیز شامل معترضان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در اردبیل و معترضان آبان ۱۳۹۸ این استان هستند. سیدعبدالله طباطبایی با نادیده گرفتن کرامت انسانی، همچنان در سطوح بالای قضایی به فعالیت خود ادامه می دهد

عابدینی ، مجتبی



مداح حکومتی و معاون ستاد امر به معروف و نهی از منکر هرمزگان

عالمی نیسی ، جمال



جمال عالمی نیسی در دوران فرمانداری و ریاست شورای تأمین اهواز، در نقض فاحش حقوق حیات، حق اعتراض و حقوق اقلیت‌های قومی مسئولیت مستقیم داشته است. او در صدور دستور استفاده از سلاح‌های مرگبار علیه معترضان در آبان ۱۳۹۸ و تیر ۱۴۰۰ که به کشته شدن شهروندان منجر شد، نقش کلیدی ایفا کرده است

جمال عالمی نیسی، فرماندار پیشین اهواز و رئیس شورای تأمین این شهر، در نقض حقوق شهروندان، به ویژه حق حیات و حق اعتراض، مشارکت مستقیم داشته است. او در صدور فرمان استفاده از تسلیحات مرگبار علیه معترضان در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ مسئولیت دارد. این سرکوب‌ها به کشته شدن دستکم ۷ نفر از معترضان، از جمله ۲ کودک، و مجروح شدن شمار زیادی منجر شد. بنا بر شرح وظایف رسمی، «برقراری امنیت و حفظ نظم عمومی شهرستان از وظایف فرماندار می‌باشد». همچنین «نیروهای انتظامی که تابع وزارت کشور هستند، مکلفند دستورات فرمانداری را اجرا نمایند

در آبان ۱۳۹۸، در پی واکنش به افزایش قیمت بنزین، حوزه فرمانداری اهواز صحنه تجمعات اعتراضی گسترده‌ای بود. در جریان این اعتراضات، نیروهای امنیتی، از جمله نیروی انتظامی، برخورد و سرکوب شدیدی را اعمال کردند. در نتیجه این اقدامات، شماری از شهروندان اهوازی کشته، عده‌ای زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. حضور نیروی انتظامی اهواز در این سرکوب‌ها برجسته و محسوس بود

دستکم ۲۹ شهروند در اهواز در جریان این اعتراضات توسط نیروهای مختلف از جمله نیروی انتظامی بازداشت شدند. نام این افراد شامل: عباس عوید زرگانی ۳۵ ساله، محمدعلی آلبوغبیش ۲۷ ساله، فاضل زرگانی ۱۸ ساله، حسین زرگانی ۱۵ ساله، ناصر زرگانی ۲۵ ساله، باقر نیسی ۱۷ ساله، صابر زرگانی ۳۲ ساله، منصور مسیحی (زرگانی) ۵۳ ساله، ماجد (رفیعی) زرگانی ۲۶ ساله، محمدعلی زرگانی ۳۰ ساله، نعیم زرگانی ۴۰ ساله، جمال عالمی نیسی زرگانی ۱۴ ساله، حامد محامید ۲۵ ساله، علی غزی، ماجد غزی، خیرالله سواری، ولید سواری ۲۴ ساله، علی زهیری، علی کعب عمیر ۱۹ ساله، حاتم مجدم، مهدی مجدم، حسین مجدم، حسین هلیچی، امین شرفی ۲۴ ساله، کریم نیسی، احمد غوابش، توفیق خنجری ۲۸ ساله، محمد عسکری ۲۵ ساله و حسین سویدی ۳۰ ساله است

جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در اهواز

بازداشت این شهروندان غالباً با خشونت و همراه با ضرب و شتم انجام شده است. تعدادی از آن‌ها نیز پیش از بازداشت، بر اثر تیراندازی نیروهای امنیتی و اصابت گلوله زخمی شده بودند. همچنین در جریان این اعتراضات دستکم علی تمیمی، حمزه البریهی، میثم مجدم، مجاهد الجامعی، محمدرضا عسافی زرگانی، رضا نیسی و حمزه سواری به ضرب گلوله در اهواز جان باختند. عملکرد جمال عالمی نیسی در این مقام، مسئولیت او را در قبال کشتار و بازداشت‌های گسترده تأیید می‌کند

تشدید خشونت و استفاده از تسلیحات جنگی در اعتراضات تیر ۱۴۰۰

سرکوب خشن اعتراضات در اهواز، در تیر ۱۴۰۰ نیز تکرار شد. در آن مقطع، تجمعات گسترده‌ای در استان خوزستان نسبت به بی‌آبی و فقدان مدیریت منابع آب برگزار شد. در شهر اهواز نیز اعتراضات گسترده‌ای انجام شد که با دخالت و برخورد نیروهای امنیتی، از جمله نیروی انتظامی، مواجه گشت. در جریان این سرکوب، شماری از شهروندان اهوازی بازداشت شدند. جمال عالمی نیسی به دلیل جایگاه خود در شورای تأمین، در قبال این سرکوب‌ها مسئولیت دارد

برخی از بازداشت‌شدگان شامل: علی کعب الحائی، محمد صخراوی، باسم حیدری، حسن سعیدی، عباس سواری، عامر زهیری، حمود چنایی، حمود شموسی، احمد سواری، بسام زرگانی، رعد حیدری، عباس زرگانی، عیسی مزرعه، فلاح چلداوی، فهد حیدری، ماجد حمیدی، محمد عسگری، محمد کروشوات، میثم سواری، میلاد سواری، ناصر زرگانی، حمود سواری، مرتضی چلداوی، رضا سواری، عباس دغاغله، قاسم سواری، مهدی زرگانی و یوسف عیباوی هستند. همچنین حمزه (فرزاد) فریسات ۳۲ ساله، اهل کوی علوی اهواز، در جریان این اعتراضات به ضرب گلوله جان باخت

سازمان عفو بین‌الملل، استفاده از تسلیحات جنگی برای سرکوب معترضان را در جریان اعتراضات تیر ۱۴۰۰ تأیید کرده است. بنا بر گزارشی که این سازمان بین‌المللی در ۱ مرداد ۱۴۰۰ منتشر کرد، مأموران امنیتی و انتظامی در اعتراضات اخیر (تیر ۱۴۰۰) از تسلیحات جنگی و کشنده برای سرکوب معترضان استفاده کرده‌اند. جمال عالمی نیسی همچنین در ۵ دی ۱۳۹۸، در چهلمین روز جان‌باختگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، جو امنیتی شدیدی در شهر ایجاد کرد. نیروی انتظامی اهواز با حضور در خیابان‌ها، فضای امنیتی شهر را تشدید کرد. همچنین شماری از شهروندان در خلال برگزاری مراسمات مربوطه، مورد ضرب و شتم این نیرو قرار گرفتند. این موارد نشان می‌دهند که جمال عالمی نیسی در نقض حقوق اقلیت‌های قومی و حق اعتراض مردم مسئول است

بازداشت‌های امنیتی، خشونت‌های میدانی و نقض حقوق کارگران جمال عالمی نیسی در دوران مسئولیت خود، علاوه بر سرکوب اعتراضات گسترده، در موارد دیگر نقض حقوق بشر نیز دخیل بوده است. در بهمن ۱۳۹۷، با همکاری نیروی انتظامی اهواز، دو شهروند عرب اهوازی به نام‌های احمد مرمری ۳۲ ساله و سعید فاضل منابی ۳۱ ساله بازداشت شدند. این بازداشت‌ها پس از حضور وزیر اطلاعات وقت در استان خوزستان صورت گرفت. وزیر اطلاعات در مصلاي شوش، از شناسایی و بازداشت «تیم‌های بسیاری که تلاش‌های زیادی برای به چالش کشیدن امنیت کشور کرده‌اند» خبر داده بود

در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، همزمان با روز جهانی کارگر، نیروهای انتظامی اهواز در محل تجمعات مربوط به این روز حضور یافتند. این نیروها سعی در امنیتی کردن فضا و ممانعت از برگزاری آزادانه این مراسم داشتند. این اقدام نشان‌دهنده نقض حقوق کارگران تحت نظارت جمال عالمی نیسی است

سرکوب شهروندان و بازداشت‌های خودسرانه

در ۲۰ مرداد ۱۳۹۸، خودروی حامل یک شهروند اهوازی توسط نیروهای انتظامی تعقیب و نهایتاً هدف تیراندازی مستقیم آن‌ها قرار گرفت. در نتیجه این تیراندازی، یک گلوله به قلب این شهروند اصابت کرد و جان خود را از دست داد. هویت این شهروند «عباس امیری» ۱۹ ساله و اهل اهواز احراز شد. همچنین در ۲۳ خرداد ۱۴۰۰، یک شهروند ساکن اهواز در پی اعتراض به اقدام اخیر ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی توسط نیروهای انتظامی بازداشت شد. این شهروند منشی حسابدار غرفه شماره ۳۰ میدان میوه و تره‌بار الغدير اهواز بود. بازداشت وی به دلیل افشاگری درباره دریافت اجباری وجه نقد از حوزمداران میدان میوه و تره‌بار شهرستان اهواز توسط ستاد انتخاباتی رئیسی صورت گرفت. این بازداشت توسط نیروهای انتظامی در ساعت ۱ نصف شب و در محل کار وی انجام شد

در ۱۳ مرداد ۱۳۹۸، حکم شلاق در ملاء عام یک متهم که پیش‌تر به اتهام «سرقت» به حبس و شلاق محکوم شده بود، در یکی از میادین شهر اهواز اجرا شد. مأمورین نیروی انتظامی، عامل اجرا و حفاظت محل اجرای این حکم شلاق بودند. این موارد نشان می‌دهد جمال عالمی نیسی در طول تصدی خود، نه تنها در سرکوب‌های بزرگ، بلکه در خشونت‌های میدانی و نقض حقوق فردی شهروندان نیز مسئول بوده است

سوابق و مناصب کلیدی جمال عالمی نیسی در دستگاه سرکوب و قربانیان وی
سوابق و مناصب جمال عالمی نیسی در ساختار مدیریتی که منجر به نقض حقوق بشر شده، به شرح زیر است :

مشاور پیشین اجرایی استاندار خوزستان

معاون پیشین توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری خوزستان (۸ مهر ۱۳۹۴)

سرپرست فرمانداری شهر اهواز (۴ تیر ۱۳۹۷ تا ۲۱ مهر ۱۳۹۸)

فرماندار شهر اهواز (۲۱ مهر ۱۳۹۸ تا ۱۰ آذر ۱۴۰۰)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات و نقض حقوق بشر وی عبارتند از: حمزه سواری، میثم مجدم، علی تمیمی، حمزه البریهی، مجاهد الجامعی، محمدرضا عسافی زرگانی، رضا نیسی، حمزه (فرزاد) فریسات، احمد مرمضی، سعید فاضل منابی و عباس امیری. قربانیان گروهی نیز شامل: بازداشت‌شدگان در اعتراضات آبان ۹۸، فعالین کارگری، فعالین اقلیت‌های قومی، مردم عادی شهر اهواز، معترضان اعتراضات تیر ۱۴۰۰ در خوزستان و کشته‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ می‌شوند

جمال عالمی نیسی با صدور دستورات امنیتی و اعمال خشونت از طریق نیروهای تحت فرمانش، حق حیات، آزادی بیان و حق اعتراض بسیاری از مردم اهواز را به طور فاحش نقض کرده است



بهروز عباسی در مقام دادستان مرکز زنجان، مسئولیت مستقیم بازداشت‌های گسترده معترضان و صدور کیفرخواست‌های منجر به حبس، شلاق و اعدام را بر عهده دارد. وی با هدایت ضابطان قضایی در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، نقشی کلیدی در نقض سیستماتیک حقوق شهروندان و سرکوب جنبش‌های اجتماعی ایفا کرده است

بهروز عباسی به عنوان دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان زنجان، در تمامی مراحل نقض حقوق بشر در این منطقه نقش محوری دارد. وی از زمان روی کار آمدن، در مراحل بازداشت و تحقیقات توسط ضابطان تا صدور کیفرخواست، بر پرونده‌های بسیاری نظارت داشته است. بهروز عباسی به طور ویژه در قبال وضعیت بازداشت‌شدگان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در زنجان مسئولیت قانونی و اجرایی دارد. این اعتراضات که پس از جان‌باختن مهسا امینی آغاز شد، با برخورد شدید نیروهای امنیتی و انتظامی در زنجان مواجه گشت. در این دوران، شهروندان بسیاری از جمله صفیه قره‌باغی، صالح فرهادی، اعظم امندی، آرتان سپهری، جلیل عباسی و سپیده احمدخانی بازداشت شدند. سمانه دادگر هیدج، سمانه مرادی ابه، شهرام شفق‌تیان، محمدولی حیدربگی، ندا بیات و اسماعیل شکوری نیز در میان دستگیرشدگان بودند. سازمان اطلاعات سپاه در ۷ مهر ۱۴۰۱ اعلام کرد که یکی از عوامل اصلی اعتراضات را به دلیل کشف حجاب دستگیر کرده است. همچنین در ۱۸ مهر ۱۴۰۱، این نهاد از شناسایی و بازداشت ۶ نفر به اتهام شعارنویسی در معابر زنجان خبر داد. تمامی این پرونده‌ها تحت نظارت مستقیم دادستانی و با تایید بهروز عباسی به مراحل بالاتر قضایی ارسال شده‌اند

در ادامه روند سرکوب، رئیس کل دادگستری زنجان در ۴ آبان ۱۴۰۱ از صدور کیفرخواست برای ۱۱۹ تن از معترضان خبر داد. طبق این آمار، ۲۷۹ پرونده برای ۳۲۵ نفر تشکیل شد که ۴۷ درصد آن‌ها در آن مقطع تعیین تکلیف شدند. بهروز عباسی به عنوان مدعی‌العموم، مسئولیت مستقیم این حجم از پرونده‌سازی‌های قضایی علیه شهروندان زنجانی را بر عهده داشته است. در ۱۵ آبان ۱۴۰۱، مریم حیدری و جمشید اشرفی پس از احضار به دادرسی و تفهیم اتهام، با قرار کفالت آزاد شدند. کبری جباری، معلم ساکن زنجان نیز در ۲۳ آبان ۱۴۰۱ با تودیع قرار کفالت به صورت موقت آزاد گشت. شاهین رحمتی از دیگر بازداشت‌شدگان بود که به ۶ سال و ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شد. همچنین مینا

علیخانی توسط دادگاه تجدیدنظر استان به یک سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم گردید. بهروز عباسی با تایید این روندها، مسیر برخورد قهرآمیز با فعالان مدنی و معترضان خیابانی را در زنجان هموار کرد. حتی مونا بختیاری، خواهر پویا بختیاری، در ۱۱ خرداد ۱۴۰۲ به شعبه دهم بازپرسی دادسرای تحت مدیریت وی احضار شد. این احضارها نشان‌دهنده استمرار فشار بر خانواده‌های دادخواه در دوران تصدی این مقام قضایی است.

کارنامه بهروز عباسی در حوزه سلب حق حیات نیز با اجرای احکام متعدد اعدام در زندان زنجان همراه بوده است. در ۲۴ آذر ۱۴۰۱، ابوالفضل حیدرزاده با اتهامات مرتبط با مواد مخدر در این زندان اعدام شد. اصغر سمیعی و طهماسب کاووسی نیز در ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۲ به اتهام مشابه به دار آویخته شدند. روند اجرای این احکام در سال‌های بعد نیز با قاطعیت توسط دستگاه قضایی تحت نظر وی دنبال گردید. در ۱۷ آذر ۱۴۰۳، حکم اعدام یک زندانی زن به نام آمنه علیپور با اتهام قتل به اجرا درآمد. کیومرث فاتحی نیز در ۱۹ مرداد ۱۴۰۴ به دلیل جرائم مواد مخدر در زندان زنجان اعدام شد. آخرین مورد ثبت شده در این گزارش مربوط به ۳۰ مهر ۱۴۰۴ است که ابوالفضل طارمی با اتهام قتل اعدام گردید. بهروز عباسی در مقام دادستان، وظیفه اجرای احکام و نظارت بر رعایت حقوق زندانیان را بر عهده دارد. با این حال، کثرت اجرای احکام مرگ در دوران مسئولیت وی، انتقادات گسترده‌ای را از سوی نهادهای حقوق بشری برانگیخته است. او با تکیه بر جایگاه خود، به یکی از بازوهای اصلی اجرای مجازات‌های خشن در ساختار قضایی استان تبدیل شده است.

سوابق سرکوب و قربانیان بهروز عباسی
دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تاکستان (انتصاب در ۸ تیر ۱۳۹۳)،

مستشار دادگاه تجدیدنظر و معاون رئیس کل دادگستری شهرستان قزوین،

معاونت قضایی و رئیس حفاظت و اطلاعات دادگستری استان زنجان (تا ۲۷ بهمن ۱۴۰۰)،

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان زنجان (از ۲۷ بهمن ۱۴۰۰ تاکنون)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر بهروز عباسی عبارت از: مونا بختیاری، صفیه قره باغی، صالح فرهادی، اعظم امندی، آرتان سپهری، جلیل عباسی، سپیده احمدخانی، سمانه دادگر هیدج، سمانه مرادی ابه، شهرام شفقتیان، محمدولی حیدربیگی، ندا بیات، اسماعیل شکوری، مریم حیدری، جمشید اشرفی، کبری جباری، شاهین رحمتی، ابوالفضل حیدرزاده، مینا علیخانی، اصغر سمیعی، طهماسب کاووسی، آمنه علیپور، کیومرث فاتحی، ابوالفضل طارمی و قربانیان گروهی شامل معترضان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در زنجان می‌باشند.



سرتیپ دوم جنایتکار محمد عبدالله پور فرمانده سپاه قدس گیلان فرمانده سابق سپاه 25 کربلا و لشکر 16 قدس. تحریم شده از سوی خزانه داری آمریکا بخاطر سرکوب خشونت بار 1401 . محمد عبداللهپور در طول دوران فرماندهی خود بر سپاه گیلان، از ابزارهای تحت امر خود برای سرکوب آزادی بیان و نقض این حق اساسی استفاده کرده است. او در گفت‌وگویی در پایان شهریور ۱۴۰۰، نبرد در فضای مجازی را سخت‌تر از جنگ ۸ ساله با عراق توصیف کرد. محمد عبداللهپور مدعی شد که در این عرصه، دشمن «هم قصد نابودی ما را دارد و هستی ما را مثل زمان جنگ هدف گرفته است». این دیدگاه، زمینه‌ساز اقدامات شدید نیروهای تحت فرمان محمد عبداللهپور در برخورد با شهروندان فعال در فضای مجازی بود

موارد زیر تنها بخشی از نقض حق آزادی بیان توسط سپاه گیلان در زمان فرماندهی محمد عبداللهپور است :

در اسفند ۱۳۹۴، رئیس سازمان اطلاعات سپاه قدس گیلان از شناسایی و دستگیری «عوامل انتشار شبکه‌های ضد انقلاب در فضای مجازی» در فومن خبر داد. وی ادعا کرد که آن‌ها «با القاء تقلب در انتخابات قصد اجرای بخشی از پروژه نفوذ دشمنان نظام داشتند

در ۱۳ خرداد ۱۳۹۸، مأموران اطلاعات سپاه با حکم قضایی به منزل عزیز قاسم زاده (خواننده سنتی و سخنگوی کانون فرهنگیان گیلان) وارد شدند. آن‌ها ضمن تفتیش محل، تعدادی از لوازم شخصی او از جمله تلفن همراه و کارت‌های حافظه وی را ضبط کردند

در تابستان ۱۳۹۸، محمد حسینی اجدادی توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت شد. این پرونده در ارتباط با مطالب منتشر شده در فضای مجازی علیه او گشوده شده بود

در ۲۱ اسفند ۱۳۹۸، محمد مختاری (کاپیتان تیم فوتبال داماش گیلان) با حکم دادستان و توسط مأموران اطلاعات سپاه قدس گیلان بازداشت شد. بازداشت آقای مختاری به دلیل انتقاد او از نحوه برخورد مسئولان با شیوع کرونا صورت گرفت

در بهار ۱۳۹۹، فرهاد زاهدان توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت شد و با وجود تودیع قرار وثیقه ۷۰ میلیون تومانی، تداوم بازداشت او تا پایان اولین هفته خرداد ۱۳۹۹ ادامه یافت

علاوه بر سرکوب فعالان فضای مجازی، نیروهای تحت امر محمد عبداللهپور در سپاه گیلان، اقدام به تهدید خانواده‌های بازداشت‌شدگان و نقض حقوق نوکیشان مسیحی می‌کردند. مأموران اطلاعات سپاه رشت، خانواده آقای زاهدان را تهدید کرده و گفته بودند که «در صورت اطلاع‌رسانی وضعیتش بدتر خواهد شد». محمد عبداللهپور همچنین مسئول مستقیم سرکوب اقلیت‌های مذهبی در گیلان بوده است

بازداشت و محکومیت نوکیشان مسیحی از جمله اقدامات ضد حقوق بشری در دوران فرماندهی محمد عبداللهپور بود :

حسین کدیور و خلیل دهقان پور در ۹ بهمن ۱۳۹۷ در یک جلسه کلیسای خانگی در رشت بازداشت شدند

بابک حسین زاده، بهنام اخلاقی و مهدی خطیبی نیز در ۴ اسفند همان سال بازداشت شدند

منزل آقای اخلاقی پس از بازداشت، توسط مأموران تفتیش شد و برخی لوازم شخصی او ضبط گردید

به گفته یک منبع مطلع، نیروهای امنیتی در جریان تفتیش منزل آقای اخلاقی اقدام به شکستن و یا آسیب به نمادهای مرتبط با مسیحیت کرده بودند

در ۲۱ بهمن ۱۳۹۷، عبدالرضا (متیاس) علی حق نژاد در منزل شخصی خود بازداشت شد

در ادامه این روند، در ۲۶ بهمن ۱۳۹۷ نیز سه نوکیش مسیحی دیگر به نام‌های محمد وفادار، محمد (شهریز) اسلام دوست و کمال نعمانیان در یک جلسه کلیسای خانگی بازداشت شدند

بازداشت تمامی این شهروندان توسط مأموران سازمان اطلاعات سپاه گیلان صورت گرفته است

نهایتاً هر یک از این شهروندان در دادگاه انقلاب به اتهام «اقدام علیه امنیت کشور از طریق تشکیل کلیسای خانگی و تبلیغ مسیحیت» به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شدند

در شهریور ۱۴۰۰، در پی بازداشت سه نوکیش مسیحی در رشت به نام‌های احمد (یوحنا) سرپرست، ایوب (فرزین) پوررضازاده و مرتضی حاجب مشهود کاری، بستگان این شهروندان مورد تهدید مأموران اطلاعات سپاه قرار گرفتند. همچنین یکی از بستگان آنان و سایر اعضای این کلیسای خانگی به اداره اطلاعات سپاه رشت احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. محمد عبداللهپور همچنین در سرکوب حقوق‌انگیزی شهروندان گیلانی نقش داشته است

در ۱۹ آبان ۱۳۹۴، مسول سایبری سپاه گیلان اعلام کرد که تعدادی از عوامل «آشوب و اغتشاش و تحریک آذری زبان‌های گیلان در فضای مجازی» دستگیر شدند. وی در گفتگو با یک رسانه حکومتی مدعی شد که «سربازان گمنام سازمان اطلاعات سپاه قدس گیلان با پیگیری به موقع و شناسایی افراد و عوامل فراخوانی جهت ایجاد شرایط آشوب و التهاب در جامعه و تحریک آذری زبان‌های گیلان از «طریق فضای مجازی به دستگیری آنان اقدام کرد

در آخرین هفته آبان ۱۳۹۸، شهرهای مختلف ایران صحنه اعتراضات گسترده مردمی به افزایش قیمت بنزین بود. این اعتراضات در سراسر کشور با سرکوب شدید توسط نیروهای انتظامی و امنیتی از جمله سپاه پاسداران مواجه شد. شهرهای استان گیلان نیز از جمله مناطقی بودند که مردم معترض به خیابان‌ها آمده و به وجهی بسیار شدید توسط نیروهای نظامی از جمله سپاه پاسداران سرکوب شدند. در این اعتراضات در شهرهای مختلف گیلان، دستکم شهروندانی چون حمیدرضا قلی زاده در شهر لاهیجان و پژمان (علی) قلی پور در شهر لنگرود به ضرب گلوله جان باختند. همچنین شهروندان بسیاری دستگیر و روانه بازداشتگاه و زندان‌ها شدند. محمد عبدالله‌پور فرمانده سپاه گیلان، چه در مقام فرماندهی این نیروی نظامی و چه به عنوان عضو شورای تأمین استان، نقشی اساسی در این سرکوب‌های شدید بازی کرده است

پس از اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و در پایان آذر ۱۳۹۸، نیروهای سپاه در شهرهای مختلف این استان از جمله رشت و صومعه سرا، رزمایش‌های ضد اغتشاش برگزار کردند. هدف از این رزمایش‌ها، به رخ کشیدن توان سرکوب و ارعاب بیش از پیش جامعه معترض در این استان بود. محمد عبدالله‌پور فرمانده سپاه قدس استان گیلان همچنین در سرکوب معترضان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ در استان گیلان نقش مستقیم داشته است. این اعتراضات که پس از درگذشت مهسا امینی آغاز شد، با برخورد شدید نیروهای نظامی و امنیتی در گیلان مواجه شد. در سال ۱۴۰۲، وزارت خزانهداری آمریکا محمد عبدالله‌پور را به دلیل نقش او در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات ۱۴۰۱ تحریم کرد. این تحریم، تأییدی بر نقش او در نقض گسترده حقوق شهروندان گیلانی است

محمد عبدالله‌پور در مقام‌های گوناگون خود در سپاه قدس گیلان، همواره در سیاست‌های سرکوب و نقض حقوق مدنی مشارکت مستقیم داشته است. او مسئولیت مستقیم اقدامات نیروهای تحت فرمان خود را بر عهده دارد که شامل بازداشت‌های خودسرانه، ارعاب خانواده‌ها و اعمال خشونت منجر به مرگ غیرنظامیان بوده است. نقض مستمر آزادی بیان و حقوق اقلیت‌ها در دوران تصدی وی، پرونده سنگینی از اقدامات ضد حقوق بشری را برای او رقم زده است

محمد عبدالله‌پور به دلیل سال‌ها فعالیت در سطوح بالای فرماندهی سپاه قدس گیلان، مسئول مستقیم در نقض حق حیات، آزادی بیان و حقوق اقلیت‌ها در این استان است

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمد عبدالله‌پور عبارت است از

فرمانده پیشین گردان حمزه لشکر قدس

فرماندهی تیپ در سپاه قدس گیلان

معاون هماهنگ‌کننده پیشین فرماندهی سپاه قدس گیلان

جانشین فرمانده سپاه قدس گیلان از سال ۱۳۹۱ تا اردیبهشت ۱۳۹۴

فرمانده سپاه قدس استان گیلان از ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ تا ۱۸ مهر ۱۴۰۲

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمد عبدالله‌پور عبارتند از:

عزیز قاسم زاده

محمد مختاری

محمد حسینی اجدادی

احمد (یوحنا) سرپرست

ایوب (فرزین) پوررضازاده

مرتضی حاجب مشهود کاری

حسین کدیور

خلیل دهقان پور

بابک حسین زاده

بهنام اخلاقی

مهدی خطیبی

عبدالرضا (متیاس) علی حق نژاد

محمد وفادار

محمد (شهرز) اسلام دوست

کمال نعمانیان

حمیدرضا قلی زاده

پژمان (علی) قلی پور

قربانیان گروهی: کاربران اینترنت در استان گیلان، شهروندان عادی استان گیلان، فعالان صنفی معلمان، نوکیشان مسیحی در ایران، بازداشت‌شدگان در اعتراضات آبان ۹۸، فعالان انتی‌کی و قومی، فعالین اقلیت‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، کشته‌شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در استان گیلان، معترضان اعتراضات ۱۴۰۱ در استان گیلان

عبدی ، میلاد



سرکوبگر بسیجی که ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ در بلوار ارم مهرشهر کرج به روی مردم بی دفاع و معترض شلیک مستقیم می‌کرد.

آدرس خانه: جاده قزلحصار، ده متری خمینی، کوچه شیرودی
محل کار: مغازه میوه فروشی، خیابان ده متری بین کوچه مسجد و کوچه دستغیب.

عزیزی، بهروز



مزدور لباس شخصی و امنیتی سپاه که در قساوت و وحشیگری شهره مردم کرمانشاه است.

عزیزی، محمد



سر هنگ پاسدار محمد عزیزی، فرمانده پیشین انتظامی بهبهان، به دلیل نقش کلیدی‌اش در سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و همچنین برخورد با تجمعات سال ۱۳۹۹، مسئول کشته شدن و بازداشت شمار زیادی از غیرنظامیان است. او و نیروهای تحت امرش با استفاده از شلیک مستقیم و برخوردهای قهرآمیز، در نقض آشکار حقوق بشر نقش داشته‌اند.

نیروی انتظامی شهرستان بهبهان، تحت فرماندهی محمد عزیزی، یکی از عوامل اصلی سرکوب معترضان در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ در این شهر بود. گزارش‌های نهادهای حقوق بشری نشان می‌دهند که در جریان این تجمعات، دستکم ۱۵ نفر در بهبهان جان باختند. شلیک گلوله از سوی نیروهای نظامی و امنیتی، شامل نیروی انتظامی، دلیل مرگ این قربانیان اعلام شده است. افراد جان‌باخته‌ای همچون مهرداد و محمود دشتی‌نیا، احسان عبدالله‌نژاد، محمد حشمدار، فرزاد انصاری‌فر (تزمی‌پور) و محمد حسین قنواتی، از جمله قربانیان این سرکوب‌ها هستند. گزارش سازمان عفو بین‌الملل حاکی از آن است که گلوله‌ها غالباً به سر و بالا تنه قربانیان شلیک شده‌اند، که این امر قصد کشتن را به وضوح نشان می‌دهد. افزون بر این، چند صد نفر نیز در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ توسط نهادهای امنیتی و انتظامی در بهبهان بازداشت شدند. دستکم تا ماه‌ها پس از آن، بسیاری از بازداشت‌شدگان همچنان در بازداشتگاه‌ها به سر می‌بردند. نام‌هایی همچون امیرحسین نگهبان، حسن زیارتی، حمزه

آزمون، حمید مکرم، رضا جوهری، رضا عادل، روح‌الله طیبی، سجاد راوود، صاحب‌ماردی، فرهاد انصاری، فرهاد علی‌پور، محمد محمدپور، مسعود زوتلخی، مسعود مزینی، مسلم چرزیانی و هاشم دشتی‌نیا از جمله بازداشت‌شدگان هستند. عملکرد محمد عزیزی به عنوان فرمانده در این دوره، نقش وی در کشتار و بازداشت گسترده معترضان را تأیید می‌کند. نیروهای تحت امر او بارها در برخورد با مردم معترض، دست به خشونت‌های غیرقانونی زده‌اند که منجر به کشته و مجروح شدن شهروندان شده است.

در ۲۷ تیر ۱۳۹۹، محمد عزیزی، فرمانده انتظامی بهبهان، در رابطه با تجمع اعتراضی ۲۶ تیر ۱۳۹۹ مردم در میدان بانک ملی این شهر اظهار نظر کرد. این تجمع در اعتراض به وضعیت بد اقتصادی شکل گرفته بود. وی این تجمع را «غیرقانونی» خواند و مدعی شد پلیس ابتدا کوشید تا با مذاکره افراد را آن‌ها نه تنها متفرق نشدند، بلکه اقدام به سردادن شعارهای هنجارشکنانه کردند. به متفرق کند. او افزود همین دلیل، پلیس با صلابت اقدام به متفرق کردن معترضان نمود. وی همچنین ادعا کرد که افراد و گروه‌های «معاند» در شرایط حساس کنونی قصد تحریک مردم و ضربه زدن به نظام را دارند. او اظهار داشت: این افراد با تحریک احساسات مردم در جامعه تنش ایجاد می‌کنند، زیرا آن‌ها دوست‌خواه مردم نیستند و برای ضربه زدن به نظام قسم خورده‌اند. نیروی انتظامی بهبهان نیز با صدور اطلاعیه‌ای، بر برخورد قاطع با تجمعات تأکید کرد. در این اطلاعیه، از شهروندان خواسته شد که با هوشیاری از هرگونه تجمعی که می‌تواند «مستمسکی برای حرکت ضدانقلاب» شود، خودداری کنند. در این بیانیه تأکید شده بود که نیروی انتظامی بر اساس وظایف قانونی خود، با این «تحركات مذبوحانه» به طور قاطع برخورد خواهد کرد. در این تجمع، معترضان شعارهایی همچون «حکومت آخوندی نمی‌خوایم، نمی‌خوایم»، «بسیجی حیا کن، مملکت را رها کن»، «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، و «توپ، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه» سر داده بودند. این شعارها نشان‌دهنده ماهیت سیاسی و اعتراض به ساختار حکومتی بود. این وقایع بر سوابق محمد عزیزی در سرکوب تأکید می‌کنند.

پس از سرکوب اعتراضات ۲۶ تیر ۱۳۹۹ در بهبهان، فرمانده نیروی انتظامی استان خوزستان اعلام کرد که همه «تحریک‌کنندگان» تجمع بازداشت شده‌اند. بر اساس گزارش منابع محلی، در جریان سرکوب معترضان، بیش از ۳۰ نفر بازداشت شدند. شماری از بازداشت‌شدگان گفته‌اند که نیروهای انتظامی و امنیتی ابتدا معترضان را محاصره کردند. سپس با حمله به آن‌ها، قصد پایان دادن به تجمع اعتراضی را داشتند. نیروهای یگان ویژه و نیروهای امنیتی در جریان سرکوب شامگاه پنجشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۹، به سوی معترضان گاز اشک‌آور شلیک کردند. تعداد بازداشت‌شدگان تا ۳۰ نفر نیز برآورد شده است. اسامی ۱۵ تن از بازداشت‌شدگان شامل نرگس درم‌گزین، علی وفایی‌پور، حسین جاویدان، محمد ابول‌پور، سامان رنگی، حجت شکوهی، محمد بهزادی، علیرضا انصاری‌فر، احمد آخش، پیمان رسولی، مجید ضامن‌پیشه، میثم اکبری، محمد شریعتی، فرزانه انصاری‌فر و رضا خسروی است. دستگیری‌های مربوط به این تجمع تا مهرماه ۱۳۹۹ ادامه یافت. در ۲۴ مهر ۱۳۹۹، غلام طیبی، شهروند اهل بهبهان، در یک باشگاه ورزشی توسط مأموران نیروی انتظامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. او یکی از شرکت‌کنندگان در اعتراضات تیرماه ۱۳۹۹ خوزستان بود. همچنین در آبان ۱۳۹۹، علیرضا شریعتی، شهروند اهل بهبهان، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. وی یک روز بعد، با تودیع قرار

کفالت، به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از بازداشتگاه فرماندهی انتظامی بهبهان آزاد شد. نقش محمد عزیزی به عنوان فرمانده انتظامی بهبهان در این مدت، او را مسئول مستقیم این موج بازداشت‌ها و تداوم فضای امنیتی در شهر می‌سازد. این اقدامات مستمر، بر کارنامه نقض حقوق بشر توسط محمد عزیزی افزوده است

سوابق و مناصب فرد ناقض حقوق بشر، محمد عزیزی، که در مسئولیت‌های مختلف انتظامی و امنیتی فعالیت داشته، به شرح زیر است :

فرمانده پیشین کلانتری ۱۱ بهبهان

رئیس پیشین پلیس آگاهی بهبهان

رئیس پیشین پلیس پیشگیری بهبهان

فرمانده پیشین یگان حفاظت منابع طبیعی استان خوزستان

فرمانده انتظامی شهرستان اندیمشک (از ۲۸ آذر ۱۳۹۵ تا ۷ خرداد ۱۳۹۸)

فرمانده انتظامی شهرستان بهبهان (از ۶ خرداد ۱۳۹۸ تا ۱۶ بهمن ۱۴۰۰)

قربانیان سرکوب و جنایات تحت فرماندهی محمد عزیزی
فرد ناقض حقوق بشر، محمد عزیزی، در دوران تصدی خود در مناصب مختلف انتظامی، مسئول مستقیم یا غیرمستقیم سرکوب و نقض حقوق شهروندان متعددی بوده است. برخی از قربانیان فردی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر وی عبارتند از: نرگس درم‌گزین، علی وفایی‌پور، حسین جاویدان، محمد ابول‌پور، سامان رنگی، حجت شکوهی، محمد بهزادی، علیرضا انصاری‌فر، احمد آخش، پیمان رسولی، مجید ضامن‌پیشه، میثم اکبری، محمد شریعتی، فرزانه انصاری‌فر، رضا خسروی، غلام طیبی، علیرضا شریعتی، مهرداد دشتی‌نیا، محمود دشتی‌نیا، احسان عبدالله‌نژاد، محمد حشم‌دار، فرزاد انصاری‌فر (تزمی‌پور)، محمد حسین قنواتی، امیرحسین نگهبان، حسن زیارتی، حمزه آزمون، حمید مکرم، رضا جوهری، رضا عادل، روح‌الله طیبی، سجاد راوود، صاحب ماردی، فرهاد انصاری، فرهاد علی‌پور، محمد محمدپور، مسعود زوتلخی، مسعود مزینی، مسلم چرزایانی و هاشم دشتی‌نیا. همچنین قربانیان گروهی جنایات محمد عزیزی شامل: بازداشت‌شدگان در اعتراضات آبان ۹۸، کشته‌شدگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، مردم عادی شهر اندیمشک، مردم عادی شهر بهبهان، معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در استان خوزستان و معترضان اعتراضات تیر ۱۴۰۰ در خوزستان می‌شوند. سوابق وی به روشنی نشان می‌دهد که او در دوران فرماندهی خود، به‌ویژه در بهبهان، با اعمال خشونت گسترده و دستگیری‌های فله‌ای، در نقض حقوق اساسی و انسانی شهروندان نقش محوری داشته است

عسگری ، مصطفی



مزدور بسیجی و سرکوبگر مصطفی عسگری در نهاوند

علوی ، سید علی



معروف به بچه گفتار (خواهرزاده عادل علوی) از عوامل اصلی کشتار در گوهر دشت کرج که بیشتر از ده تن را به رگبار بسته است.

آدرس: کرج، کوی کارمندان شمالی، انتهای خیابان ابوریحان، کوچه ۱۲، آخرین خانه سمت چپ.

علی کرمی ، علی



تخصص و هویت: مهندس نرم افزار (گرایش جنگ الکترونیک) از دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ متخصص زیرساخت‌های امنیتی.

مأموریت عملیاتی: نصب دکل‌های شنود و تجهیزات استراق سمع در روستاهای علمدار سفلی و علیا (ملایر) جهت پایش امنیتی منطقه و حفاظت از سایت هسته‌ای خنداب.

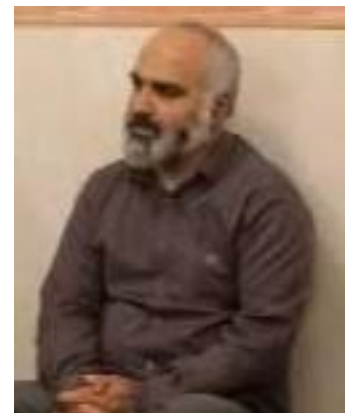
اتهامات جنایی: * قتل: متهم اصلی شلیک و جان باختن تعدادی از معترضان (جاویدنام‌ها) در جریان قیام‌های اخیر.

سرکوب روستایی: سابقه حمله به معترضان در روستاهای چنار و طائمه با خودروی شاسی‌پلند مشکلی؛ وی مسئولیت متفرق کردن تجمعات مردمی در مناطق محروم را بر عهده داشته است.

تخریب: سابقه مشارکت در حمله و آتش زدن مقبره استر و مردخای (بنای تاریخی/مذهبی در همدان).

جزئیات: از مهره‌های کلیدی سرکوب در استان همدان و مناطق حومه‌ای ملایر که از تخصص فنی خود در جهت ردیابی و بازداشت معترضان استفاده می‌کند.

عمادی ، اصغر



مزدور بسیجی اصغر عمادی، در جمع نیروهای سرکوب کننده در همدان معرفی شده و گفته شده در یکی از درگیری‌ها مجروح شده است. همچنین عنوان شده برادر او، ذبیح‌الله عمادی، سرهنگ بازنشسته سپاه معرفی شده و در وقایع اعتراضی نقش داشته است.



سرتیپ دوم پاسدار مرتضی عمو مهدی در جایگاه جانشین فرماندهی سپاه اصفهان، مسئولیت مستقیم هدایت یگان‌های سرکوبگر و بازداشت‌های خودسرانه در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱ را بر عهده دارد. وی با ایفای نقش کلیدی در پرونده‌های منجر به اعدام و شکنجه معترضان، از آمران اصلی تضییع حقوق شهروندی در مرکز ایران محسوب می‌شود

مرتضی عمو مهدی، فرمانده کنونی سپاه استان مرکزی، پیش از این در مناصب هماهنگ‌کننده و جانشین فرماندهی سپاه اصفهان فعالیت می‌کرد. وی در این جایگاه‌ها مسئولیت مستقیم نقض حقوق شهروندان توسط نیروهای سپاه و بسیج استان اصفهان را بر عهده داشته است. مرتضی عمو مهدی به ویژه در جریان برخوردهای امنیتی و سرکوب اعتراضات شهریور و پاییز سال ۱۴۰۱ نقشی محوری ایفا کرد. وی در تاریخ ۲ آبان ۱۴۰۱ از درجه سرهنگی به سرتیپ دومی ارتقا یافت تا پاداش اقدامات خود را دریافت کند. اعتراضات سراسری که با جان‌باختن مهسا امینی آغاز شد، در اصفهان با خشونت شدید یگان‌های تحت امر او مواجه گردید. در این میان، یگان‌های فاتحین وابسته به بسیج، تحت فرماندهی سپاه پاسداران، خشن‌ترین رفتارها را علیه معترضان غیرمسلح انجام دادند. استان اصفهان به یکی از کانون‌های اصلی درگیری تبدیل شد که در آن نیروهای تحت نظر مرتضی عمو مهدی به روی مردم آتش گشودند. در جریان این وقایع خونین، دست‌کم ۱۱ شهروند در شهرهای اصفهان، زرین‌شهر و سمیرم با شلیک مستقیم گلوله کشته شدند. برای نمونه، مه‌راب نجفی در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در زرین‌شهر جان خود را از دست داد. علی‌اکبر ربیعی نیز در ۱۰ مهر ۱۴۰۱ در اصفهان هدف گلوله قرار گرفت و جان باخت. مرتضی عمو مهدی به عنوان ارشدترین مقام میدانی سپاه در اصفهان، مسئولیت مستقیم این قتل‌های حکومتی را بر عهده دارد. تداوم این روند نشان‌دهنده استراتژی حذف فیزیکی معترضان توسط دستگاه تحت مدیریت وی در آن مقطع زمانی است.

بازه زمانی مهر تا آذر ۱۴۰۱ شاهد اوج‌گیری خشونت‌ها توسط نیروهای تحت امر مرتضی عمو مهدی در شهرستان‌های مختلف استان اصفهان بود. سیداحمد شکراللهی در ۱۷ مهر ۱۴۰۱ به ضرب گلوله

مستقیم در اصفهان جان خود را از دست داد. هادی حق‌شناس نیز در ۴ آبان ۱۴۰۱ در جریان سرکوب‌های خیابانی این شهرستان کشته شد. فاجعه‌بارترین برخوردها در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در شهرستان سمیرم رخ داد که منجر به جان‌باختن ۶ نفر گردید. علی عباسی، مراد بهرامیان، مسلم هوشنگی، سجاد رشیدی، محمد سلطانی و میلاد آصفی قربانیان این کشتار در سمیرم بودند. مرتضی عمومهدی در ۱۱ دی ۱۴۰۱ طی اظهارنظری صراحتاً به حضور نیروهای امنیتی و درگیری آن‌ها با مردم سمیرم اذعان کرد. این اعتراف نشان‌دهنده اشراف کامل وی بر عملیات‌های منجر به قتل شهروندان توسط نیروهای بسیج و سپاه است. همچنین سیدجواد موسوی در ۲۷ آبان ۱۴۰۱ با اصابت گلوله به ناحیه سر در اصفهان جان سپرد. مرتضی عمومهدی در تمامی این موارد به عنوان جانشین فرماندهی، هماهنگ‌کننده اصلی اعزام نیرو و تجهیز ضابطان قضایی بوده است. او با تایید عملیات‌های سرکوب، راه را برای استفاده از سلاح جنگی علیه معترضان در استان اصفهان هموار ساخت. کارنامه وی در این دوره، با خون‌دها شهروند معترض که تنها خواستار حقوق اولیه خود بودند، گره خورده است. وی در برابر تمامی قتل‌هایی که توسط نیروهای تحت امرش در سمیرم و اصفهان رخ داده، پاسخگوی نهایی است.

سرکوب‌های تحت هدایت مرتضی عمومهدی تنها به خشونت خیابانی محدود نشد و موج گسترده‌ای از بازداشت‌ها را در بر گرفت. نیروهای نظامی و انتظامی تحت نظر وی، صدها شهروند را در اصفهان، کاشان، نجف‌آباد، شاهین‌شهر و گلپایگان دستگیر کردند. این بازداشتی‌ها شامل طیف وسیعی از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، وکلا، نویسندگان و مترجمان بودند که هدف انتقام‌جویی قرار گرفتند. مرتضی عمومهدی در مقام جانشین فرماندهی، بر روند شناسایی و بازداشت این چهره‌های تاثیرگذار نظارت دقیق و مستقیم داشته است. افرادی نظیر حسین یزدی، سمیه مسرور، آریا جعفری و حمید رحمتی در میان این بازداشت‌شدگان گسترده حضور داشتند. همچنین وکلایی چون رزا اعتماد انصاری و فعالانی مانند مهدی مقدری و حشمت‌الله طبرزدی توسط نیروهای سپاه دستگیر شدند. مرتضی عمومهدی حتی به کودکان نیز رحم نکرد و دانیال جمشیدی دورکی و پروانه صالح‌نیا را به بازداشتگاه فرستاد. این اقدامات سیستماتیک با هدف ایجاد خفقان کامل در سطح استان و حذف صدای منتقدان انجام شد. بازداشت دانشجویانی نظیر احسان بابامیر، زینب نصیری و فهیمه سلطانی نیز بخشی از پروژه پاکسازی محیط‌های دانشگاهی توسط سپاه بود. مرتضی عمومهدی با مدیریت این بازداشت‌های فله‌ای، حق آزادی بیان و تجمع را به طور کامل در اصفهان نقض کرد. او به عنوان یکی از ارکان اصلی سرکوب، مسئولیت تمامی بدرفتاری‌های صورت گرفته در دوران بازداشت این افراد را دارد. شهروندان بهائی مانند پروا بهداد نیز از تیغ سرکوب‌های مذهبی و امنیتی این مقام نظامی در اصفهان مصون نماندند.

یکی از تاریک‌ترین نقاط کارنامه مرتضی عمومهدی، نقش سازمان اطلاعات سپاه اصفهان در پرونده موسوم به «خانه اصفهان» است. در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲، مجید کاظمی، سعید یعقوبی و صالح میرهاشمی در زندان دستگرد اصفهان با حکم اعدام مواجه شدند. سازمان اطلاعات سپاه اصفهان به عنوان ضابط اصلی، تمام ادله و اعترافات اجباری منجر به این احکام را فراهم کرد. مرتضی عمومهدی به عنوان جانشین فرماندهی سپاه استان، اشراف کاملی بر فعالیت‌های نهاد اطلاعاتی زیرمجموعه خود در این پرونده داشت. اعترافات اخذ شده در این پرونده به شدت مورد نقد سازمان‌های حقوق بشری و عفو

بین‌الملل قرار گرفت. مجید کاظمی در تماس صوتی از زندان صراحتاً اعلام کرد که تمامی اعترافات وی تحت شکنجه شدید بوده است. او در این فایل گفت: «نه اسلحه‌ای داشتم و نه کاری کردم همه اینها زیر شکنجه بوده». وی تاکید کرد که بازجویان سپاه او را مورد ضرب و شتم قرار داده و وادار به پذیرش اتهامات کردند. مرتضی عمومهدی در برابر این شکنجه‌های سازمان‌یافته در بازداشتگاه‌های سپاه اصفهان مسئولیت اخلاقی و حقوقی مستقیمی بر عهده دارد. اجرای حکم اعدام این سه جوان علیرغم نواقص فاحش قانونی، نشان‌دهنده رویکرد حذفی دستگاه تحت امر وی است. وی با تایید گزارش‌های ضابطان، مسیر اعدام افرادی را هموار کرد که بر بیگناهی خود تحت شکنجه اصرار داشتند. این پرونده نماد بارز استفاده از خشونت برای تولید سناریوهای امنیتی در دوران مسئولیت این فرمانده نظامی است.

مرتضی عمومهدی پیش از رسیدن به جانشینی فرماندهی، در سمت معاون هماهنگ‌کننده سپاه اصفهان نیز به نقض حقوق بشر اشتغال داشت. وی از ارکان اصلی تصمیم‌ساز در نهادهای نظامی اصفهان بوده و در تمامی سرکوب‌های دهه‌های اخیر نقش داشته است. وی در مناصب مختلفی چون فرماندهی بسیج در شاهین‌شهر، کاشان و اصفهان، تخصص خود را در مهار اعتراضات نشان داد. مرتضی عمومهدی از ۲ تیر ۱۳۹۹ تا مرداد ۱۴۰۱ به عنوان معاون هماهنگ‌کننده، زیرساخت‌های لازم برای سرکوب را آماده کرد. سپس در ۱ مرداد ۱۴۰۱ به مقام جانشین فرماندهی ارتقا یافت تا سرکوب‌های پاییز را به طور میدانی رهبری کند. وی تا ۷ خرداد ۱۴۰۳ در این سمت باقی ماند و سپس به فرماندهی سپاه استان مرکزی منصوب گردید. این جابجایی‌ها نشان از اعتماد سیستم به توانمندی‌های وی در اعمال خشونت و مدیریت بحران‌های امنیتی دارد. مرتضی عمومهدی در دوران حضور خود در اصفهان، شبکه‌ای از نیروهای لباس‌شخصی و بسیجی را برای برخورد با معلمان و زنان سازماندهی کرد. او با تصویب طرح‌های سرکوب‌گرانه، فضای مدنی استان اصفهان را به یک پادگان بزرگ نظامی تبدیل کرد. هرگونه حرکت اعتراضی صنفی یا فرهنگی در این استان با سد محکم نیروهای تحت امر وی مواجه می‌شد. وی اکنون در استان مرکزی نیز همان الگوهای نقض حقوق بشر و برخوردهای امنیتی را دنبال می‌کند. سوابق وی گویای تعهد او به سرکوب سیستماتیک شهروندان در راستای حفظ ساختار قدرت به هر قیمتی است

سوابق سرکوب پاسدار مرتضی عمومهدی
عضو پیشین ناحیه مقاومت بسیج شهرستان شاهین‌شهر

فرمانده پیشین ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کاشان

فرمانده پیشین ناحیه مقاومت بسیج امام رضا شهرستان اصفهان

معاون هماهنگ‌کننده سپاه صاحب‌الزمان استان اصفهان ۲ تیر ۱۳۹۹ تا مرداد ۱۴۰۱

جانشین فرماندهی سپاه صاحب‌الزمان استان اصفهان ۱ مرداد ۱۴۰۱ تا ۷ خرداد ۱۴۰۳

فرمانده سپاه استانی روح‌الله استان مرکزی ۷ خرداد ۱۴۰۳ تاکنون (دی ۱۴۰۴)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات و سرکوب مرتضی عمومهدی :

وحید خانی، مهرباب نجفی، علی اکبر ربیعی، سیداحمد شکراللهی، هادی حق شناس، علی عباسی، مراد بهرامیان، مسلم هوشنگی، سجاد رشیدی، محمد سلطانی، میلاد آصفی، سیدجواد موسوی، آبتین شریفی، افشین فرشاد، امیر نصرآزادانی، ارغوان سلجوقیان، آریا جعفری، فیروزه (زهره) خرده چی، حمید رحمتی، حسین یزدی، ایرج توبه ایها، پردیس یزدانی، پری زنگنه، رزا اعتمادی انصاری، سعید یعقوبی، سجاد کشاورزبان، شکیبا سعادت، سمیه مسرور، علی کاظمی، علی نصرآبادی، عارف جنتیان، عسل ناصری، عنایت الله نعیمی، فاطمه فرحان پور، حشمت الله طبرزدی، مجید کاظمی، مهدی مقدری، محمدرضا خدایی، صالح میرهاشمی، حمید جعفری نصرآبادی، حمید مجیری، غلامرضا عمادی، محمد امینی، ابوالفضل نوروزی، زهره توانگر، علی (آبتین) طبرزدی، سجاد میرمحمدی (مجیک)، سینا اتحادی، مبینا فخوری، مهدی ناطقی، دانیال جمشیدی دورکی، احسان بابامیر، محمد مهدی خسروی، محمدرضا علی صادقی، پروانه صالح نیا، علی جلالی، علی مومنی، امیرحسین قادری چاشمی، اسما گنجی زاده، احسان کریمی، فهیمه سلطانی، فاطمه (کاملیا) عرفانیان، فاطمه نائیبان، محمد اکبرالسادات، محمدعارف رنجبر، محمدجواد قاسمی، محسن ابولی نسب، پروا بهداد، رضا رشیدی، سعید صالحی، زینب نصیری، ضحی عیدی، علیرضا غمگسار

قربانیان گروهی: وکلای دادگستری، روزنامه نگاران در ایران، جامعه بهائیان اصفهان، شهروندان عادی استان اصفهان، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان اصفهان، فعالان صنفی معلمان، زنان ساکن در استان اصفهان، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در استان اصفهان، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان سمیرم، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان زرین شهر، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان کاشان، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان خمینی شهر، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان نجف آباد، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان شاهین شهر، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان گلپایگان.

عیوض لو ، قهرمان



سرهنگ پاسدار قهرمان عیوضلو، با ایفای نقش‌های کلیدی از جمله فرماندهی سپاه و بسیج ناحیه ارومیه و همچنین فرماندهی فعلی بسیج افشار سپاه شهدای آذربایجان غربی، در سرکوب‌های مرتبط با اعتراضات گسترده و اعمال شکنجه در بازداشتگاه‌های امنیتی این شهرستان مسئولیت مستقیم داشته است. این اقدامات شامل بازداشت‌های سازمان‌یافته، اعدام‌های غیرقانونی، و استفاده از روش‌های سرکوب شدید علیه شهروندان معترض است.

قهرمان عیوضلو، فرمانده کنونی بسیج افشار سپاه شهدای استان آذربایجان غربی، و فرمانده پیشین سپاه بسیج شهرستان ارومیه و عضو شورای تأمین این شهرستان بوده است. او در نقض حقوق شهروندان توسط نیروهای سپاه و بسیج در ارومیه، به ویژه در برخوردهای امنیتی در جریان اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، مسئولیت مستقیم دارد. هفته آخر شهریور ۱۴۰۱، موج جدیدی از اعتراضات مردمی گسترده آغاز شد. این اعتراضات در پی جان باختن مهسا (ژینا) امینی در پی عملکرد گشت ارشاد شروع شد. اعتراضات به سرعت ابعاد گسترده‌ای در سطح ملی یافتند. این حرکت‌های اعتراضی در بسیاری از نقاط کشور با برخورد شدید نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی سرکوب شد. در نتیجه این سرکوب‌ها، ده‌ها شهروند کشته، زخمی و بسیاری نیز بازداشت شدند. شهرستان ارومیه نیز یکی از مناطق کلیدی بود که معترضان به خیابان‌ها آمدند. این شهروندان با شدت توسط نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی سرکوب شدند. در جریان این سرکوب‌ها در شهرستان ارومیه، دست‌کم ۸ شهروند کشته شدند. دو نفر از این قربانیان کودک بودند و زیر ۱۸ سال سن داشتند. نقش فرماندهی قهرمان عیوضلو در سازماندهی این سرکوب‌ها، او را به یکی از افراد کلیدی در نقض حقوق بشر تبدیل می‌کند.

در جریان سرکوب اعتراضات مردمی در ارومیه، چندین شهروند جان خود را از دست دادند. در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، فرجاد درویشی با شلیک گلوله نیروهای امنیتی شامل سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروها کشته شد. روز بعد، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، عبدالله محمودپور، کودک ۱۶ ساله، به همراه شهروندان دیگری به نام‌های دانش رهنما، پویا شیدا و متین عبدالله پور، در جریان سرکوب‌ها کشته شدند. دو تن از این شهروندان نیز بر اثر شلیک مستقیم گلوله جان باختند. در ۱۳ مهر ۱۴۰۱، نیما شفق دوست توسط نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی با شلیک گلوله به قتل رسید. همچنین، در ۱۸ مهر ۱۴۰۱، حدیث عبدی، ۱۶ ساله، بر اثر اصابت ضربه به سرش توسط نیروهای

مذکور در جریان سرکوب اعتراضات مردمی کشته شد. در ۹ آبان ۱۴۰۱، نسیم صدقی با شلیک گلوله نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی در شهرستان ارومیه به قتل رسید. مسئولیت‌های مستقیم قهرمان عیوضلو در ساختار فرماندهی ارومیه، او را در قبال این کشتارها پاسخگو می‌سازد. علاوه بر این، در جریان همین سرکوب‌ها، تعداد بی‌شماری از شهروندان در ارومیه توسط همین نیروها بازداشت شدند. دانشجویان نیز بخشی از آشنایی بودند که هدف سرکوب قرار گرفتند. دانشجویانی نظیر کوثر کوثرنیا، مهرداد مهری، اسماعیل رحمت پور و صبا پاشازاده، توسط نیروهای سپاه پاسداران، بسیج، انتظامی و دیگر نیروهای امنیتی بازداشت شدند. نام قهرمان عیوضلو با این اقدامات سرکوبگرانه گره خورده است.

نقش قهرمان عیوضلو در سرکوب و نقض حقوق مردم ارومیه تنها به اعتراضات ۱۴۰۱ محدود نمی‌شود. این اقدامات پیش و پس از آن نیز ادامه داشته است. در ۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، صفیه مامش‌پور پس از احضار به اطلاعات سپاه بازداشت و برای بازجویی به بازداشتگاه امنیتی این نهاد در ارومیه منتقل شد. در ۲۷ خرداد ۱۴۰۰، گلاره مرادی و صفیه مامش‌پور، شهروندان اهل پیرانشهر، از بازداشتگاه اطلاعات سپاه در ارومیه به زندان این شهر انتقال یافتند. خانم مرادی در شنبه ۲۸ فروردین‌ماه ۱۴۰۰ و خانم مامش‌پور در چهارشنبه ۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ بازداشت و به یکی از بازداشتگاه‌های امنیتی ارومیه منتقل شده بودند. در ۹ آبان ۱۴۰۰، گزارشی درباره شکنجه‌های رخ داده در بازداشتگاه اطلاعات سپاه ارومیه منتشر شد. در این گزارش از روش‌هایی چون «وصل کردن وزنه به بیضه، آویزان کردن به سقف، ضرب و شتم با شلنگ و چماق و همچنین تهدید به تجاوز» به عنوان روش‌های شکنجه نام برده شده است. این گزارش همچنین درباره بازداشتگاه ۸۱ رمضان، مشهور به بازداشتگاه المهدی اطلاعات سپاه در ارومیه، افشا کرد که: «در چندین مورد دیگر بازجویان امنیتی جهت اخذ اعترافات اجباری به متهم القاء می‌کنند که قصد تیرباران او را دارند». در ۱۲ تیر ۱۴۰۲، حیدر نیک نیا، شهروند ساکن ارومیه، پس از احضار به اطلاعات سپاه در منطقه سیلوانه بازداشت شد. او به بازداشتگاه این نهاد امنیتی در ارومیه منتقل گردید. منابع مطلع اعلام کردند که نیروهای اطلاعات سپاه این شهروند را به اتهام همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام احضار کرده بودند. اقدامات قهرمان عیوضلو در سال‌های مختلف نمایانگر نقش مستمر وی در سیستم سرکوب است.

سوابق سرکوب قهرمان عیوضلو و لیست قربانیان قهرمان عیوضلو به دلیل مسئولیت‌های فرماندهی خود، در قبال نقض گسترده حقوق بشر مسئولیت حقوقی دارد. تلاش برای ایجاز و فشرده‌سازی این اطلاعات با هدف سئوی بهتر، ضمن حفظ معنای اصلی، از اصول نگارشی مهم است

سوابق و مناصب قهرمان عیوضلو:

معاون هماهنگی پیشین فرمانده سپاه شهرستان خوی

فرمانده سپاه پاسداران و بسیج ناحیه ارومیه از ۵ دی ۱۳۹۸ تا ۶ شهریور ۱۴۰۳

فرمانده بسیج افشار سپاه شهدای استان آذربایجان غربی از ۷ شهریور ۱۴۰۳ تا کنون (آذر ۱۴۰۴)

قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر قهرمان عیوضلو:

عبدالله محمودپور

آرام گوهری

اشکان سعادت مهر

دانش رهنما

الهه بایرامیان

فرجاد درویشی

گلاره مرادی

حدیث عبدی

متین عبدالله پور

نسیم صدقی

نیما شفق دوست

پیمان میرزازاده

پویا شیدا

صفیه مامشپور

سینا حسنی

امین کریمی

امیر عبدالی

آرمان چهاردیوار

ایلپا جعفرپناه

میثم شیرینی

امید عمری

پارسا دستمالچی

پنو عبداللهزاده

پیمان ابراهیمی

سیاوش سلیمانی پور

آرمین نبی زاده

داریوش خیری

فائزه جوادی

عمران میرزایی

رنا مستوفی شمس

رضا اعتباری راد

رضا صوفی

سلیم میرزایی

سمانه فتحی

سارا حسین زاده

سارا مستوفی شمس

شیوا کیانفر

شورش اسلام ساکانی

سیسو عمرزاده

سونیا ستوده

سرور رفیع پور

زہرا کریمی

ہاشم محمدزاده

ہمت سعیدی

کامران منصوری

کیوان جاجویی

کوثر کوثرنیا

معصومه ملکی

مہران پازشی

مہرداد ابراہیمی

محمد مقدم سیس

محسن کلشی

نیہاد میرزایی

نوبخت تفصیلی

نورالدین رستگار

وحید رحیمی

یوسف سلامت

حیدر نیک نیا

ناشناخته (چهار مورد)

قربانیان گروهی

شهروندان عادی شهر ارومیه

معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان ارومیه

اعمال سرکوب و نقض حقوق بشر در ارومیه توسط نیروهای تحت امر قهرمان عیوضلو، یک الگوی سیستماتیک است

غلامزاده ، امیر حسین



اهل کرج، از سرکوبگرانی است که در سال ۱۴۰۱ در سرکوب مردم معترض شرکت داشته و بنا بر گزارش‌ها، در سرکوب مردم در خیزش ملی دیماه 2584 حضور داشته است
آدرس: کرج، بلوار سرداران، میدان انقلاب، نبش کوچه کافه فیال

غلامی ، جواد

جواد غلامی در مقام قاضی دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان مهاباد در استان آذربایجان غربی نقش مهمی در سرکوب شهروندان این شهر در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و نقض حقوق بشر داشته است. او

بسیاری از شهروندان این استان را به دلایل واهی و پس از دادرسی‌های ناعادلانه به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم کرده است

در اردیبهشت ۱۳۹۹، جواد غلامی، فاطمه داوند، از شهروندان مشارکت‌کننده در اعتراضات آبان ۱۳۹۸، را به اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور» به پنج سال زندان محکوم کرد. این شهروند در بازداشتگاه اداره اطلاعات ارومیه تحت شکنجه قرار داشت و اعترافات اجباری‌اش از تلویزیون حکومتی پخش شد

غلامی به‌عنوان قاضی و رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب مهاباد در نقض حق اعتراض شهروندان نیز مشارکت داشته است. او دست‌کم در دو مورد، چندین شهروند را به دلیل استفاده از حق اعتراض محاکمه و به زندان محکوم کرده است

به‌عنوان نمونه، سه فعال مدنی مهابادی، کبری خالندی، مصطفی ابوبکری و پویا عادل‌خانی، در آذر ۱۳۹۶ تنها به دلیل انتشار فراخوان برگزاری تجمعی آرام و مسالمت‌آمیز در اعتراض به کشتار کولبران، توسط غلامی مجموعاً به ۱۳ ماه و نیم زندان محکوم شدند

غلامی همچنین در نقض حقوق شهروندان، به‌ویژه حق اصناف و آزادی‌ها، نقش داشته است. او شماری از شهروندان را به دلایل واهی و دادرسی‌های ناعادلانه به زندان‌های طولانی‌مدت محکوم کرده است

سرکوب فعالان کرد توسط جواد غلامی

برای مثال، در آبان ۱۳۹۷، جواد غلامی حسین عثمانی، فعال سیاسی کرد، را به اتهام «ارتباط و عضویت در احزاب کرد مخالف نظام» به ۳۰ سال زندان محکوم کرد. این زندانی سیاسی از زمان بازداشت در سال ۱۳۹۲، از دسترسی به وکیل محروم بوده و ۱۳ ماه را در سلول انفرادی اداره اطلاعات مهاباد تحت شکنجه گذرانده است

در همان زمان، جواد غلامی، یعقوب محمدی و کیوان مامه‌گله، دو فعال سیاسی دیگر، را به اتهام «همکاری با یکی از احزاب مخالف نظام» مجموعاً به چهار سال زندان محکوم کرد

دی‌ماه ۱۳۹۸، سالار و سامان غزالی، دو شهروند ساکن مهاباد، با اتهام مشابه «عضویت در یکی از احزاب مخالف نظام و تبلیغ علیه نظام» مجموعاً به هفت سال زندان محکوم شدند

حسین حسن‌خانی، معلم بازنشسته و فعال صنفی حقوق فرهنگیان و معلمان، نیز توسط جواد غلامی محاکمه و به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» در بهمن ۱۳۹۹ به سه ماه زندان محکوم شد. این حکم تنها به دلیل پیگیری حقوق فرهنگیان و شرکت در تحصن‌های معلمان شهرستان مهاباد صادر شد

در اردیبهشت ۱۴۰۰، جواد غلامی ارسطو ملارحیمی، شهروند مهابادی، را به اتهام عضویت «در یکی از گروه‌های مخالف نظام و تبلیغ علیه نظام» به سه سال و سه ماه زندان محکوم کرد. این حکم بر اساس مطالب منتشر شده در صفحات اجتماعی این شهروند صادر شد

همچنین محمد مرادی، شهروند اهل پیرانشهر، توسط غلامی محاکمه و به اتهام «مشاربه از طریق عضویت در یکی از احزاب کرد مخالف نظام» به ۴۰ سال زندان در تبعید محکوم شد

در خرداد ۱۴۰۰ نیز سید محمد حسینی، شهروند دیگری، با اتهام مشابه «مشاربه از طریق عضویت در یکی از گروه‌های مخالف نظام» به ۴۰ سال زندان در تبعید محکوم شد

سوابق سرکوب و قربانیان جواد غلامی

سوابق سرکوب جواد غلامی شامل موارد زیر است

از مهر ۱۳۹۷: رئیس و قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان مهاباد –

برخی از قربانیان سرکوب و جنایات جواد غلامی عبارتند از

حسین عثمانی، کبری خالندی، مصطفی ابوبکری، فاطمه داوند، پویا عادل‌خانی، یعقوب محمدی، کیوان مامه‌گله، سالار غزالی، سامان غزالی، حسین حسن‌خانی، ارسطو ملارحیمی، محمد مرادی و سید محمد حسینی.

فتح نژاد، حسن

حسن فتح‌نژاد در مقام رئیس و قاضی شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز، در نقض گسترده حق آزادی بیان و حقوق اقلیت‌های اقلیتی و مذهبی نقش مستقیم داشته است. او مسئول صدور احکام سنگین زندان، جزای نقدی و حتی اعدام برای فعالان مدنی است

مسئولیت حسن فتح‌نژاد در دادگاه انقلاب تبریز

حسن فتح‌نژاد به عنوان یک مقام قضایی در قوه قضاییه، در نقض حقوق بشر نقش ایفا کرده است. او در مقام رئیس و قاضی شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز در استان آذربایجان شرقی، مشارکت مستقیم در نقض فاحش حق آزادی بیان، حقوق فعالان اقلیتی و حق اعتراض داشته است. حسن فتح‌نژاد در مقام رئیس و قاضی شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز، به ویژه در نقض حقوق فعالان اقلیتی مسئول است. این نقض‌ها شامل حق آزادی بیان و حق اعتراض آن‌ها می‌شود

سوابق و مناصب حسن فتح‌نژاد در نقض حقوق بشر:

دستکم از دی ۱۳۹۹ – تاکنون رئیس و قاضی شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز در استان آذربایجان شرقی

صدور احکام طولانی مدت برای فعالان انتی‌کی

به عنوان نمونه، حسن فتح‌نژاد در آذر ۱۴۰۰، روزبه پیری، فعال ترک و روزنامه‌نگار را محاکمه کرد. او این فرد را به اتهام «تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام» به ۶ سال زندان محکوم کرد. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری، دلیل انتساب اتهام تبلیغ علیه نظام، نگارش جزوه‌ای با عنوان «جزوه تاریخی غرب آذربایجان از دیروز تا امروز وظیفه ما برای فرداها» بوده است

شعبه سوم دادگاه انقلاب تبریز به ریاست حسن فتح‌نژاد، در همان زمان دو فعال مدنی ترک دیگر را نیز محاکمه کرد. سعید سلطانی و بابک کیومرثی مجموعاً به ۴ سال زندان محکوم شدند. بر اساس رأی صادر شده، این فعالان آذربایجانی هر کدام به اتهام «عضویت در دسته‌ها و جمعیت‌ها با هدف برهم زدن امنیت کشور» به ۲ سال زندان محکوم شدند. بنا بر گزارش‌ها، این دو فعال انتی‌کی پس از اعتراضات مهر ۱۳۹۹ در شهرهای ترک‌نشین ایران دستگیر شده بودند

زینال تنهایی، دیگر فعال آذربایجانی و از بازداشت‌شدگان اعتراضات مهر ۱۳۹۹ تبریز، توسط شعبه سوم دادگاه انقلاب تبریز محاکمه شد. حسن فتح‌نژاد در اسفند همان سال، این فعال انتی‌کی را محکوم کرد. این محکومیت صرفاً به دلیل مشارکت در تجمع اعتراضی مسالمت‌آمیز بود. او به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پرداخت ۳ میلیون تومان جزای نقدی بدل از ۳ ماه زندان محکوم شد. حسن فتح‌نژاد همچنین در دی ۱۳۹۹، علی عزیزی، دیگر فعال آذربایجانی را محکوم کرد. این فرد به اتهام «تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه غیرقانونی گاماج» به ۶ سال زندان محکوم شد

احکام اعدام و حبس برای نوکیشان و متهمان سیاسی

در دی ۱۴۰۳، احسان فریدی، متهم سیاسی و دانشجوی دانشکده فنی تبریز، به اعدام محکوم شد. این حکم توسط شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی حسن فتح‌نژاد صادر گردید. اتهام او «افساد فی‌الارض و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران» اعلام شد. این حکم مدتی بعد توسط دیوان عالی کشور تأیید شد

در ۳ خرداد ۱۴۰۴، مهدی رحیمی و کیا نوری‌نیا، نوکیشان مسیحی ساکن تبریز، محاکمه شدند. شعبه ۳ دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی حسن فتح‌نژاد آن‌ها را محکوم کرد. هر یک از این افراد به ۱۲ سال حبس تعزیری محکوم شدند. اتهامات آن‌ها شامل «تبلیغ عقاید انحرافی مسیحیت مخالف با نظام» و «قاچاق کالای ممنوعه» بود. همچنین از باب مجازات‌های تکمیلی، هر کدام به پرداخت ۱ میلیارد جزای

نقدی محکوم شدند. علاوه بر این، ۱۵ سال محرومیت از حقوق اجتماعی نیز برای آنها در نظر گرفته شد. بر اساس حکم صادره، اتهام «قاچاق کالای ممنوعه» شامل داشتن کتب مذهبی بوده است

قربانیان سرکوب و نقض حقوق بشر توسط حسن فتح‌نژاد

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر حسن فتح‌نژاد عبارتند از:

بابک کیومرثی، روزبه پیری، سعید سلطانی، زینال تنهایی، احسان فریدی، مهدی رحیمی، کیا نوری‌نیا

و قربانیان گروهی شامل فعالان انتی‌کی‌ترک در استان آذربایجان شرقی می‌باشند

فروغی ، رضا

رضا فروغی، قاضی شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو تبریز، در نقض حق آزادی بیان و حق اعتراض شهروندان آذربایجان شرقی نقش مستقیم داشته است. او با محاکمه فعالان انتی‌کی و مدنی، احکام سنگینی از قبیل زندان، شلاق و جریمه نقدی برای آنها صادر کرده است

سوابق سرکوب رضا فروغی

دستکم از ۱۳۹۹: رئیس و قاضی شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو تبریز

سرکوب فعالان انتی‌کی و مدنی توسط رضا فروغی

رضا فروغی در مقام قاضی شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو تبریز، در نقض حقوق شهروندان این استان مشارکت مستقیم داشته است. رضا فروغی شماری از فعالان انتی‌کی و مدنی را به دلایل واهی محاکمه و به مجازات محکوم کرده است. این اقدامات موجب نقض حق آزادی، حق اعتراض و حقوق اجتماعی فعالان انتی‌کی شده است

محکومیت شش فعال مدنی: شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو تبریز به ریاست رضا فروغی، آبان ۱۴۰۰ شش فعال را محاکمه کرد. این شش نفر به دلیل انتشار مطالبی در فضای مجازی محکوم شدند

حمایت از اعتراضات خوزستان: مطالب منتشرشده به لزوم حمایت مردم ایران از اعتراضات تابستان ۱۴۰۰ خوزستان اشاره داشت. این اعتراضات نسبت به فقدان آب سالم در استان خوزستان شکل گرفته بود. فعالان همچنین در اعتراضات حمایتی آرام مشارکت داشتند

مجازات زندان و جریمه نقدی: این افراد به زندان، مجازات نقدی و بدنی محکوم شدند

صدور احکام سنگین برای فعالان انتی‌کی

قاضی رضا فروغی احکام سنگینی را علیه فعالان آذربایجانی صادر کرده است.

رضا فروغی نادر صادقیان، فعال آذربایجانی، را محاکمه کرد. اتهام او «تحریک و دعوت مردم به اعمال خشونت‌آمیز از طریق سامانه‌های مخابراتی در فضای مجازی» بود. او به پرداخت شش میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد.

وحید ابهری، شهروند ساکن تبریز، نیز توسط رضا فروغی به اتهام مشابه محکوم شد. اتهام او «تحریک و دعوت مردم به اعمال خشونت‌آمیز از طریق سامانه‌های مخابراتی در فضای مجازی» بود. وی به ۳ ماه زندان و پرداخت ۲۱ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد.

شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو تبریز به ریاست قاضی رضا فروغی، محمد مردی را محکوم کرد. اتهام او «اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال موجب اخلال در نظم و آسایش عمومی» بود. محمد مردی به دلیل مشارکت در اعتراضات حمایتی آرام مردم تبریز محکوم شد. این اعتراضات در مرداد ماه در حمایت از اعتراضات تابستان ۱۴۰۰ خوزستان بود. حکم او سه ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق بود.

شاهین برزگر، دیگر شهروند ساکن تبریز، نیز در همین زمان محاکمه شد. قاضی رضا فروغی او را به اتهام «تحریک و دعوت مردم به اعمال خشونت‌آمیز از طریق سامانه‌های مخابراتی در فضای مجازی» محکوم کرد. حکم وی ۹۱ روز زندان و پرداخت ۴۰ میلیون تومان جزای نقدی بود.

قاضی رضا فروغی همچنین امیر ستاری، فعال و زندانی سیاسی سابق، را محکوم کرد. اتهام او «تحریک و دعوت مردم به اعمال خشونت‌آمیز از طریق سامانه‌های مخابراتی در فضای مجازی» بود. حکم ستاری ۹۱ روز زندان و پرداخت ۴۰ میلیون جزای نقدی بود. یوسف سلحشور، فعال انتی‌کی آذربایجانی، نیز به اتهام «ارتکاب بزه تحریک افراد به انجام اعمال خشونت‌آمیز و ایجاد جنجال و هیاهو موجب اخلال در نظم عمومی» محکوم شد. او به پرداخت ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی و تحمل ۳۷ ضربه شلاق محکوم شد.

قربانیان نقض حقوق بشر توسط رضا فروغی

نادر صادقیان

وحید ابهری

محمد مردی

شاهین برزگر

امیر ستاری

یوسف سلحشور

فرهادی ، صادق



مزدور بسیجی صادق فرهادی مشهور به عزرائیل کرج که با لباس شخصی در شناسائی و دستگیری معترضان نقش فعالی داشته است.

فلاحی ، شاهپور



سر هنگ پاسدار شاهپور فلاحی در مناصب فرماندهی انتظامی شهر قدس و زاهدان، مسئولیت مستقیم در هدایت عملیات‌های سرکوب، شلیک مستقیم به معترضان و بازداشت‌های خودسرانه را بر عهده داشته است. وی با حضور در شورای تامین، در صدور دستورات خشونت‌باری که منجر به جان باختن ده‌ها شهروند در اعتراضات سنوات ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ گردید، نقشی کلیدی ایفا نمود

شاهپور فلاحی در مقام فرماندهی پیشین انتظامی شهرستان شهرقدس و عضویت موثر در شورای تامین این منطقه، مسئولیت سنگینی در نقض حقوق شهروندان دارد. او در جریان اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸، فرماندهی نیروهای انتظامی را بر عهده داشت که با قساوت تمام به مقابله با مردم برخاستند. در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۹۸، فرماندار وقت این شهرستان علنا اعتراف کرد که دستور شلیک مستقیم به معترضان را صادر نموده است. ماموران تحت امر شاهپور فلاحی با اجرای این فرامین غیرقانونی، به سوی شهروندانی که وارد ساختمان فرمانداری شده بودند تیراندازی کردند. ایشان در جلسه ۲۵ آبان ۱۳۹۸ شورای تامین، در فرآیند صدور و اجرای دستور تیراندازی به سوی مردم مشارکت فعال داشت. این اقدامات ضدانسانی منجر به کشته شدن حداقل ۱۰ نفر از معترضان در این منطقه گردید. شاهپور فلاحی علاوه بر مسئولیت ستادی، به عنوان فرمانده میدانی نیز در خیابان‌ها حضور یافته و عملیات سرکوب را هدایت می‌کرد. این فرد نظامی با اتکا به مناصب دولتی، مسیرهای قانونی اعتراض را مسدود کرده و با ابزارهای قهری به مقابله با مطالبات مردمی پرداخت

در هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱، موج جدیدی از اعتراضات مردمی پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی آغاز شد که به سرعت سراسر کشور را فرا گرفت. در این دوره نیز شاهپور فلاحی با استفاده از نیروهای تحت امر خود، برخوردهای شدیدی را در شهرستان قدس سازماندهی کرد. نیروهای انتظامی در این سرکوب‌ها به طور مکرر از سلاح‌های ساچمه‌زنی و تفنگ‌های مخصوص شکار و جنگ علیه غیرنظامیان استفاده نمودند. گزارش‌های مستند فعالان حقوق بشر نشان می‌دهد که ماموران شاهپور فلاحی آگاهانه نقاط حساس بدن مانند صورت و بالاتنه را هدف قرار می‌دادند. علاوه بر این، استفاده مکرر از سلاح کمری برای شلیک به معترضان در گزارش‌های میدانی به ثبت رسیده است. در نتیجه این اقدامات خشونت‌آمیز، چندین شهروند از جمله احسان علیبازی در اول مهر ۱۴۰۱ به ضرب گلوله جان باختند. همچنین بازداشت‌های گسترده‌ای در این منطقه صورت گرفت که خبر دستگیری ۲ شهروند در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ توسط مقامات ارشد انتظامی تایید شد. در ۱۹ فروردین ۱۴۰۲ نیز یک شهروند به نام محسن (حسین) ملکی بدون داشتن سلاح و در حین گریز، از پشت سر هدف گلوله ماموران قرار گرفت و کشته شد. شاهپور فلاحی به عنوان مقام ارشد انتظامی منطقه، مسئولیت مستقیم تمام این تیراندازی‌های بی‌ضابطه و کیفری را بر عهده دارد

کارنامه سرکوبگری در زاهدان و تیراندازی به سوختبران
سرهنگ پاسدار شاهپور فلاحی از تاریخ ۲ اسفند ۱۴۰۲ به سمت فرماندهی انتظامی شهرستان زاهدان منصوب شد و رویکرد سرکوبگرانه خود را در این منطقه نیز ادامه داد

در تاریخ ۱۷ دی ۱۴۰۳، نیروهای کلانتری ۱۲ تحت امر وی در منطقه کوثر زاهدان به سوی خودروی یک شهروند تیراندازی کردند. این اقدام که پس از تعقیب و گریز رخ داد، منجر به مجروحیت شدید راننده از ناحیه کمر و انتقال وی به مراکز درمانی شد. شاهپور فلاحی همچنین در تیراندازی‌های بی‌ضابطه به سمت خودروهای سوختبر در محورهای مواصلاتی سیستان و بلوچستان مسئولیت دارد.

در ۳ خرداد ۱۴۰۴، شلیک مستقیم نیروهای نظامی به سوختبران در محور زاهدان به خاش منجر به زخمی شدن یکی از این شهروندان گردید

همچنین در ۱۹ مهر ۱۴۰۴، ماموران کلانتری تردست با تیراندازی حین تعقیب و گریز باعث واژگونی خودرو و مصدومیت ۲ سوختبر دیگر شدند. الگوی رفتاری شاهپور فلاحی نشان‌دهنده استفاده سیستماتیک از خشونت مرگبار علیه شهروندان عادی و معترضان در تمامی مناطق تحت فرماندهی اوست

این مقام نظامی با نادیده گرفتن پروتکل‌های قانونی بکارگیری سلاح، هزینه‌های انسانی سنگینی به جامعه تحمیل کرده است

سوابق سرکوب و قربانیان جنایات پاسدار شاهپور فلاحی
فرمانده انتظامی شهرستان قدس از ۶ دی ۱۳۹۵ تا مهر ۱۴۰۲

فرمانده انتظامی شهرستان زاهدان از ۲ اسفند ۱۴۰۲ تا ۱۰ بهمن ۱۴۰۳

از ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ تاکنون وضعیت نامعلوم

اسامی برخی از قربانیان و گروه‌های قربانی در دوران مسئولیت وی به شرح زیر است :

نوید بهبودی

حسین شهبازی

جواد بابایی

اسماعیل رضایی پیرپشته

احسان علیبازی

حسام عباسی

محسن (حسین) ملکی

مهدی فراهانی،

و قربانیان گروهی شامل بازداشت شدگان در اعتراضات آبان ۹۸ کشته شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ شهروندان عادی شهرستان قدس معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در شهرستان قدس معترضان اعتراضات تابستان و پائیز ۱۴۰۱ در شهرستان قدس می‌باشند.

فیروز زارع، اسحاق



نام پدر: ابراهیم، شماره تلفن: ۰۹۳۶۰۳۲۸۰۴۷

رئیس پایگاه بسیج هشتگرد (کرج-البرز)

این مزدور جنایتکار روزهای هجدهم و نوزدهم دیماه با ۳-۳ بین مردم بوده و در کشتار مردم بی‌دفاع کشور دست داشته است.

قربانی ، علی



فرمانده اطلاعات پایگاه بسیج هجرت ناحیه امام سجاد کرج از وحشی های نان ناپاک خورده در کرج هست که در اعتراضات سال ۹۸ و ۴۰۱ به معترضین شلیک می کرده است.

نشانی: ۴۵ متری گلشهر، خیابان کوکب شرقی در کرج

قضاتی که در قتل حکومتی محسن شکاری شرکت داشتند

قتل حکومتی و اعدام محسن شکاری توسط قاضی های سرکوبگر موجی از نفرت از دستگاه سرکوب حاکم را دامن زد. دستگاه قضایی خامنه‌ای با این قدرت نمایی تلاش داشت و دارد که جامعه را مرعوب سازد اما برعکس خشم و نفرت جامعه را نسبت به دستگاه قضایی و امنیتی و قاضی‌های جنایتکار آن برانگیخت. به طوری از نظر جوانان قیام، یک دقیقه بعد اعدام مظلومانه محسن کاری با قانونمندی بین قیام و مردم دچار تغییری اساسی شده است

شکی نیست که از این پس مردم در تظاهرات و اعتراضات خود رحمی به نیروهای سرکوبگر نخواهند کرد. از همین رو در اینجا برخی از قاضی‌هایی را که اکنون مورد خشم و نفرت مردم هستند، معرفی می‌سازیم؛

قاضی جلاد محمدرضا عموزاد

قاضی جنایتکار شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب که به احتمال زیاد حکم اعدام شهید محسن کشوری را صادر کرده است و از ترس نام او را نیاورده اند

اهل روستای مهدیرجه شهرستان گلوگاه (مازندران)

موسی آصف الحسینی

قاضی جنایتکاری که به ۱۵ بازداشتی قیام، حکم منتهی به اعدام صادر کرد و در حکم اعدام محسن شکاری نیز نقش داشت

شماره ملی: ۵۳۸۹۸۴۷۰۰۸

متولد: ۱/۵/۱۳۳۶

محل سکونت: استان البرز، محله رجائی شهر. فاز یک-بلوار استقلال شمالی-خیابان هشتم شرقی (حمیدرضا بهادری)-پلاک ۴۳ -طبقه اول-واحد ۱

بهروز حسنی اعتماد

بازپرس و نماینده دادستان در پروند شهید محسن شکاری

آدرس: تهران، ستارخان، کوچه انوشه، پلاک ۵۲، واحد ۹

شماره پروانه : 15743

آدرس دفتر : خیابان سمیه بین مفتح و موسوی پلاک ۱۳۲ واحد ۳۴

تلفن دفتر : 88820030

محمود ساداتی

قاضی جنایتکاری که حکم اعدام پهلوان نوید افکاری را صادر کرد

این قاضی جنایتکار حکم بازداشت الهام به همراه کودک سه ساله اش و وحید افکاری را داده است. شماره ملی: ۲۵۲۹۶۰۹۹۶۹

آدرس منزل: شیراز محله نارون کوچه ۵، ۱۴ نارون / (۶ یزدان مهر) کوچه ۱، ۴ یزدان مهر / پلاک ۱۷۶

این فرد قاتل اصلی نوید افکاری نیز هست

سیدهادی منصوری

قاضی جنایتکار شعبه چهارم دادگاه ضد انقلاب مشهد

از بازجویان شکنجه گر اوین ، که دارای سابقه طولانی در صدور احکام بر علیه مخالفین و مبارزین است

آدرس: بلوار هفت تیر، هفت تیر ۴، نرسیده به چهارراه اول، سمت راست

دارای خودرو : زانتیا سفید

موسی غضنفرآبادی؛

قاضی دیوان عالی کشور

او همان کسی است که حکم اعدام محسن شکاری را تأیید کرد. وی در صدور احکام سنگین از جمله اعدام برای فعالان و زندانیان سیاسی دست داشته است

شماره ملی ۷۰۵۹۸۹۳۳۵۱

شماره همراه ۰۹۱۳۳۴۴۰۲۳۴

شماره منزل ۰۲۱۷۷۶۱۰۳۸۶

آدرس دفتر در بم: خیابان امام، روبروی فرمانداری

آدرس منزل در بم: بلوار نیروگاه برق، روبروی آتش نشانی

کابلی، زهرا



پزشک جنایتکار دکتر زهرا کابلی از بستگان محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه مزدور پشت به وطن کرده ای است که با شوهرش مهدی سرهنگ پور در 18 و 19 دیماه ساختمان مطب را در اختیار تک تیراندازان سپاه در کرمانشاه قرار دادند و تعداد زیادی از معترضان از بالای پشت بام مطب این مادینه ددمنش مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان باختند. او و همسرش از ترس مردم ساختمان را ترک و متواری هستند.

کاسب، بابک



سرهنگ جنایتکار نیروی انتظامی گرگان بابک کاسب که نقش فعالی در سرکوب و کشتار قیام ملی دیماه 2584 داشته است.

کرمی ، فرشید



گارد سرکوبگر و جنایتکار زندان دیزل آباد کرمانشاه

کریمیان ، مجید



(اصالتاً اهل خلخال) از عناصر امنیتی و سرکوبگر باسابقه است که در حال حاضر بین ایران و ترکیه تردد دارد. بر اساس ادعاهای مطرح شده، وی در وقایع اخیر منطقه فردیس کرج با سلاح گرم حضور داشته و مسئولیت شلیک به شهروندان و زخمی کردن چندین تن را بر عهده داشته است. همچنین ادعا شده که وی سابقه مشارکت در حوادث کوی دانشگاه (سال ۷۸) را نیز در کارنامه خود دارد. با استفاده از رانت‌های خانوادگی در سپاه و شهرداری اندیشه، ثروت هنگفتی کسب کرده و هم‌اکنون خانواده‌اش در استانبول ترکیه ساکن هستند. گفته می‌شود وی در ترکیه تحت پوشش فعالیت‌هایی نظیر «اجاره خودرو» و «املاک»، شبکه‌ای برای جابه‌جایی پول و پولشویی ایجاد کرده است و از این طریق درآمد حاصل از فعالیت‌های خود در ایران را منتقل می‌کند

مناطق فعالیت میدانی: فردیس کرج و شهرداری اندیشه
محل استقرار در خارج از کشور: استانبول، ترکیه (فعال در حوزه رنت ماشین و مسکن)
سابقه ادعایی: مشارکت در سرکوب‌های سال ۷۸ و وقایع اخیر البرز

کریمی، محمد



محمد کریمی در جایگاه دادستان مرکز استان مازندران، مسئولیت مستقیم صدور کیفرخواست‌های منجر به اعدام، تایید بازداشت‌های موقت غیرقانونی و سرکوب گسترده فعالان مدنی را بر عهده داشته است. وی با نظارت بر پرونده‌های قضایی معترضان، نقش کلیدی در صدور احکام سنگین حبس و مجازات‌های سالب حیات ایفا نموده است

محمد کریمی در جایگاه دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مازندران، عاملیت مستقیمی در تمامی احکام سالب حیات و اعدام‌های اجرا شده دارد. وی مسئولیت کیفرخواست‌های صادر شده توسط این دادستانی و بازداشت‌های انجام شده در دوران مسئولیتش را به صورت کامل بر عهده می‌گیرد. محمد کریمی به طور مشخص در بازه زمانی پیش و پس از جنبش اعتراضی پاییز ۱۴۰۱، هدایت عملیات قضایی سرکوب را عهده‌دار بود. اعتراضات مردمی که از هفته آخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد، واکنشی به جان‌باختن مهسا امینی و عملکرد گشت ارشاد بود. این جنبش که در زمان نگارش این گزارش همچنان ادامه یافته، با برخورد خشن نیروهای انتظامی و امنیتی در سراسر کشور مواجه شد. در جریان این وقایع، ده‌ها شهروند کشته و زخمی شده و افراد بسیاری نیز با دستورات قضایی بازداشت گردیدند. محمد کریمی به عنوان مدعی‌العموم، مسئولیت قانونی صدور قرار بازداشت‌های موقت برای معترضان در شهرستان ساری را بر عهده دارد. قرار بازداشت موقت به عنوان شدیدترین ابزار کیفری، توسط بازپرس صادر شده و با موافقت دادستان اجرایی می‌گردد. در جریان این اعتراضات، شهروندان بسیاری از جمله میلاد سنایی، نیما مهین‌بخت، هادی حکیم‌شفایی و حسین درواری توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. محمد کریمی با تایید این بازداشت‌ها، زمینه را برای دادرسی‌های ناعادلانه فراهم کرد. شروین حاجی‌پور، الهام مهتیان، امیر صیاد و باربد پیوندی نیز در فهرست بازداشت‌شدگانی هستند که تحت نظر او پرونده‌سازی شدند. پگاه موسوی، پویان سعیدی، رامین رسایی و سارا هادیان نیز از دیگر قربانیان این موج گسترده دستگیری‌ها در ساری بودند.

محمد کریمی در مقام دادستان، برخورد با دانشجویان و اقلیت‌های دینی را در اولویت برنامه‌های سرکوبگرانه خود قرار داد. بسیاری از بازداشت‌شدگان ساری، دانشجویانی بودند که در این شهر زندگی

و تحصیل می‌کردند و با اتهامات سنگین روبرو شدند. همچنین شهروندان بهائی نظیر ناتولی درخشان و فرید علوی نیز توسط دستگاه قضایی تحت مدیریت محمد کریمی هدف قرار گرفتند. این مقام قضایی صراحتاً اعلام کرد که تنها در بازه ۲۶ شهریور تا ۲ مهر ۱۴۰۱، دست‌کم ۴۵۰ نفر بازداشت شده‌اند. شروین حاجی‌پور، هنرمند سرشناس، در ۱۸ مهر ۱۴۰۱ توسط شعبه ۱۱ بازپرسی دادسرای ساری تفهیم اتهام گردید. محمد کریمی بر روند اتهام‌زنی به وی از جمله فعالیت تبلیغی علیه نظام و تحریک به خشونت نظارت مستقیم داشت. علاوه بر اتهامات امنیتی، حکم ممنوع‌الخروجی ۶ ماهه نیز در دادسرای تحت امر وی به این خواننده ابلاغ شد. سهیل شکری، علی رشیدی، علی کرچی‌پور و علی مرتد نیز از دیگر شهروندانی بودند که با دستور وی دستگیر شدند. مانی لطفی، ماهان کرچی‌پور، میلاد شمالی و محمدجواد معنوی نیز تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و حقوق شهروندی آنان نقض گردید. علی طالبی‌زیدی، حسام پیرسته، الناز افضلی و نگار افضلی نیز در فهرست بازداشت‌های گسترده این دوران قرار دارند. سیاوش فرخ‌نژاد، محمدجواد شریفی، ناتولی درخشان، محمد شمس و فرید علوی نیز از قربانیان اقدامات محمد کریمی هستند. این بازداشت‌های سیستماتیک نشان‌دهنده اراده دادستانی برای خفه کردن هرگونه صدای منتقد در محیط‌های آموزشی و مذهبی استان است.

در ۱۱ دی ۱۴۰۱، مهدی محمدی‌فرد، نوجوان ۱۸ ساله، توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب ساری به ۲ بار اعدام محکوم شد. محمد کریمی با صدور کیفرخواستی حاوی اتهامات «افساد فی‌الارض» و «محاربه»، راه را برای صدور این حکم مرگبار هموار کرد. این نوجوان همچنین به ۷ سال و ۶ ماه حبس تعزیری بابت اتهاماتی چون توهین به خامنه‌ای و اجتماع و تبانی محکوم شد. گزارش‌ها حاکی از آن است که اعترافات وی تحت فشار و آزار و اذیت‌های شدید در دوران بازجویی اخذ شده است. فیلم منتسب به وی که در آن چهره فرد مشخص نیست، تنها مستند پرونده در دادسرای تحت نظر محمد کریمی بود. در ۱۳ دی ۱۴۰۱، عرشیا تک‌دستان، دیگر نوجوان ۱۸ ساله نوشهری، نیز با اتهامات مشابه به اعدام محکوم گردید. کیفرخواست صادر شده توسط دادستانی، شامل اتهاماتی نظیر تحریک مردم به جنگ و کشتار برای برهم زدن امنیت کشور بود. عرشیا تک‌دستان، متولد ۱۳۸۳، علاوه بر حکم اعدام، به ۶ سال حبس تعزیری و مجازات‌های مکمل دیگر نیز محکوم گشت. محمد کریمی به عنوان دادستان، مسئولیت تایید این پرونده‌ها که بر پایه اعترافات اجباری بنا شده بودند را بر عهده دارد. نادیده گرفتن استانداردهای حقوقی در پرونده‌های کودکان و نوجوانان، یکی از سیاه‌ترین نقاط کارنامه قضایی وی به شمار می‌رود. این احکام اعدام با هدف ایجاد رعب و وحشت در میان معترضان جوان صادر و توسط دستگاه قضایی تایید شدند. استمرار این روند نشان‌دهنده بی‌توجهی مطلق محمد کریمی به حق حیات و دادرسی منصفانه در پرونده‌های سیاسی است.

در ۲۰ دی ۱۴۰۱، احسان پیربرناش، روزنامه‌نگار و طنزنویس، توسط دادگاه انقلاب ساری به تحمل ۱۸ سال حبس محکوم گردید. محمد کریمی با تنظیم پرونده‌ای سنگین علیه این خبرنگار، نقش مهمی در محدود کردن آزادی بیان در استان ایفا کرد. در همان تاریخ، جواد روحی نیز بابت اتهاماتی چون محاربه و افساد فی‌الارض به اعدام محکوم شد. اتهاماتی نظیر ارتداد و توهین به مقدسات به وی منتسب شد، در حالی که او به بیماری اعصاب و روان مبتلا بود. وکیل وی تاکید کرد که جواد روحی در هیچ تخریبی

مشارکت نداشته و تنها در صحنه حضور فیزیکی داشته است. بیتا حقانی‌نسیمی نیز در ۲۳ دی ۱۴۰۱ توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب ساری به ۱۸ سال حبس محکوم گشت. کیفرخواست منجر به این حکم سنگین توسط دادستانی ساری به ریاست محمد کریمی علیه این شهروند صادر شده بود. وی همچنین با ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور و ضبط وسایل شخصی به نفع دولت مواجه گردید. در ۹ بهمن ۱۴۰۱، امیررضا دوزنده، دانشجو، به ۳ سال حبس، تبعید و محرومیت از فضای مجازی محکوم شد. محمد کریمی با پیگیری این پرونده‌ها، تمامی ابزارهای قانونی را برای سرکوب فعالان صنفی و مدنی به کار گرفت. تبعید ۲ ساله و ممنوعیت خروج از کشور از دیگر فشارهایی بود که بر این دانشجو اعمال گردید. تمامی این احکام نشان‌دهنده الگوی ثابت سرکوب در دستگاه قضایی تحت امر محمد کریمی است. وی با تبدیل دادستانی به بازوی امنیتی، حقوق بنیادین شهروندان را در موارد متعدد و به صورت جدی نقض کرده است.

محمد کریمی در مقام دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مازندران، نظارت مستقیمی بر برخورد با اقلیت‌های مذهبی به ویژه شهروندان بهائی داشته است. در ۱۱ مرداد ۱۴۰۰، منازل ۳ خانواده بهائی در روستای روشنکوه ساری توسط ارگان‌های دولتی به صورت کامل تخریب گردید. این اقدام سرکوبگرانه بدون ارائه هرگونه حکم قضایی پیشین یا اخطار قبلی به ساکنان این منازل انجام شده است. طبق اظهارات شاهدان عینی، ماموران اداره منابع طبیعی و جهاد کشاورزی با همکاری نیروی انتظامی و تحت نظر دادستانی این عملیات را اجرا کردند. محمد کریمی یا نماینده وی در محل حضور یافته و شخصاً دستور تخریب این خانه‌ها را صادر کرده است. منازل آقایان ثابتیان، نوید درخشان و عنایتی در حالی ویران شد که برخی مالکان در زمان حادثه در محل حضور نداشتند. اداره منابع طبیعی مدعی شده است که این اراضی سابقاً جنگل بوده و توسط بهائیان تصرف شده است. با این حال، اراضی مذکور قدمتی بالغ بر ۷۰ سال دارند و پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ در اختیار این شهروندان بوده‌اند. روشنکوه از توابع بخش چهاردانگه ساری است که اغلب ساکنان آن را از دیرباز پیروان آیین بهائی تشکیل می‌دهند. محمد کریمی با تایید این رویه، فشار بر این جامعه مذهبی را در دوران مسئولیت خود به شدت افزایش داده است. این اقدامات بخشی از الگوی گسترده‌تر نقض حقوق شهروندی در استان مازندران تحت مدیریت قضایی وی محسوب می‌شود.

محمد کریمی در دوران مسئولیت خود، رویکردی بسیار سخت‌گیرانه نسبت به آزادی بیان در بسترهای دیجیتال اتخاذ کرده است. در ۸ شهریور ۱۳۹۹، فردی به نام محمدرضا جابری به اتهام توهین به مردم مازندران در اینستاگرام بازداشت شد. محمد کریمی با صدور دستور مستقیم به عوامل انتظامی، موجبات شناسایی و دستگیری سریع این شهروند را فراهم آورد. در ۱۷ شهریور ۱۳۹۹، کارگروه نظارت و رصد فضای مجازی استان با دستور مستقیم این مقام قضایی رسماً تشکیل گردید. وی در نخستین جلسه این کارگروه بر لزوم برخورد با مطالبی که آن‌ها را برهم‌زننده اذهان عمومی یا شایعه می‌نامید، تاکید کرد. محمد کریمی مدعی شد که بستر مجازی باید تنها در جهت گسترش مسایل دینی و معنوی مورد حمایت و تشویق قرار گیرد. در ۲ مهر ۱۳۹۹، وی به کسانی که متخلفان فضای مجازی می‌خواند هشدار داد و از شناسایی ۳۵ کانال متخلف خبر داد. این کانال‌ها به انتشار مطالب ضداخلاقی و ترویج

بی‌بندوباری متهم شدند تا زمینه برخورد قضایی با آن‌ها فراهم شود. محمد کریمی تاکید کرد که تمامی فعالیت‌های کاربران تحت رصد و نظارت دقیق دستگاه‌های امنیتی و قضایی قرار دارد. در ۱۵ آبان ۱۳۹۹، وی با بیان اینکه مشکلات اخلاقی در فضای مجازی بیداد می‌کند، از مسدودسازی سایت‌ها و دستگیری تعدادی از کاربران خبر داد. این رویه نشان‌دهنده تلاش سیستماتیک دادستان برای ایجاد خفقان و محدود کردن دسترسی شهروندان به جریان آزاد اطلاعات است.

سلب حق حیات یکی از جدی‌ترین موارد نقض حقوق بشر در کارنامه محمد کریمی در زمان تصدی دادستانی ساری است. در ۱۰ خرداد ۱۴۰۱، حکم اعدام مهدی امیری مرگ‌اوی، جوان متولد دهه ۷۰، به اتهام قتل در زندان ساری اجرا گردید. محمد کریمی همچنین نظارت بر اجرای حکم اعدام فرد دیگری به نام مهدی کریمی را در ۱۵ تیر ۱۴۰۱ بر عهده داشت. در ۲۳ مرداد ۱۴۰۱، سعید نارویی، پدر ۲ فرزند خردسال، به اتهام مرتبط با مواد مخدر در زندان ساری اعدام شد. این روند با اعدام ۳ زندانی دیگر در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ تداوم یافت که همگی با اتهام قتل مواجه بودند. محمد کریمی در ۲۷ آذر ۱۴۰۱ نیز حکم مرگ ۲ زندانی دیگر از جمله محمد اکبری را تایید و اجرا نمود. این اعدام‌ها تحت نظارت مستقیم دادستانی مرکز استان و با پیگیری کیفرخواست‌های صادره از سوی این نهاد صورت گرفته است. همچنین در ۱۰ تیر ۱۴۰۳، حبیب شجاعی با اتهام مشابه در زندان ساری به جوخه اعدام سپرده شد. در ۲۱ مهر ۱۴۰۳، مظفر کریمی نیز بابت جرایم مواد مخدر در این زندان اعدام گردید. محمد کریمی در آخرین ماه‌های مسئولیت خود، اجرای حکم ۳ زندانی دیگر از جمله عفت حامدی را تایید کرد. یوسف ستاری و منوچهر هدایتی نیز در ۲ دی ۱۴۰۳ قربانی این اعدام‌های زنجیره‌ای در زندان ساری شدند. استمرار این احکام نشان‌دهنده اصرار دستگاه قضایی تحت امر وی بر استفاده گسترده از مجازات مرگ برای جرایم مختلف است.

فشار بر جامعه بهائی در سال‌های اخیر دوران مسئولیت محمد کریمی با صدور احکام حبس و ممنوعیت‌های اجتماعی تشدید شد. در ۱۳ آذر ۱۴۰۲، سه‌ا ثابتی به تحمل ۳۳ ماه حبس و ۱۳ سال محرومیت از فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی محکوم گردید. همچنین بهروز رحمانی و ساناز علیزاده روشنکوهی نیز با جریمه نقدی و ۱۰ سال ممنوعیت از فعالیت‌های فرهنگی روبرو شدند. این احکام که توسط دادگاه انقلاب ساری صادر شده، نتیجه کیفرخواست‌های تنظیم شده در دادرسی تحت مدیریت محمد کریمی است. سوابق وی نشان‌دهنده طی کردن پله‌های قدرت در دستگاه قضایی مازندران از دایاری نکا تا دادستانی مرکز استان است. وی پیش از رسیدن به دادستانی ساری، مدتی را به عنوان معاون دادستان و همچنین دادستان عمومی و انقلاب آمل فعالیت می‌کرد. محمد کریمی از تیر ۱۳۹۹ تا شهریور ۱۴۰۳ سکان دادستانی مرکز استان را در اختیار داشت و تمام سرکوب‌های این دوران را هدایت نمود. در جریان اعتراضات ۱۴۰۱، وی مسئولیت بازداشت ده‌ها شهروند از جمله شروین حاجی‌پور و جواد روحی را بر عهده داشته است. قربانیانی چون مهدی محمدی‌فرد و عرشیا تک‌دستان نیز در دوران مسئولیت وی با احکام سنگین و ناعادلانه روبرو شدند. محمد کریمی با تکیه بر جایگاه خود، از تمامی ابزارهای قانونی برای حذف منتقدان و سرکوب اقلیت‌ها استفاده کرده است. کارنامه وی

در ساری، تصویری روشن از نقض سیستماتیک حقوق بشر و آزادی‌های فردی در استان مازندران به دست می‌دهد.

سوابق این قاضی جنایتکار:

دادیار پیشین در شهرستان نکا

معاون پیشین دادستانی عمومی و انقلاب شهر ساری

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان آمل از ۲۳ آذر ۱۳۹۸ تا تیر ۱۳۹۹

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان مازندران از ۲۶ تیر ۱۳۹۹ تا ۱۰ شهریور ۱۴۰۳

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمد کریمی ثابتیان، نوید درخشان، عنایتی، محمدرضا جابری، سارا هادیان، سهیل (علی) شکری، علی رشیدی، علی کرجی پور، مهدی امیری مرگاوی، مهدی کریمی، سعید نارویی، محمد اکبری، میلاد شمالی، محمدجواد معنوی، علی طالبی زیدی، حسام پیرسته، الناز افضلی، نگار افضلی، سیاوش فرخ نژاد، محمدجواد شریفی، ناتولی درخشان، محمد شمس، فرید علوی، علی اطاهریان، عرشیا تک دستان، جواد روحی، امیررضا دوزنده، مهدی محمدی فرد، احسان پیربرناش، بیتا حقانی نسیمی، حبیب شجاعی، مظفر کرمی، عفت حامدی، یوسف ستاری، منوچهر هدایتی، سها ثابتی، بهروز رحمانی، ساناز علیزاده روشنگویی و قربانیان گروهی شامل کاربران اینترنت در استان مازندران، جامعه بهائیان ایران، شهروندان عادی شهر ساری، جامعه بهائیان مازندران، فعالان فضای مجازی شهر ساری، روزنامه نگاران در ایران، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان ساری می‌باشند.

کوثری ، الیاس



سرتیپ دوم پاسدار جنایتکار الیاس کوثری جانشین فرمانده سپاه قدس گیلان . این پاسدار روان پریش اعتقاد دارد که دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ، دشمنی جهان کفر با جهان اسلام است !!! و هرگز سازش با کفر در دستور کار ما قرار ندارد. ما میبایستی تمام جهان را اسلامی کنیم !!!!! در عملیات طبس امام راحل از شن های بیابان خواستند تا ماموریت الهی خود را انجام دهند و دیدیم که انجام دادند !!!!! الله نشان داد که تائیدش در حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی است !!! (خبرگزاری مهر . گزارش از مراسم تکریم و معرفی فرمانده سپاه فومن 7 تیر 1405)

کوثری ، محمد اسماعیل



سرتیپ جنایتکار محمد اسماعیل کوثری مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران . نماینده مجلس شورای اسلامی . جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله فرمانده لشکر 27 محمد رسول اله . تحریم شده از سوی اتحادیه اروپا برای نقض فاحش حقوق بشر و کشتار 1401 (جنبش مهسا)

کیومرثی ، امیر

امیر کیومرثی، رئیس و قاضی شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری نته، در نقض حقوق شهروندان نقش کلیدی داشته است. او با صدور احکام زندان، به ویژه حق آزادی فعالان انتیکی و اقلیت ها را سرکوب کرده است

مناصب و سوابق سرکوب امیر کیومرثی

کیومرثی در جایگاه های قضایی خود، در نقض حق آزادی شهروندان نقش ایفا کرده است. او در سرکوب حقوق فعالان انتیکی مسئولیت مستقیم دارد

دستکم از ۱۳۹۸ تا نامشخص: قاضی و رئیس شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان نته در استان آذربایجان غربی

محکومیت فعالان انتیکی به حکم امیر کیومرثی

کیومرثی در مقام رئیس و قاضی دادگاه کیفری نقده، در این حوزه نقش مهمی ایفا کرده است. در همین زمینه، امیر کیومرثی در آبان ماه ۱۳۹۹ سجاد شهیری را به زندان محکوم کرد. این فعال مدنی ترک (آذربایجانی) به دلیل فعالیت‌هایش در حمایت از حقوق اقلیت‌ها محکوم شد. بر اساس حکم صادره توسط کیومرثی، اتهام این فعال «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است. سجاد شهیری از اتهام «عضویت در گروهک تجزیه طلب گاماج» تبرئه شد. بازداشت وی ابتدا با استناد به همین اتهام صورت گرفته بود. کیومرثی با وجود تبرئه از اتهام اصلی، او را به ۶ ماه زندان محکوم کرد

قربانی نقض حقوق بشر توسط امیر کیومرثی

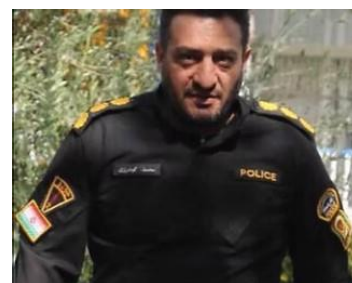
از جمله قربانیان جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر مرتبط با امیر کیومرثی سجاد شهیری می‌باشد

گودرزی ، صابر



فرمانده سرکوب مردم در پرند کرج ، فرمانده یگان موتور ی . با لباس شخصی بین مردم تردد می کرده و هرکس که فیلم و عکس می گرفت بازداشت می کرد.

گودرزی، محمد



سرهنک جنایتکار محمد گودرزی ، سرکوبگری که در کرج دستهایش بخون ده ها تن از جوانان معترض آلوده است

لفوتی ، یاسر



بسجی جنایتکار یاسر لفوتی از نیروهای سرکوبگر در آستانه اشرفیه و قاتل تک تیرانداز که در قیام ملی دیماه 2584 بسیاری از معترضین را به خاک و خون کشید. پدر این مزدور از فرماندهان میانی سپاه قدس گیلان است.

مارانی ، محمد



سرتیپ جنایتکار رضا مارانی از فرماندهان سپاه امام سجاد هرمزگان

سرتیپ پاسدار محمد مارانی یکی از فرماندهان ارشد سپاه است. او مسئول نقض جدی حقوق بشر در جنوب شرق کشور است. مسئولیت قتل های گسترده در سیستان و بلوچستان با اوست. این موارد بیشتر در قالب شلیک های مستقیم رخ داده اند. بسیاری از این اقدامات توسط نیروهای قرارگاه قدس انجام شده اند. فرماندهی این قرارگاه با محمد مارانی بوده است

در استان سیستان و بلوچستان، نیروهای تحت امر او بارها به مردم شلیک کرده اند. افراد غیرنظامی، به دلایل واهی هدف گلوله قرار گرفته اند. برخی از آنها به ظن سوختبری کشته شده اند. شرایط فقر

شدید، مردم را به این کار واداشته است. حکومت ایران هم به جای حل مشکلات، به خشونت پاسخ داده است

سپاه سلمان و سپاه ثارالله نیز زیرمجموعه قرارگاه قدس هستند. محمد مارانی در برابر اقدامات این واحدها هم مسئول است. طبق گزارش‌ها، فقط در دو ماه ابتدایی سال ۱۳۹۴، سپاه ۱۵ شهروند بلوچ را هدف قرار داد. از این میان، ۴ نفر کشته شدند. بیشتر آن‌ها هیچ تهدیدی برای امنیت نبودند

در خرداد ۱۳۹۸ نیز یک سوخت‌بر به نام «یاسر بهادین» کشته شد. او در منطقه مرزی ایرفشان هدف گلوله قرار گرفت. در شهریور همان سال، مأموران سپاه به خودرویی شلیک کردند. دو نفر کشته و یک نفر مجروح شد. این اقدامات بدون هشدار یا دلایل قانونی انجام شدند

در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز نقش محمد مارانی پررنگ بود. او در سرکوب معترضان در زاهدان مسئول مستقیم بود. در جمعه خونین زاهدان، شمار زیادی کشته شدند. همچنین در اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، نیروهای او دوباره دست به خشونت زدند

سوابق محمد مارانی شامل چندین پست فرماندهی است. تا بهمن ۱۳۹۳ فرمانده سپاه امام سجاد در هرمزگان بود. سپس تا اسفند ۱۳۹۸ فرمانده قرارگاه قدس شد. از اسفند ۱۳۹۸ حداقل تا اردیبهشت ۱۴۰۴، در فرماندهی قرارگاه مدینه منوره به امر سرکوب مشغول است

با وجود عدم حضور مستقیم او در میادین، مسئولیت آمرانه دارد. قربانیان، حاصل تصمیم‌گیری و فرماندهی محمد مارانی هستند.

محامی، مصطفی



مصطفی محامی، نماینده ولی فقیه در استان سیستان و بلوچستان و امام‌جمعه زاهدان، که از بهمن ۱۳۹۷ با حکم آیت‌الله خامنه‌ای در این سمت فعالیت می‌کند، روز جمعه ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ در خطبه‌های نماز

جمعه شیعیان زاهدان، بدون ذکر نام، مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان را به ترویج افکار وهابیت، تکفیر مسلمانان و زمینه سازی برای ناامنی متهم کرد. این اظهارات که از شبکه استانی هامون پخش شد، در واکنش به مواضع اخیر مولوی عبدالحمید درباره افزایش آدم ربایی و گروگان گیری در استان مطرح گردید

محامی مدعی شد فردی که «مبلغ افکار وهابیت» باشد و با برداشت نادرست از توحید و شرک، مخالفان خود را کافر و مشرک بخواند، می تواند با طرح مباحث جهاد، زمینه برداشت های خشونت آمیز را فراهم کند. وی افزود اگر این سخنان از روی ناآگاهی باشد، نهادهای فرهنگی باید او را ارشاد کنند و اگر آگاهانه و «برای جای دیگری» باشد، نهادهای امنیتی باید وارد عمل شوند. محامی همچنین تکرار موضوع تبعیض در استان را عامل افزایش کینه در میان جوانان و گسترش ناامنی دانست

این سخنان در حالی بیان شد که مولوی عبدالحمید طی هفته های اخیر بارها درباره افزایش گروگان گیری هشدار داده و از مسئولان خواسته بود با همان جدیتی که در پرونده های امنیتی برخورد می کنند، عاملان آدم ربایی را متوقف کنند. او گفته بود «کارد به استخوان رسیده» و مردم به وجود ساخت و پاخت در پشت این حوادث مشکوک شده اند

در واکنش، مولوی فضل الرحمن کوهی، روحانی اهل سنت، سخنان محامی را تفرقه افکنانه خواند و هشدار داد که ادامه ناامنی و چنین اظهاراتی می تواند مردم بلوچ را به مسلح شدن برای تأمین امنیت خود سوق دهد. او محامی را بخشی از مشکلات امنیتی استان دانست و خواستار تصمیم گیری مقامات درباره حضور وی شد. برخی گزارش ها نیز از توهین مستقیم محامی به مولوی عبدالحمید سخن گفته اند. سال ها قبل در خبری از بولتن های خبرگزاری سپاه نقل شده بود که خامنه ای به زیردستان خود دستور «بی آبرو کردن مولوی عبدالحمید» را داده است. این تنش ها نگرانی هایی درباره دامن زدن به شکاف شیعه و سنی در استان ایجاد کرده است.

محبوب علی لو



بابک محبوب علیلو، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تبریز، در نقض حقوق بشر در مرحله بازداشت و تحقیقات توسط ضابطین قضایی تا صدور کیفرخواست در تبریز مسئول است. او در سرکوب‌های مرتبط با اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در آذربایجان شرقی نقش محوری داشته است

بابک محبوب علیلو در مقام دادستان تبریز، در نقض حقوق شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ مسئولیت دارد. در ۵ آذر ۱۳۹۸، فرمانده انتظامی آذربایجان شرقی از بازداشت یک شهروند خبر داد. این فرد تحت عنوان «عوامل اغتشاشات و تخریب اموال عمومی» در اعتراضات اخیر تبریز دستگیر شد. پیشتر، در تاریخ ۲۹ آبان ۱۳۹۸، معاون سیاسی و امنیتی استاندار آذربایجان شرقی نیز از دستگیری همه «عوامل اصلی اغتشاشات خیابانی» در تبریز خبر داده بود. این بازداشت‌ها و روند قضایی متعاقب آن‌ها تحت نظارت دادستانی انجام شده است

در ادامه، در ۱ مرداد ۱۳۹۹، روزبه پیری، فعال ترک (آذربایجانی)، توسط نیروهای امنیتی در منزل پدری خود در تبریز بازداشت شد. بابک محبوب علیلو در برابر بازداشت فعالان مدنی و سیاسی به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مسئول است. همچنین، در ۲۷ دی ۱۴۰۰، سینا شهری، شهروند بهائی ساکن تبریز، توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید. در ۲ بهمن ۱۴۰۰، نگار نصیری، شهروند بهائی ساکن تبریز، به ستاد خبری اداره اطلاعات تبریز احضار شد. این ستاد به «اتاق ۳۷» معروف است. در ۱۰ تیر ۱۴۰۱، ژیل (میترا) ابراهیمی، مربی رقص آذربایجانی، به دلیل انتشار تصاویر رقص در فضای مجازی توسط نیروهای امنیتی در تبریز بازداشت شد.

در دوران دادستانی بابک محبوب علیلو، چندین حکم اعدام در تبریز اجرا شده است. در ۱۵ تیر ۱۴۰۱، حکم اعدام یک زندانی مرد به اتهام قتل در تبریز اجرا شد. در ۷ مرداد ۱۴۰۱، مدیرکل دامپزشکی آذربایجان شرقی از صدور حکم ۷۴ ضربه شلاق تعزیری خبر داد. این حکم برای دو متخلف بهداشتی در استان، علاوه بر سایر مجازات‌ها، صادر شد. اجرای حکم شلاق، نمونه‌ای از مجازات‌های خشن و غیرانسانی است که در حوزه قضایی بابک محبوب علیلو صورت گرفته است. در ۱۴ شهریور ۱۴۰۱، حکم اعدام ۲ زندانی، که ۱۳ سال پیش در یک پرونده مشترک به اتهام تجاوز و قتل محکوم شده بودند، در تبریز اجرا گردید

در هفته آخر شهریورماه ۱۴۰۱، در پی جان باختن مهسا (ژینا) امینی، موج جدیدی از اعتراضات سراسری آغاز شد. این اعتراضات در بسیاری از نقاط کشور، از جمله تبریز، با برخورد شدید نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب شد. در نتیجه این سرکوب‌ها، ده‌ها شهروند کشته و زخمی و بسیاری بازداشت شدند. دادستانی تبریز به دلیل نقشی که در بازداشت‌های گسترده و پیگیری پرونده‌های معترضان داشته، در برابر نقض حقوق این افراد مسئول است.

در جریان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱، بازداشت‌های گسترده‌ای در تبریز صورت گرفت. از میان بازداشت‌شدگان می‌توان به مهدی حمیدی، صمد محمدی، مهدی فضلی و امیر چمنی اشاره کرد.

محمد سیامک نیا، بهرام یعقوبی، مهدی حمیدی شفیق و رامین عالی نیا نیز بازداشت شدند. همچنین فاطمه محمدی، رضا عبداللهی پیرعلیلو، آرش عفتی تیکمه داش و نگین کیانی جزو بازداشت‌شدگان بودند. امیر مهدی پور، قاسم بعدی بناب، ابوالفضل جانی و اتابک محاسنی نیز دستگیر شدند

دیگر بازداشت‌شدگان شامل احد افسر، اصغر فولادزاده، امیر شمالی، امیر صفری و امیر عبداللهی هستند. امیر محمدزاده، امیر مرتضی بایبوردی، امیر علی کاظمی و امین صادقی نیز بازداشت شدند. آیلار غفاری، آتیلا ارفتی، آتیلا زارع و آتیلا صادقی نیز در میان دستگیرشدگان بودند. آراز عبادنژاد، آرش احمدی کبری، آرش اسماعیل زاده و آرش عفتی از دیگر بازداشت‌شدگان هستند. آرمین اصل محمدزاده، آروین ابراهیمی، آرین نظری و آیتک قربانی نیز بازداشت شدند. آیدین علیپور مقتدر، بابک دهقانی، بابک فرهمندی و پردیس انی در میان دستگیرشدگان بودند. تمامی این پرونده‌ها زیر نظر بابک محبوب علیلو، دادستان تبریز، تشکیل و پیگیری شده‌اند

بازداشت‌های صورت‌گرفته در تبریز شامل طیف گسترده‌ای از اقشار اجتماعی و رده‌های سنی متفاوت بود. از کودکان و نوجوانان تا دانشجویان در میان بازداشت‌شدگان حضور داشتند. پریسا سهرابی، پژمان اسلامی، پژمان جلیلی و پوریا پورهمتی بازداشت شدند. پوریا وفایی فرد، پویا ابراهیمی، پویا داوری و توحید درویشی نیز در میان دستگیرشدگان بودند. حامد باقری، حامد رنجبر، حامد ظریفی و حجت سلطانی نیز بازداشت شدند. حسام عابدینی، حسین دانی، حنا موذن و حوریه فخیم فرد نیز جزو دستگیرشدگان بودند. رامین بهلولی، رحمان امیرزاد، رضا امیری و رضا انسی نیز دستگیر شدند. رضا جامی، رضا نعمتی، زهرا صالح، ساغر سعادت و سالار نجفی از دیگر بازداشت‌شدگان بودند

همچنین سامان اکبرپور، سامان عبداللهی، سائینا خرازی و سجاد ضرابی بازداشت شدند. سعید احمدی نسب، سعید هادی، سما پیران و سمانه بابازاده نیز دستگیر شدند. سهند ختایی، سیاوش ملکی، سید امیر رشیدی و سید حسن زینالی از دیگر بازداشت‌شدگان بودند. سینا اسماعیلی جوان، سینا صالحی، سینا یوسفی، سودا آرش کیا و شهریار جعفری نیز دستگیر شدند. عارف نیازی، عرفان آبادیان، عسل نامی و علی رادمنش نیز در میان بازداشت‌شدگان بودند. به گزارش فعالان حقوق بشر، صدیقه آدی بیگ، عسل ناهی و هدیه پورافروز از نوجوانان بازداشتی هستند که نقض حقوق کودک را در حوزه قضایی بابک محبوب علیلو نشان می‌دهد

علی رایان، علی سرداری، علی کشورگیر و علی کوهی نیز بازداشت شدند. علی نوروز اصل خیابانی، علی نیک سرشت، علیرضا تقوی سیدلر و علیرضا وحدانی از دیگر دستگیرشدگان هستند. عیسی علی بابایی، فاطمه الفی، فراز محمدی و فرزاد تقوی بیات نیز بازداشت شدند. فرزاد حیرت انگیز، فرهاد آغاجانی، فرهاد آفتابی و فرید حسین پور نیز در میان دستگیرشدگان بودند. فرید حسینی آذر، فریده امینی و قاسم بعدی نیز بازداشت شدند. کریم اسماعیل زاده، لقمان درویشی، ماهان رنجبر و مائده اولاد قره گوز نیز دستگیر شدند. متین حیدری، مجید پاشا، مجید عیدی سنجران و محمد جاویدی نیز از بازداشت‌شدگان بودند

محمد شکاری، محمد عظیمی، محمد نجف و محمدرضا امیران نیز بازداشت شدند. مصطفی مهرداد، ملیکا لامع، مهدی باقرزاده، مهدی تیزجنگ و مهدی عابدی نیز دستگیر شدند. مهران محمدیان، میثم حقی، میرسجاد حسینی و میرهادی رضوی زاده نیز بازداشت شدند. میلاد میرزایی، ناصر بختیاری، ناصر رازی، نرگس امیری و نوید قلقله نیز دستگیر شدند. نیما رادمنش، نیما رحیمی، نیما سراجیان، نیما ظرابیان و هادی مجیدنیا نیز جزو بازداشت‌شدگان بودند. ویدا اکبری، یاشار نوری، لیلی پوربابا، امید گوزلی، وحیده خانپور، سونیا (صونا) رحمان زاده، ملیحه بنی اسد، فرناز عزیززاده گلنبر، بهرام سرداری اسکویی، میراکبر حسینی، سعید محمودی، ابراهیم مهاجر، مهدی اسفندیاری و پوریا فریدی نیز دستگیر شدند

در ۱ آبان ۱۴۰۱، یک متهم به قتل در دادگاه کیفری ۱ آذربایجان شرقی به اعدام محکوم شد. در ۹ بهمن ۱۴۰۱ و ۱۱ بهمن ۱۴۰۱، احکام اعدام ۲ زندانی به اتهام قتل در زندان تبریز اجرا شد. این احکام زیر نظر دادستانی بابک محبوب علیلو به مرحله اجرا درآمده‌اند. در ۳۰ شهریور ۱۴۰۲، آرمینا پلویر، فعال دانشجویی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بند زنان زندان تبریز منتقل شد. در ۱۲ خرداد ۱۴۰۳، تائب لطفی، شهروند ساکن تبریز، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل گردید

در ۱۷ شهریور ۱۴۰۳، یک فرد در تبریز که مدعی ارتباط با امام دوازدهم شیعیان بود، توسط پلیس بازداشت شد. صدا و سیما ویدیویی از اعترافات این فرد منتشر کرد که شرایط اخذ آن مشخص نیست. در ۲۶ شهریور ۱۴۰۳، سینا اقدسی، شهروند بهائی ساکن تبریز، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. ۳۰ آذر ۱۴۰۳، هرانا از تداوم بازداشت و بی‌خبری از وضعیت یاشار تبریزی، فعال مدنی، خبر داد. وی با گذشت ۳۲ روز از زمان بازداشت، هیچ تماسی با خانواده خود نداشت. این بی‌خبری‌ها نشان‌دهنده نقض حقوق بازداشت‌شدگان در زمان دادستانی بابک محبوب علیلو است

در ۱۵ اسفند ۱۴۰۳، امین تقی‌زاده، صمد حیدری و رضا سلیمی، سه فعال ترک (آذربایجانی)، به شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تبریز احضار شدند. در ۱۸ اسفند ۱۴۰۲، احسان فریدی، دانشجوی دانشکده فنی تبریز، توسط نیروهای امنیتی در این شهر بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. ۲۰ اسفند ۱۴۰۳، کریم اسماعیل زاده، فعال ترک (آذربایجانی)، توسط نیروهای اداره اطلاعات تبریز بازداشت شد. این روند نشان‌دهنده تمرکز بر سرکوب فعالان قومی در این منطقه است

در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، حکم اعدام یک زندانی به نام روح‌الله قهرمانی، به اتهام قتل، در زندان تبریز اجرا شد. در ۱۲ خرداد ۱۴۰۴، منزل سایه آقایی، شهروند بهائی ساکن تبریز، توسط نیروهای امنیتی تفتیش شد. ۱۳ خرداد ۱۴۰۴، حکم اعدام قلی فرامرزی، زندانی با اتهامات مرتبط با مواد مخدر، در زندان تبریز اجرا گردید. بابک محبوب علیلو به عنوان دادستان، در تمام این موارد مسئول پیگیری و صدور کیفرخواست‌ها بوده است

سوابق سرکوب و قربانیان بابک محبوب علیلو

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان آذربایجان شرقی

معاون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی، تبریز

نامعلوم تا ۳ مهر ۱۳۹۸: معاون قضایی رئیس کل دادگستری آذربایجان شرقی و همزمان رئیس شوراهای حل اختلاف استان آذربایجان شرقی

مهر ۱۳۹۸ تا کنون (آذر ۱۴۰۴) دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان آذربایجان شرقی، تبریز ۳

قربانیان جنایات و سرکوب‌های بابک محبوب علیلو:

حسین خدایی

روزبه پیری

امیر چمنی

فاطمه محمدی

ابوالفضل جانی

احد افسر

امیر عبداللہی

امیر مهدی پور

امیر صفری

امیر شمالی

اتابک محاسنی

بهرام یعقوبی

ژیلا (میترا) ابراهیمی

مهدی حمیدی

مهدی حمیدی شفیق

محمد سیامک نیا

نگار نصیری

نگین کیانی

رامین عالی نیا

صمد محمدی

سینا شهری

امیر محمدزاده

آرش احمدی کبری

آرش اسماعیل زاده

آراز عبادنژاد

آرین نظری

آرمین اصل محمدزاده

آروین ابراهیمی

آتیلا صادقی

آتیلا زارع

آیدین علیپور مقتدر

آیلار غفاری

آیتک قربانی

بابک دهقانی

بهرام سرداری اسکویی

بابک فرهمندی

ابراهیم مهاجر

فرناز علیزاده

حامد باقری

مهدی اسفندیاری

میراکبر حسینی

پریسا سهرابی

پژمان اسلامی

پژمان جلیلی

پوریا فریدی

پوریا پورهمتی

سعید محمودی

توحید (لقمان) درویش

هادی مجیدنیا

لیلی پوربابا

ملیحه بنی اسد

مهدی عابدی

مهران محمدیان

ملیکا لامع

میثم حقی

میرهادی رضوی زاده

مصطفی مهرداد

نرگس امیری

ناصر بختیاری

ناصر رازی

نوید قلقله

نیما رادمنش

نیما رحیمی

نیما سراجیان

نیما ظرابیان

سونیا (صونا) رحمان زاده

وحیده خانپور

ویدا اکبری

یاشار نوری

علی کشورگیر

سالار نجفی

سمانه بابازاده

زهرا صالح

آرمیتا پاویر

کریم اسماعیل زاده

رضا سلیمی

معترضان اعتراضات شهریور و پاییز ۱۴۰۱ در تبریز

معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در تبریز

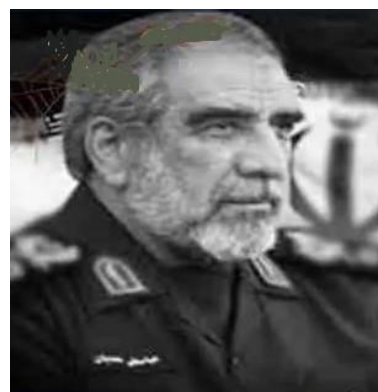
محبی ، رضا



مزدور بسیجی رضا محبی کمکپرستار بیمارستان رجایی کرج معرفی شده و از نزدیکان محمدمهدی ورزدار (رئیس حراست بیمارستان رجایی) است.
در زمان اعتراضات سال‌های اخیر از محل کار خود مرخصی گرفته و به‌عنوان عضو گروه‌های بسیجی در مناطق خرم‌دشت کرج در سرکوب‌ها حضور داشته است. همچنین گفته شده در حال حاضر وظیفه تهیه فهرست از کارکنان بیمارستان (پرستاران، پزشکان و کمک‌پرستاران) را بر عهده داشته و این

اطلاعات را در اختیار نهادهای امنیتی قرار می‌دهد
در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه، هم‌زمان با انتقال مجروحان، ورودی‌های بیمارستان رجائی کرج بسته
شده بود تا افراد آسیب‌دیده نتوانند به آن پناه ببرند.

محمدیان ، عباسعلی



سرتیپ پاسدار عباسعلی محمدیان در مقام فرمانده پیشین انتظامی البرز و رئیس فعلی پلیس تهران،
مسئولیت مستقیم شلیک به معترضان و بازداشت کودکان در مدارس را بر عهده داشته است. او با هدایت
عملیات‌های خشن در اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و سال ۱۴۰۱، نقشی کلیدی در قتل ده‌ها شهروند و ترویج
خشونت علیه معترضان ایفا کرد

عباسعلی محمدیان فرمانده کنونی انتظامی تهران بزرگ، به عنوان عالی‌ترین مقام سابق پلیس در استان
البرز، مسئولیت مستقیم تمامی برخوردهای خشن را بر عهده دارد. در جریان اعتراضات شهریور و مهر
۱۴۰۱، نیروهای تحت امر او با استفاده از ابزارهای جنگی و گاز اشک‌آور به سرکوب معترضان
پرداختند. این اعتراضات سراسری که پس از جان باختن مهسا امینی آغاز شد، در استان البرز با واکنش
شدید یگان‌های ویژه و فراجا مواجه گشت. گزارش‌های معتبر فعالان حقوق بشر حاکی از استفاده
گسترده و بدون ضابطه از تفنگ‌های ساچمه‌ای توسط ماموران است. این اقدامات منجر به مصدومیت
شدید شمار بالایی از شهروندان در نقاط حساس بدن از جمله صورت و بالاتنه گردید. عباسعلی محمدیان
فرماندهی نیروهایی را بر عهده داشت که دست کم ۹ شهروند را به ضرب گلوله به قتل رساندند. در
میان جان باختگان، نام دو کودک ۱۶ و ۱۷ ساله نیز دیده می‌شود که در شهرهای کرج و هشتگرد هدف
قرار گرفتند. روزبه خادمی، حدیث نجفی و سارینا اسماعیل زاده از جمله قربانیانی هستند که در
جغرافیای تحت مسئولیت وی جان خود را از دست دادند. علیرغم شواهد عینی، او همواره نقش نیروهای
پلیس در این کشتارها را انکار کرده است. این رویکرد حاکی از مصونیت سیستماتیک فرماندهان در
قبال نقض حق حیات شهروندان است. تداوم فعالیت وی در پایتخت نشان‌دهنده رضایت ساختار قدرت از
این شیوه مدیریت بحران است.

در دوران مسئولیت عباسعلی محمدیان، دامنه بازداشت ها حتی به محیط های آموزشی و مدارس دخترانه در کرج نیز سرایت کرد. در تاریخ ۱۹ مهر ۱۴۰۱، ماموران تحت امر وی با ورود به یک مدرسه، دانش آموزی به نام ماندانا نعمتی را به همراه مادرش بازداشت کردند. اتهام این نوجوان تنها شعارنویسی بر روی تخته سفید کلاس در حمایت از اعتراضات مردمی عنوان شده بود. عباسعلی محمدیان در حالی که این مادر و فرزند در مکانی نامعلوم در بلاتکلیفی بودند، صراحتاً حضور پلیس در مدارس را منکر شد. او مدعی بود: «به هیچ وجه نیروهای ما به مدارس برای دستگیری حاضر نشده اند.» اما با گذشت ۹ روز از بازداشت خودسرانه این افراد، نادرستی ادعاهای این فرمانده انتظامی برای افکار عمومی کاملاً مشخص گردید. وی همچنین با ادعای عدم استفاده از سلاح های خطرناک، سعی در تیرئه نیروهای امنیتی از قتل شهروندان داشت. این در حالی است که اصابت گلوله های جنگی به معترضان در خیابان های البرز، واقعیتی غیرقابل انکار در کارنامه اوست. سرکوب آزادی بیان و برخورد با کودکان محصل، نقض فاحش کنوانسیون های حقوق بشری محسوب می شود. این مقام نظامی با ایجاد فضای امنیتی در مراکز آموزشی، حق تحصیل و امنیت روانی دانش آموزان را سلب کرد. اقدامات وی در البرز الگویی برای سرکوب های بعدی در تهران بزرگ گردید. عباسعلی محمدیان مسئول مستقیم تمامی بازداشت های خودسرانه و شکنجه های روانی در دوران بازجویی متهمان است.

در جریان اعتراضات معیشتی آبان ۱۳۹۸، عباسعلی محمدیان بار دیگر در نقض جدی حق اعتراض و حق حیات شهروندان مشارکت مستقیم داشت. او در ۳۰ آبان با «اغتشاشگر» نامیدن مردم، رسماً از برخورد قاطع پلیس با معترضان در استان البرز خبر داد. وی مدعی بود که به هیچ کس اجازه ایجاد ناامنی نخواهد داد و قانون با معترضان برخورد خواهد کرد. ماموران تحت فرمان وی در آذر ۱۳۹۸، سه زن را به اتهام شکل دهی هسته اولیه اعتراضات در محمدرشهر کرج بازداشت کردند. عباسعلی محمدیان شخصا این دستگیری ها را تایید کرد و شهروندان را به ادامه شناسایی و بازداشت تهدید نمود. گزارش های سازمان عفو بین الملل نشان می دهد که دست کم ۳۴ نفر در البرز با شلیک مستقیم نیروهای پلیس کشته شدند. وزیر وقت کشور نیز تایید کرد که ۸۰ درصد کشته شدگان با سلاح های سازمانی نیروهای انتظامی به قتل رسیده اند. این آمارها بخشی از مسئولیت کیفری عباسعلی محمدیان در قبال سرکوب خونین مردم را به اثبات می رساند.

عباسعلی محمدیان با تکیه بر جایگاه خود، همواره مطالبات مدنی را با ابزار داغ و درفش پاسخ داده است. وی در هر سه منصب فوق، آزادی های اجتماعی شهروندان را به شدت محدود کرده است. پرونده های بازداشت های فله ای و شلیک به قصد قتل، بخشی جدایی ناپذیر از کارنامه مدیریتی اوست. او در مقام فرمانده تهران بزرگ نیز همچنان به اجرای طرح های سرکوبگرانه علیه زنان و جوانان ادامه می دهد. نام وی به عنوان یکی از ناقضان اصلی حقوق بشر در گزارش های بین المللی ثبت گردیده است. استمرار حضور وی در قدرت نشان دهنده ساختار یافته بودن سرکوب در بدنه فراجا است. عباسعلی محمدیان باید در قبال تمامی خون های ریخته شده در کرج و تهران پاسخگوی عدالت باشد.

عباسعلی محمدیان در جایگاه فرمانده پیشین انتظامی البرز، مسئولیت مستقیم تیراندازی به معترضان، بازداشت‌های عقیدتی و سرکوب آزادی‌های مدنی را بر عهده داشته است. او با هدایت عملیات‌های خشن در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، نقشی کلیدی در قتل ده‌ها شهروند و تحدید گسترده حقوق اجتماعی ایفا کرد.

تایید شلیک مستقیم به معترضان و قتل آن‌ها توسط نیروهای انتظامی و امنیتی در آبان ۱۳۹۸، حتی در سخنان وزیر وقت کشور نیز بازتاب یافت. عبدالرضا رحمانی فضلی در خرداد ۱۳۹۹ اعلام کرد که دست‌کم ۸۰ درصد جان‌باختگان با گلوله سلاح‌های سازمانی این نیروها کشته شده‌اند. خبرگزاری رویترز در دی ۱۳۹۸ به نقل از منابع داخلی وزارت کشور، آمار کشته‌شدگان را دست‌کم ۱۵۰۰ نفر برآورد کرد. این گزارش به صراحت از نقش کلیدی نیروهای پلیس در کشتار معترضان استان البرز تحت فرماندهی عباسعلی محمدیان پرده برداشت. رویترز به نقل از مقامی محلی در کرج نوشت: «یک مقام محلی در کرج، یک شهر کارگری در نزدیکی پایتخت، گفت به ما دستور دادند از هر خشونت لازم برای پایان دادن فوری به اعتراضات استفاده کنیم. وی که درخواست نامش فاش شود اضافه کرد که دستور از تهران آمده بود که می‌گفت: کاری کنید به خانه‌هایشان برگردند، حتی شده با شلیک به آنها.» ساکنان کرج از حضور موتورسواران مسلح و شلیک از پشت‌بام‌ها سخن گفته‌اند که منجر به جاری شدن خون در خیابان‌ها شد. سازمان عفو بین‌الملل نیز در اردیبهشت ۱۳۹۹ بر نقش پلیس در این فجایع تاکید ورزید. طبق گزارش این سازمان، دست‌کم ۳۴ شهروند در شهرهای البرز با شلیک مستقیم نیروهای تحت امر عباسعلی محمدیان جان باختند. جاوید رحمان نیز تایید کرد که هدف این شلیک‌ها توسط پلیس و بسیج، قتل معترضان بوده است. پیش از آن نیز در مرداد ۱۳۹۷، سرکوب اعتراضات معیشتی در کرج منجر به کشته شدن یک نفر شد.

در مرداد ۱۴۰۰، پلیس کرج شهروندی را صرفاً به دلیل علاقه به هنر تتو و فعالیت در فضای مجازی بازداشت کرد. این فرد با اتهامات واهی نظیر «انتشار تصاویر خالکوبی و شیطان پرستی» روبرو شد که نقض آشکار حقوق فردی است. همچنین در فروردین ۱۴۰۰، شهروند دیگری به اتهام انتشار تصاویر در اینستاگرام توسط پلیس فتا تحت نظر عباسعلی محمدیان دستگیر گشت. در خرداد ۱۳۹۹، پلیس البرز زنی میانسال را به دلیل برگزاری مهمانی مختلط و تبلیغ آن در شبکه‌های اجتماعی بازداشت نمود. عباسعلی محمدیان در فروردین همان سال از دستگیری مدیری تلگرامی خبر داد که به زعم او مطالب غیراخلاقی منتشر می‌کرد. او در این باره گفت: «کارشناسان پلیس فتا شهرستان ساوجبلاغ در پی رصد و پایش فضای مجازی، کانالی را با محتوای تبلیغ علیه نظام و انتشار مطالب غیر اخلاقی و تشویش اذهان عمومی تحت عنوان هفت دریا در شبکه تلگرامی شناسایی کردند.» در مهر ۱۳۹۸ نیز تحت مدیریت وی، ۱۴۴ واحد صنفی به دلیل فروش پوشاک نامتعارف با اختاریه پلمب و تعطیلی مواجه شدند. این اقدامات نشان‌دهنده دخالت سیستماتیک در امور صنفی و شخصی شهروندان است. عباسعلی محمدیان با این کارنامه، آزادی‌های مدنی را به شدت محدود کرده است.

در تیر ۱۳۹۸، ماموران پلیس البرز ۱۱ شهروند را تنها به دلیل همراه داشتن سگ در معابر عمومی بازداشت کردند. این بازداشت‌ها پس از تهدیدهای مستقیم عباسعلی محمدیان علیه صاحبان حیوانات خانگی صورت گرفت که ورود سگ به خیابان را جرم تلقی می‌کرد. او صراحتاً اعلام کرده بود: «مکان‌های عمومی جای سگ گردانی و رفت و آمد حیوانات نیست و حمل سگ در درون خودروها ممنوع است و پلیس در صورت مشاهده این موضوع، با صاحبان سگ‌ها برخورد جدی خواهد کرد.» عباسعلی محمدیان در مقام فرمانده انتظامی، مسئول مستقیم تمامی این برخوردها و نقض حقوق اجتماعی در سطح استان البرز محسوب می‌شود. از سرکوب معترضان در خیابان تا ورود به حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، همگی در دوران مسئولیت وی رخ داده است. لیست قربانیان اقدامات او شامل طیف وسیعی از فعالان مدنی، معترضان معیشتی و شهروندان عادی است. اسامی برخی از این افراد به شرح زیر است: قربانیان اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ کرج، جان‌باختگان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ البرز، فروشندگان پوشاک در ۱۴۴ واحد صنفی پلمب شده شهروندان بازداشت شده به دلیل سگ‌گردانی فعالان فضای مجازی و کاربران شبکه تلگرام شرکت‌کنندگان در مهمانی‌های خصوصی

عباسعلی محمدیان با تکیه بر این سوابق، همواره به عنوان یکی از بازوهای اصلی فشار بر جامعه مدنی عمل کرده است. تداوم حضور او در مناصب عالی انتظامی، نشان‌دهنده استمرار سیاست‌های سرکوبگرانه در ساختار پلیس است. او باید در قبال تمامی این موارد نقض حقوق بشر در دادگاهی عادلانه پاسخگو باشد.

عباسعلی محمدیان در مقام فرمانده انتظامی تهران بزرگ، مسئولیت مستقیم اجرای طرح‌های سرکوبگرانه از جمله طرح نور و اعمال خشونت سیستماتیک علیه زنان و معترضان را بر عهده دارد. او با فرماندهی یگان‌های تحت امر، در بازداشت‌های خودسرانه، ضرب و شتم شهروندان و نقض فاحش حقوق بنیادین آنان نقش کلیدی ایفا کرده است.

عباسعلی محمدیان به عنوان فرمانده انتظامی تهران بزرگ، مسئولیت مستقیم نقض حقوق شهروندان این کلان‌شهر به ویژه زنان و دختران را بر عهده دارد. او در زمینه تحمیل حجاب اجباری و اعمال خشونت علیه آنان نقش محوری ایفا می‌کند. در تاریخ ۲۵ فروردین ۱۴۰۳، عباسعلی محمدیان طی مصاحبه‌ای خبر از آغاز اجرای طرح نور در سطح پایتخت داد. وی در این اظهارات، زنان بدون حجاب اجباری را مجرم قلمداد کرد. او همچنین وعده برخورد قاطع قانونی توسط پلیس را به افکار عمومی داد. عباسعلی محمدیان در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ نیز بر تداوم این مأموریت تاکید ورزید. او اجرای طرح عفاف و حجاب را شاهبیت مأموریت‌های پلیس در سال جدید دانست. وی مدعی شد که این اقدام با موفقیت همراه بوده است. همچنین او ادعا کرد شهروندان و نخبگان از این طرح حمایت کرده‌اند. این ادعاها در حالی مطرح شد که گزارش‌های متعددی از خشونت عریان منتشر گردید. عباسعلی محمدیان با هدایت این طرح، فضای عمومی شهر را برای زنان ناامن کرده است. او مسئول مستقیم تمامی برخوردهایی است که توسط ماموران تحت امرش صورت می‌گیرد. این مقام انتظامی با تکیه بر جایگاه خود، سیاست‌های

سرکوبگرانه را در اولویت قرار داده است. او با مجرم‌انگاری نیمی از جامعه، حقوق مدنی را به شدت پایمال کرد.

در دوران مسئولیت عباسعلی محمدیان، موارد متعددی از آزار و اذیت شهروندان توسط نیروهای تحت فرمان وی ثبت شده است. دینا قالیباف در ۲۷ فروردین ۱۴۰۳ از تجربه بازداشت خشن خود در مترو تهران پرده برداشت. او اعلام کرد که ماموران به او دستبند زده و وی را به اتاقی منتقل کردند. وی از استفاده از شوکر و وقوع تعرض جنسی توسط ماموران خبر داد. این افشاگری منجر به بازداشت دوباره خانم قالیباف توسط نیروهای امنیتی در روز بعد شد. عباسعلی محمدیان همچنین مسئول برخورد نیروها در ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ مقابل مترو میرزای شیرازی است. ویدیوی منتشر شده نشان می‌دهد زنی با ضرب و شتم به درون ون پرتاب می‌شود. در این واقعه، مامور زن چندین ضربه به صورت شهروند بازداشت شده وارد کرد. همچنین در ۱ تیر ۱۴۰۳، دو دختر نوجوان در خیابان وطن‌پور مورد خشونت قرار گرفتند. ماموران مجری طرح نور، این نوجوانان را به دلیل نوع پوشش به شدت ضرب و شتم کردند. نفس حاجی‌شریف، دختر ۱۴ ساله، یکی از این قربانیان است. او با صورتی زخمی و بدنی کبود از بازداشتگاه پلیس امنیت اخلاقی خارج شد. لباس‌های پاره و گردن کبود وی نشان از شدت خشونت نیروهای تحت امر عباسعلی محمدیان دارد. خانواده این نوجوان تحت فشار قرار گرفتند تا از ماموران ضارب شکایت نکنند.

عباسعلی محمدیان پیش از انتصاب به سمت فعلی، سال‌ها در مناصب کلیدی پلیس آگاهی و فرماندهی استانی فعالیت کرده است. سوابق وی به شرح زیر است:

فرمانده پلیس آگاهی شهر تهران از سال ۱۳۸۶ تا مهر ۱۳۹۶

فرمانده انتظامی استان البرز از مهر ۱۳۹۶ تا بهمن ۱۴۰۱

فرمانده انتظامی تهران بزرگ از ۷ بهمن ۱۴۰۱ تا کنون (دی ۱۴۰۴)

عباسعلی محمدیان در دوران فرماندهی در البرز نیز مسئولیت سرکوب اعتراضات ۹۸ و ۱۴۰۱ را بر عهده داشت. نام بسیاری از جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان در پرونده وی ثبت شده است. افرادی نظیر حدیث نجفی، سارینا اسماعیل‌زاده و عرفان کهزاد از قربانیان دوران مسئولیت وی هستند. لیست قربانیان اقدامات او شامل طیف وسیعی از شهروندان است: عرفان کهزاد حدیث نجفی حسام رضادوست کنعان آقایی کریم سروری محمود کشوری مهدی لیلازی محمد جامعه بزرگ محمد طاهری خرم پارسا رضادوست روزبه خادمی سارینا اسماعیل‌زاده سید آمنه وحدت حسینی ماندانا نعمتی دینا قالیباف

قربانیان گروهی نیز شامل معترضان آبان ۱۳۹۸، معترضان اعتراضات ۱۴۰۱، شهروندان البرز و تمامی زنان در تهران هستند. عباسعلی محمدیان با تکیه بر قدرت نظامی، همچنان به تضییع حقوق اساسی مردم ادامه می‌دهد.

عباسعلی محمدیان به دلیل «نقض فاحش و نظام‌مند حقوق بشر»، در فهرست تحریم‌های دولت کانادا قرار گرفت. این تحریم در ۷ فروردین ۱۴۰۲ و در پیوند با سرکوب اعتراضات مردمی اعمال شد. کانادا او را یکی از مسئولان اصلی برخوردهای خشن با معترضان و نقض آزادی‌های مدنی معرفی کرد

محمدی ، هامون



پاسدار جنایتکار هامون محمدی فرمانده سابق سپاه قدس گیلان و عضو شورای تامین این استان . این پاسدار جنایتکار و مزدور فرمانده سابق سپاه قدس گیلان و عضو شورای تامین استان گیلان در همکاری با هادی حق شناس استاندار و رئیس شورای تامین استان گیلان دستور شلیک و قتل عام معترضین قیام دی ۴۰۴ رشت در پنجشنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ دی را صادر کرد . این پاسدار ملعون و جانی ابتدا دستور آتش زدن بازار رشت را داد و سپس پاسداران را جهت کشتار مردم اعزام کرد آدرس : رشت ، خیابان لاکانی ، کوچه لطف آباد جنب پایگاه.

محمودی ، محمد مهدی



محمد مهدی محمودی، با سوابقی چون معاونت قضائی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شیراز، در صدور احکام سنگینی چون اعدام و شلاق نقش کلیدی داشته است. سوابق او نشان‌دهنده مسئولیت مستقیم در سرکوب شهروندان معترض، نوکیشان و باورمندان به ادیان مختلف است

محمد مهدی محمودی به‌عنوان معاون قضائی پیشین رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شیراز، در صدور احکام ناقض حقوق بشر نقش داشته است. احکامی چون شلاق علیه شهروندان معترض و منتقد حکومت، مستقیماً زیر نظر او صادر شده‌اند. او در دوران مسئولیتش و همچنین به‌عنوان رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شیراز، از صدور احکام شکنجه‌آمیزی چون شلاق برای متهمان هراسی نداشته است. او همچنین از مسئولان اصلی آزار و اذیت نوکیشان مسیحی و باورمندان به دیانت بهایی است. محمد مهدی محمودی مسئول سرکوب دیگر شهروندان معترضی است که به ارزشهای حاکم بر نظام اعتقادی ندارند. در مجموعه تحت مدیریت او، احکام اعدام زیادی نیز بدون هیچ درنگی صادر شده است. به نظر می‌رسد محمد مهدی محمودی و مجموعه تحت مدیریتش از هیچ‌گونه نقض حقوق بشر و ستاندن جان انسانها و شکنجه آنان ابایی ندارند.

احکام اعدام و شلاق؛ شکنجه سازمان‌یافته به دست محمد مهدی محمودی در مجموعه سیستم قضایی شیراز که محمد مهدی محمودی معاونت قضایی آن را بر عهده داشت، دست‌کم ۱۰ مورد اعدام و ۱ مورد شلاق اجرا شده است. نام برخی از اعدام‌شدگان که با احکامی چون قصاص جان باخته‌اند، شامل افراد زیر است

آرش شاه حسینی، امین زنگنه، ثارالله میرشکاری، هادی ماهی، صادق اکبرپور، امیرعباس صالحی، علیرضا قربانی، یاسر عبدالله زاده، علی احمدی

از زندانیان سیاسی اعدام‌شده نیز می‌توان به نوید افکاری اشاره کرد. او در اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ بازداشت شده بود. موارد ذکر شده بر اساس اخباری است که منتشر شده است. به احتمال قوی، موارد دیگری از اعدام و صدور احکامی چون شلاق نیز وجود دارد که خبر آن‌ها منتشر نشده است. این احکام مجزا از مواردی هستند که مستقیماً توسط دادگاه‌های کیفری ۲ شیراز صادر شده‌اند. محمد مهدی محمودی سرپرستی این دادگاه‌ها را بر عهده داشت

احکام شلاق به‌طور رسمی به‌عنوان شکنجه شناخته می‌شوند. اما محمد مهدی محمودی از صدور چنین احکامی برای شهروندان با اتهامات مختلف ترسی نداشته است. او در مقام ریاست شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شیراز و سرپرست دادگاه‌های کیفری ۲ شیراز، مستقیماً احکام شلاقی را صادر کرده است. به‌عنوان مثال، صدور مجموعاً ۱۴۸ ضربه شلاق برای دو متهم در پرونده مدیرکل سابق ورزش و جوانان استان فارس صورت گرفت. این حکم در مرداد ۱۳۹۹ به اتهاماتی چون رشاء و پرداخت رشوه صادر شد. صدور این احکام شلاق تنها شامل افراد با اتهامات ارتشاء نبوده است. محمد مهدی محمودی احکام سنگین شلاق را برای شهروندانی که در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ بازداشت شده بودند، نیز صادر کرد. این احکام شامل حال بازداشت‌شدگان نوجوان و زیر سن قانونی، و همچنین افراد بزرگسال

شده است. محمدمهدی محمودی به‌عنوان رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شیراز، در فروردین ۱۳۹۹ شش نوجوان بازداشتی اعتراضات را محکوم کرد. این نوجوانان به ۶ ماه حبس و ۴۶۸ ضربه شلاق محکوم شدند.

نقش محمدمهدی محمودی در سرکوب معترضان آبان ۱۳۹۸ در مجموعه‌ای که محمدمهدی محمودی یکی از مسئولان عالی‌رتبه آن بود، احکام زندان بسیاری برای شهروندان صادر شده است. این احکام با اتهامات عقیدتی، سیاسی و مدنی همراه بودند

اسماعیل مغربی نژاد، نوکیش مسیحی ساکن شیراز، ابتدا به ۴ سال حبس محکوم شد. همین سیستم قضایی در تیر ۱۳۹۹ آقای مغربی نژاد را از ۳ سال حبس تعزیری بابت توهین به مقدسات تیرئه کرده بود. شهروندان بهائی در شیراز نیز از گزند دادگاه انقلاب شیراز در امان نبوده‌اند. محمدمهدی محمودی یکی از مسئولان عالی‌رتبه این دادگاه بود. در شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۹، مجموعاً ۱۲ شهروند بهائی به ۳۳ سال و شش ماه حبس محکوم شدند. همچنین، مبلغ ۱ میلیون تومان جزای نقدی برای این شهروندان بهائی صادر شد

مهدی حاجتی، عضو شورای شهر شیراز، به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. او در شعبه ۱۰ دادگاه انقلاب شیراز، به ۲ سال تبعید به شهر بیرجند نیز محکوم شده است. مهدی داوری، فعال مدنی در همین استان، در دادگاه انقلاب (شعبه ۱) محکوم شد. او پس از تأیید دادگاه تجدیدنظر، به ۳ سال و نه ماه حبس تعزیری محکوم گردید

محمدمهدی محمودی در فروردین ۱۳۹۹ به‌عنوان رئیس شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شیراز، احکامی سنگین برای نوجوانان معترض آبان ۱۳۹۸ صادر کرد. اسامی این شش نوجوان عبارتند از: حمدرضا حیدری، امیر باوی، جبار فیوجی، علی اکبر نژاد، رضا اکبر نژاد و سالار فیوجی. همچنین در شهریور ۱۳۹۹، محمدمهدی محمودی هشت نفر از معترضان آبان ۹۸ را محکوم کرد. این افراد مجموعاً به ۳۰ سال حبس تعزیری محکوم شدند. اتهامات این افراد “اخلال در نظم و آسایش عمومی” و “مشارکت در تخریب اموال دولتی مورد استفاده عمومی” اعلام شده بود. در دوران ریاست دادگستری شهرستان رستم شیراز توسط محمدمهدی محمودی نیز دست‌کم ۲ مورد اعدام در ۲۳ آذر ۱۳۹۰ صورت پذیرفت

قربانیان محمدمهدی محمودی و تداوم سرکوب در شیراز
دی ۱۴۰۱، سعید زارع، شهروند ساکن شیراز، توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شیراز محکوم ۱۴ شد. بر اساس حکمی که به ریاست محمدمهدی محمودی صادر شد، وی به ۶ ماه حبس و ۳۵ ضربه شلاق تعزیری محکوم گردید. این حکم بابت اتهام “اخلال در نظم و آسایش عمومی” برای آقای زارع صادر شده است.

محمدمهدی محمودی در مناصب خود در نظام قضایی شیراز، مسئولیت مستقیم در صدور و اجرای احکام ناقض حقوق بشر را بر عهده داشته است. فهرست قربانیان فردی و گروهی نقض حقوق بشر توسط محمدمهدی محمودی در مجموعه تحت امر او بسیار طولانی است

سوابق سرکوب محمدمهدی محمودی و قربانیان نقض حقوق بشر وی
محمدمهدی محمودی در مناصب قضایی خود، مستقیماً در نقض حقوق بشر مسئولیت داشته است

سوابق سرکوب وی شامل موارد زیر است :

از ۲۳ اسفند ۱۳۸۸ تا ۲ مهر ۱۳۹۲ رئیس دادگستری شهرستان رستم شیراز

از ۲۸ تیر ۱۳۹۸ تا ۱۹ آذر ۱۴۰۳، وی به عنوان معاون قضائی رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب شیراز و سرپرست دادگاه‌های کیفری ۲ شیراز

قربانیان فردی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمدمهدی محمودی عبارتند از:

علی علیخانی امیرعباس صالحی اسماعیل مغربی نژاد نوید بازماندگان شهریار عطریان آرش شاه حسینی
امین زنگنه ثارالله میرشکاری هادی ماهی صادق اکبر پور حمیدرضا حیدری امیر باوی جبار فیوجی
علی اکبرنژاد رضا اکبرنژاد سالار فیوجی علی احمدی بهاره قادری مهدی حاجتی نوید افکاری سنگری
نیلوفر حکیمی نورا پورمردیان احسان الله محبوب راه وفا مهدی داوری علیرضا قربانی یاسر عبداللهزاده
الهه سمیع زاده فرزانه معصومی شهناز ثابت سهیلا حقیقت سودابه حقیقت فرهام ثابت رضا عابدی
مزنکی علی اصغر غدیری شایان اعظم شایان شهرپور علی اصغر رحمانی عباس غلامی علی لطفی
شوریجه سعید زارع

قربانیان گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمدمهدی محمودی عبارتند از:

بازداشت شدگان اعتراضات آبان ماه ۹۸

جامعه بهائیان شیراز

جامعه بهائیان ایران

شهروندان مسیحی در ایران

شهروندان عادی استان فارس



حسین مدرس خیابانی در مقام استاندار و رئیس شورای تامین سیستان و بلوچستان، مسئولیت مستقیم کشتار ده‌ها معترض و بازداشت‌های فله‌ای را بر عهده دارد. او با فرمان سرکوب خشن و توصیف شهروندان معترض با عناوین تروریست، زمینه قتل عام کودکان و غیرنظامیان بی‌دفاع را در این استان فراهم کرد

نقش حسین مدرس خیابانی در فاجعه جمعه سیاه زاهدان
حسین مدرس خیابانی به عنوان استاندار و رئیس شورای تامین استان سیستان و بلوچستان، مسئول ارشد نقض گسترده حقوق شهروندان است. او در جریان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱، مسئولیت مستقیم هدایت نیروهای انتظامی و امنیتی را در سرکوب‌های خونبار این استان بر عهده داشت. هفته پایانی شهریور ۱۴۰۱، نقطه آغاز اعتراضاتی بود که پس از جان‌باختن مهسا امینی شکل گرفت و ابعادی وسیع یافت. شهرهای مختلف سیستان و بلوچستان صحنه حضور مردمی بود که با برخورد شدید نظامی و امنیتی نیروهای تحت امر وی مواجه شدند. در هشتم مهر ۱۴۰۱، تجمع اعتراضی مردم زاهدان علیه تجاوز یک فرمانده انتظامی، به شکلی بی‌رحمانه توسط این نیروها سرکوب شد. این واقعه هولناک منجر به کشته شدن دستکم ۸۷ شهروند شد که نام دستکم ۱۱ کودک در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. در این جنایت که به جمعه سیاه مشهور گشت، استفاده از سلاح‌های جنگی علیه معترضان غیرمسلح توسط ضابطان وی محرز شد. نیروهای فراجا با سلاح‌های کمری و جنگی، به سوی شهروندان شلیک مستقیم کرده و فاجعه‌ای انسانی را در مصلی زاهدان رقم زدند. حسین مدرس خیابانی در مقام عالی‌ترین مقام اجرایی استان، نظارت کامل بر این عملیات جنگی علیه غیرنظامیان را بر عهده داشته است. این مقام مسئول با نادیده گرفتن حقوق بنیادین مردم، مسیر سرکوب خشن را برای تثبیت قدرت امنیتی در منطقه هموار کرد

روز هشتم مهر ۱۴۰۱، حسین مدرس خیابانی در اظهارنظری رسمی، تعداد کشته‌ها را تنها ۱۹ تن اعلام کرد و معترضان را تروریست خواند. او با تجزیه‌طلب نامیدن معترضان، تلاش کرد تا بر جنایات نیروهای تحت امر خود در کشتار غیرنظامیان زاهدانی سرپوش بگذارد. چند روز بعد، وی با تغییر موضع، آمار جان‌باختگان جمعه خونین را ۳۵ نفر اعلام کرد که باز هم با واقعیت تفاوت داشت. آمارهای

مستقل حقوق بشری نشان داد که تعداد شهدا بسیار فراتر از ادعاهای کذب این مقام سیاسی و امنیتی استان بوده است. مولوی عبدالحمید در خطبه‌های ۲۹ مهر ۱۴۰۱، واقعه را بسیار دلخراش توصیف کرد و از شلیک به سر و سینه مردم گفت. او تاکید کرد که ده‌ها نفر در مصلى و خیابان‌های اطراف، بدون هیچ دلیلی توسط نیروهای دولتی به قتل رسیده‌اند. امام جمعه اهل سنت زاهدان آمار کشته‌ها را حدود ۹۰ نفر ذکر کرد و از قطع نخاع شدن بسیاری از مجروحان خبر داد. حسین مدرس خیابانی با سکوت و تایید عملیات نظامی، مسئول مستقیم رنج‌های وارده بر صدها خانواده داغدار و معلول در این استان است. پیش از این واقعه، امام جمعه راسک خواستار مجازات فرمانده متجاوز شده بود، اما دستگاه‌های تحت نظر استاندار تنها به سرکوب پاسخ دادند. مجمع نمایندگان استان و سران بلوچ پس از این کشتار، به دلیل بی‌کفایتی و قساوت، خواستار عزل فوری حسین مدرس خیابانی شدند.

پس از فاجعه هشتم مهر، زنجیره کشتار شهروندان در زاهدان تحت مدیریت امنیتی حسین مدرس خیابانی همچنان با قدرت ادامه یافت. در ۹ مهر ۱۴۰۱، نیروهای نظامی با شلیک مستقیم، چندین شهروند دیگر از جمله عبدالله شه بخش را در خیابان‌ها به قتل رساندند. روز ۱۰ مهر نیز سلمان ملکی و خدانور لجه ای به همراه چندین تن دیگر هدف گلوله نیروهای تحت امر وی قرار گرفتند. خدانور لجه ای به نمادی از مظلومیت تبدیل شد که تحت شکنجه و تیراندازی نیروهای امنیتی در این دوران جان خود را از دست داد. در ۱۱ مهر، ماه الدین شیروزی و یک کودک ۲ ساله با فامیل میرشکار در جریان عملیات‌های پلیسی و امنیتی کشته شدند. ۲۵ مهر ۱۴۰۱ نیز حامد باجی زهی بر اثر اصابت گلوله و آثار شدید شکنجه در بازداشتگاه‌های تحت نظر استاندار جان باخت. ۶ آبان ۱۴۰۱، بار دیگر خون کودکان زاهدانی به زمین ریخت و عادل کوچکزایی ۱۵ ساله و امید نارویی هدف قرار گرفتند. ۱۲ آبان نیز یاسر نارویی در موج دیگری از خشونت‌های خیابانی که توسط شورای تامین هدایت می‌شد، با شلیک مستقیم جان سپرد. حسین مدرس خیابانی با تکیه بر جایگاه خود، از برخورد با عوامل این جنایات خودداری کرده و فضای مصونیت را فراهم کرد. او به جای پاسخگویی به مردم، دستگاه‌های اجرایی را در خدمت ماشین سرکوب و حذف فیزیکی معترضان و جوانان بلوچ قرار داد.

بازداشت‌های گسترده و پرونده‌سازی علیه فعالان و دانشجویان در دوران مسئولیت حسین مدرس خیابانی، موج عظیمی از دستگیری‌های خودسرانه برای خفه کردن صدای اعتراض مردم رنج‌دیده زاهدان آغاز شد. نیروهای امنیتی ده‌ها شهروند از جمله فائزه براهویی، افشین شه بخش و ابراهیم ریگی را بازداشت و به مکان‌های نامعلوم منتقل کردند. حسین کاشانی، منصور دهمرده و نظام الدین هوت از دیگر قربانیانی بودند که در بازداشتگاه‌ها تحت فشار و بازجویی‌های سخت قرار گرفتند. کودکان نیز از این تیغ سرکوب در امان نمانده و افرادی نظیر حامد کبدانی و برادران رخشانی آزاد توسط پلیس دستگیر شدند. مسلم باران زهی و مریم سالارزهی به همراه چندین نوجوان دیگر در میان لیست بازداشتی‌های دوران فرمانداری نظامی وی دیده می‌شوند. دانشجویان دانشگاه زاهدان نیز هدف برخورد قرار گرفته و افرادی چون سعید عزتی و آیدا تقی پور روانه زندان‌های امنیتی شدند. حسین مدرس خیابانی با تایید این بازداشت‌ها، مسئولیت قانونی نقض حقوق زندانیان و محرومیت آن‌ها از دادرسی عادلانه را بر عهده دارد. فضای دانشگاه‌ها تحت مدیریت وی به شدت امنیتی شد و

بسیاری از نخبگان جوان با پرونده‌های سنگین سیاسی و امنیتی مواجه گشتند. این دستگیری‌ها با هدف ایجاد رعب و وحشت عمومی و جلوگیری از تداوم تجمعات اعتراضی در مرکز استان صورت گرفت. استاندار با استفاده از اختیارات ویژه خود، هرگونه ندای حق‌طلبی را در نطفه خفه کرده و هزینه‌های سنگینی بر جامعه مدنی تحمیل کرد

فهرست جان‌باختگان فاجعه جمعه خونین زاهدان

نام‌های زیر بخشی از شهروندانی هستند که در جریان سرکوب‌های تحت مسئولیت حسین مدرس خیابانی جان خود را فدا کردند: محمود براهویی خلیل قنبرزهی تنها محمدعلی گمشادزهی یاسر شه بخش حمید نارویی یونس نارویی منصور رخشانی علی عاقلی عمران شه بخش احمد شه بخش عبدالملک شه بخش بلال آنشینی محمد براهویی عبدالصمد براهویی ابوبکر نهتانی موسی نهتانی محمد قلجایی امین الله قلجایی محمد ریگی سامی هاشم زهی عبدالرحمن بلوچی خواه محمدرضا ادیب توتازهی امیرحمزه شهنوازی علی اکبر براهویی خلیل قنبرزهی ابراهیم گرگیج احمد سرگلزایی محمدفروق رخشانی علی اکبر حلقه بگوش حمید عیسی زهی خلیل محمدزهی امید شهنوازی امین گله بچه محسن گمشادزهی محمود شهنوازی گنگوزهی ریگی اسماعیل حسن زهی عبدالله نارویی محمدعلی اسماعیل زهی مجید بلوچزهی شه بخش مهدی آنشینی بلال رخشانی سدید کاشانی عبدالغفور دهمرده اسماعیل آبیل سلیمان عرب سعید گرگیج لال محمد آنشینی عبدالجلیل رخشانی عبدالمنان رخشانی غلام نبی نوتیزهی نجم الدین تاجیک عزیزالله کبدانی حیدر نارویی رشید محی الدین شه بخش امیرمحمد گمشادزهی محمدصدیق نارویی خلیل رخشانی عبدالمجید ریگی حمزه نارویی فرزاد شه بخش صلاح الدین گمشادزهی عبدالغفور نوربراهویی لال محمد عالی زهی محمدعمر شهنوازی عبدالخالق شهنوازی نعمت الله کبدانی عبدالصمد ثابتی زاده ابوبکر علی زهی عمران حسن زهی امیرحسین پرنیان احمد سارانی موسی دوبراء متین قنبرزهی بهزاد ریگی عبدالوحد توحیدنیا مصطفی بریچی محمدامین گمشادزهی محمدآقبال نایبزی شهنوازی امید سارانی سامر هاشم زهی جواد پوشه امید صفرزهی محمد رخشانی یاسر شاهوزهی علی براهویی دانیال شه بخش هستی نارویی عبدالله شه بخش سلمان ملکی جمال عبدالناصر محمدحسنی خدانور لجه ای آرمان حسن زهی ذوالفقار حسن زهی محمود حسن زهی ماه الدین شیروزهی میرشکار حامد باجی زهی کبدانی عادل کوچکزایی امید نارویی یاسر نارویی حسین مدرس خیابانی در دوران تصدی استانداری و ریاست شورای تامین سیستان و بلوچستان، مسئولیت مستقیم قتل عام معترضان و بازداشت‌های گسترده غیرقانونی را بر عهده داشته است

سرکوب خونین ایرانشهر و قتل عام دانش‌آموزان تحت مدیریت استاندار

حسین مدرس خیابانی در مقام رئیس شورای تامین استان، مسئولیت مستقیم تمامی عملیات‌های نظامی و انتظامی را در شهرستان ایرانشهر بر عهده دارد. در جریان اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱، نیروهای امنیتی با برخورد شدید خیابانی، دست‌کم یک شهروند زیر ۱۸ سال را در این منطقه به قتل رساندند. پاریس هم‌نوا، دانش‌آموز ۱۴ ساله سال سوم مدرسه پروین اعتصامی، در تاریخ ۳ آبان ۱۴۰۱ قربانی خشونت نیروهای تحت امر وی شد. این نوجوان در جریان حمله به مدرسه و ضرب و شتم وحشیانه توسط ضابطان قضایی و امنیتی، جان خود را از دست داد. علاوه بر این جنایت، حسین مدرس خیابانی

ناظر بر دستگیری‌های وسیع فعالان مذهبی و شهروندان عادی در ایرانشهر بوده است. افرادی نظیر فضل‌الرحمان ریگی و اسماعیل زین‌الدینی در موج اول این بازداشت‌های خودسرانه روانه بازداشتگاه‌های امنیتی شدند. نیروهای تحت فرمان استاندار، کودکان و نوجوانانی مانند حامد رئیسی و مبین حسین‌زهی را نیز بدون رعایت تشریفات قانونی دستگیر کردند. ایمان اکوان و خالد براهویی از دیگر شهروندانی بودند که در این بازه‌های زمانی با پرونده‌سازی‌های سنگین مواجه گشتند. این اقدامات نشان‌دهنده الگوی ثابت سرکوب در دوران مدیریت عالی وی بر نهادهای انتظامی استان سیستان و بلوچستان است. وی با نادیده گرفتن حقوق بنیادین کودکان، فضای آموزشی و عمومی شهر را به پادگانی برای سرکوب مبدل کرد.

جنایت خاش و مسئولیت حقوقی حسین مدرس خیابانی در کشتار جمعه در ادامه زنجیره خشونت در استان، شهرستان خاش در تاریخ ۱۳ آبان ۱۴۰۱ صحنه یکی از خونبارترین جنایات دوران حسین مدرس خیابانی بود. در این روز، تجمع مسالمت‌آمیز مردم با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی و امنیتی به خاک و خون کشیده شد. در نتیجه این عملیات جنگی علیه غیرنظامیان، دست‌کم ۱۱ شهروند جان خود را از دست دادند که هویت بسیاری از آن‌ها احراز شده است. محمد شه‌بخش و کامبیز ریگی از جمله افرادی بودند که در پی دستورات شورای تامین استان هدف گلوله قرار گرفتند. یاسر بهادرزهی، نوجوان ۱۷ ساله معلول، نیز در میان لیست جان‌باختگان این واقعه هولناک قرار دارد که سند قساوت نیروهای دولتی است. حسین مدرس خیابانی به عنوان مقام ارشد اجرایی، مسئولیت مستقیم پنهان‌کاری و وارونه‌نمایی واقعیت‌های این کشتار وسیع را بر عهده دارد. نیروهای حکومتی مدعی شدند که معترضان قصد تصرف فرمانداری را داشتند، اما این ادعا توسط مولوی عبدالحمید به شدت تکذیب شد. وی سخنان مقامات درباره حمله مسلحانه مردم خاش را «دروغ محض» خواند و از شلیک به مردم بی‌گناه گلایه کرد. امام جمعه زاهدان تاکید کرد که مسئولان به جای توبیخ جنایتکاران، از کسانی دفاع می‌کنند که مردم را هدف تیر جنگی قرار دادند. استاندار با تایید این سناریوهای دروغین، راه را برای مصونیت ضارب‌ان و تداوم خونریزی در شهرهای شرقی ایران هموار نمود.

گستره بازداشت‌های خودسرانه در بمپور و سایر شهرهای استان حسین مدرس خیابانی در مقام استاندار، سیاست سرکوب را به تمامی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان، از جمله بمپور و سراوان تسری داد. در شهرستان بمپور، دست‌کم یک شهروند به نام مهرشاد تلاتوف در جریان درگیری‌های خیابانی و برخورد نیروهای امنیتی جان خود را از دست داد. در سایر مناطق نظیر چابهار و قصرقند نیز موج بازداشت‌ها تحت نظر مستقیم شورای تامین استان به ریاست وی ادامه یافت. آرزو رئیسی و مبین بلوچ از جمله ده‌ها جوانی بودند که به دلیل اعتراض به وضعیت موجود، توسط ضابطان دستگیر شدند. همچنین زنان و دخترانی مانند سارا بلوچ و فاطمه بلوچ در فهرست بازداشت‌شدگان این دوره قرار دارند که نشان از برخورد جنسیتی دارد. حسین مدرس خیابانی با نادیده گرفتن استانداردهای حقوق بشری، اجازه داد تا نیروهای نظامی در میرجاوه و نیکشهر به شکار شهروندان بپردازند. طارق جنگی‌زهی و نظام هوت از دیگر افرادی هستند که در زندان‌های تحت

مسئولیت وی با شرایط سختی روبرو گشتند. این مقام قضایی و اجرایی سابق، حتی در برابر بازداشت کودکان در میرجاوه نظیر فرزاد ارباب‌زهی هیچ واکنشی نشان نداد. فضای رعب و وحشت در این مناطق به حدی رسید که بسیاری از خانواده‌ها از سرنوشت فرزندان خود بی‌اطلاع ماندند. تمامی این اقدامات تحت چتر حمایتی و مدیریتی وی انجام شد تا هرگونه فریاد حق‌طلبی در نطفه خفه شود.

سرکوب نخبگان و دانشجویان در سایه مدیریت حسین مدرس خیابانی دانشجویان و نخبگان دانشگاهی در سیستان و بلوچستان، به ویژه در چابهار، از اهداف اصلی ماشین سرکوب حسین مدرس خیابانی بودند. در جریان اعتراضات پاییز ۱۴۰۱، چندین دانشجو از جمله جلیل آرام و علیرضا رئیسی توسط نیروهای امنیتی در محیط‌های علمی بازداشت شدند. شهاب ریگی نیز از دیگر دانشجویانی بود که به دلیل فعالیت‌های مدنی و اعتراض به کشتار مردم، هدف برخورد قرار گرفت. حسین مدرس خیابانی با امنیتی کردن فضای دانشگاه‌ها، حقوق تحصیلی و آزادی بیان قشر تحصیل‌کرده استان را به شدت تضییع کرد. بازداشت دانشجویان در چابهار بخشی از نقشه وسیع‌تر برای قطع ارتباط میان معترضان خیابانی و بدنه آکادمیک جامعه بلوچستان بود. این مقام مسئول با سکوت در برابر ورود نیروهای مسلح به حریم دانشگاه، استقلال این نهادها را به طور کامل از بین برد. بسیاری از بازداشت‌شدگان دانشگاهی برای ماه‌ها تحت بازجویی‌های شدید و فشارهای روانی در بازداشتگاه‌های غیراستاندارد قرار داشتند تا اعترافات اجباری بگیرند. این رویکرد حذفی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به سرمایه انسانی استان وارد کرد و منجر به افزایش خشم و انزجار عمومی گردید. استاندار با استفاده از ابزارهای نظارتی، مسیری را انتخاب کرد که در آن تفکر و نقد به عنوان جرم امنیتی تلقی می‌شد. وی مسئولیت قانونی تمامی این برخوردها و عواقب ناشی از آن برای آینده علمی منطقه را بر عهده دارد.

جایگاه حسین مدرس خیابانی در ساختار قدرت

در دوران استانداری او نقطه عطف نقض حقوق بشر است. او به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی استان، هماهنگ‌کننده اصلی میان نهادهای نظامی، امنیتی و قضایی برای اجرای طرح‌های سرکوبگرانه محسوب می‌شد. حسین مدرس خیابانی با تکیه بر این جایگاه، دستورات شورای عالی امنیت ملی را با قساوت تمام در سطح استان عملیاتی کرد. حضور وی در راس قدرت محلی، زمینه‌ساز وقوع فجایعی شد که منجر به سلب حق حیات از ده‌ها شهروند بلوچ گردید. او پس از پایان دوره استانداری نیز در مناصب اقتصادی مهم به فعالیت خود ادامه داد که نشان از رضایت حاکمیت دارد. کارنامه وی در سیستان و بلوچستان همواره به عنوان نمونه‌ای از مدیریت بحران با استفاده از ابزار گلوله و زندان شناخته می‌شود. این سوابق نشان می‌دهد که وی مهره‌ای کلیدی در پیشبرد اهداف امنیتی و تضییع حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی است. وی با آگاهی کامل از عواقب تصمیمات خود، فرمان سرکوب مردمی را صادر کرد که تنها خواستار عدالت و کرامت بودند.

سوابق سرکوب حسین مدرس خیابانی

حسین مدرس خیابانی پیش از تکیه بر صندلی استانداری، مناصب متعددی را در بدنه حاکمیت تجربه کرده که سوابق وی به شرح زیر است :

قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بازرگانی

سرپرست وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت)

استاندار سیستان و بلوچستان و رئیس شورای تامین استان (۲۱ شهریور ۱۴۰۰ تا ۴ دی ۱۴۰۱)

لازم به ذکر است که انتصاب وی به عنوان استاندار با واکنش های منفی بسیاری از سوی نمایندگان و فعالان شفافیت روبرو شد. احمد توکلی وی را به دلیل دریافت حقوق های غیرمتعارف، با صفت «نجومی خوار» توصیف کرده و خواستار بازنگری در انتصاب وی شده بود. با این حال، وی با حمایت های سیاسی به قدرت رسید تا یکی از خونین ترین دوران های تاریخ معاصر زاهدان را رقم بزند.

فهرست قربانیان فردی و گروهی جنایات تحت مسئولیت استاندار

نام های زیر تنها بخشی از قربانیان پرشمار دوران مسئولیت حسین مدرس خیابانی در سیستان و بلوچستان هستند: عبدالملک شه بخش عبدالرحمن بلوچی خواه عبدالصمد براهویی ابوبکر نهتانی احمد شه بخش علی عاقلی امین الله قلجانی بلال انشینی حمید نارویی خلیل قنبرزهی تنها محمود براهویی منصور رخشانی محمدعلی گمشادزهی محمد براهویی محمد ریگی موسی نهتانی عمران شه بخش سامی هاشمزه یی یاسر شه بخش یونس نارویی محمد قلجایی عبدالغفور دهمرده عبدالجلیل رخشانی عبدالله نارویی عبدالمنان رخشانی احمد سرگلزایی علی اکبر براهویی علی اکبر حلقه بگوش امین گله بچه امیرحمزه شهنوازی بلال رخشانی ابراهیم گرگیج اسماعیل آبیل حمید عیسی زهی خلیل قنبرزهی خلیل محمدزهی لال محمد انشینی محمود شهنوازی مجید بلوچزهی شه بخش محمدعلی اسماعیل زهی محمدفاروق رخشانی محمدرضا ادیب توتازهی محسن گمشادزهی امید شهنوازی سعید گرگیج سدید کاشانی سلیمان عرب گنگوزهی ریگی مهدی انشینی عبدالغفور نوربراهویی عبدالخالق شهنوازی عبدالصمد ثابتی زاده ابوبکر عزیزهی امیرمحمد گمشادزهی عزیزالله کبدانی بهزاد ریگی فرزاد شه بخش غلام نبی نوتیزهی حمزه نارویی خلیل رخشانی حیدر نارویی رشید لال محمد عالی زهی متین قنبرزهی محمدعمر شهنوازی عبدالمجید ریگی محمدصدیق نارویی نجم الدین تاجیک نعمت الله کبدانی عمران حسن زهی صلاح الدین گمشادزهی محمد رخشانی جواد پوشه محمدامین گمشادزهی محمداقبال نایبزه یی شهنوازی امید صفرزهی امید سارانی سامر هاشمزه یی یاسر شاهوزهی علی براهویی دانیال شه بخش عبدالله شه بخش خدانور لجه ای سلمان ملکی جمال عبدالناصر محمدحسنی آرمان حسن زهی ذوالفقار حسن زهی محمود حسن زهی عبدالناصر گرگیج عبدالرئوف ریگی منصور دهمرده عبدالوحید کبدانی علی احمدی بریچی علی اکبر ریگی علی رخشانی آزاد علیرضا سالارزهی عارف کبدانی عرفان شه بخش فرشید حسن زهی فرشید نوتانی فرزاد نارویی فرزاد نظام دوست غلام رسول گرگیج حامد کبدانی مالک کبدانی محمد رخشانی آزاد محمدرضا نارویی نظام الدین هوت نورمحمد ریگی عمر ریگی عمران ریگی رحیم براهویی سعید کاشانی سعید ریگی سلمان ریگی، شهاب شعبی شعبی سلحشور برنا سهیل شه بخش یاسین میرکازهی یونس ریگی یوسف شاهوزهی اسماعیل شه بخش بهرام رشیدنسب سینا دهواری عبدالله میربلوچزهی محمدمبین امین بیگی عبدالملک نارویی اسماعیل زین الدینی فرامرز

جمشیدزهی حامد رئیسی حمید کریمزایی حسین هوت ایمان اکوان خالد براهویی مهدی علیپور مبین حسین زهی مبین میرکازهی عبدالله هیبتان پارمیس همنوا رحیم داد شهلای بر سعادت سرپرست شاه سعید ارژنگ مریم هاشمزهی آیدا تقی پور فضل الرحمان ریگی مبین بلوچ آرزو رئیسی بلال عیسی زهی عبدالوحد توحید نیا مصطفی بریچی محی الدین شه بخش موسی دوبراء افشین شه بخش امیرحمزه براهویی آصف گرگیچ ایوب شه بخش بادل ریگی بهزاد حسن زهی بلال نارویی حامد باجی زهی یاسر نارویی ابراهیم ریگی ابراهیم شیبیک الیاس میرکازهی اسماعیل گمشادزهی اسماعیل گرگیچ اسماعیل نورزهی فائزه براهویی حامد رخشانی حسین کاشانی ایرج طوقی جمشید حسن زهی جمشید هرمزی امید نارویی ماه الدین شیروزهی امید حسن زهی رؤف ریگی رضا ریگی زکریا جمالزهی زکریا سنجرانی عادل کوچکزایی عبدالرحیم گرگیچ عبدالله رحمانی مسلم باران زهی جاسم شه بخش عماد شه بخش محمد شه بخش نیا مریم سالارزهی معصومه علیزهی یاسمن سعیدی سعید عزتی نادر آسکانی جعفر زومکزهی محمد زین الدینی احمد خزانه دار عبدالباسط ریگی عبدالملک شهنوازی علی خاشی علی کرد کلاهوری عظیم محمودزهی اسماعیل شهنوازی کیومرث شهنوازی مهرشاد میربلوچ زهی مهرشاد تلاتوف معین ریگی عمران میربلوچ زهی اویس قلندرزهی کامبیز ریگی صادق آرامش سعید سهراب زهی شهریار یادگاری یاسر بهادرزهی یونس قلندرزهی یونس سلحشوران جلیل هوت حامد بلوچ مرادانی سارا بلوچ سارا رئیسی سالم جدگال سالم دگال سجاد دهقانی طارق جنگی زهی عایشه بلوچ عبدالملک حملی عبدالمالک دوستی عفسان ملازهی فاطمه بلوچ فرهاد جدگال فرهاد هوت ماجد درزاده محمود جدگال منصور هوت نعیم اربابی نگین محتشمی

قربانیان گروهی شامل شهروندان استان سیستان و بلوچستان، معترضان سال ۱۴۰۱، مسلمانان اهل سنت و فعالان اتنیکی هستند

مرزیه ، محمد



مرزیه، دادستان پیشین استان سیستان و بلوچستان در نقض گسترده حقوق شهروندان نقش مستقیم داشته است. این شامل حق آزادی بیان، حقوق اجتماعی، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و حق حیات می‌شود. مرزیه در مقام دادستان سیستان و بلوچستان، در تضییع حقوق و آزادی‌های اجتماعی مشارکت مستقیم داشت

مهر ۱۳۹۵، مرزیه از تشکیل پرونده و بازداشت ۱۱ نفر خبر داد. اتهام این افراد «مدلینگ سازمان‌یافته» بود. به گفته محمد مرزیه، آنها تصاویر مدلینگ خود را در فضای مجازی منتشر می‌کردند

مرزیه نقش مهمی در محاکمه سخی ریگی، وبلاگ‌نویس، در سال ۱۳۸۸ ایفا کرد. سخی ریگی به اتهام «محاربه از طریق همکاری با گروه جن‌الله» بازداشت شد. دادگاه او را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. گزارش‌ها نشان می‌دهد مدرکی دال بر ارتباط او با این گروه وجود نداشت. دلیل محکومیت وی، اعترافات اجباری تحت شکنجه بود. این اقدامات زیر نظر محمد مرزیه انجام شد

محمد مرزیه همچنین در نقض مستقیم حیات انسانی مشارکت داشته است. او به عنوان دادستان سیستان و بلوچستان، مسئول صدور و اجرای احکام اعدام بود. این مسئولیت شامل احکام صادر شده بر اساس کیفرخواست دادستانی نیز می‌شود. واحدهای اجرای احکام کیفری تحت نظارت دادستانی فعالیت می‌کنند. این روند، مستقیماً زیر نظر محمد مرزیه صورت می‌گرفت

بر اساس گزارش‌ها، در دوران مسئولیت مرزیه در دادستانی سیستان و بلوچستان، دستکم ۵۳ زندانی اعدام شدند. ۱۰ نفر از این زندانیان به جرایم مواد مخدر متهم بودند. ۴ زندانی به اتهام قتل عمد و ۳۹ نفر نیز به اتهام اقدام علیه امنیت ملی اعدام شدند. نقش مرزیه در صدور و اجرای این احکام، به‌ویژه اعدام‌های دسته‌جمعی، انکارناپذیر است

مرزیه بهمن ۱۳۸۹، شخصاً درخواست اعدام چهار متهم را اعلام کرده بود. این متهمان در حمله تروریستی آن سال در محرم دست داشتند. حکم اعدام سه نفر از آنها مهر ۱۳۹۱ به اجرا درآمد. این احکام بر اساس کیفرخواست صادره از سوی دادستانی صادر شده بود

دادگستری و دادستانی سیستان و بلوچستان آبان ۱۳۹۲، ۱۶ زندانی بلوچ را اعدام کردند. این اقدام انتقام‌جویانه و در تلافی درگیری مسلحانه با مأموران انتظامی بود. مرزیه این اعدام‌ها را تأیید کرد. او اعلام داشت این پاسخ به «شهادت مرزبانان سراوان» است. محمد مرزیه بر اجرای سیاست «مقابله به مثل» تأکید کرده بود

دادستانی سیستان و بلوچستان، بهمن همان سال (۱۳۹۲)، ۱۵ زندانی بلوچ را اعدام کرد. این اعدام‌ها دسته‌جمعی و مخفیانه در زندان چابهار صورت گرفت. گزارش‌ها حاکی از اتهامات سیاسی-امنیتی این افراد است. محمد مرزیه مسئول مستقیم این اعدام‌ها شناخته می‌شود

پرونده‌سازی و اعدام عبدالقدوس ملازهی (فروردین ۱۳۸۷)، صلاح الدین سیدی (اسفند ۱۳۸۷) و یعقوب مهرنهاد (مرداد ۱۳۸۷) نیز نقش محمد مرزیه را نشان می‌دهد. ملازهی و سیدی، دو روحانی بلوچ، با همکاری کامل دادستانی بازداشت و اعدام شدند. آنها به شدت شکنجه شدند تا اعتراف اجباری کنند. این دو روحانی در دادگاهی ناعادلانه و بدون وکیل، به اعدام محکوم گشتند. اتهام آنها «اخلال در امنیت اجتماعی از طریق ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی» بود

مرزیه از مدافعان و طرفداران حکم اعدام است. او شهریور ۱۳۹۲ پس از جلسه دادگاه فتحی محمد نقشبندی، به متهمان گفت: «بدون شک عده‌ای از شما اعدام خواهید شد.» این نشان‌دهنده نگرش مرزیه به این احکام است

در آذر ۱۳۹۵، مرزیه در مقام قاضی دادگاه، حکم اعدام حسن دھواری و الیاس قلندرزی را صادر کرد. اتهام آنها «محاربه» بود. این دو شهروند مدعی بودند به دلیل فعالیت سیاسی اقوامشان گروگان بازداشت شده‌اند. آنها تحت شکنجه، مجبور به اعترافات اجباری شدند. طبق اظهاراتشان، نیروهای سپاه آنها را به محل درگیری برده بودند. با تهدید به اعدام صحرایی، خواستار تسلیم شدن بستگانشان شدند

این دو شهروند بلوچ در «رنج‌نامه» خود نوشتند: آخرین جلسه دادگاه آنها آذر ۱۳۹۵ برگزار شد. محمد مرزیه پس از شهادت آنها و رد اتهامات، با خنده گفت: «حقتان بوده است.» مرزیه شخصاً به آنها گفت: «من از محل دستگیری شما خبر دارم و کاملاً مطمئن هستم که شما بی‌گناهیید. اما تا زمانی که برادر و پسر عمو و دایی‌های الیاس، فعالان سیاسی، خود را تسلیم نکنند، شما گروگان ما هستید. اگر خودشان را تحویل ندهند، شما را به جای آنها اعدام می‌کنیم

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر محمد مرزیه عبارتند از:

فروردین ۱۳۸۶ تا آذر ۱۳۹۵: دادستان عمومی و انقلاب استان سیستان و بلوچستان

از آذر ۱۳۹۵: قاضی در دادگاه زاهدان

برخی از قربانیان جنایات و نقض حقوق بشر محمد مرزیه شامل:

حسن دھواری

یعقوب میرنهاد

الیاس قلندرزی

مشکباریان ، امیر حسین



بسیجی مزدور که در خیابان فرمانداری نورآباد ممسنی به سوی مردم تیراندازی کرده است.

مطهری ، یوسف



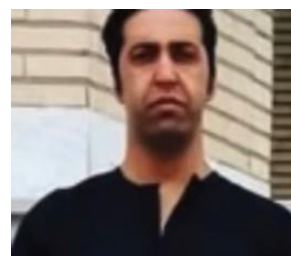
مزدور جنایتکار یوسف مطهری (موسوی) از مسئولین وزارت اطلاعات و فرمانده سرکوبگران در شهر گرگان است که در کارنامه اش شکنجه و به قتل رساندن تعدادی از معترضین گرگان در قیام ملی دیماه 2584 وجود دارد.

مظفری ، علیرضا



در حوزه ۶ ابوزر، ناحیه بقیةالله شیراز فعالیت داشته و در سرکوب و بازداشت جوانان در جریان خیزش ملی نقش داشته است. همچنین ادعا شده در تیراندازی مستقیم به سوی معترضان در شیراز مشارکت داشته که به کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان انجامیده است.

ملکی ، اکبر



مزدور بسیجی و مدرس ورزشهای رزمی در سپاه است. از شاگردان شارلاتان بزرگتری بنام مصطفی دهقانیان در کرج است که سالها با دروغ و کُلك خودش را استاد کونگ فو معرفی کرده و چنین مزدورانی مانند خودش رو تربیت کرده است. این افراد مانند مصطفی دهقانیان و محسن ترکمن و معین الدین لق لق و غیره در خدمت سپاه و سرکوب مردم عمل می کنند.

ملکی ، پویا



معروف به «حاجی پویا»، از فرماندهان اطلاعات عملیات گردان امام علی کرمانشاه و از نزدیکان حاجی طالبی است. او ارتباطی تنگاتنگ با پسران حاجی طالبی دارد و از مهره‌های اصلی سرکوب در کرمانشاه به شمار می‌رود.

ملکی ، علی



مزدور بسیجی علی ملکی خبرچین سپاه پاسداران در شهرک صادقیه کرمانشاه که نقش کلیدی در شناسائی و دستگیری معترضان قیام ملی دیماه 2584 داشته است.

منصفی ، محمد حسین و محمد رضا



دو برادر مزدور بسیجی و از خبر چینان اطلاعات سپاه در کرمان .
آدرس محل کار: کرمان، خیابان ۲۴ آذر، نیش کوچه دهم
هر دو مزدور بسیجی، سابقه لو دادن تعداد زیادی از مبارزان کرمانی به اطلاعات سپاه را دارند.

موسویان ، سید محمد



سید محمد موسویان در مقام دادستان اصفهان، مسئولیت مستقیم صدور کیفرخواست‌های منجر به اعدام، بازداشت‌های گسترده معترضان و اجرای مجازات‌های تحقیرآمیز را بر عهده دارد. وی با هدایت دستگاه

قضایی استان، نقش کلیدی در سرکوب جنبش‌های اجتماعی، فعالان مدنی و اقلیت‌های مذهبی ایفا نموده است

سید محمد موسویان به عنوان دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اصفهان، در تمامی مراحل دادرسی و اجرای احکام سالب حیات نقش اول را ایفا می‌کند. وی در دوران مسئولیت خود، مسئولیت مستقیم تمام اعدام‌های اجرا شده و کیفرخواست‌های صادر شده توسط این دادستانی را بر عهده دارد. سید محمد موسویان در جریان بازداشت‌ها و سرکوب‌های پیش و پس از جنبش اعتراضی اواخر تابستان ۱۴۰۱ عاملیت مستقیم داشته است. اعتراضات گسترده مردمی در هفته آخر شهریور ۱۴۰۱ با جان‌باختن مهسا امینی آغاز شد و ابعادی وسیع به خود گرفت. این اعتراضات در بسیاری از نقاط با برخورد شدید نیروهای امنیتی سرکوب شد که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها شهروند گردید. در جریان این وقایع، شهروندان بسیاری در اصفهان بازداشت شدند که سید محمد موسویان به عنوان مدعی‌العموم، پرونده‌های آن‌ها را هدایت می‌کرد. از جمله بازداشت‌شدگان می‌توان به حسین یزدی، سمیه مسرور، آریا جعفری، پروا بهداد، حمید رحمتی و ایرج توبه‌ای‌ها اشاره کرد. همچنین فعالانی چون رزا اعتمادی انصاری، فیروزه خرده‌چی، احسان بابامیر و ارغوان سلجوقیان در این دوران دستگیر شدند. سید محمد موسویان با تایید بازداشت این افراد، روند دادرسی‌های ناعادلانه را در دادرسی اصفهان کلید زد. اسامی دیگری نظیر افشین فرشاد، امیر نصرآزادانی، آبتین شریفی و پردیس یزدانی نیز در فهرست قربانیان این بازداشت‌ها قرار دارند. این مقام قضایی با تکیه بر جایگاه خود، مسیر سرکوب صنف‌های مختلف از جمله روزنامه‌نگاران و هنرمندان را هموار کرد.

دامنه اقدامات قضایی سید محمد موسویان تنها به بزرگسالان محدود نشد و کودکان نیز در اصفهان مشمول این برخوردهای قهری گشتند. دانیال جمشیدی دورکی و محمدرضا علی صادقی دو کودکی بودند که در جریان این سرکوب‌ها بازداشت شدند. سید محمد موسویان همچنین مسئولیت بازداشت گسترده دانشجویان توسط نیروهای امنیتی و انتظامی را بر عهده دارد. دانشجویانی نظیر محمدمهدی خسروی، رضا رشیدی، محسن ابولی‌نسب و ضحی عیدی از جمله این قربانیان هستند. افرادی چون محمدعارف رنجبر، احسان کریمی، زینب نصیری و محمدجواد قاسمی نیز با دستورات قضایی این دادستانی دستگیر شدند. سید محمد موسویان در پرونده‌های دانشجویی، اتهامات سنگینی را علیه محمد اکبرالسادات، سعید صالحی، علی جلالی و فاطمه عرفانیان مطرح کرد. علی مومنی، فهیمه سلطانی، فاطمه نائیبیان، اسما گنجی‌زاده و یونس مشایخی نیز هدف این برخوردهای امنیتی قرار گرفتند. علاوه بر این، شهروندان بهائی ساکن اصفهان مانند المیرا رحمانی و عنایت‌الله نعیمی نیز تحت تعقیب قرار گرفتند. سید محمد موسویان با تایید اتهامات علیه این اقلیت مذهبی، در نقض حقوق شهروندی آنان مشارکت فعال داشت. عنایت‌الله نعیمی در ۶ مهر ۱۴۰۱ بازداشت شد و لوازم شخصی وی توسط ماموران ضبط گردید. این مقام قضایی با صدور دستور تفتیش منازل و محل کار این شهروندان، فشار بر جامعه بهائی را تشدید کرد. روند بازداشت‌های خودسرانه در اصفهان تحت نظر وی، نشان‌دهنده استراتژی حذف صداها و منتقد در تمامی اقشار جامعه است.

در ۸ آبان ۱۴۰۱، سید محمد موسویان خبر دستگیری توماج صالحی، خواننده معترض را اعلام کرد. وی اتهاماتی چون فعالیت تبلیغی علیه نظام و همکاری با دولت‌های متخاصم را به این هنرمند نسبت داد. همچنین سید محمد موسویان در پرونده وجیهه پری زنگنه، گرافیست بازداشتی، نقش کلیدی در صدور حکم حبس داشت. این شهروند در مرحله بدوی به ۱۵ سال حبس محکوم شد که در نهایت ۶ سال آن تایید گردید. گلدوزی جمله «خون باید گریست» بر لباس، از مصادیق اتهامات وارده علیه این هنرمند در دادسرای تحت نظر او بود. در ۱۹ دی ۱۴۰۱، صالح میرهاشمی، مجید کاظمی و سعید یعقوبی در پرونده «خانه اصفهان» به اعدام محکوم شدند. سید محمد موسویان با صدور کیفرخواست اتهام محاربه، زمینه را برای صدور حکم اعدام و حبس‌های طولانی‌مدت فراهم کرد. در همین پرونده، امیر نصرآزادانی به ۲۶ سال حبس و سهیل جهانگیری به ۲ سال حبس محکوم گشتند. کیفرخواست تمامی این احکام سنگین توسط دادستانی اصفهان به ریاست سید محمد موسویان تنظیم و صادر شده است. حسین یزدی، خبرنگار نیز در ۱۶ بهمن ۱۴۰۱ به یک سال حبس و ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. علی‌محمد نظری‌شیاسی، دانشجو نیز توسط مرجع قضایی به ۵ سال حبس تعزیری محکوم گردید. این دانشجو در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ با ضرب و شتم بازداشت و به زندان دستگرد منتقل شده بود. سید محمد موسویان با تایید این رویه‌ها، استقلال دستگاه قضا را در برابر نهادهای امنیتی قربانی کرده است.

سید محمد موسویان علاوه بر پرونده‌های سیاسی، در اجرای مجازات‌های خشن و غیرانسانی نیز نقش فعالی ایفا کرده است. در ۲۱ خرداد ۱۴۰۱، دو متهم اقتصادی با حکم دادگاه به تحمل ۱۲۰ ضربه شلاق در ملاعام محکوم شدند. این در حالی است که مجازات‌های تحقیرآمیز و نافی کرامت انسانی توسط کنوانسیون‌های بین‌المللی صراحتاً ممنوع شده است. سید محمد موسویان همچنین بر اجرای احکام اعدام مرتبط با جرایم مواد مخدر در زندان دستگرد نظارت دارد. در ۲۹ تیر ۱۴۰۱، حکم اعدام داریوش خزایی و محمود صادقیان در این زندان به مرحله اجرا درآمد. همچنین در ۴ مرداد ۱۴۰۱، غلام نورزهی و جمعه بارکزه‌هی با اتهامات مشابه توسط دستگاه تحت امر وی اعدام شدند. حمیدرضا مردانی در ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ و حسن آقامحمدی در ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ با اتهام قتل اعدام گشتند. سید محمد موسویان به عنوان مدعی‌العموم، اجرای این احکام را در فواصل زمانی کوتاه تایید و پیگیری کرده است. در ۲ آذر ۱۴۰۱، حکم اعدام یک زندانی دیگر و در ۵ آذر همان سال، حکم حسین خیراللهی و صاحب‌رسولی اجرا شد. مولود ملازاده، زندانی زن، در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ و حامد ابراهیمی در ۵ دی ۱۴۰۱ در زندان دستگرد اعدام شدند. سید محمد موسویان با شتاب بخشیدن به اجرای این احکام، حق حیات شهروندان را در موارد متعدد سلب کرده است. این رویه نشان‌دهنده نگاه قهرآمیز وی به مقوله عدالت و اصرار بر استفاده از مجازات‌های مرگبار است.

سید محمد موسویان در راستای اجرای طرح‌های سرکوبگرانه، نظارت بر اماکن عمومی را نیز شدت بخشیده است. در ۵ آذر ۱۴۰۲، شهر کتاب اصفهان به دلیل عدم رعایت حجاب توسط پلیس نظارت بر اماکن پلمب شد. این اقدام تحت حمایت‌های قضایی سید محمد موسویان و در راستای محدود کردن فضاهای فرهنگی صورت گرفته است. همچنین در ۲۵ مهر ۱۴۰۳، محاکمه گروهی ۲۲ شهروند ساکن اصفهان در شعبه اول دادگاه انقلاب آغاز گردید. سید محمد موسویان کیفرخواستی با اتهامات تبلیغ علیه

نظام و عضویت در گروه‌های مخالف امنیت برای آنان صادر کرد. مینا ندایی، روزبه دانا، پویا دانا، مرجان بشتام و هدی صادقی از جمله متهمان این پرونده مشترک هستند. سما عموشاهی، محمدرضا قطبی‌زاده، عرفان میرکاظمی، امیر سالاری و مهشاد کشانی نیز در این دادگاه محاکمه شدند. سید محمد موسویان با تنظیم این پرونده‌های حجیم، به دنبال ایجاد فضای ارباب برای فعالان مدنی است. بهار سلیمانی، مریم پرنده، مریم فرهنگ، پویا طالبیان و شمیم بهارزاده دیگر افرادی هستند که با اتهامات امنیتی روبرو گشتند. این مقام قضایی با تکیه بر گزارش‌های نهادهای امنیتی، حقوق دفاعی متهمان را به شدت محدود کرده است. سید محمد موسویان به عنوان مهره‌ای کلیدی، ماشین سرکوب قضایی را در استان اصفهان هدایت می‌کند. فعالیت‌های وی در این سال‌ها منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر به ساختار حقوقی و اجتماعی این منطقه شده است. استمرار حضور وی در این منصب، به معنای تداوم نقض سیستماتیک حقوق بشر در مرکز ایران است.

در ۶ آبان ۱۴۰۳، جلسه بازپرسی مزدک ملکی، شهروند اصفهانی، در شعبه ۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب این شهر برگزار گردید. سید محمد موسویان به عنوان دادستان، بر روند تفهیم اتهام این شهروند با عناوین سنگینی چون اقدام علیه امنیت ملی نظارت داشته است. بنا بر گزارش‌های موجود، اتهام همکاری با گروه‌های مخالف نظام و دولت متخاصم به قصد براندازی علیه وی مطرح شد. همچنین در ۲۲ آبان ۱۴۰۳، علی معینی و همسرش آوا نصیری توسط شعبه ۱ دادگاه انقلاب اصفهان به حبس محکوم شدند. آقای معینی به ۶ سال و خانم نصیری به ۱ سال حبس تعزیری و ممنوعیت خروج از کشور محکوم گشتند. اتهاماتی نظیر دعوت مردم به جنگ و تبلیغ علیه نظام، بخشی از کیفرخواست‌های صادر شده توسط دستگاه تحت امر وی بود. سید محمد موسویان در ۲۴ آبان ۱۴۰۳ نیز مسئولیت پرونده ۲۲ متهم سیاسی را بر عهده داشت که مجموعاً به ۱۶۱ سال حبس محکوم شدند. سمانه عموشاهی، مرجان بشتام و شمیم بهارزاده از جمله افرادی هستند که در این پرونده با احکام سنگین مواجه گشتند. مینو حیدری، مهشاد کشانی، هدی صادقی و عرفان خلیلیان نیز در فهرست این محکومان قرار دارند. اسامی دیگری چون مهرشاد برجیان، پویا طالبیان و مریم فرهنگ نیز در میان این ۲۲ نفر دیده می‌شود. سید محمد موسویان با تایید این روند، فشار بر فعالان مدنی اصفهان را به اوج خود رسانده است. کیان طالبی، مینا ندایی، روزبه دانا و بهار سلیمانی نیز از دیگر قربانیان این احکام دسته‌جمعی هستند. این مقام قضایی با تنظیم کیفرخواست‌های فله‌ای، حق دادرسی منصفانه را از این شهروندان سلب کرده است.

در ۱۹ آذر ۱۴۰۳، حکم ۱۵ شهروند بهائی ساکن بهارستان توسط شعبه ۳۷ دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان صادر و ابلاغ شد. سید محمد موسویان در تمامی مراحل این پرونده، از بازداشت تا صدور کیفرخواست، نقش محوری در سرکوب این اقلیت مذهبی داشته است. محکومیت مژگان پورشفیغ، نسرین خادمی، آریتا رضوانی‌خواه و شعله آشوری به ۵ سال حبس و جریمه نقدی عیناً تایید گردید. بشری مطهر، سارا شکیب، رویا آزادخوش، نوشین همت و شورانگیز بهامین نیز در میان محکومان این پرونده هستند. ساناز راسته، مریم خورسندی، فرخنده رضوان‌پی و فیروزه راستی‌نژاد نیز با احکام مشابهی روبرو گشتند. سید محمد موسویان همچنین در ۱۱ اسفند ۱۴۰۳، بیتا صادقیان، خواننده را به شعبه ۲۵ دادرسی اصفهان احضار کرد. اتهام این هنرمند جریحه‌دار کردن عفت عمومی و انتشار آثار مبتذل به

وسیله سیستم‌های رایانه‌ای اعلام شده است. این مقام قضایی با استفاده از ابزارهای قانونی، فضای فرهنگی و آزادی مذهبی را در اصفهان به شدت محدود کرده است. در ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، ارشیا روحانی، حمید منزوی و آرش نبوی برای تحمل حبس راهی زندان اصفهان شدند. این شهروندان بهائی پیشتر به ۲ سال حبس و مجازات‌های تکمیلی محکوم شده بودند که تحت نظر وی اجرا شد. سید محمد موسویان با تایید این رویه‌ها، عملاً به بازوی اجرایی نهادهای امنیتی در حذف دگراندیشان تبدیل گشته است. استمرار این برخوردها نشان‌دهنده اراده جدی وی در تضییع حقوق اقلیت‌ها و فعالان حوزه‌های مختلف هنری است.

سید محمد موسویان به عنوان مدعی‌العموم، نظارت دقیقی بر اجرای احکام اعدام در زندان دستگرد اصفهان دارد. در ۱ بهمن ۱۴۰۳، حکم اعدام سعید دیانی که با اتهامات مواد مخدر صادر شده بود، به اجرا درآمد. تداوم این روند در ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ با اعدام عزت حسینی دورکی در همین زندان گزارش شده است. سید محمد موسویان در ۴ اسفند ۱۴۰۳ نیز شاهد اجرای حکم اعدام احمد حنفی و اصغر دهقانی بود. همچنین در ۱۱ اسفند ۱۴۰۳، نسرین بارانی، زن ۲۹ ساله، به اتهام قتل همسر سابقش در زندان اصفهان اعدام شد. این مقام قضایی در ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ نیز حکم اعدام ۳ زندانی دیگر را به مرحله اجرا رساند. محمد توتازهی، عبدالرشید براهویی و روح‌الله پلنگی قربانیان این اعدام‌های دسته‌جمعی در زندان دستگرد بودند. سید محمد موسویان در ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ نیز مسئولیت اجرای حکم محمدنعم دانشی و جعفر قربانی را بر عهده داشت. محمدنعم دانشی پس از ۷ سال بازداشت، در حالی اعدام شد که پدر یک فرزند بود. جعفر قربانی نیز که به اتهام قتل بازداشت شده بود، پس از ۴ سال در این زندان اعدام گشت. علی‌اکبر انصاری در ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ و جابر شه‌کرم‌زهی در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ با نظارت وی اعدام شدند. در ۱۲ خرداد ۱۴۰۴ نیز حبیب الماسی و جبرئیل هاشم‌زاده در یک پرونده مشترک به جوخه اعدام سپرده گشتند. سید محمد موسویان با شتاب بخشیدن به اجرای این احکام، حق حیات شهروندان را به صورت سیستماتیک نقض کرده است.

در ۲۰ خرداد ۱۴۰۴، رئیس کل دادگستری اصفهان از اجرای حکم «قطع ید» دو متهم در زندان دستگرد خبر داد. سید محمد موسویان به عنوان دادستان مرکز استان، تمامی مراحل دادرسی این پرونده را در دادرسی تحت امر خود هدایت کرده است. این مجازات قرون‌وسطایی در حالی اجرا شد که کنوانسیون‌های حقوق بشری صراحتاً این رفتارهای نافی کرامت انسانی را منع کرده‌اند. همچنین در ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴، جلسه دادگاه اکبر دانش سرارودی، فعال سیاسی، با اتهاماتی چون توهین به خامنه‌ای برگزار شد. سید محمد موسویان با صدور کیفرخواست‌هایی مبنی بر تبلیغ علیه نظام، مانع از فعالیت‌های مسالمت‌آمیز سیاسی در این استان شده است. وی با تکیه بر جایگاه قضایی خود، پرونده‌های متعددی را برای روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی اصفهانی تنظیم نموده است. سوابق وی در دادگستری برخوردار و معاونت حقوق عامه، نشان‌دهنده رویکردی امنیتی به مقوله قضاوت در دوران مسئولیت اوست. سید محمد موسویان با تصویب طرح‌های سرکوبگرانه، فضای باز سیاسی و اجتماعی را در قلب ایران به شدت تهدید کرده است. او در قبال تمامی بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌های احتمالی در دوران بازجویی، مسئولیت مستقیم اداری و قانونی دارد. فعالیت‌های وی منجر به ایجاد جو ارعاب و خفقان در

میان شهروندان عادی و منتقدان در اصفهان گشته است. استمرار حضور سید محمد موسویان در این منصب، به معنای نادیده گرفتن استانداردهای جهانی حقوق بشر در ایران است. وی اکنون به عنوان یکی از اصلی‌ترین ناقضان حقوق شهروندی در سطح استان اصفهان شناخته می‌شود.

سوابق سرکوب و قربانیان سید محمد موسویان
رئیس پیشین دادگستری شهرستان برخوار

معاون پیشین حقوق عامه دادستان مرکز استان اصفهان

معاون پیشین قضایی رئیس کل دادگستری استان اصفهان

رئیس پیشین شوراهای حل اختلاف استان اصفهان

دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان اصفهان از ۴ خرداد ۱۴۰۱ تاکنون

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات و نقض حقوق بشر سید محمد موسویان

علی کاظمی، حشمت الله طبرزدی، توماج صالحی، عسل ناصری، علی نصرآبادی، فاطمه فرحان پور، محمدرضا خدایی، مهدی مقدری، المیرا رحمانی، ندا محسنی، عزت الله جعفری، سحر آذرپیرا، جواد آصفی، یونس مشایخی، فاطمه نائیبیان، اسما گنجی زاده، امیرحسین قادری چاشمی، علی محمد نظری، وجیهه پری زنگنه، مجید کاظمی، سهیل جهانگیری، علی محمد نظری شیاسی، داریوش خزایی، محمود صادقیان، غلام نورزهی، جمعه بارکزهی، حمیدرضا مردانی، حسن آقامحمدی، عنایت الله نعیمی، حسین خیراللهی، صاحب رسولی، مولود ملازاده، حامد ابراهیمی، حسین یزدی، سمیه مسرور، آریا جعفری، پروا بهداد، حمید رحمتی، ایرج توبه ایها، رزا اعتمادی انصاری، فیروزه (زهرا) خرده چی، احسان بابامیر، ارغوان سلجوقیان، افشین فرشاد، امیر نصرآزادانی، آبتین شریفی، پردیس یزدانی، پری زنگنه، دانیال جمشیدی دورکی، محمدرضا علی صادقی، محمد مهدی خسروی، رضا رشیدی، محسن ابولی نسب، ضحی عبدی، محمدعارف رنجبر، احسان کریمی، زینب نصیری، محمدجواد قاسمی، محمد اکبرالسادات، سعید صالحی، علی جلالی، فاطمه (کاملیا) عرفانیان، علی مومنی، فهیمه سلطانی، سعید یعقوبی، صالح میرهاشمی، سجاد کشاورزیان، شکیبا سعادت، عارف جنتیان

قربانیان گروهی شامل جامعه بهائیان ایران، روزنامه نگاران در ایران، شهروندان عادی شهرستان اصفهان، معترضان اعتراضات تابستان و پاییز ۱۴۰۱ در شهرستان اصفهان، جامعه بهائیان اصفهان می‌باشند.

موسوی ، سید رضا

سیدرضا جواد موسوی، قاضی و رئیس پیشین شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان و سپس مستشار شعبه دوم دادگاه انقلاب یزد، مستقیماً در نقض حق حیات و آزادی‌های مدنی مشارکت داشته است. عملکرد سیدرضا جواد موسوی شامل صدور حکم اعدام، زندان‌های طولانی برای بهائیان و اتکا به اعترافات اجباری تحت شکنجه می‌باشد

سوابق سرکوب سیدرضا جواد موسوی

دستکم از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹: قاضی و رئیس شعبه اول و دوم دادگاه انقلاب اسلامی زاهدان در استان سیستان و بلوچستان

تا نامعلوم: قاضی مستشار شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی یزد ۱۳۹۹

نقض حق حیات و صدور احکام اعدام در زاهدان

سیدرضا جواد موسوی به عنوان قاضی و رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان، در نقض حق حیات شهروندان مشارکت مستقیم داشته است. احکام صادر شده در زمان ریاست سیدرضا جواد موسوی اغلب بر پایه اعترافات اجباری متهمان بوده است

محکومیت با اعتراف اجباری: در خرداد ۱۳۹۶، دادگاه انقلاب زاهدان به قضاوت سیدرضا جواد موسوی، پنج شهروند بلوچ را محاکمه کرد. آنها به اتهام «محاربه از طریق حمله مسلحانه به پلیس» متهم شدند. حکم اعدام جاوید دهقان صادر شد و چهار نفر دیگر به ۱۵ سال زندان محکوم شدند

اسامی محکومان: محمود کلکلی، امید ایمانی، عبدالحمید بلوچ و علیرضا بمپوری هر کدام به ۱۵ سال زندان محکوم شدند. جاوید دهقان نیز به اعدام محکوم شد

شکنجه برای اعتراف: صدور این احکام بر پایه اعترافات اجباری اخذ شده از طریق شکنجه و آزار بوده است. این شکنجه‌ها شامل «عریان شدن اجباری، تحمل ضربات شلاق و در معرض توهین و تحقیر شدید قرار گرفتن» گزارش شده است. حکم اعدام صادر شده برای جاوید دهقان در بهمن ماه ۱۳۹۹ به اجرا درآمد

اعدام به دلیل قاچاق مواد مخدر: سیدرضا جواد موسوی همچنین مهربان براهویی، شهروند اهل زاهدان، را به اتهام قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم کرد. اتهام منتسب به وی به دلیل پیداشدن مواد مخدری بوده که یک مسافر در خودروی مسافرکشی او گذاشته بود. مهربان براهویی بدون هیچ‌گونه سابقه کیفری توسط قاضی سیدرضا جواد موسوی به اعدام محکوم شد. حکم اعدام مهربان براهویی در آذر ماه ۱۳۹۹، زمانی که او ۶۰ سال داشت، اجرا شد

صدور حکم‌های سنگین دیگر: شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان به ریاست قاضی سیدرضا جواد موسوی، در مرداد ۱۳۹۶، چهار شهروند بلوچ را محاکمه کرد. اتهام آنها «محاربه و اقدام علیه امنیت ملی» بود. سه نفر از آنان شامل ابوبکر رستمی، سجاد بلوچ و دنزو چاکری به اعدام و عزیز جلالی به ۲۵ سال زندان محکوم شدند

نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی (بهائیان) در یزد

سیدرضا جواد موسوی در مقام قاضی مستشار شعبه دوم دادگاه انقلاب یزد، در نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ساکن این شهر مشارکت مستقیم داشته است. او شماری از پیروان بهائی ساکن یزد را صرفاً به دلیل گرایش مذهبی‌شان محاکمه و به مجازات محکوم کرده است

محکومیت شهروندان بهائی: شعبه دوم دادگاه انقلاب یزد به مستشاری سیدرضا جواد موسوی، در تیر ماه ۱۴۰۰، چهار شهروند بهائی ساکن این شهر را محاکمه کرد. این چهار نفر شامل امین ذوالفقاری، محبوبه میثاقیان، میترا امیرآبادی و هیوا یزدان مهدی‌آبادی بودند

اتهامات واهی: این شهروندان به اتهام واهی «عضویت در گروه‌های مخالف نظام و تبلیغ علیه نظام» محاکمه شدند

احکام زندان: هر یک از این افراد به ۳ سال و ۴ ماه زندان محکوم شدند

برخی از قربانیان سرکوب و نقض حقوق بشر سیدرضا جواد موسوی عبارت از:

جاوید دهقان خلد

امین ذوالفقاری

محبوبه میثاقیان

میترا امیرآبادی

هیوا یزدان مهدی‌آبادی

مهربان براهویی

محمود کلکلی

امید ایمانی

عبدالحمید بلوچ

علیرضا بمپوری

ابوبکر رستمی

سجاد بلوچ

دنزو چاکری

عزیز جلالی

مومنی ، حجت الله



بردار حمید مومنی، کسی که در ۱۸ و ۱۹ دی ماه با برادر خود در گلپایگان و یزدانشهر و اصفهان، به روی مردم آتش گشود.

آدرس: گوگد-خیابان امام حسن مجتبی نرسیده به ارگ تاریخی گوگد-طبقه دوم
آدرس محل کار: شرکت بهران موتور گلپایگان

مومنی ، حمید



مزدور بسیجی حمید مومنی در گلپایگان که به همراه برادر جنایتکارش حجت الله مومنی در کشتار هولناک دیماه 2584 در یزدان شهر و گلپایگان نقش فعالی داشت. آدرس : کاظم آباد، پارک جنگلی گلپایگان . محل کار : شرکت بهران موتور گلپایگان

مهدیان نسب ، محمد



سرتیپ دوم پاسدار محمد مهدیان نسب در مقام فرماندهی انتظامی پیشین استان های همدان و لرستان، نقش مستقیمی در نقض حقوق اساسی شهروندان ایفا کرده است. اقدامات تحت فرماندهی او شامل بازداشت های فله ای به دلیل روزمخواری علنی، برخورد با آزادی بیان و سرکوب شدید اعتراضات سراسری بوده اند

محمد مهدیان نسب در جایگاه فرمانده انتظامی استان لرستان در نقض حق آزادی بیان، حق آزادی و حقوق اجتماعی شهروندان این استان مشارکت فعال داشته است. به عنوان مثال، پلیس لرستان در اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ از پلمب ۲۸۴ واحد صنفی خبر داد

همچنین ۶۴ شهروند به دلیل آنچه «روزمخواری و هتک حرمت ماه رمضان» خوانده شد، بازداشت شدند. پیش از آن، در اردیبهشت ۱۳۹۸ نیز پلیس لرستان برخورد قاطع با روزمخواران را اعلام کرده بود

در همین زمینه، محمد مهدیان نسب با تهدید شهروندان هشدار داده بود که «پلیس با روزمخواری و هرگونه هنجارشکنی در ملاء عام در ماه مبارک رمضان برخورد می‌کند.» او اظهار داشت: «تظاهر به روزمخواری خلاف مقررات است.» وی افزود: «هرگونه هنجارشکنی و تظاهر به روزمخواری خط قرمز پلیس در ماه مبارک رمضان است»

پلیس لرستان همچنین در دی ماه ۱۳۹۸، ۳ شهروند را تنها به دلیل انتشار اخبار دستگیر کرد. اتهام آن‌ها «تحریک و تشویش اذهان عمومی» اعلام شده بود. به گفته محمد مهدیان نسب، «مأموران پلیس امنیت عمومی استان با اشراف اطلاعاتی و پایش فضای مجازی» اقدام کردند. وی گفت: «۳ نفر عامل انتشار اخبار به قصد بر هم زدن امنیت روانی مردم، تجمع و تشویش اذهان عمومی در فضای مجازی شناسایی و در یک اقدام عملیاتی در شهرستان ازنا دستگیر شدند.» این اقدامات نشان‌دهنده مسئولیت وی در تحدید حقوق و آزادی‌های شهروندی است

بازداشت هنرمندان خیابانی و برخورد با روزمخواری در همدان
محمد مهدیان نسب در زمان فرماندهی پیشین انتظامی استان همدان نیز در برابر نقض حقوق شهروندان توسط مأموران تحت فرمان خود مسئول بود. به عنوان نمونه، پلیس همدان در فروردین ۱۳۹۶ دو مسافر را که در تعطیلات نوروزی به همدان سفر کرده بودند، بازداشت کرد. دلیل بازداشت آن‌ها خوانندگی در پیاده‌رو و اقدام به «هنجارشکنی» اعلام شد. علاوه بر این دو مسافر، سه گروه دیگر نیز به اتهام مشابه خوانندگی و نوازندگی خیابانی در ایام نوروز بازداشت شدند. اتهام آن‌ها «مطربی و هنجارشکنی» عنوان شده بود

پلیس همدان در دوران فرماندهی مهدیان نسب، همچنین شهروندانی را که به گفته پلیس اقدام به روزمخواری در ماه رمضان می‌کردند، بازداشت می‌کرد. در همین راستا، مهدیان نسب خود در خرداد ۱۳۹۵ از بازداشت ۷۴ نفر به دلیل روزمخواری خبر داد. به گفته او، همه این افراد پس از تشکیل پرونده به دستگاه قضایی معرفی شدند

پیش از آن نیز در خرداد ۱۳۹۴، مهدیان نسب با تهدید شهروندان هشدار داده بود. او اعلام کرد که پلیس با روزمخواران برخورد قاطع خواهد کرد. به گفته وی، پلیس همدان در ماه رمضان سال ۱۳۹۳ بیش از ۱۳۰ شهروند را به دلیل روزمخواری در ملاء عام بازداشت کرده بود. این آمار بالا از بازداشت‌ها، نشان‌دهنده سیاست سختگیرانه و محدودکننده حقوق فردی در دوران مسئولیت او است

مشارکت مستقیم در سرکوب اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در لرستان
محمد مهدیان نسب در مقام فرمانده وقت نیروی انتظامی استان لرستان، مشارکت مستقیمی در نقض فاحش و گسترده حق اعتراض شهروندان در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ داشته است

در همین زمینه، مهدیان نسب خود در آبان ۱۳۹۸ بازداشت شماری از شهروندان مشارکت‌کننده در اعتراضات را تأیید کرد. وی بازداشت‌شدگان را «اشرار و آشوبگران و اراذل و اوباش» خواند. او گفت:

«کسانی که در این چند روز آشوب کرده‌اند توسط عزیزان ما در نیروی انتظامی و دیگر نهادهای امنیتی دستگیر شده‌اند.» فرمانده وقت انتظامی لرستان همچنین هشدار داد که دیگر شهروندان مشارکت‌کننده در اعتراضات نیز توسط پلیس شناسایی و دستگیر خواهند شد

در پی این هشدار، پلیس لرستان در آذر ماه همان سال ۲۲ شهروند را به دلیل مشارکت در اعتراضات بازداشت کرد. محمد مهدیان‌نسب این شهروندان را «عامل اصلی اغتشاش» خواند و گفت: «مأموران با کار اطلاعاتی و تحقیقات گسترده ۲۲ نفر از عوامل اصلی اغتشاشات (لیدر) را شناسایی و طی عملیات‌های غافلگیرانه آن‌ها را در سطح استان دستگیر کردند

به گفته او، «متهمین به جرم خود اعتراف و با تشکیل پرونده به مراجع ذیصلاح معرفی شدند.» بر اساس گزارش‌های منتشر شده، دستکم ۳۰۰ نفر از شهروندان در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ و پس از آن در استان لرستان توسط نیروهای انتظامی و امنیتی دستگیر شدند. این اقدامات تحت فرماندهی مهدیان‌نسب، نقض گسترده حق اعتراض را در پی داشت

سوابق و مناصب محمد مهدیان‌نسب که در نقض حقوق بشر و سرکوب نقش داشته، به شرح زیر است :

معاون انتظامی فرماندهی انتظامی استان همدان

رئیس پلیس پیشگیری فرماندهی انتظامی استان همدان

جانشین فرمانده انتظامی استان همدان

فرمانده انتظامی استان همدان (مرداد ۱۳۹۲ – شهریور ۱۳۹۶)

فرمانده انتظامی استان لرستان (شهریور ۱۳۹۶ – اردیبهشت ۱۴۰۰)

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر محمد عزیزی عبارتند از:

معترضان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ و مردم استان‌های همدان و لرستان

میرزائی ، علی بخش



مزدور بسیجی علی بخش میرزایی، رییس پایگاه بسیج روستای برفجین همدان و مسئول هسته گزینش آموزش پرورش در همدان (سرکوبگر و قاتل).

نادری طیب

طیب نادری در مناصب کلیدی مدیریتی در زندان‌های غرب کشور، به‌ویژه در مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران، با عدم رعایت حقوق زندانیان و بی‌توجهی به تفکیک جرائم و رسیدگی پزشکی، در نقض فاحش حقوق بشر و زمینه‌سازی برای شکنجه و مرگ زندانیان مشارکت داشته است

سوابق سرکوب طیب نادری

تا ۱۸ مهر ۱۴۰۰: رئیس زندان مریوان

از ۲۲ مهر ۱۴۰۰ تا ۱۴ مرداد ۱۴۰۳: رئیس مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران

بی‌توجهی طیب نادری به حقوق اولیه زندانیان و اصل تفکیک جرائم

طیب نادری به‌عنوان رئیس مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران، حقوق زندانیان را رعایت نکرده است. وی با عدم رعایت حقوق آنان، اصل تفکیک جرائم و همچنین عدم رسیدگی پزشکی مناسب، موجبات شکنجه و مرگ زندانیان را فراهم کرده است

سالار صدیق همدانی، زندانی سیاسی، از زندان ارومیه به این مجتمع منتقل شد. وی در اعتراض به این انتقال و عدم رعایت اصل تفکیک جرائم، از ۱۳ دی ماه ۱۴۰۰ دست به اعتصاب غذا زد. دلیل اعتصاب او، نگهداری در کنار زندانیانی بود که مواد مخدر مصرف می‌کردند. اعتصاب غذای وی با وعده مساعد مسئولان مجتمع خاتمه یافت. با این حال، در ۱۴ بهمن ۱۴۰۰، به دلیل عدم تحقق وعده‌ها، از جمله جداسازی زندانیان و انتقال او به زندان سنندج، اعتصاب غذا را از سر گرفت. سالار صدیق همدانی مجدداً در تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۴۰۰ با وعده مساعد مسئولین به اعتصاب خود پایان داد

با وجود وعده‌های مکرر، وی در ۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ دوباره اعتصاب غذا کرد. این اعتصاب در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مسئولان مبنی بر انتقال او و پدرش، ابراهیم صدیق همدانی، به زندان ارومیه صورت گرفت. همچنین، عدم رعایت اصل تفکیک جرائم در مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران از دلایل اصلی اعتصاب مجدد بود. این موارد، نشان‌دهنده مسئولیت طیب نادری در نقض حقوق زندانیان تحت امر اوست

مرگ زندانی بیمار در پی عدم رسیدگی پزشکی مناسب

در ۲ اردیبهشت ۱۴۰۱، یک زندانی بیمار در مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران در پی عدم رسیدگی مناسب پزشکی جان باخت. هویت این زندانی که به اتهامات مرتبط با مواد مخدر در زندان به سر می‌برد، سواد الیاسی احراز شده است

به گزارش فعالان حقوق بشر، «سواد الیاسی ساعت ۵ صبح جمعه به دلیل حال نامساعد جسمی به بهداری زندان منتقل شده است.» همچنین، این زندانی سابقه سکته قلبی داشته، اما «فقط به او مسکن تزریق شد.» متأسفانه، «این زندانی بعد از سه ساعت فوت کرد.» این رویداد تلخ در دوران مسئولیت طیب نادری رخ داده است

قربانیان نقض حقوق بشر طیب نادری

برخی از قربانیان سرکوب طیب نادری شامل :

سالار صدیق همدانی

سواد الیاسی

زندانیان محبوس در زندان کامیاران

زندانیان محبوس در مجتمع حرفه‌آموزی و کاردرمانی کامیاران می‌باشند.

ناظری ، عبدالرضا



سرتیپ دوم پاسدار عبدالرضا ناظری، فرمانده پیشین نیروی انتظامی استان کرمان و شرق استان تهران، در دوران مسئولیت خود نقض فاحش حقوق بشر را هدایت کرده است. اقدامات او شامل سرکوب شدید حق اعتراض و آزادی بیان شهروندان و همچنین وقوع تیراندازی‌های منجر به مرگ و جراحت غیرنظامیان بوده است

عبدالرضا ناظری در دوران فرماندهی انتظامی استان کرمان، در حوزه آزادی بیان و حق اعتراض، نقض گسترده حقوق بشر را هدایت کرده است. زیرمجموعه‌های او در نیروی انتظامی نیز موجب شکنجه و مرگ غیرنظامیان شده‌اند. در ۳ دی ۱۳۹۸، مقامات پلیس استان کرمان از بازداشت ۲ شهروند معترض خبر دادند. این افراد تحت عنوان «عامل اغتشاشات» توسط نیروی انتظامی استان کرمان دستگیر شدند. مقامات پلیس کرمان این دو شهروند را عوامل اصلی آشوب و اغتشاش معرفی کردند. آن‌ها افزودند که متهمان با تشکیل پرونده به مراجع قضائی معرفی شدند

در ۷ دی ۱۳۹۸، عبدالرضا ناظری، فرمانده انتظامی استان کرمان، از شناسایی و دستگیری ۱۳ نفر خبر داد. این افراد شامل مالکان و رانندگان خودروهایی بودند که وی آن‌ها را «دخیل در اغتشاشات ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۸» نامید. به گفته او، این افراد با ایجاد راهبندان موجب ترافیک و ازدحام جمعیت در برخی نقاط شهر شده بودند. فرمانده انتظامی کرمان همچنین اعلام کرد که «همزمان و بلافاصله بعد از وقوع اغتشاشات آبانماه در مرکز و برخی نقاط استان، شناسایی و دستگیری عاملان اغتشاش و ناآرامی‌ها به صورت ویژه در دستور کار پلیس این مناطق قرار گرفت

عبدالرضا ناظری در مرداد ۱۳۹۸ بر نقش رسانه‌ها در ترویج اطاعت از قانون تأکید کرده بود. او گفته بود: «رسانه‌ها در حوزه امر به معروف و نهی از منکر نیز نقش اساسی دارند». وی افزود که رسانه‌ها «می‌توانند فرهنگ اطاعت‌پذیری از قانون و نهی افراد از منکراتی که قانون‌گریزی آنها را در جامعه ترویج می‌دهد را توسعه دهند». این سخنان نشان‌دهنده دیدگاه او درباره محدود کردن آزادی بیان برای حفظ نظم حکومتی است. در ۷ شهریور ۱۳۹۹، جلسه بازجویی و تفهیم اتهام امیررضا امیرتیموری، روزنامه‌نگار و عضو خانه مطبوعات، در پلیس فتا کرمان برگزار شد. این فعال رسانه‌ای در پی شکایت محمدرضا پورابراهیمی داورانی، نماینده کرمان در مجلس، به پلیس فتا احضار شده بود

امیر تیموری با اتهام «نشر اکاذیب» مواجه شد. او پس از حضور در اداره امنیتی و طی مراحل بازجویی اولیه، به شعبه ۱ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب کرمان فراخوانده شد. این برخورد قضایی با روزنامه‌نگاران، تحت فرماندهی عبدالرضا ناظری در نیروی انتظامی استان کرمان صورت گرفته است. همچنین، در ۷ دی ۱۳۹۹، مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر در محور کهنوج به اسلام‌آباد کمین زدند. آن‌ها بدون ایست قبلی به سمت ۲ خودروی پژو ۴۰۵ تیراندازی کردند. ۳ شهروند در این تیراندازی زخمی شدند.

در جریان تیراندازی ۷ دی ۱۳۹۹، هویت ۲ تن از مجروحان احراز شد. نظر محمد، فرزند پیربخش، اهل روستای چاهکیچی، از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت. حسین یاراللهی، از اهالی روستای بوئنگ، نیز از ناحیه سر زخمی شد. در ۶ خرداد ۱۴۰۰، یک شهروند در شهر زهک‌لوت واقع در استان کرمان جان خود را از دست داد. این مرگ به دنبال تیراندازی نیروهای نظامی رخ داد. مأموران با شلیک به سمت خودروی این شهروند و اصابت گلوله به سر او، باعث واژگونی خودرو و نهایتاً مرگ وی شدند. بر اساس گزارش‌ها، مأموران در جریان تعقیب و گریز خودروی بارکش، اقدام به تیراندازی کرده بودند. در اثر اصابت گلوله به سر شهروازی، خودروی او واژگون شده و جان خود را از دست داده است. این حوادث مرگبار، مسئولیت مستقیم عبدالرضا ناظری در قبال عملکرد نیروهای تحت امرش را نشان می‌دهد.

در هفته آخر شهریورماه ۱۴۰۱، دور جدیدی از اعتراضات مردمی پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی آغاز شد. این اعتراضات در بسیاری از نقاط کشور، با برخورد شدید نیروهای انتظامی و امنیتی سرکوب گردید. در این سرکوب‌ها ده‌ها شهروند کشته و زخمی و بسیاری بازداشت شدند. نیروی انتظامی در این سرکوب‌ها از سلاح‌های ساچمه‌زنی استفاده کرده است. شهرستان کرمان نیز از مناطقی بود که مردم معترض در آن به خیابان‌ها آمدند. آن‌ها توسط نیروهای انتظامی، نظامی و امنیتی سرکوب شدند.

در جریان این سرکوب‌ها در شهرستان کرمان، دستکم ۱ شهروند به نام سعید ایرانمنش به ضرب گلوله کشته شد. همچنین شهروندان کرمانی بسیاری توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شدند. از جمله بازداشت‌شدگان می‌توان به فاطمه احمدی، احسان زنگی آبادی، امیرمهدی خراسانی و پرهام جعفرنیا اشاره کرد. پیمان امیرزاده، حمید اسماعیل پور، زهرا علیزاده، سارا علیپور و شایان غلامی نیز دستگیر شدند. شقایق بهرامی، شهریار خسرومنش، محمد علیپور، مهدی ایمانی، طیبیه نظری، مریم آروین، مریم محمودآبادی و نوشین زندوکیلی نیز جزو بازداشت‌شدگان بودند. عبدالرضا ناظری در مقام فرمانده، در این نقض فاحش حقوق بشر مسئول است.

شهروندان بهائی در شهرستان کرمان نیز در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ بازداشت شدند. در روز ۱۳ آذر ۱۴۰۱، ۲ شهروند بهائی به نام‌های روحا ایمانی و فیروزه سلطان محمدی توسط نیروهای امنیتی بازداشت گردیدند. علاوه بر این شهروندان، دانشجویان نیز بخش دیگری از بازداشت‌شدگان در شهرستان کرمان در جریان این اعتراضات مردمی را تشکیل دادند. بنا به گزارش فعالان حقوق بشر، دستکم ۳

دانشجو به نام‌های یگانه غلامحسین زاده، سبحان عرب زاده و محمد امیدوار توسط نیروهای انتظامی و امنیتی بازداشت شدند. این بازداشت‌های هدفمند، نشان‌دهنده سرکوب اقشار مختلف جامعه در حوزه قضایی تحت نفوذ عبدالرضا ناظری است.

سوابق سرکوب و قربانیان عبدالرضا ناظری
دستکم از ۱۳۹۰ تا مهر ۱۳۹۲: معاون عملیات فرمانده انتظامی استان کرمان

دستکم از مهر ۱۳۹۲ تا ۱۵ شهریور ۱۳۹۴: جانشین فرمانده انتظامی استان کرمان

شهریور ۱۳۹۴ تا ۱۱ تیر ۱۳۹۸: فرمانده انتظامی شرق استان تهران ۱۵

تیر ۱۳۹۸ تا ۲۹ تیر ۱۴۰۲: فرمانده نیروی انتظامی استان کرمان ۱۲

قربانیان جنایات و سرکوب‌های عبدالرضا ناظری

امیررضا امیرتیموری

نظر محمد

حسین یارالهی

شهنوازی

امیرمهدی خراسانی

احسان زنگی آبادی

فاطمه احمدی

فیروزه سلطان محمدی

حمید اسماعیل پور

مهدی ایمانی

محمد علیپور

محمد امیدوار

نوشین زندوکیلی

پرهام جعفرنیا

پیمان امیرزاده

روحا ایمانی

سعید ایرانمنش

سارا علیپور

شقایق بهرامی

شهریار خسرومنش

شایان غلامی

سبحان عرب زاده

یگانه غلامحسین زاده

زهرا علیزاده

مریم آروین

بازداشت شدگان اعتراضات آبان ماه ۹۸

کشته شدگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸

مردم عادی استان کرمان

نجفی ، محمد



سمت و مسئولیت‌ها: فرمانده بسیج پاکدشت، از فرماندهان اصلی دستگاه سرکوب در منطقه پاکدشت و ورامین، و عضو شورای شهر پاکدشت. عملکرد در اعتراضات: نقش فعال در سرکوب و کشتار مردم و جوانان آزادی‌خواه پاکدشت در وقایع «دی‌ماه خونین».

نسائی زهان ، علی



علی نسائی زهان دادستان عمومی و انقلاب پیشین بیرجند در استان خراسان جنوبی نقش مستقیم در سرکوب شهروندان بیرجند داشته است

علی نسائی زهان، هم‌اکنون دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان جنوبی، شهر بیرجند است. وی پیشتر مسئولیت‌های قضایی دیگری را بر عهده داشته است

از جمله این مسئولیت‌ها می‌توان به دادستانی شهرستان‌های سرایان، قاین و فردوس در همین استان اشاره کرد. در دوران مسئولیت‌های خود، علی نسائی زهان دست‌کم در حوزه‌های حق حیات و حقوق اقلیت‌های مذهبی، اقدام به نقض حقوق شهروندان نموده است

در دوره مدیریت علی نسائی زهان در دادرای بیرجند، چندین حکم اعدام به اجرا درآمده است. این احکام عمدتاً مرتبط با اتهامات مواد مخدر بوده‌اند

مهر ۱۴۰۰: حکم اعدام امید سارانی در زندان بیرجند اجرا شد. وی فرزند ناصر و اهل زابل بود. ۱۹ اتهامات وی مرتبط با مواد مخدر عنوان شده بود

بهمن ۱۳۹۹: حکم اعدام دو زندانی در زندان بیرجند به اجرا درآمد. این افراد نیز پیشتر به اتهامات ۲۵ مرتبط با مواد مخدر محکوم شده بودند

هویت آن‌ها محمد براهویی، ۲۸ ساله، فرزند نبی بخش، دارای ۳ فرزند، اهل روستای «جوتیغ» زابل اعلام شد. دیگری جمال‌الدین براهویی، ۴۰ ساله، فرزند خداداد، اهل روستای سفیدابه زابل بود

خرداد ۱۴۰۰: حکم اعدام ۶ زندانی به اتهامات مرتبط با مواد مخدر در زندان بیرجند اجرا شد. ۵ هویت یکی از آن‌ها جواد نخعی، فرزند علی، اعلام گردید

شهریور ۱۴۰۰: حکم اعدام فرشید رخشانی‌راد در زندان بیرجند به اجرا درآمد. این زندانی فرزند ۲۴ موسی و اهل مشهد بود. اتهام او نیز مرتبط با مواد مخدر عنوان شده بود

علاوه بر موارد نقض حق حیات، حقوق شهروندان بهایی نیز در دوران علی‌نسائی زهان نادیده گرفته شده است

مهر ۱۳۹۹: هشت شهروند بهایی ساکن بیرجند جهت تحمل محکومیت احضار شدند ۷

این افراد شامل عطیه صالحی، نسرین قدیری، بنفشه مختاری، فرزانه دیمی، آرزو محمدی، عطاالله ملاکی، رویا ملاکی و سعید ملاکی بودند. آن‌ها ظرف ۱۰ روز از دریافت ابلاغیه باید خود را به واحد اجرای احکام دادسرای بیرجند معرفی می‌کردند

مهر ۱۳۹۹: فرید زیرگی مقدم، شهروند بهایی، بازداشت شد. وی جهت تحمل محکومیت خود به ۲۸ زندان بیرجند انتقال یافت. آقای زیرگی مقدم پیشتر به شعبه ۲ اجرای احکام دادسرای بیرجند احضار شده بود

تمامی موارد ذکر شده در دادسرای بیرجند اتفاق افتاده‌اند. واحد اجرای احکام این دادسرا مستقیماً زیر نظر دادستان بیرجند، یعنی علی‌نسائی زهان، فعالیت می‌کند

سوابق سرکوب و نقض حقوق بشر توسط علی‌نسائی زهان عبارت است از:

دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان سرایان

دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان قاین

دادستان پیشین عمومی و انقلاب شهرستان فردوس

از ۲ مهر ۱۳۹۹ تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان خراسان جنوبی – بیرجند

برخی از قربانیان اقدامات علی نسائی زهان عبارتند از:

آرزو محمدی

عطاالله ملاکی

عطیه صالحی

بنفشه مختاری

فرزانه دیمی

نسرین قدیری

رویا ملاکی

سعید ملاکی

امید سارانی

محمد براهویی

جمال‌الدین براهویی

جواد نخعی

فرشید رخشانی راد

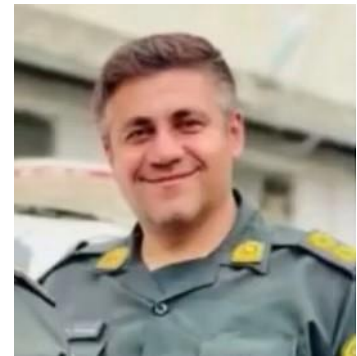
فرید زیرگی مقدم

نسبی ، رضا



مزدور بسیجی و خبرچین اطلاعات سپاه که در روز های ۱۸ و ۱۹ دیماه در قتل عام و سرکوب و دستگیری های حصارک کرج و شلیک مستقیم و قتل دستکم ۱۱ تن از جانبازان انقلاب ملی شرکت داشته است .

نصرالله نژاد ، امیر



سرهنگ جنایتکار پاسدار امیر نصرالله نژاد از آمران و عاملین کشتار هولناک دیماه 2584 در گرگان

نصرالهی



مادینه آدم فروش نصرالهی کارمند حسابداری راهداری گیلان و صیغه رجبی معاون اداره راهداری . خبر چین اداره اطلاعات و حراست.

نصوح ، منصور



فرمانده پایگاه بسیج گودین در یکی از روستاهای شهرستان کنگاور کرمانشاه است که وظیفش جمع آوری مزدوران و آموزش کشتار و سرکوب به آنها بوده .او به قاتلین و متجاوزین ، خلافکار ها و معتادان و بزهکاران اسلحه میداده و در ازای بخشیده شدن و یا کم شدن جرمشون بهشون دستور میداده تا آدم بکشند.

نصیر پور ، رشید



سمت: بازنشسته سپاه پاسداران و عضو فعال بسیج *
 اتهام جنایی: حضور فعال در عملیاتهای کشتار و سرکوب معترضان در محله حصارک کرج در جریان قیام دی ماه ۱۴۰۴
 آدرس: کرج، حصارک، پایین خیابان فروردین، نبش فاطمیه بالا، طبقه دوم
 تلفن: ۰۹۱۲۷۹۵۷۵۷۰

جزئیات: همسر وی (مداح) نیز به عنوان خبرچین محلی در شناسایی، فیلمبرداری و عکسبرداری از معترضان نقش دارد. طبق گزارشها، وی با سوءاستفاده از موقعیت خود در محله ایجاد رعب و وحشت کرده است.

نصیری پور ، محمد

محمد نصیری پور در مناصب کلیدی بازپرسی و سرپرستی دادرای امنیتی اوین، نقش محوری در سرکوب قضایی ایفا کرده است. او با همکاری نهادهای امنیتی، در پرونده سازی، صدور احکام زندان سنگین و نقض گسترده حقوق شهروندان مشارکت مستقیم داشته است

سوابق و مناصب قضایی محمد نصیری پور در دستگاه سرکوب

نصیری پور در ساختار قضایی امنیتی، مسئولیت های حساسی را طی سال ها بر عهده داشته است. این سوابق، نقش او را در فرآیند سرکوب قضایی فعالان پررنگ می سازد

قاضی ناظر بر زندانیان عقیدتی و سیاسی اهل سنت دادرای اوین: ۱۳۹۲

قاضی اجرای احکام دادرای اوین در مورد محکومان به اعدام: ۱۳۹۳

رئیس اجرای احکام دادرای اوین: ۱۳۹۵

تا اسفند ۱۳۹۹: بازپرس شعبه دوم دادرای اوین ۱۳۹۷

از اسفند ۱۳۹۹ سرپرست دادرای اوین

مسئولیت نصیری پور در پرونده سازی علیه فعالان مجازی و مدنی

دادرای امنیتی اوین مسئول سرکوب قضایی وسیع فعالان است. این سرکوب شامل فعالان مدنی، اجتماعی، کارگری، حقوق بشر و حقوق زنان می شود. روزنامه نگاران و فعالان سیاسی منتقد نظام و خامنه ای نیز از اهداف اصلی این دادرای هستند. به طور کلی، هر کس که از نظر نهادهای امنیتی تهدید محسوب شود، توسط این دادرای پیگیری می شود

محمد نصیری پور در مقام بازپرس شعبه دوم و سپس سرپرست این دادرای، نقش مهمی در پرونده سازی داشته است. او با همکاری نهادهای امنیتی، علیه فعالان مدنی و اجتماعی اقدام کرده است. موارد فراوانی از مشارکت نصیری پور با نهادهای اطلاعاتی، به ویژه سازمان اطلاعات سپاه، در پرونده سازی وجود دارد

به عنوان نمونه، در سال ۱۳۹۳ نصیری پور علیه پویا پورمند و وحید حسنی، فعالان مجازی، پرونده تشکیل داد. فعالیت آن ها در صفحات شخصی شان در فیسبوک، منجر به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و بازداشت شد. در نتیجه این پرونده سازی، دادگاه انقلاب در فروردین ۱۳۹۸ برای این دو فعال حکم

صادر کرد. آن‌ها به اتهام «توهین به خامنه‌ای و فعالیت تبلیغی علیه نظام»، هر یک به ۳ سال زندان محکوم شدند

استفاده ابزاری از وثیقه برای آزار فعالان توسط نصیری‌پور

در زمستان ۱۳۹۷ محمد نصیری‌پور از پذیرش وثیقه ۳ فعال مدنی بازداشتی خودداری کرد. این اقدام با هدف آزار و اذیت رضوانه احمد خان بیگی، امید مهدی صدیق آرا و علی امین املشی صورت گرفت. او آن‌ها را بیش از ۲ ماه بدون دسترسی به وکیل و به قید بازداشت موقت نگاه داشت

ابوالفضل قدیانی، فعال سیاسی منتقد، در اردیبهشت ۱۳۹۸ از احضار خود خبر داد. این احضار توسط شعبه دوم بازپرسی دادسرای اوین به ریاست نصیری‌پور انجام شد. این فعال سیاسی دو ماه قبل، به اتهام «تبلیغ علیه نظام و توهین به خامنه‌ای»، به ۳ سال زندان محکوم شده بود

مشارکت نصیری‌پور با نهادهای امنیتی در پرونده‌سازی‌ها، نتایج سنگینی در پی داشته است. این همکاری منجر به محکومیت مجموعاً ۱۰۰ سال و ۴ ماه زندان برای ۱۰ شهروند شد. این شهروندان در شهرهای مختلف ایران و در فاصله اردیبهشت تا مرداد ۱۳۹۸ بازداشت شدند. اکثریت آن‌ها در شعبه دوم دادسرای اوین توسط نصیری‌پور تفهیم اتهام و بازجویی شدند. اتهامات آن‌ها شامل «اجماع و تبانی علیه امنیت کشور» و «توهین به خامنه‌ای و خمینی» بود. «توهین به مقدسات» و «تبلیغ علیه نظام» نیز از جمله اتهامات وارد شده بود

نصیری‌پور و سرکوب گسترده فعالان حقوق زنان

نصیری‌پور در شهریور ۱۳۹۸، ۲ فعال حقوق زنان، ناهید شقاقی و اکرم نصیریان را به دادسرای اوین احضار کرد. اسرین درکاله، دیگر فعال حقوق زنان نیز، در همین زمان توسط محمد نصیری‌پور تفهیم اتهام شد. مادر این فعال حقوق زنان شهادت داد که اتهامات منتسب شده بسیار سنگین بوده‌اند. این اتهامات شامل «اجتماع و تبانی به قصد انجام جرم علیه امنیت کشور» و «عضویت در گروه ندای زنان ایران» بود. اتهاماتی نظیر «تشویق به فساد و فحشا از طریق کشف حجاب و حمایت از آن» نیز مطرح شده بود. «انتشار آن در فضای مجازی و تظاهر به عمل حرام در اماکن عمومی» نیز از دیگر اتهامات بود

پرونده‌سازی علیه لیلا حسین زاده، فعال صنفی دانشجویی، در شهریور ۱۳۹۸ توسط نصیری‌پور صورت گرفت. این اقدام در شعبه بازپرسی دوم دادسرای اوین به ریاست او انجام شد. گزارش‌های حقوق بشری نشان می‌دهند که این پرونده‌سازی صرفاً به دلیل شرکت وی در یک مراسم ساده بوده است. او در مراسم تولد محمد شریفی مقدم، درویش گنابادی، مقابل دانشگاه صنعتی شریف شرکت کرده بود. در نتیجه، لیلا حسین زاده به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به ۵ سال زندان محکوم شد

در همین زمان، عطاالله رضایی، شهروند ساکن قم، نیز توسط نصیری‌پور تفهیم اتهام و بازداشت شد. او بعدتر در دی ماه ۱۳۹۸ توسط دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. اتهامات او «اجتماع و تبانی علیه نظام، تبلیغ علیه نظام و توهین به خامنه‌ای» بود. او در نهایت به ۸ سال زندان محکوم شد

تهدید و آزار فعالان کارگری توسط نصیری‌پور

نصیری‌پور در آزار و اذیت فعالان کارگری نیز مشارکت فعالی داشته است. او در آبان ماه ۱۳۹۸، رضا شهابی فعال صنفی و کارگری را احضار کرد. صرفاً به دلیل فعالیت‌های سندیکایی‌اش، وی را مورد تهدید و بازجویی قرار داد. محمد نصیری‌پور همچنین دیگر فعالان سندیکایی را تهدید کرده بود که آن‌ها نیز احضار خواهند شد

پرونده‌سازی علیه شماری از فعالان سیاسی امضاکننده نامه درخواست استعفای خامنه‌ای نیز توسط او صورت گرفت. او گیتی پورفاضل، شهلا جهانبین، شهلا انتصاری و زهرا جمالی را در تابستان ۹۸ بازداشت کرد. در بهمن ماه همان سال، دادگاه انقلاب تهران هر ۴ شهروند را به ۴ سال و ۲ ماه زندان محکوم کرد. اتهام مشترک آن‌ها «اجتماع و تبانی علیه نظام و تبلیغ علیه نظام» بود

محمد نصیری‌پور در مقام سرپرست دادرای اوین، در آزار و اذیت زندانیان سیاسی مشارکت داشته است. به عنوان نمونه، در آذر ماه ۱۴۰۰، او از آزادی هیراد پیربداقی، فعال کارگری بازداشت‌شده، جلوگیری کرد. این اقدام برخلاف صدور قرار وثیقه برای او انجام شد. به گزارش منابع حقوق بشری، محمد نصیری‌پور علناً به پدر هیراد پیربداقی گفت: «حالا اینطور تشخیص می‌دهیم که باید پرونده به دادگاه برود.» این موضع نشان‌دهنده نفوذ قضایی او در تداوم بازداشت‌های خودسرانه است. محمد نصیری‌پور از قدرت خود برای تأمین اهداف امنیتی و نه اجرای عدالت استفاده کرده است

قربانیان جنایات و نقض حقوق بشر محمد نصیری‌پور

قربانیان جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر مرتبط با نصیری‌پور عبارتند از: ابوالفضل قدیانی

پوریا پورمند

رضوانه احمدخان بیگی

وحید حسنی

امیر مهدی صدیق آرا

علی امین املشی

اکرم نصریان

اسرین درکاله

گیتی پورفاضل

لیلا حسین زاده

ناهید شقاقی

رضا شهابی

هیراد پیربدایی

نظری ، یعقوبعلی



یعقوبعلی نظری، استاندار سابق خراسان رضوی و فرمانده پیشین سپاه امام رضا (ع) در این استان، مسئول مستقیم نقض حق اعتراض شهروندان طی اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ است. وی همچنین در نقض حق آزادی بیان، حقوق اصناف و حقوق اجتماعی شهروندان مشارکت داشته و در قبال این موارد پاسخگو محسوب می‌شود. به عنوان فرمانده سابق سپاه امام رضا (ع)، یعقوبعلی نظری در برابر هرگونه نقض حق آزادی بیان، حقوق اصناف و حقوق اجتماعی شهروندان توسط نیروهای تحت امر خویش مسئولیت دارد

در این زمینه، چندین نمونه مشخص از اقدامات ماموران اطلاعات سپاه خراسان رضوی به ثبت رسیده است. برای مثال، در خرداد ماه ۱۴۰۰، ماموران اطلاعات سپاه خراسان رضوی اقدام به بازداشت کیومرث ملکی، فعال صنفی معلمان، بدون ارائه دلیل مشخص کردند. پیش از این بازداشت، در فروردین

ماه همان سال، بتول امنیتی ده یادگاری، فعال صنفی معلمان دیگر، با یورش ماموران اطلاعات سپاه به منزل او در مشهد بازداشت شد. گزارش‌های منابع حقوق بشری نشان می‌دهند که این فعال صنفی به بیماری‌های گوناگونی مبتلا بوده است. بازداشت او توسط اطلاعات سپاه نگرانی جدی خانواده‌اش را در پی داشته است

علاوه بر این موارد، در دی ماه ۱۳۹۶، ماموران اطلاعات سپاه دو نفر از فعالان موسیقی در مشهد را بازداشت کردند. به نقل از اطلاعات سپاه خراسان رضوی، این دو فعال عرصه موسیقی با عنوان «لیدرهای فعال در زمینه موسیقی زیرزمینی» دستگیر شدند. دلیل دستگیری آنها «ترویج سبک زندگی غربی و انتشار موسیقی مبتذل در سطح جامعه» اعلام شد. در همان زمان، ۶ شهروند دیگر نیز به دلیل فعالیت در زمینه مدلینگ در فضای مجازی، به اتهام «اشاعه فحشا» توسط ماموران اطلاعات سپاه خراسان رضوی در مشهد بازداشت شدند

در شهریور ماه ۱۳۹۶ نیز، ماموران اطلاعات سپاه خراسان رضوی ۷ فعال سیاسی را به خاطر فعالیت در شبکه اجتماعی تلگرام بازداشت کردند. پس از بازداشت، برای این شهروندان توسط اطلاعات سپاه، پرونده قضایی با اتهاماتی چون «اهاانت به مقدسات دین مبین اسلام، توهین به خمینی، توهین به خامنه‌ای، فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام و تشکیل گروه علیه نظام» تشکیل شد. افزون بر این، در آذر ماه ۱۳۹۵، ماموران بسیج سپاه ناحیه چناران در مشهد به یک مهمانی خصوصی یورش بردند. در این عملیات، ۱۱ پسر و ۷ دختر به دلیل شرکت در مهمانی مختلط بازداشت شدند. فرمانده سپاه ناحیه چناران اعلام کرد که برای این جوانان پرونده قضایی تشکیل شده است. در تمام این دوران، یعقوبعلی نظری مسئولیت فرماندهی این نهاد را بر عهده داشت

سرکوب خونین اعتراضات آبان ۱۳۹۸ تحت فرماندهی یعقوبعلی نظری
یعقوبعلی نظری به عنوان فرمانده پیشین سپاه امام رضا (ع) استان خراسان رضوی، نقش غیرقابل انکاری در نقض حق اعتراض شهروندان ساکن این استان داشته است. نیروهای تحت امر یعقوبعلی نظری در سپاه خراسان رضوی به طور مستقیم در سرکوب خشن معترضان در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ مشارکت داشتند. خود او در آذر ماه ۱۳۹۸ با «اغتشاشگر» خواندن شهروندان معترض، نقش بسیج و سپاه را در سرکوب تأیید کرده بود

نقش نیروهای سپاه پاسداران در سرکوب بسیار شدید و خشن اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در سراسر ایران کاملاً مشخص و انکارناپذیر است. سپاه پاسداران در تاریخ ۲۷ آبان ماه با صدور بیانیه‌ای، قصد خود را برای آنچه «برخورد قاطع با اقدامات مخل آسایش» نامید، علنی ساخت. در شهر مشهد، بر اساس گزارش‌های منتشر شده، نیروهای امنیتی شامل بسیج، سپاه و نیروی انتظامی با معترضان درگیر شده و به سمت آنها گاز اشک آور شلیک کردند

شلیک مستقیم گلوله و قتل معترضان توسط مأموران امنیتی از جمله نیروهای سپاه پاسداران در جریان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸، توسط عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر وقت کشور، نیز تأیید شد. وی در

خرداد ۱۳۹۹ اظهار داشت که دستکم ۸۰ درصد کشته شدگان در جریان اعتراضات با گلوله سلاح‌های سازمانی نیروهای امنیتی و انتظامی جان باخته‌اند. این آمار از سوی رحمانی فضلی در شرايطی اعلام شد که خبرگزاری رویترز در دی ۹۸، به نقل از منابع خود در وزارت کشور، تعداد کشته شدگان اعتراضات آبان ماه را دستکم ۱۵۰۰ نفر گزارش کرده بود

عفو بین‌الملل نیز در گزارشی که پایان اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ درباره جان‌باختگان اعتراضات آبان ۹۸ منتشر کرد، صراحتاً بر نقش مأموران سپاه و بسیج در کشتار معترضان تأکید نمود. جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، نیز در گزارشی در شهریور ماه ۱۳۹۹، حضور مأموران سپاه و بسیج در سرکوب «بیش از حد خشن» معترضان را تأیید کرد

سوابق سرکوب و قربانیان نقض حقوق بشر توسط یعقوبعلی نظری
آبان ۱۳۸۸ – شهریور ۱۳۹۴ فرمانده سپاه انصارالرضا استان خراسان جنوبی

شهریور ۱۳۹۴ – مهر ۱۴۰۰ فرمانده سپاه امام رضا استان خراسان رضوی

مهر ۱۴۰۰ – ۱۸ مهر ۱۴۰۳ استاندار خراسان رضوی ۲۵

برخی از قربانیان فردی و گروهی جنایات، سرکوب و نقض حقوق بشر که مرتبط با مناصب یعقوبعلی نظری هستند

کیومرث ملکی

بتول امینی دمیادگاری

معترضان اعتراضات آبان ۱۳۹۸ در استان خراسان رضوی

نوری زاده



معاون فنی اداره کل اطلاعات استانگیلان و رییس سازمان افتاء استان ، کسی که با دستور وی تلفن های مردم گیلان شنود و انقلابیون شناسایی و دستگیر شکنجه میشوند

یامی ، ابوذر



مزدور جنایتکار ابوذر یامی از سرکوبگران و قاتلین ددمنش در گرگان

یزدانی ، کوروش



مدیر عامل شرکت معادن زغال سنگ کرمان

شماره تماس: ۰۹۱۲۳۰۳۲۷۰۰

او با سپاه ثارالله کرمان همکاری دارد و از پشتیبانان و حامیان سرکوبگران در روزهای خیزش ملی در کرمان بوده است.

یورد خانی ، جواد



فرمانده جنایتکار بسیج گرمسار که در کشتار هولناک دیماه 2584 نقش فعالی داشت.